

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی - معاونت پژوهشی
پژوهشکده علوم اقتصادی

گروه اقتصاد مقاومتی

اولین نشست - اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری

۲۰ آبان ۱۳۹۱

اعضای نشست (به ترتیب الفبا)

حجت الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم علی زاده (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر داوود دانش جعفری (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر مسعود درخشان (رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی و هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر سیدحسن قوامی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحسین میرمعزی (هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)

دبیر و برگزارکننده نشست:

دکتر مسعود درخشان

سلسله نشست‌های تخصصی پژوهشکده علوم اقتصادی – نشست اول

اعضای شورای پژوهشی پژوهشکده (به ترتیب الفبا):

دکتر علی امامی میبیدی، دکتر جاوید بهرامی، دکتر فتح‌ا... تاری، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم علی‌زاده، دکتر مرتضی خورسندی، دکتر مسعود درخشان، دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی، دکتر عباس شاکری، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی، دکتر تیمور محمدی، دکتر حمید ناظمیان

گروه‌های پژوهشی پژوهشکده

مدیر گروه: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی	گروه اقتصاد پولی و مالی اسلامی
مدیر گروه: دکتر مسعود درخشان	گروه اقتصاد مقاومتی
مدیر گروه: دکتر تیمور محمدی	گروه تولید و سرمایه‌گذاری و اشتغال
مدیر گروه: دکتر حمید ناظمیان	گروه مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد
مدیر گروه: دکتر فتح‌ا... تاری	گروه نهادهای اقتصادی و محیط کسب و کار
مدیر گروه: دکتر عباس شاکری	گروه اقتصاد بین‌الملل
مدیر گروه: دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی	گروه اقتصاد بخش عمومی

امور اجرایی: لیلا صفی‌پور

حروفچینی و صفحه‌آرایی: سمیرا مؤدب

طراحی جلد: رضا دنیوی

ویراستاری و مقابله‌خوانی: حمیده ترابی

پیاده‌سازی نوارها و ویرایش اولیه: بهرام جاهد

چاپ: دانشگاه علامه طباطبائی

تیراژ: ۳۰۰

مسئولیت صحت مطالب با سخنرانان می‌باشد و پژوهشکده علوم اقتصادی هیچگونه مسئولیتی ندارد.
کلیه حقوق این اثر برای پژوهشکده علوم اقتصادی محفوظ می‌باشد.

مرکز اطلاع‌رسانی، پخش، دریافت پیشنهادها و سفارش‌ها:

فکس ۸۸۷۰۳۲۶۳

تلفن ۸۸۷۱۸۱۱۷

پیشگفتار

اقتصاد مقاومتی، چارچوب تحلیلی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مقطع کنونی از تحولات انقلاب اسلامی است و به نظر می‌رسد تا آینده قابل پیش‌بینی بستر مناسبی برای طراحی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود. مختصات اصلی اقتصاد مقاومتی در فرمایشات مقام معظم رهبری به وضوح تبیین شده است. با وجود این، رسیدن از اقتصاد مقاومتی به نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری‌های بهینه اقتصادی برای رسیدن به اهداف مورد نظر در افق چشم‌انداز با حداکثر کارایی، مستلزم مطالعات عمیق و گسترده در مراکز پژوهشی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه است.

پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی با درک این ضرورت، اقدام به تأسیس گروه مطالعاتی اقتصاد مقاومتی نمود و برگزاری سلسله نشست‌های تخصصی در این حوزه را سرآغاز مطالعات جامع نظری و کاربردی این گروه قرار داد. سه نشست تخصصی در اقتصاد مقاومتی با عناوین مبانی نظری، سیاست‌ها و راهکارها، و تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی که ان‌شاء... ماهیانه در پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی در محل دانشکده اقتصاد برگزار می‌شود گامی در همین راستاست.

در اولین نشست با عنوان «اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری» از نظرات استادان (به ترتیب الفبا) حجت‌الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم‌علی‌زاده، دکتر داوود دانش جعفری، دکتر مسعود درخشان، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی، دکتر سیدحسن قوامی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدحسین میرمعزی استفاده شده است که متن پیاده شده فرمایشات هریک از سخنرانان بعد از ویرایش اولیه به استحضار ایشان رسیده و به صورت نهایی در این شماره منتشر شده است. امیدواریم حرکتی که آغاز شده است با حمایت مسئولان استمرار یابد زیرا که ثمربخشی مطالعات و تضارب اندیشه به‌ویژه در حوزه‌های کلیدی همچون اقتصاد مقاومتی نیازمند تداوم چنین کوشش‌هایی است.

دکتر مسعود درخشان

دبیر و برگزارکننده نشست و

رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی

اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری

دکتر مسعود درخشان*

موضوع بحث این جلسه، مبانی نظری اقتصاد مقاومتی است. انشاء... نشست دومی در اواخر آذر ماه برگزار خواهد شد تحت عنوان سیاستها و راهکارهای اقتصاد مقاومتی. نشست سومی که در دی ماه انشاء... برگزار می شود با عنوان تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی است. نتایج این نشستها منتشر خواهد شد. دوستانی که در میزگرد تشریف دارند هر یک به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه نظراتشان را در مورد اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مبانی نظری مطرح می کنند. روال کار بدین صورت است که وقتی یکی از بزرگواران در میزگرد صحبت خود را مطرح کرد، نفر دیگر علاوه بر آنکه فرمایشات خود را بیان می کند، اگر خواستند می توانند نقدی بر آنچه سخنران قبلی گفته وارد کنند. در مرحله بعدی در خدمت شما عزیزان هستیم و از حاضرین می خواهیم که سؤالات و نقدهایی را مطرح کنند.

از حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر میرمعزی تقاضا می کنم بحث خود را مطرح بفرمایند.

حجت السلام والمسلمین دکتر سیدحسین میرمعزی**

در یک تعریف کوتاه اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که تهدیدها را تبدیل به فرصت می کند. اصل این نظریه متعلق به مقام معظم رهبری است. پیشینه دیگری به این مفهومی که عرض می کنم، ندارد. آنچه در پیشینه اقتصاد مقاومتی بحث می شود

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی

safipour1360@gmail.com

** دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

h.mirmoezi@gmail.com

یکی تحت عنوان اقتصاد حمایتی است که بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شده و بحث دیگر، اقتصاد تحریم است که البته اقتصاد تحریم بیشتر از موضع تحریم‌کننده‌ها مطرح شده است. یعنی محور اصلی بحث این بوده است که آیا تحریم کارایی دارد؟ آیا موجب می‌شود که تحریم‌کننده‌ها به اهداف خود برسند؟ در اقتصاد حمایتی بحث این بود که در یک جریان رقابت بین اقتصادهای قوی و ضعیف، قاعدتاً باید کشور ضعیف از صنایع خود در مقابل رقیب قوی حمایت کند. اما اقتصاد مقاومتی در حقیقت به این معناست که ما به یک اقتصاد و یک نظامی می‌اندیشیم که وقتی در مقابل تهدید و حمله دشمن قرار می‌گیرد، رشد می‌کند؛ نه تنها رشد بلکه جهش می‌کند. یعنی نه تنها نمی‌ایستد و عقب نمی‌رود، بلکه همین تهدید را تبدیل به فرصت می‌کند. درست مثل زمانی است که نظام اسلامی در مقابل حمله نظامی دشمن قرار می‌گیرد. در همان هنگام هم در نظام اسلامی ویژگی‌هایی بوجود می‌آید و کل نظام در بخش دولت و مردم آرایشی به خود می‌گیرد که می‌تواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند و پلکانی برای جهش شود که نمونه آن را در زمان جنگ و دفاع مقدس شاهد بودیم.

تلقی بنده این است که اقتصاد مقاومتی حالت ویژه‌ای از نظام اقتصادی اسلام است، یعنی نظام اقتصادی اسلام وقتی در مقابل حمله و تهدید اقتصادی دشمن قرار می‌گیرد به گونه‌ای که نظام اسلامی در معرض خطر قرار می‌گیرد، در اهداف، مبانی و اولویت‌های آن تغییراتی رخ می‌دهد. مجموعه عناصر نظام، آرایشی به خود می‌گیرند که موجب می‌شود همین تهدید، تبدیل به فرصت شود و اقتصاد رشد کند. این تغییرات از اهداف و مبانی شروع می‌شود و به تبع آن به تغییر در سیاستها و برنامه و رفتارهای مردم می‌انجامد. اگر فرض کنیم که اهداف نظام اقتصادی اسلام عبارتست از عدالت، رشد و امنیت، وقتی این نظام در مقابل حمله اقتصادی دشمن قرار می‌گیرد. در میان این سه هدف، یک هدف از اولویت بیشتر برخوردار می‌شود

و دو هدف دیگر از اولویت کمتری برخوردار خواهد بود. هدفی که اولویت بیشتری می‌یابد عبارتست از امنیت، استقلال و خودکفایی اقتصادی؛ البته می‌دانید که این مفاهیم عام و خاص هستند. به تناسب اولویت یافتن این هدف، در سیاست‌ها و برنامه‌ها هم تغییراتی باید حاصل شود تا دستیابی به این هدف میسر شود. وقتی می‌گوییم اولویت می‌یابد یعنی اینکه در این شرایط ممکن است ما اهداف دیگر را برای حفظ استقلال و امنیت اقتصادی کشور فدا کنیم.

پدیده دیگری که رخ می‌دهد در مبانی مکتبی نظام اقتصادی اسلامی است. یکی از مبانی نظام اقتصادی اسلام تقدم مصالح جامعه بر مصالح فرد است. در شرایط تهدید دشمن این مبنا مؤکد می‌شود، یعنی هر چقدر مصلحت جامعه مسلمین و مصلحت نظام مهم‌تر باشد، مصالح فردی به همان نسبت بیشتر فدا می‌شود تا مصلحت نظام حفظ شود.

مسئله بسیار مهمی که در صحبت‌ها یا مقالات به آن کمتر توجه شده و حال آنکه روح اقتصاد مقاومتی است، حاکم شدن فرهنگ جهاد بر حوزه اقتصاد است. می‌دانید که جهاد در فرهنگ اسلامی وقتی مطرح می‌شود که دشمنی در مقابل ما وجود دارد که کیان اسلام را تهدید می‌کند. جهاد دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. در جهاد (در اینجا منظور میدان اقتصادی است)، انسان باید در راه خدا و به قصد قربت برای حفظ نظام حرکت کند.

۲. تلاش و کار مضاعف داشته باشد. یعنی انسان با همه وجود وارد جهاد اقتصادی شود.

۳. جان و مال را در راه این نظام فدا کند. نه تنها در برابر این تلاش هیچ توقعی نداشته باشد بلکه اموال خود را در راه حفظ مصلحت نظام قرار دهد.

عنصر اصلی اقتصاد مقاومتی که موجب می‌شود تهدیدها تبدیل به فرصت شود، حاکمیت فرهنگ جهاد در رفتارهای اقتصادی مردم و دولت است، یعنی بر

کارگزاران و مردم عادی جهاد اقتصادی واجب می‌شود. تا وقتی که این فرهنگ بر مردم و دولت حاکم نشود بقیه مسائل روبنا است و ماهیت و اصل و حقیقت اقتصاد مقاومتی رخ نخواهد داد و تهدید تبدیل به فرصت نخواهد شد.

مسئله آخر که به نظر بنده باید در اقتصاد مقاومتی به آن توجه شود، مشارکت بیش از پیش مردم در اقتصاد است؛ یعنی تکیه هر چه بیشتر اقتصاد باید بر فعالیتها و حضور مردم باشد.

بنابراین اقتصاد مقاومتی، عبارت است از حالتی که نظام اقتصادی اسلام در وضعیت تهدید جدی دشمن به خود می‌گیرد. در این حالت امنیت و استقلال اقتصادی در بین اهداف اولویت می‌یابد و مبنای تقدم مصالح عمومی بر مصالح فردی به تناسب تهدید دشمن مؤکد می‌شود. جهاد اقتصادی بر مردم و دولت واجب میگردد و مردم بیش از پیش در اقتصاد مشارکت می‌کنند. این مجموعه تغییرات که به دلیل تهدید جدی دشمن در اهداف و مبانی نظام رخ میدهد مستلزم سیاستگذاری‌هایی خاص خود است. که بیان آن را به مجال دیگری وا می‌گذارم. به نظر بنده مقصود مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی چنین مفهومی است و تمام صحبت‌هایی که ایشان در حوزه اقتصاد مقاومتی تا به امروز مطرح کرده‌اند و سیاست‌ها و دستوراتی که صادر فرموده‌اند و حتی نامگذاری سالها را می‌شود با این نظریه توجیه کرد.

دکتر درخشان

از حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای دکتر میرمعزی سپاسگزاریم. از جناب آقای دکتر قوامی خواهش می‌کنم که مطالب خودشان را در محور مبانی نظری اقتصاد

مقاومتی مطرح بفرمایند. البته همیشه تقاضای جامعه این بوده است که زیاد راجع به کلیات صحبت نشود و بیشتر به راهکارها پرداخته شود. اما در این جلسه می‌خواهیم در مورد مبانی نظری اقتصاد مقاومتی و درک وجوه افتراق اقتصاد مقاومتی با مقولات دیگری که معمولاً مطرح است بحث کنیم تا در راستای صحبت‌های این جلسه انشاءاً... به جمع‌بندی‌هایی برسیم و در ماه آینده در چارچوب این جمع‌بندی‌ها، راهکارها را ارائه کنیم.

دکتر سیدحسن قوامی*

چند نکته در حوزه مبانی نظری اقتصاد مقاومتی مطرح می‌کنم که در حقیقت پاسخ به چند پرسش است.

۱. چرا مقوله اقتصاد مقاومتی مطرح شد؟
 ۲. منظور از اقتصاد مقاومتی چیست؟
 ۳. مبانی نظری اقتصاد مقاومتی کدام است؟
 ۴. الزامات اقتصاد مقاومتی چی‌ها هستند؟
 ۵. ویژگی‌های سیستمی اقتصاد مقاومتی کدامند؟
 ۶. خطوط راهنما برای تدوین سیاست‌های اقتصادی کشور برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی کدامند؟
 ۷. دستاوردهای مهم اقتصاد مقاومتی چه خواهد بود؟
- در آغاز لازم است بدانیم چرا موضوع اقتصاد مقاومتی مطرح شد. همانطور که می‌دانید اولین بار این نظریه توسط مقام معظم رهبری مطرح شد. بر ما دانشگاهیان است که این نظریه را از ابعاد مختلف تبیین کرده و برای اجرایی شدن آن الگویی ارائه کنیم بلکه دستگاه‌های برنامه‌ریزی کشور برنامه‌هایی بر اساس آن

تدوین نمایند تا اقتصاد مقاومتی در بخش های مختلف اقتصادی کشور پیاده سازی شود .

می دانید کشورهایی که همسو با جمهوری اسلامی ایران نیستند که در رأس آنها آمریکا قرار دارد، با توجه به بینش مکتب اقتصاد سرمایه داری، مسائل و موانع اقتصادی را مؤثرترین راه برای اجرای سیاست ها و برنامه های خود می دانند. بر این اساس یک خط سیاسی پایدار و مستمری تحت عنوان تحریم های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را چندین دهه است که دنبال می کنند. به همین دلیل مقام معظم رهبری هدف این کشورها را به درستی تشخیص داده و به موقع و در طول چندین سال (دست کم از ۵ سال قبل) عنوان هر یک از سال ها را بر مبنای مفاهیم اقتصادی نامگذاری کرده اند . هدف از نامگذاری سال ها این بوده است که اندیشمندان کشور بر روی موضوعات کلیدی اقتصادی متمرکز شوند.

بدین ترتیب سال ۱۳۸۷ سال نوآوری و شکوفایی، سال ۱۳۸۸ سال اصلاح الگوی مصرف، سال ۱۳۸۹ سال همت مضاعف کار مضاعف، سال ۱۳۹۰ سال جهاد اقتصادی و سال ۱۳۹۱ هم سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامگذاری شد. به عبارت دیگر، برای خنثی سازی سیاست های خصمانه دولت های غیرهمسو، شعارهای سال، در حقیقت حلقه هایی بود برای تشکیل منظومه ای کامل در زمینه مسائل اقتصادی که ما بتوانیم اقتصادمان را از موانعی که بر سر راهش ایجاد می شود عبور دهیم. این یک جنگ اقتصادی است که علیه ما شروع شده است. این کشورها به اتکای تسلطی که بر نظام مالی و تجاری جهان دارند، مشکلات گوناگونی را برای کشور ما از طریق سیاست تحریم اقتصادی ایجاد کردند. علت اینکه موضوع اقتصاد مقاومتی در سال جاری یا از سال قبل مطرح شد، این است که تحریم ها علیه ما از سال گذشته گسترده تر و فشرده تر شده است یعنی مسیر اقتصادی کشور خیلی صعب العبورتر شده است. بر همین اساس، طرحی نو باید انداخته می شد که بتواند

اقتصاد کشور را هدایت کند. لذا موضوع اقتصاد مقاومتی برای مقابله با این مشکلات طراحی و اعلام شد.

منظور از اقتصاد مقاومتی چیست؟ به لحاظ نظری ما چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم؟ اگر دنبال راهکار هستیم، چه حوزه‌هایی را بایستی رصد کنیم؟ در چه زمانی و چه اقدام مناسبی را باید انجام دهیم؟ و مبانی نظری آن چیست؟

منظور از اقتصاد مقاومتی ریاضت اقتصادی نیست، همچنین منظور قطع ارتباط اقتصادی با کشورهای خارج و یا طراحی یک اقتصاد بسته در کشور نیست. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که فعالیت‌های اصلی اقتصادی آن در زمینه تولید و تجارت به مهارت‌های خود متکی بوده، در تعامل با خارج هوشمند عمل کرده و امکان تغییر سریع و خودکار و بدون ایجاد اختلال جدی در بازار در مقابل فشارها و ضربه‌های تحمیلی بیرونی از سوی کشورهای متخاصم و غیرهمسو را داشته و پیشرفت و شکوفایی خود را استمرار ببخشد. بنابراین با توجه به این دیدگاه و عنایت به برداشتهای از مباحث مقام معظم رهبری و دیگر صاحب‌نظران در این خصوص می‌توان اقتصاد مقاومتی را به این شکل تعریف کرد: اقتصاد مقاومتی گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم‌سازی و تقویت اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم‌شکنی با رویکرد عقب‌راندن نظام سلطه را داشته باشد و در عین حال، پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درونزا و برونگرا باشد.

در بحث‌های رایج اقتصادی از دیدگاه مبانی نظری، با وجود قدمت طولانی تحریم‌ها، الگویی با نام الگوی اقتصاد مقاومتی تاکنون مطرح نشده است. البته این تحریم‌هایی که تحمیل شده‌اند به اهداف خود نرسیده‌اند چه این تحریم‌ها برای ایران بوده و چه برای کشورهای دیگر، البته گرچه تحریم‌ها به هدف خود نرسیده‌اند اما به هر حال تأثیرگذار بوده و برای کشورهای مورد تحریم مشکلاتی ایجاد کرده‌اند. طبیعتاً تحریم‌های اقتصادی در کشور ما هم تأثیرگذار بوده و

مزاحمت‌هایی متعددی را برای ما بوجود آورده است اما هدف اصلی این تحریم‌ها به هیچ وجه محقق نشده است. در مورد کشورهای دیگر هم وضع به همین صورت بوده است. مثلاً کوبا بیش از ۵۰ سال تحت تحریم اقتصادی آمریکا بوده است ولی هنوز هیچگونه دستاوردی موثر برای این تحریم ۵۰ ساله مشاهده نشده است. تحقیقی که آقای هافبیر^۱ در سال ۲۰۰۷ انجام داده بیانگر این حقیقت است که از سال ۱۹۱۴ تا سال ۲۰۰۶ تعداد ۱۷۴ مورد تحریم اقتصادی اتفاق افتاده که ۶۷ درصد آنها بی‌اثر بوده است. البته منظور از اثر، همان عدم نیل به هدفی است که برای تحریم‌ها در نظر گرفته شده بود.

در رابطه با پشتوانه و بحث نظری مقاومت به معنی اعم که از جمله آن اقتصاد مقاومتی است در ادبیات دینی آیات متعددی در قرآن کریم داریم. برخی آیات بر استقامت و مقاومت تأکید می‌کنند که نوعاً نویدبخش هم هستند. در جایی از قرآن اشاره می‌شود به اینکه اگر مقاومت کنید پیروز خواهید شد. شما دستاوردی که خواهید داشت همان بهشتی است که به شما وعده داده شده است. یا موارد دیگر مانند آیه ۳۰ سوره فصلت، آیه ۱۶ سوره جن، آیه ۱۲ و ۱۳ سوره هود، آیه ۵۰ سوره شوری که هر کدام به نوعی پایداری در راه هدف و فرمان الهی را که موجب گشایش می‌شود نوید می‌دهند.^۲

البته از این آیات الهی، اصولی هم قابل استخراج است که براساس آن می‌توان نظریه اقتصاد مقاومتی را مطرح و الگوی اقتصاد مقاومتی را با توجه به آن طراحی و پیگیری کرد. مثلاً در قرآن آیه ای داریم که بیانگر تاکید بر مقاومت است و این

1. Hufbauer, et al (2007)

۲. إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُبَشِّرُوا بِالْحَسَنَةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت ۳۰)، إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (احقاف ۱۳)، وَالَّذِينَ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا (جن ۱۶)، فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّعَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَسْخَمُوا النَّارَ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (هود ۱۱۲ و ۱۱۳)، فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (شوری ۱۵)

آیات اصول و حیانی هستند که به موضوع مقاومت اشاره مستقیم و به موضوع اقتصاد مقاومتی اشاره ضمنی دارند مثل اصل تداوم دشمنی دشمن تا دست برداشتن از دین. آیه ۲۲۰ سوره بقره می‌فرماید که تداوم دشمنی ایشان تا اینکه شما از دینتان برنگردید ادامه خواهد داشت. آیه ۱۲۰ سوره بقره می‌فرماید که هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا بطور کامل تسلیم خواسته‌های آنها شوی و از آیین آنها پیروی کنی. در این آیات اصل همبستگی مثبت، ایمان، صبر و تقوی با امدادهای الهی، اصل نفی سبیل و لزوم استقلال بیان شده است. آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید که خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. آیه ۶۰ سوره انفال اصل لزوم بازدارندگی را اعلام می‌کند. یا در جای دیگر می‌فرماید که هر نیرویی که در قدرت دارید برای مقابله با دشمنان آماده سازید، از جمله اسب‌های ورزیده و ... یا اصل برتری مؤمنین و منع سستی و نگرانی که این آیه بیانگر مقاومت و به نوعی مبانی خاص اقتصاد مقاومتی است. آیه ۱۳۹ سوره آل عمران می‌فرماید که غمگین نشوید، شما برتر هستید اگر ایمان داشته باشید و ... لذا موارد گوناگونی راجع به مبانی نظری بحث مقاومت بصورت صریح و بحث اقتصاد مقاومتی به صورت ضمنی در آیات قرآن کریم وجود دارد که از آنها به اصول و حیانی اقتصاد مقاومتی یاد می‌کنیم.^۱

۱. ۱) اصل تداوم دشمنی دشمن تا دست برداشتن شما از دین: وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا (بقره: ۲۲۰)، وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (بقره: ۱۲۰)، ۲) اصل همبستگی مثبت ایمان، صبر و تقوی با امداد الهی: وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ يَقُولُ الْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّدَكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا بُمُدِّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (آل عمران: ۱۲۳ تا ۱۲۵)، ۳) اصل نفی سبیل و لزوم استقلال: لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)، ۴) اصل لزوم بازدارندگی: وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ (انفال: ۶۰)، ۵) اصل برتری مؤمنین و منع سستی و نگرانی: لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)، ۶) اصل تلازم برکت با ایمان و تقوا: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (اعراف: ۹۶)، ۷) اصل هدایت مجاهدین و دفاع از مؤمنین: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنكبوت: ۶۹)

دکتر درخشان

خیلی ممنون هستیم از جناب آقای دکتر قوامی. از حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای دکتر علیزاده خواهش می‌کنم مطالبشان را ارائه فرمایند.

حجت‌السلام والمسلمین امیر خادم علیزاده*

بنده صحبت‌هایم را در دو محور مقدماتی و یک محور اصلی ارائه می‌کنم.

۱- مفهوم‌شناسی و مفهوم‌پردازی اقتصاد مقاومتی

به نظر می‌رسد مفهوم‌پردازی و رسیدن به وحدت نظری و اجماع فکری در ارتباط با موضوعات چنین نشست‌هایی بسیار مهم است. مفهوم‌پردازی می‌تواند یک گفتمان اقتصادی در این زمینه را هماهنگ کند. به نظر من، اکنون نوعی تشتت در تعریف اقتصاد مقاومتی یا نظریه اقتصاد مقاومتی وجود دارد.

مفهوم‌پردازی اقتصاد مقاومتی از آن رو اهمیت دارد که ادبیات اقتصادی درباره آن را هماهنگ و کارآمد می‌سازد. همچنین می‌تواند در سایه بیان ویژگی‌های مفهومی آن، در یک گفتمان‌سازی در بین اقتصاددانان، زمینه نظری لازم برای اجماع نظریه‌پردازان و تصمیم‌سازان کشور بر روی الگویی کامل را فراهم نماید. همین‌طور می‌تواند در یک گفتمان مشترک همه را به یک اجماع نظری برساند.

در همین زمینه، یک برداشت نادرست از اقتصاد مقاومتی که گاهی نیز شنیده می‌شود، این است که: اتخاذ یک موضع انفعالی در برابر تهاجم، تهدید یا تحریم‌های اقتصادی و پذیرش ریاضت، محدودیت و محرومیت. در حالی که در مفهوم‌پردازی صحیح اقتصاد مقاومتی، کسب توانمندی‌های بیشتر و جدیدتر و اتخاذ موضع فعال و پویا برای ایستادگی و ماندن و خنثی کردن راهبردهای تحریمی بیگانگان و کسانی که منافع‌شان با ما ناهمسوست محور اصلی را تشکیل می‌دهد که براساس یک نظام کارآمد اقتصادی و با تکیه بر منابع داخلی عمل می‌کند. بنابراین برداشت من این

است که اقتصاد مقاومتی یک الگوی خاص است و یک برنامه کوتاه‌مدت یا ترمیمی یا حتی موازی با برنامه‌های متعارف نیست بلکه الگویی است با مبانی، اصول، الزامات، سیاست‌ها و راهکارهای خاص خود. یک تعریف دیگر این است که اقتصاد مقاومتی یک راهکار محض دفاعی اقتصادی نیست، یعنی نه اینکه فقط بمانیم و دفاع کنیم و یا انفعال کوتاه‌مدت در برابر تحریم‌ها داشته باشیم بلکه الگویی اسلامی، بومی و ایرانی در عرصه اقتصاد است. این تعریف البته متضمن نکات فراوانی است. مقاومت در جایی است که نوعی تعدی و فشار و تهاجم وجود داشته باشد و قیام کردن و ایستادگی در برابر این زور و هجوم بیگانه، ریشه در باورهای دینی و فرهنگی جامعه دارد. در این صورت مقاومت اقتصادی، ایستادگی در عرصه اقتصاد است که در تاریخ اقتصادی کشورهای هم‌چون آلمان، ژاپن، هند به شکل‌های متفاوتی بروز کرده است.

توجه شما را جلب می‌کنم به سابقه اقتصاد مقاومتی در ویتنام با جغرافیا، ارزش‌ها و فرهنگ خاصی که در آن کشور وجود دارد، ژاپن از دهه ۵۰ به بعد، و همچنین آلمان و هند. اینها شکل‌های دیگری از همان اقتصاد مقاومتی است که ما شاهدش بودیم.

۲- متدولوژی (روش‌شناسی) نظریه اقتصاد مقاومتی

دومین نکته‌ای که برای طرح مبانی اقتصاد مقاومتی اهمیت دارد، روش‌شناسی نظریه اقتصاد مقاومتی است. مسلماً فلسفه هر علمی و در اینجا اقتصاد مقاومتی، از دو بخش معرفت‌شناسی و ماهیت‌شناسی این دانش، تشکیل می‌شود. اگر این شاخه از دانش اقتصادی را اثباتی و مهندسی محض بدانیم، مسلماً در بحث روش‌شناسی به دنبال اعتبارسنجی ارزیابی بهترین الگوی مهندسی در شرایط تحریم و تهدید هستیم که دیگر خاص علوم انسانی نیست بلکه دانشکده‌های فنی هم در این زمینه مشارکت خواهند داشت. رویکرد دوم، نگاه دستوری محض است که شاخه‌ای است با

روش‌شناسی خاص خودش. اما به نظر می‌رسد در یک رویکرد ترکیبی که رویکرد سوم مورد نظر بنده است، نظریه دانش اقتصاد مقاومتی، ماهیتی دستوری همراه با مهندسی سازگار است که در این صورت روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد که در چارچوب ارزش‌هاست، همان‌طور که در ویتنام مهندسی شد یا آنگونه که مردم ژاپن در خرابه‌ها راه می‌رفتند و می‌گفتند که چون ما هنوز خودمان دمپایی تولید نمی‌کنیم پس ما دمپایی به پا نمی‌کنیم. ما در کشور خود خیلی فراتر از این داریم اما گویا به این مسائل پرداخته نشده است.

اگر اقتصاد مقاومتی را دارای ماهیتی دستوری همراه با مهندسی سازگار، تلقی کنیم، مسلماً روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد که در آن باید به دنبال ارزیابی و اعتبارسنجی شیوه‌ای باشیم که مهندسی کردن اقتصاد و تخصیص بهینه منابع را در چارچوب ارزش‌های دینی و فرهنگی و بومی و اصول راهبردی خاصی، مورد هدف خود قرار می‌دهد. برای نمونه، در عرصه و نظریه تولید، تابع هدف، حداکثر کردن میزان تولید کالای خاصی (مانند ضروری بودن، ارزآور بودن، استراتژیک بودن) با توجه به محدودیت منابع و قید بودجه تحریمی است.

۳- مبانی نظریه اقتصاد مقاومتی

پس از ذکر این دو مقدمه، به بحث مبانی نظریه اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم. اقتصاد مقاومتی، مهندسی اقتصاد در وضعیت خاصی است که این وضعیت ممکن است درون خود جامعه ایجاد شده باشد مانند کمبود، قحطی، بلایای طبیعی، سوء مدیریت، و یا آنکه ممکن است ناشی از محدودیت‌های برونزا باشد. تحریم‌هایی که به اقتصاد ما تحمیل شده ناشی از بستن راه ارتباط و مبادله و محدودسازی مبادلات پولی، مالی و ارزی است. ولی هر نوع مهندسی را اقتصاد مقاومتی مورد نظر من دربر نمی‌گیرد یعنی با مهندسی اقتصاد در جغرافیای ژاپن و آلمان و فرهنگ و آداب و رسوم آنها متفاوت است. اگر به خویشن خویش برگردیم، تفاوت در فرآیندها و

کالا‌های تولیدی و حتی تکنیک‌هایی که آن را به کار می‌گرفتند نیز ممکن است وجود داشته باشد. پس این جهت‌گیری فلسفی در نگاه ما به اقتصاد مقاومتی باید خود را در طراحی اصول و بکارگیری تکنیک‌های تولیدی و روابط مبادله و الگوی مصرف و توزیع نشان دهد. بنابراین مهم‌ترین مبانی نظری اقتصاد مقاومتی را برمی‌شمارم.

۱. اولین آن، عدالت اجتماعی است، یعنی یک مبنای نظری که باید سراغ این الگو رفت اجرا یا تحقق عدالت اجتماعی است که در آیه ۲۵ سوره حدید بصورت گویا بیان شده است. یعنی بخاطر اجرای عدالت اجتماعی باید چنین شکلی از اقتصاد را در پیش گرفت تا منافع امت اسلامی (کشورما) در برابر بیگانگان حفظ شود قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ...» هر آینه پیامبران را با حجت‌های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب - که وسیله تمیز حق از باطل است - و ترازو فرو فرستادیم تا مردم به داد و انصاف برخیزند و آهن را فرو آوردیم که در آن نیرویی سخت - سلاح و وسایل کارزار و مانند آن - و سودهایی [دیگر] برای مردم است...» (حدید / ۵۷، ۲۵)

۲. دومین آن، عزت و اقتدار اقتصادی است. در آیاتی از قرآن کریم این بحث وجود دارد که مفسران به آن، عنوان اعداد قوه یعنی توانمندسازی جامعه را داده‌اند. پس به جامعه اسلامی امر شده است که با هر قوه‌ای که وجود دارد خود را توانمند سازد و امروز یکی از این مظاهر، توانمندی اقتصادی در کنار توانمندی‌های دیگر است. برای عزت و رسیدن به اقتدار اقتصادی، باید در عرصه‌های مختلف علمی، فناوری، سیاسی، اقتصادی و ... به گونه‌ای عمل کرد که متأثر از تصمیم‌های بیگانگان که سلطه‌آور است نباشیم.

باید توجه داشت که استقلال و اقتدار اقتصادی در کنار استقلال سیاسی جامعه اسلامی، از لوازم عقلی برخی آیات قابل استفاده است. در ادبیات اقتصاد اسلامی، اخیراً گاهی از اقتدار اقتصادی امت اسلامی به «استقلال اقتصادی» آنها تعبیر می‌شود که می‌توان آن را شرط لازم اقتدار اقتصادی امت مسلمان دانست.

منظور از استقلال اقتصادی، عدم پذیرش سلطه دیگران در تصمیم‌گیری اقتصادی و تأمین تمام یا عمده کالاها و خدمات مورد نیاز اقتصادی است گرچه به دلایل اقتصادی همچون هزینه کمتر و مانند آن، دولت اسلامی تصمیم بگیرد به واردات برخی کالاها اقدام کند چون استقلال اقتصادی لزوماً با ارتباط و مرادده اقتصادی منافات ندارد. مثلاً در آیه ۶۰ سوره انفال، گرچه ظاهر آیه مربوط به مسائل نظامی یا جنگ است ولی به گفته بسیاری از مفسران که در رأس آنها علامه طباطبائی است، مسلماً شامل هر نوع قوه‌ای می‌شود که بتوان در برابر تحریم‌ها و تهدیدها مقاومت و ایستادگی کرد، زیرا که با وابسته بودن امت اسلامی، بیگانگان از چیزی نمی‌ترسند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ ...» و برای [کارزار با] آنها آنچه می‌توانید نیرو و اسبان بسته [وزین کرده] آماده سازید تا بدینوسیله دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگرانی جز اینان که شما نمی‌شناسید - خدا آنها را می‌شناسد - بترسانید ...» (انفال / ۸، ۶۰)

به نظر ما گرچه ظاهر آیه مربوط به جنگ و دفاع است ولی عبارت «من قوه» شامل هر نیرویی است که باعث حفظ جامعه اسلامی در مقابل دشمنان می‌شود و اسب و یا هر نوع سلاح جنگی یکی از مصادیق «من قوه» است. بنابراین، آیه شریفه که می‌فرماید نیرو فراهم کنید تا دشمن را به هراس افکنند، لازمه‌اش این است که در تمام زمینه‌ها از جمله بعد اقتصادی، مسلمانان، مستقل و خوداتکا باشند و الا با وابسته بودن به دیگران، امت اسلامی برای کفار، ترسی نخواهد داشت. به علاوه، روایاتی

در تفسیر آیه شریفه وارد شده که با استفاده از آنها، شمول آیه نسبت به توان اقتصادی را بهتر می‌توان فهمید. مانند آماده‌سازی خود با شمشیر و زره و تیر و ...^۱ از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: سیاه کردن موی صورت (برای پیرمردان) از مصادیق «قوه» در آیه است.

آیه دیگری که ما را دعوت به مقاومت کرده و اینکه زیر سلطه دیگران نباشیم، آیه نفی سبیل است که بیان می‌کند راه تسلطی نباید دشمنان بر شما داشته باشند، چه در سیستم‌های پولی، مالی، اقتصادی و چه در حوزه‌های نظامی و حقوقی. لذا این آیه نیز یکی دیگر از مبانی دینی در رابطه با اقتصاد مقاومتی است. «... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» ... و خدا هرگز برای کافران [برای تسلط] بر مؤمنان ننهاده است. (نساء / ۴، ۱۴۱)

از آنجا که واژه «سبیل» به اصطلاح از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و معنی عموم را می‌رساند از آیه شریفه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی نباید بر افراد با ایمان چیره شوند. علاوه بر آیه قوه و تفسیر آن که اشاره به مدیریت درست با رویکرد کسب قدرت و اقتدار از جمله در بعد اقتصاد دارد و به عنصر توانمندی در برابر دشمنان خدا نظر دارد و کسب قوه را از راه‌های مختلف مورد تأکید قرار می‌دهد، می‌توان از آیات دیگری از قرآن کریم الهام گرفت که به خلاقیت و نوآوری برای حمایت از جامعه تأکید دارد. مانند: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ» و ساختن زره را به او - داود پیامبر - تعلیم دادیم تا شما را در جنگ‌هایتان حفظ کند... (انبیاء / ۲۱، ۸۰) لباس، هرگونه اسلحه دفاعی و تهاجمی مانند زره، شمشیر و نیزه را شامل می‌شود گرچه در این آیه با توجه به قرائنی، به معنای زره است.^۲ اشاره قرآن

۱. المیزان، ج ۹، ص ۱۳۰.

۲. نمونه، ج ۱۳، ص ۴۶۵.

به تعلیم یا الهام صنعت زره‌سازی نمونه‌ای از توجه قرآن به خلاقیت و ابتکار و تولید صنعتی است.

آیه شریفه «فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ...» (مؤمنون/ ۲۳، ۲۷) نمونه‌ای دیگر است که مربوط به صنعت کشتی‌سازی و آموزش آن است. امام صادق (ع) با اشاره به اهمیت پرداختن به صنایع مختلف می‌فرماید: «خداوند، راه رسیدن مردمان به روزی و درآمد اقتصادی را در کارهای گوناگون صنعت‌های مختلف قرار داد و این تنوع در شیوه‌ها و کارهای اقتصادی مختلف، برای بقای نوع بشر، پایدارتر و برای تدبیر امور حیات، صحیح‌تر است.^۱ از کلام این امام بزرگ می‌توان نتیجه گرفت برای حفظ جامعه اسلامی و امور آن از جمله امور اقتصادی، تنوع در شیوه‌ها و کالاها، ضریب ماندگاری و بقا و مقاومت همه‌جانبه را افزایش داده و از نظر تدبیر امور و سیاست‌گذاری از صحت بیشتری برخوردار است (در مواجهه با تحریم‌ها و تهدیدها). در این آیه، قرآن به تعلیم یا الهام صنعت زره‌سازی به عنوان نمونه‌ای از صنایع دفاعی اشاره می‌کند که می‌تواند بیانگر توجه قرآن به خلاقیت و ابتکار و تولید صنعتی باشد. در جای دیگری از قرآن کریم می‌فرماید: «فَاَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ» (مؤمنون ۲۳/۲۷)، نمونه‌ای دیگر است که مربوط به صنعت کشتی‌سازی و آموزش آن است.

ما آموزه‌های دینی زیاد داریم که می‌توانیم از آنها استفاده کنیم تا از نظر تدبیر امور و سیاست‌گذاری در مواجهه با تحریم‌ها و تهدیدها از صحت بیشتری نیز برخوردار باشیم.

۳. سومین مبناي نظری، رشد و آبادانی است. چون خداوند از ما، رشد و آبادانی را خواسته و شرایط و زمینه‌های آن را برای ما فراهم نموده ناگزیر در شرایط تحریم، بطور جدی‌تری باید اقتصاد بومی یعنی تلاش و سرمایه‌گذاری و تولید را با تکیه بر سرمایه‌ها و امکانات خودمان دنبال کنیم. قرآن می‌فرماید: «... هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ

و استَعْمَرَكُم فِيهَا...» او شما را از زمین آفرید و شما را در آن زندگانی داد- یا شما را به آبادانی آن وا داشت-...» (هود/ ۱۱، ۶۱) برخی مفسران معنای عمران و آبادی و پرداختن به اموری که لازمه‌اش توجه به رشد اقتصادی است را در آیه ترجیح داده‌اند.^۱ برخی دیگر به تصرف در زمین و بهره‌گیری از آن، جهت تأمین نیازهای زندگی که عبارت دیگری از توجه به رشد و رفاه اقتصادی است توجه داده‌اند.^۲ یعنی با خاستگاه قرآنی توجه به رشد اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی معیشتی نیز، الزام به مقاومت و ایستادگی در برابر کسانی داریم که خواستار حذف امت اسلامی و در تنگنا قرار دادن برای تأمین معیشت آن برای رسیدن به حیات طیبه دارند.

۴. یکی دیگر از موارد استقلال و اقتدار در عرصه دانش و فناوری است. لزوم اقتدار در عرصه علم و فناوری، از کلام قرآن ناطق، امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج‌البلاغه نیز بخوبی قابل استفاده است که فرمود: العلم سلطان، من وجده صال ومن لم يجده صیل علیه (امام علی (ع) / نهج‌البلاغه) امام علی (ع) می‌فرماید: ذات علم سلطان است و اقتدار می‌آورد. فرد و جامعه‌ای که قدرت علمی را پیدا کرد، در موقعیت برتری قرار می‌گیرد ولی اگر به این جایگاه برتر دست نیافت، مغلوب شده و دیگران بر او سلطه پیدا می‌کنند.

در شرایط کنونی جهان، مظاهر استقلال در عرصه علم و دانش، تعداد بیشتر نوآوری‌های علمی و فناوری، پیدا کردن راههای جدید برای تولید، مبتنی بر تولید و سرمایه‌ها و نهاده‌های بومی در چارچوبی اسلامی است.

۵. مورد بعد، ناهمسویی منافع جامعه اسلامی با منافع قدرتهای بزرگ اقتصادی است. منافع جمهوری اسلامی ایران با منافع همه قدرتهای بزرگ اقتصادی ناهمسوست. همین ناهمسویی به عنوان مهم‌ترین مبنا که مورد نظر دین هم هست می‌تواند برای عزم و انسجام ملی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی عامل مهمی باشد.

۱. المنار، ج ۱۲، ص ۱۲۱؛ الکشاف، ج ۲، ص ۴۰۷.

۲. المیزان، ج ۱۰، ص ۳۱۰.

ناهمسویی منافع کشورهای اسلامی با منافع اکثر قدرت‌های بزرگ اقتصادی در جهان، یکی از آشکارترین دلایل ضرورت توجه به اقتصاد بومی و مقاومتی است. چرا که اقتصادهای برتر به دنبال پیدا کردن بازارهای مصرف و بازارهای هدف صادراتی در کشورهای کوچکتر و اقتصادهای ضعیف و نوظهور هستند و ماهیت سلطه‌گری آنها ایجاب می‌کند که از طریق انحصارهای اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی، مانع از پیشرفت، خوداتکایی و استقلال و توانمندی اقتصادی آنها شوند. اما در دهه‌های اخیر ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک به حمایت از انحصارهای اقتصادی برخاسته و ادبیات تحریم‌های گوناگون را شکل داده است.

لزوم حفظ نظام حتی به عنوان دلیل ثانویه دینی و فقهی، می‌تواند باعث پیوند همه اقوام و گروهها در کشور ما باشد و این موضوع برای جمهوری اسلامی ایران یک هدف استراتژیک است و یک مبنای نظری بسیار مهمی برای اقتصاد مقاومتی است، یعنی همه باید مشارکت داشته باشند. یک نمونه کوچک از اقتصاد مقاومتی هند برای من جالب بود که یک فروشنده هندی به یک خریدار پارچه خارجی التماس می‌کرد و می‌گفت که من حاضرم پارچه‌های تولید داخلی خودم را خیلی ارزان‌تر به تو بفروشم اما تو را به خدا کالای خارجی نخر. ولی وقتی او پذیرفت و کالای خارجی را خرید، این فروشنده هندی با ناراحتی و عصبانیت با قیچی بزازی مقداری از انگشت خود را برید و گفت که تو خون یک هندی را ریختی. چون مانع درآمد یک هندی و زنده ماندنش شدی. ما در آموزه‌های دینی‌مان خیلی بیشتر از ناسیونالیسم هندی و مبارزه منفی، فرهنگ غنی اسلامی را داریم.

دکتر درخشان

از فرمایشات جناب آقای علیزاده سپاسگزاریم. با توجه به اینکه در برخی دیدگاه‌ها، یکی از دلایل مطرح شدن اقتصاد مقاومتی را تحریم‌های اخیر یا شدت گرفتن آن

می‌دانند، توجه به این نکته ضروری است که تحریم‌ها همیشه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران وجود داشته است. حتی من فکر می‌کنم مادامی که وجه اسلامی نظام ما با قدرت حفظ شود این تحریم‌ها همچنان خواهد بود. جناب آقای دکتر دانش جعفری بحث کوتاه خود را به تاریخچه و تحولات تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران منحصر کرده‌اند. از جناب آقای دکتر دانش جعفری خواهش می‌کنم که مطالب خود را بفرمایند. اما قبل از ایشان، جناب آقای دکتر قوامی تمایل دارند نکته‌ای را مطرح کنند که در خدمت ایشان هستیم.

دکتر قوامی

نکته‌ای را مناسب می‌دانم توضیح دهم این که جناب آقای علیزاده در صحبت‌هایشان فرمودند که اقتصاد مقاومتی ریشه سوابق تاریخی دارد. به نظر من باید به این بحث بایستی توجه دقیق داشت: ما یک اقتصاد جنگی داریم و یک جنگ اقتصادی. آنکه معمولاً سابقه تاریخی دارد و بحث‌های مختلف نظری هم در موضوع آن مطرح شده، بازسازی اقتصاد ناشی از جنگ و اقتصاد جنگی است که در آلمان، ژاپن و ویتنام و... اتفاق افتاده است. اما اقتصاد مقاومتی در خصوص جنگ اقتصادی است. اگر جنگ اقتصادی که هم‌اکنون علیه ما شروع شده است برای این کشورها شروع کنند حتی در وضعیت فعلی آنها با مشکلات جدی مواجه می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که اقتصاد آنها به صورت یک اقتصادی مقاومتی شکل نگرفته است. منظور اینجا Strength Economy است.

دکتر درخشان

جناب آقای دکتر قوامی نکته بسیار مهمی را مطرح کردند. در آینده به این مسئله خواهیم پرداخت که این وجه تمایز تا چه حد ثمره‌اش در سیاست‌ها و راهکارها ظاهر خواهد شد. در خدمت جناب آقای دکتر دانش جعفری هستیم.

دکتر داود دانش جعفری*

من چند نکته را در مورد تاریخچه تحریم‌ها خدمتان عرض می‌کنم تا متوجه شویم که چرا ما باید یک برنامه دیگری را متفاوت از برنامه‌هایی که تاکنون اجرا کرده‌ایم، دنبال کنیم.

اولین دور تحریم، ۹ ماه بعد از انقلاب اسلامی یعنی در سال ۱۳۵۸ صورت گرفت. این دور تحریم مصادف بود با دوره‌های ریاست جمهوری کارتر، ریگان و جرج بوش پدر، یعنی بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۳. این تحریم‌ها عمدتاً مصوب دولت آمریکا بود، یعنی مثل بخشنامه اجرایی شروع می‌شد، دولت تصویب می‌کرد ولی مصوبه قانون مجلس آمریکا نبود. هدف این تحریم، ممنوعیت واردات نفت ایران به آمریکا، مسدود شدن دارایی‌های ایران در آمریکا، ممنوعیت فروش سلاح و کلیه تجهیزات با مصرف دوگانه به ایران، ممنوعیت صادرات هرگونه کالا به ایران، ممنوعیت نقل و انتقال مالی بین ایران و آمریکا، ممنوعیت سفر اتباع آمریکا به ایران و افزایش فشار برای کاهش استفاده ایران از منابع مالی سازمان‌های بین‌المللی مثل بانک جهانی از طریق کاهش کمک آمریکا به این کشورها دقیقاً به اندازه‌ای که این سازمان‌ها به ایران وام بدهند، مثلاً اگر بانک جهانی به ایران وام می‌داد، به همان مقدار، آمریکا سهم پرداختهای خودش را به بانک جهانی کم می‌کرد.

دومین دور تحریم‌ها که مربوط به دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون و جرج بوش پسر بود از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰ شروع شد. در اینجا می‌توان گفت که مهم‌ترین

تحریم‌ها، تصویب قانون داماتو بود. خلاصه این قانون این است که سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در طرح‌های نفت و گاز ایران ممنوع است. همان‌طور که می‌دانید ۴۰ میلیون دلار رقم بسیار کمی است؛ یعنی شاید هر فاز طرح‌های فعلی عسلویه بطور معمول بین ۲ تا ۴ میلیارد دلار هزینه دارد. این قانون، طرح‌های خیلی کوچک را هم ممنوع می‌کند، یعنی تحریم کامل تجاری ایران از طرف آمریکا و ممنوعیت صادرات کالاهای آمریکایی از طریق مبادی غیر آمریکایی.

سومین دوره تحریم‌ها مربوط می‌شود به سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ میلادی که دوره ریاست جمهوری جرج بوش پسر را شامل می‌شود. در این دوره چند اتفاق افتاد که تحریم‌ها را کمی متفاوت کرد. اولین آنها این بود که حادثه ۱۱ سپتامبر در این دوره اتفاق افتاد. دو سال بعد از ۱۱ سپتامبر، ایران برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود را به دنیا اعلام کرد بدین مضمون که می‌خواهد برنامه هسته‌ای خود را شروع کند و آژانس هم می‌تواند بر آن نظارت داشته باشد. آمریکا بعد از اعلان این خبر توسط ایران، تغییراتی در برنامه خود داد ولی برای اجرای تحریم علیه ایران با چند مشکل مواجه بود. اولین مشکل، در شورای امنیت بود، چرا که اکثر کشورهای اروپایی، تجارت قابل توجهی با ایران داشتند. آن موقع، آلمان شریک اول تجاری ایران بود، بعد ایتالیا و ... بنابراین آمریکا برنامه‌ای پیاده کرد که تجارت این کشورها با ایران کاهش پیدا کند. پس از آن، به شرکت‌هایی که با ایران کار می‌کردند فشار آورد و گفت که اگر با ایران همکاری خود را ادامه بدهند با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند. طرح دیگری که آمریکا دنبال می‌کرد، مصادره دارایی‌های خارجی ایران در خارج از کشور بود که این هم با محدودیت حقوقی مواجه شد که البته این کار را انجام دادند. بنابراین، در این دوره، تحریم‌ها شدت یافت. اهدافی که تحریم در این دوره داشت عبارت بود از: ممنوعیت دسترسی ایران به فناوری هسته‌ای، مسدود کردن دارایی‌های اشخاص و شرکت‌های مظنون به ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران،

تحریم بانک سپه و صادرات، بازرسی کشتی‌ها و هواپیماهای ایرانی، نظارت بر تحرکات افراد مظنون در برنامه هسته‌ای ایران.

از سال ۲۰۰۸ به بعد که دوره ریاست جمهوری اوباما است، ایران با چهار نوع تحریم همزمان مواجه شد. یکی تحریم یک‌جانبه از طرف آمریکا، تحریم سازمان ملل که باید همه کشورها آن را رعایت کنند، تحریم‌های یک‌جانبه اروپا و تحریم‌های ویژه برخی کشورها که بصورت انفرادی است مثلاً سوئیس یا کشور دیگری. نکته مهم در این دوره، اضافه شدن تحریم بانک مرکزی ایران است که اولین تحریم اروپا علیه ایران در حوزه تجارت خارجی است که خدمات مالی، فناوری‌های هسته‌ای، محدودیت مسافرت، تحریم بانک مرکزی و تحریم خرید نفت ایران را شامل می‌شود. پس از آن اهدافی که برای این تحریم‌ها در نظر گرفته‌اند عبارتست از:

- ایجاد نگرانی و نارضایتی،
- مشکلات مربوط به تحریم‌های مالی و ایجاد مانع برای دسترسی ایران به منابع مالی متعلق به خود،
- تحریم بانکی و تحریم سوئیس که نقل و انتقالات پیام‌های مخابراتی بین بانکها را دربر می‌گیرد،
- کاهش دسترسی به اسکناس‌های ارزی. مثلاً اگر شخصی بخواهد از حسابش که در ایران یا یک حساب خارجی که پول دارد، ارز یا اسکناس بگیرد، به دلیل اعمال تحریم قادر به انجام این کار نخواهد بود.
- ایجاد مانع برای مبادلات نقدی از طریق طلا و الماس، زیرا فکر می‌کردند که ممکن است ایران به سمت مبادلات تهاتری برود.
- فشار به کشورهای دیگر برای توقف تجارت با ایران
- ترساندن کشورهای دیگر بویژه کشورهای همسایه

تحریم‌هایی که تاکنون علیه ایران بوده است را به دو بخش تقسیم می‌کنم. یکی تحریم‌هایی که مشکلات مربوط به کمبود منابع مالی برای ایران بوجود نمی‌آورده و معمولاً این تحریم‌ها همزمان می‌شد با افزایش قیمت نفت. تا زمانی که خرید نفت در تحریم نبود، هر موقع نشانی از ناآرامی‌های بین‌المللی بود با افزایش تحریم، قیمت بین‌المللی نفت بالا می‌رفت یعنی درآمد ما هم افزایش پیدا می‌کرد. اما بعد از تحریم اروپا، سعی کردند که منابع مالی ما را هم تحت تأثیر قرار بدهند. بنابراین بعد از این تحریم، ما با مشکلات مربوط به فروش نفت مواجه شدیم.

با توجه به بحث‌های مقدماتی که صورت گرفت به نظر بنده، هدف اقتصاد مقاومتی این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که با توجه به شرایط تحریم مستمری که از طرف آمریکا و اخیراً هم توسط اروپا و برخی کشورهای دیگر شروع شده، بتوانیم اقتصاد خودمان را اداره کنیم. قاعدتاً برای اداره اقتصاد در این شرایط باید اصولی را داشته باشیم که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم.

۱. در نیازهای اساسی بتوانیم خوداتکا باشیم. خوداتکا بودن به معنای بسته بودن اقتصاد نیست بلکه ما نیاز داریم که حتماً برون‌نگر باشیم ولی قاعدتاً روابط اقتصاد خارجی را با جهت‌گیری‌های مورد نیاز اقتصاد باید تنظیم کنیم.
۲. در این شرایط امکان واکنش هوشمند، فعال و سریع داشته باشیم.
۳. مدیریت مصرف و بهره‌وری حداکثری را دنبال کنیم.
۴. کاهش حداکثری اتکای بودجه و تراز تجاری به درآمدهای نفتی که اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی است.
۵. امنیت اقتصادی را بوجود بیاوریم.
۶. با تورم مقابله کنیم.
۷. سلامت اقتصادی را رعایت کنیم.

ساختار درآمد های دولت (درصد سهم انواع درآمد (سال ۲۰۰۹))

کشور	از مالیات بر درآمد شرکت	از مالیات بر مصرف	از مالیات بر واردات	از کسورات	
				تأمین اجتماعی و کارمندان	متفرقه (مالکیت دولتی و ...)
چین	۲۶	۵۵	۵	-	۱۲
هند	۴۷	۲۳	۱۳	۰	۱۸
اندونزی	۳۷	۳۱	۲	-	۲۶
ایران	۱۹	۳	۶	۱۹	۵۲
اردن	۱۷	۳۸	۶	۰	۳۶
کره جنوبی	۲۸	۲۶	۴	۱۶	۱۷
مالزی	۴۶	۱۶	۲	-	۳۳
مکزیک (۲۰۰۰)	۳۴	۶۲	۴	۱۰	۱۰
عربستان سعودی	-	-	-	-	-
آفریقای جنوبی	۵۳	۳۲	۳	۲	۸
تایلند	۳۳	۴۰	۵	۶	۱۵
ترکیه	۲۴	۵۱	۱	-	۱۶
امارات (۲۰۰۰)	-	۱۷	-	-	۸۲
متوسط کشورهای با درآمد میانه به بالا	۲۲	۳۷	۴	۱۹	۱۴
متوسط کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا	۲۷	۳۱	۶	۶	۲۳
متوسط کشورهای جهان	۲۳	۳۲	۴	-	۱۷

مأخذ: World Development Indicators (2012)

ملاحظات: سهم بالای درآمد نفتی ایران در تأمین منابع دولت، در مواقع کاهش قیمت جهانی موجب بروز شوک های اقتصادی و مشکلاتی برای بنگاه های اقتصادی می گردد.

در ساختار درآمد دولت، ستون اول سهمی از درآمد دولت است که از مالیات بر درآمد تأمین می‌شود. ستون دوم آنچه از مالیات بر مصرف است. ستون سوم مالیات بر درآمد است. ستون چهارم کسورات تأمین اجتماعی است. ستون پنجم درآمدهای متفرقه است که عمدتاً مالکیت‌های دولتی را شامل می‌شود. ملاحظه می‌شود که مالیات بر درآمد در ایران حدود ۱۹٪ از درآمدها را تأمین می‌کند در حالی که متوسط این نرخ در خاور میانه حدود ۷٪ و متوسط جهانی ۲۳٪ است.

مالیات بر مصرف در ایران ۳٪ از درآمدهای دولت را تأمین می‌کند. متوسط جهانی ۳۲٪ و متوسط خاور میانه ۳۱٪ است که نشان می‌دهد مالیات بر مصرف در ایران کارایی ندارد. مالیات بر واردات در ایران ۶٪ درآمدهای دولت را تأمین می‌کند و این نرخ در خاور میانه ۶٪ و در جهان ۴٪ است. از کسورات تأمین اجتماعی هم ۱۹٪ درآمدهای دولت تأمین می‌شود که متوسط خاور میانه ۶٪ است. ستون آخر، درآمدهای متفرقه یا مالکیت‌های دولتی است که در ایران ۵۲٪ درآمدها حداقل از درآمدهای نفتی است در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر این وابستگی کمتر است.

بنابراین شرایط کشور ما بگونه‌ای است که با توجه به وابستگی شدید به درآمد نفتی، هرگونه اختلال در قیمت یا صادرات نفت می‌تواند در وضعیت درآمدهای دولت اثرگذار باشد و لذا اگر بخواهیم اقتصاد مقاومتی داشته باشیم باید اقتصادی داشته باشیم که نسبت وابستگی آن به نفت کاهش یابد. بقیه ابعاد هم باید بزرگتر باشد یعنی بصورت یک اقتصاد بسته عمل نکنیم مانند کوبا یا کره شمالی، اما باید در سیاست خارجی به تراز پرداختهای تجاری نیز توجه شود که بتواند آن را تنظیم کند. بی‌جهت روابط اقتصاد خارجی را تنظیم نکنیم یعنی اهداف اقتصادی و سیاسی باید همسو باشند.

یکی از مشکلات اقتصاد ایران در حال حاضر این است که شرکای اول تجاری ایران همان‌هایی هستند که برای ایران مشکل درست می‌کنند. بنابراین در طراحی‌های آینده می‌بایست بگونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که شرکای خارجی مناسب‌تری داشته باشیم.

دکتر درخشان

خیلی ممنون هستیم از جناب آقای دکتر دانش جعفری که بحث مناسب و جامعی را ارائه دادند و تصویر بسیار خوبی از قلمرو اقتصاد مقاومتی ترسیم کردند. از حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای دکتر عیسوی خواهش می‌کنم که مطالب خود را مطرح بفرمایند.

حجت‌السلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی*

من صحبت‌هایم را در دو محور ارائه می‌کنم. با توجه به صحبت‌های جناب آقای دکتر دانش جعفری و توضیحات ایشان در باره اینکه چرا اقتصاد مقاومتی در این مقطع از زمان مطرح شده است، باید یادآور شوم کسانی که دوران جنگ را تجربه کرده‌اند این مورد برایشان بخوبی ملموس و قابل درک است. ماههای اول جنگ بنا به دلایل مختلف، هجوم شدیدی بر سرزمین اسلامی ما صورت گرفت که ضربات خردکننده‌ای بر کشور وارد کرد. این ضربات به گونه‌ای بود که کمتر کسی احتمال می‌داد ایران بتواند از زیر بار آنها خود را نجات دهد. تنها همت جوانان این کشور بود که با اعتماد به رهبری انقلاب، با همه وجود وارد میدان شدند، در معرکه کارزار و جنگ آموختند، آموخته‌های خودشان را در همان صحنه بکار گرفتند و تجربیات خودشان را انباشته کردند. بعد از گذشت حدود یک سال از جنگ، صحنه جنگ به سود نیروهای انقلاب، به سود مجاهدان اسلام، کاملاً برگشت. نهایتاً پس از هشت

سال جنگ، ادبیات جدید جنگی را در دنیا تولید کردیم که اینک دارای این قابلیت است که در همه دانشگاه‌های جنگ دنیا مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. این موضوع چیزی نیست که جای اغراق داشته باشد. این ادبیات بخشی از تاریخ ماست و بخشی بسیار پرافتخاری است که می‌بایست به آن افتخار کنیم. نسل‌های بعدی نیز باید آمادگی این را داشته باشند که چنین برگ‌های زرینی از تاریخ را در زمینه‌های مختلف حیات سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی کشور تکرار کنند.

حوادث مختلفی که بر این انقلاب گذشته است. در هر مقطع و برهه‌ای از زمان، همواره با حملات گوناگون دشمن مواجه بوده‌ایم، گاهی حملات از نوع نظامی، گاه سیاسی و زمانی فرهنگی و اینک اقتصادی است. اما به این معنی نیست که در هر زمانی فقط روی یک محور کار می‌کردند، بلکه مثلاً در همان دوران که جنگ داشتیم مسائل اقتصادی هم وجود داشت بگونه‌ای که در زمان جنگ، نفت ایران را نمی‌خریدند. نفت را می‌بایست از جزیره خارک به جزیره سیری با کشتی حمل می‌کردیم و از آنجا به بنادر دنیا برای فروش می‌فرستادیم. یعنی در مقاطع مختلف، هم مسائل سیاسی، هم فرهنگی و هم نظامی داشتیم و البته در هر دوره‌ای یک بخشی از این مسائل پررنگ‌تر می‌شد.

امروز به هر دلیلی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که راه خرد کردن اراده این مردم، جنگ اقتصادی است. به همین دلیل است که مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر، محور اصلی جهت‌دهی و سیاست‌گذاری کشور را بطور کلان، موضوعات اقتصادی قرار داده‌اند. این شاید مهم‌ترین دلیل باشد برای اینکه مقوله اقتصاد مقاومتی مطرح شده است. اما شاید مقام معظم رهبری چنین ملاحظه فرمودند که با رویه‌های معمول، برون‌رفت از این مسائل برای کشور براهتی میسر نخواهد بود به همین دلیل دیدگاه و رویکرد جدیدی را در مسائل اقتصادی کشور مطرح کردند و آن را اقتصاد مقاومتی نامیدند.

در مقاطع و کشورهای مختلف، چیزی شبیه آنچه در جامعه ما رخ می‌دهد به وقوع نپیوسته است، اقتصاد مقاومتی نه اقتصاد جنگی است و نه اقتصاد ریاضتی. البته اقتصاد مقاومتی ممکن است در شرایط جنگی هم رخ دهد یا در شرایطی ممکن است در چارچوب اقتصاد مقاومتی ناچار به اتخاذ سیاست‌های ریاضتی نیز بشویم. در پیشینه ادبیات اقتصاد مقاومتی، مطلب مشخصی وجود ندارد. یا حداقل تاکنون ما چیزی نیافته‌ایم. در بحث مبارزه منفی یا موارد مشابه آن که برخی از دوستان مطرح کردند نیز لزوماً بحث اقتصادی نبوده، بلکه سیاسی و مبارزات سیاسی بوده که البته چه بسا در کنار آن، بحث‌های اقتصادی هم مطرح بوده است. بنابراین به نظر می‌آید که به عنوان یکی از وظایف و جهت‌گیری‌هایی که می‌بایست در صحنه سیاسی کشور و نیز دنیا در باره اقتصاد مقاومتی و مقولاتی از این قبیل باید به آن توجه داشت، بحث مفهوم‌سازی است. یعنی آنچه می‌فهمیم، اندیشه‌هایی که درک می‌کنیم و به ضرورت‌هایی که می‌رسیم، آنها را در قالب مفاهیمی نو و تعریف شده، ارائه دهیم تا این مفاهیم افکار اندیشمندان جهان را به سمت خود هدایت نمایند. این سیاستی است که مقام معظم رهبری اعمال می‌کنند. یعنی در مقولات مختلفی که احساس می‌کنند جامعه را باید به سمت آن هدایت نمایند، همواره مفهوم‌سازی می‌کنند و هدف از مفهوم‌سازی این است که ادبیات جدیدی را در جامعه ایجاد کنند و این ادبیات برای تحولات اجتماعی کشور و تأثیرگذاری در صحنه جهانی عقبه فکری باشد. مانند مفاهیمی همچون مردم‌سالاری دینی، تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، مهندسی فرهنگی و

بنابراین با این نگاه می‌توان گفت که مقوله اقتصاد مقاومتی یک موضوع نو و بی‌سابقه است که نیاز به کنکاش فراوان دارد و چه جایی بهتر از دانشگاهها و حوزه‌های علمی کشور که بتوانند روی این موضوع مطالعات بیشتری انجام دهند و دانش بیشتری تولید کنند. طبیعتاً شناخت این مفهوم، درک مبانی نظری آن و دقت

در ابعاد مختلف آن و در نهایت ارائه راهکارهایی که می‌تواند سمت و سوی جامعه را به سمت اهداف از پیش تعیین شده مشخص کند، تلاش فراوان می‌خواهد. بنابراین می‌توان هدف از اقتصاد مقاومتی را در یک جمله به این صورت بیان کرد که «هدف اقتصاد مقاومتی، غلبه کردن بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی همه نیروهای متخاصمی است که سد راه پیشرفت جامعه هستند». بنابراین، ما نیاز داریم در درجه اول، نوعی مفهوم‌شناسی در ارتباط با اقتصاد مقاومتی ارائه دهیم که البته این مفهوم‌شناسی باید به تدریج تکمیل شود و موضوعات دیگری نیز به آن افزوده شود تا یک برداشت مناسب‌تر و صحیح‌تر از مقوله اقتصاد مقاومتی به وجود آید. طبیعتاً آنچه ارائه خواهد شد، برداشت‌هایی است که اشخاص دارند و لذا ادبیات علمی برای آن تولید نشده است و صرفاً برداشت‌های ما است که می‌تواند تدریجاً یک انتظام علمی پیدا کند و ادبیات علمی خاصی را در صحنه اقتصادی ایجاد کند. در جهت مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی، به نظرم باید به چند مطلب اشاره کنم.

الف- همچنان که اقتصاد اسلامی یک رویکرد بنیادین در اقتصاد است، اقتصاد مقاومتی نیز رویکردی راهبردی در حرکتِ رو به جلوی اقتصاد کشور خواهد بود. بنابراین در همان بستر ادبیات اقتصاد اسلامی است که ما می‌توانیم اقتصاد مقاومتی را متناسب با جامعه اسلامی خودمان بازتعریف کنیم. همچنان که نظام سرمایه‌داری با معیارهای مورد نظر اقتصاد اسلامی مغایر است، بر همین اساس نیز اقتصاد مقاومتی با هیچ یک از مدل‌ها و الگوهای اقتصاد سرمایه‌داری همخوانی ندارد و نخواهد داشت. براساس چنین رویکرد مبنایی، آنچه در اقتصاد مقاومتی باید رخ دهد این نخواهد بود که برای نمونه، در چارچوب فرایندی به نام خصوصی‌سازی، دولت جای خود را به بخش خصوصی بدهد و بخش خصوصی نیز بدون راهنمایی و نظارت، تنها به دنبال حداکثر و انباشت سود خود باشد. این چیزی است که اقتصاد سرمایه‌داری در مقابل ما قرار می‌دهد. در اقتصاد مقاومتی ما با چنین مفهومی روبرو نیستیم.

ب- اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کلان و بلندمدت به اقتصاد کشور براساس آموزه‌های اسلامی و واقعیات داخلی و بین‌المللی است. یعنی از یک سمت، باید به داشته‌های اسلامی خودمان بیندیشیم و آنها را محور قرار دهیم و از طرف دیگر، بایستی آنچه در پیرامون ما رخ می‌دهد، شرایط خود و جهان را مورد بررسی قرار دهیم و در تعامل با آنها به الگویی برسیم که آن الگو بتواند برون‌رفت جامعه ما را از مشکلات اقتصادی در پی داشته باشد. بر همین اساس، اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و یا یک اقدام صرفاً پدافندی نیست، بلکه رویکردی بلندمدت، ایجابی و تهاجمی است که چشم‌اندازی کلان به اقتصاد کشور دارد. در واقع، این رویکرد با دوراندیشی، در پی مدلی از اقتصاد است که هم مبتنی بر آموزه‌های اسلامی باشد و هم در آینده نزدیک، ایران را در جایگاه اول اقتصاد منطقه قرار دهد. اقتصادی که برای جهان اسلام، الهام‌بخش و کارا باشد و تشکیل تمدن بزرگ اسلامی را زمینه‌سازی نماید. از این رو، باید به این نکته مهم توجه داشت که یکی از مؤلفه‌های مهم تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مؤلفه مقاومت و ایستادگی همه‌جانبه خواهد بود که بدون چنین پشتوانه‌ای، تحقق این الگو غیرممکن خواهد بود.

ج- منظور از اقتصاد مقاومتی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته، زیرا واژه مقاومت معمولاً در مواردی بکار می‌رود که هدف فعالیت‌ها، برطرف کردن موانع و کوشش و تلاش مضاعف در مسیر حرکت و پیشرفت است.

د- اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که تهدیدها را تبدیل به فرصت می‌کند. لذا عبارت است از اقتصادی که حوزه‌های فشار و تهدید را تشخیص می‌دهد و برای کنترل و بی‌اثر کردن آنها تلاش می‌کند. در واقع، اقتصاد مقاومتی از طریق تعمیق

باورهای عموم مردم، این فشارها و تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کند، مشارکت همگانی مردم را جلب کرده و مدیریت‌های مدبرانه و مقتدرانه را اعمال می‌کند.

ه- اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد مردمی. به این مفهوم که به مردم بها بدهیم، مردم را در مسائل و مشکلات محرم بدانیم و از آنها کمک بخواهیم و آنان را در جهت تحقق اهداف اقتصادی بسیج کنیم، دقیقاً شبیه الگویی که در زمان جنگ در صحنه نبرد نظامی داشتیم. توده‌های مردم در آن موقع، مشکلات کشور را جدای از مشکلات خود نمی‌دیدند و برای حفظ و نگهداری کشور از هستی خود هم می‌گذشتند. اما امروز وقتی نرخ ارز اندکی تغییر می‌کند، عده‌ای برای اینکه منافع کوتاه‌مدت خود را تأمین کنند از این تغییرات به سود خود بهره می‌برند، بدون توجه به اینکه چه اتفاقاتی برای منافع ملی کل کشور خواهد افتاد. پس هر چه مشارکت مردمی در صحنه اقتصادی بیشتر باشد، موفقیت الگویی به نام اقتصاد مقاومتی ضمانت بیشتری خواهد داشت.

و- اقتصاد مقاومتی از نظر ماهیت، اقتصادی مردمی است بدین معنی که بار اصلی آن بر دوش توده‌های مردم قرار دارد و مردم بزرگترین و اصلی‌ترین گرداننده آن هستند زیرا هیچ مقاومتی بدون حضور مؤثر مردم امکانپذیر نخواهد بود. ضروری است که مردم بطور جدی و سازمان یافته و هدفمند، وارد این عرصه شوند تا از ورود افراد سودجو، فرصت‌طلب و رانت‌خوار به صحنه اقتصاد کشور جلوگیری شود. اگر فضا برای حضور نیروهای جوان، مؤمن و خلاق در عرصه اقتصادی کشور فراهم شود، همچنانکه در عرصه‌های مختلف کشور در گذشته و حال چنین اتفاق موفقیت‌آمیزی بارها مورد تجربه قرار گرفته است، در عرصه اقتصادی کشور نیز قطعاً، همچون دیگر عرصه‌ها، شاهد تحولات مثبت و شگرفی خواهیم بود. این محوری است که به شدت نیاز به بررسی و مطالعه دارد. در بخش راهکارهایی که برای تحقق اقتصاد مقاومتی در نشست آینده ان شاء الله... بحث خواهد شد، حتماً

یکی از بحث‌ها باید این باشد که چگونه می‌توان اقتصاد مردمی را در جامعه محقق کرد و راهکارها و سازوکارهای آن چیست؟ این محوری است که به نظر من می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

ز- اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است مبتنی بر تلاش برای کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای رسیدن به خوداتکایی.

ک- اقتصاد مقاومتی باید در پی مقاوم‌سازی و ترمیم ساختارها و نهادهای ناکارآمد موجود اقتصادی کشور باشد. برای نمونه، بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی که قادر به پیش‌بینی و چاره‌سازی برای مشکلات ارزی که در ماه‌های اخیر برای کشور بوجود آمد، نبودند چگونه می‌توانند بار چنین اقتصادی را به دوش بکشند؟ در رویکرد اقتصاد مقاومتی باید در پی بازتعریف ساختارها و سیاست‌های نهادهای موجود کشور بود تا این نهادها بتوانند در حد و متناسب با شرایط نوین اقتصادی کشور و اهداف کلان و راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران ظاهر شوند. اگر بانک مرکزی ما قادر نیست خود را با مشکلات کشور پیش ببرد و از مسائل و اتفاقاتی که می‌افتد عقب است، باید ریشه‌هایش را پیدا کرد که چرا چنین اتفاقاتی می‌افتد و چگونه می‌شود آن را برطرف کرد. اینها همان رخنه‌ها و روزنه‌هایی است که دشمن پیدا کرده و از همین طریق به ما ضربه می‌زند.

ل- اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد تولیدمحور، مقتصدانه و به دور از اسراف و تبذیر.

دکتر مسعود درخشان

از مطالب ارزنده و بسیار ارزشمند جناب آقای دکتر عیسوی سپاسگزاری می‌کنم. بنده هم چند نکته به اختصار عرض می‌کنم.

اولین نکته این است که اقتصاد مقاومتی را اگر از دیدگاه کوتاه مدت تحلیل کنیم، به نظر می آید چیزی جز همان مقاوم سازی اقتصاد در برابر سیاستهای خصمانه ای که هم اکنون به صورت تحریم ها و ایجاد تنگناهای اقتصادی ظاهر شده، نیست. اما اگر با نگاه بلندمدت، اقتصاد مقاومتی را بررسی کنیم، آنگاه شاید بتوان گفت که می خواهیم به ظرفیتهای جدیدی برای کسب قدرت بیشتر برای مقابله با این تنگناها و تحریم ها به منظور جلوگیری از تهدیدات اقتصادی آینده و یا کسب آمادگی کافی برای عکس العمل فوری و کارا نسبت به تهدیدهای محتمل در آینده، برسیم.

دومین نکته این است که اگر به لحاظ تاریخی به مسئله نگاه کنیم ملاحظه می شود که بعد از انقلاب اسلامی، نظام سیاسی کشور به شدت تحت فشار و تنگناهای مختلف قرار گرفت. در حقیقت ما نخست، تحریم نظام سیاسی را شاهد بودیم که تاکنون هم ادامه دارد. اما نکته جالب این است که این فشارهایی که متوجه نظام سیاسی ما بود، موجب تقویت نظام سیاسی شد و در دوران دفاع مقدس موجب تقویت قدرت نظامی ما شد بطوری که به لحاظ نظامی، جمهوری اسلامی ایران هم اکنون به جایی رسیده است که هیچ کشوری از همسایگان ما در منطقه حتی تصور تعرض نظامی به ایران را نمی توانند داشته باشند و این همه در پرتو همان نظام سیاسی مقاومتی حاصل شده است.

اما اگر کمی دقت کنیم، متوجه می شویم که ما از نظام اقتصادی غافل بودیم. بهر حال سیاستهای خصمانه کشورهای سلطه گر که در رأس آنها سیاستهای آمریکاست که همیشه بوده و هست، اکنون در راستای تحریم اقتصادی شکل گرفته است که می خواهند نظام سیاسی را تضعیف کنند و چون ما از فضای اقتصاد غافل بودیم، زمینه بسیار مساعدی برای اعمال سیاستهای آنها فراهم شده است.

به همین دلیل فکر می‌کنم در تحلیل مقوله اقتصاد مقاومتی می‌بایستی به لحاظ نظری به دقت به روابط متقابل نظام سیاسی و نظام اقتصادی و تعاملات و ارتباطات این دو توجه کنیم چون می‌دانیم که در هر نظامی سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ نقش‌آفرینان اصلی هستند و این سه حوزه در یک ارتباط متقابل قرار دارند که به دقت باید کیفیت این ارتباطات تجزیه و تحلیل شود. مسئله‌ای که بنده برای سه دهه یعنی از میان سالهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بارها در کلاسهای درس، همایش‌ها، نشست‌ها و مصاحبه‌ها عنوان کرده‌ام، این است که ما نمی‌توانیم در بعد سیاسی یک حکومت اسلامی داشته باشیم اما در بعد اقتصادی با یک نظام اقتصاد شرکتی از نوع آمریکا و نهادهای اقتصادی متناسب با آن و سازوکارهای اقتصادی که لازمه آن است کار کنیم. این دو مقوله، اساساً و به شکل بنیادین با هم ناسازگارند. این نکته را من حدود سی سال پیش در مباحثی که در حوزه علمیه داشتم تحت عنوان «اصالت وحی و تقلید از کینز» مطرح می‌کردم. سخن این بود که نمی‌شود در بعد اعتقادات و التزامات قلبی معتقد به وحی باشیم و در حوزه سیاستها و تنظیمات امور اقتصادی، از کینز و تعالیم کینز و دستورالعمل‌های اقتصاد کینزی در حالت کلی اقتصاد شرکتی سرمایه‌داری پیروی کنیم. دلیل اینکه این دو با هم سازگاری ندارند این است که اگر روابط متقابل یک نظام اقتصادی را با یک نظام سیاسی تحلیل کنیم به این نتیجه می‌رسیم که این دو باید همخوان و سازگار با هم باشند، باید مؤید و مقوم یکدیگر باشند، باید در راستای هم جلو بروند و هر دو در بستر نظام فرهنگی واحدی شکل بگیرند و آن نظام فرهنگی باید این دو را تغذیه کند و محرکها و انگیزه‌های لازم را ایجاد نماید ضمن آنکه نظامهای سیاسی و اقتصادی ضرورتاً می‌بایستی زمینه‌ساز تسهیل جریان فرهنگ باشند. متأسفانه این نکته‌ای بود که بعد از انقلاب اسلامی تقریباً در بین سیاستگذاران و دولتمردان ما مغفول ماند و توجه صرفاً بر تحکیم نظام سیاسی و افزایش قدرت نظامی کشور متمرکز شد و

ایجاد و فضای اقتصادی متناسب با نظام سیاسی و فرهنگ اسلامی به سدت فراموشی سپرده شد و به دنبال نسخه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و کپی‌برداری از الگوهای اقتصادی متعارف در کشورهای سرمایه‌داری رفتند.

بدین ترتیب، شرایط مناسبی برای نظام استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا به وجود آمد که با برنامه‌ریزی دقیق تخریبی در حوزه مسائل اقتصادی وارد شوند. زیرا که فضای اقتصادی ما هماهنگی خودش را با نظام سیاسی کشور کاملاً از دست داده است و جالب این است که اکنون ما در این فضا دنبال راهکار می‌گردیم. اقتصاد مقاومتی برای مواجهه با چنین مسائلی مطرح شده است. از این دیدگاه که بنگریم، باید مفهوم‌سازی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاریها و راهکارهایش، نظام‌سازیها، الگوسازیها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی را در حول این محور که اقتصاد مقاومتی می‌بایستی مقوم نظام سیاسی باشد، هدایت کنیم.

با توجه به اینکه نظام سیاسی ما در بستر مبارزه با نظام استکبار جهانی توسعه یافته است و جنگ تحمیلی نمونه بارزی از این مبارزه است، لذا درگیری دائمی سیاسی و اقتصادی با آمریکا و بطور کلی با نظام سرمایه‌داری داریم که اکنون به صورت سرمایه‌داری جهانی درآمده است. از این رو اقتصاد مقاومتی طبعاً می‌بایست پدیده‌ای باشد که در بستر مبارزه دائمی علیه نظام سلطه اقتصادی تعریف، الگوسازی و سیاست‌گذاری شود و توسعه یابد. اقتصاد مقاومتی، به هیچ وجه یک حرکت موقتی نیست، چرا که اگر قبول کنیم تفکر اسلامی در یک مبارزه دائمی با تفکر غیراسلامی است، نظام اسلامی به لحاظ سیاسی با آنچه دلالت حکومت‌های سلطه‌گر دنیاست مبنائاً ناسازگار است. منطقی‌اً از همان بدو انقلاب اسلامی می‌بایستی اقتصاد مقاومتی را مطرح می‌کردیم. ما در این جریان، یک تأخیر ۳۰ ساله داریم. اگر اقتصاد مقاومتی و مفاهیمش را در همان سالهای نخستین انقلاب اسلامی مطرح کرده بودیم در آن صورت بعد از خاتمه جنگ تحمیلی، اولین اقدام برخی دولتمردان و

مدیران ارشد، به این بهانه که مردم خسته شده‌اند، راه‌اندازی نمایشگاه گل و گیاه یا سردادن شعارهای یک اقتصاد گل و بلبل‌ی نبود. این اساساً با نظام سیاسی ما سازگاری ندارد.

بنابراین باز به ضرورت هماهنگی دو نظام اقتصادی و سیاسی در بستر نظام فرهنگ اسلامی برمی‌گردیم که اقتصاد مقاومتی باید در چنین فضایی شکل بگیرد. از این رو، اقتصاد مقاومتی ضرورتاً مبتنی بر برنامه‌های راهبردی است، حتماً باید استراتژیک اندیشید چرا که در فضای مبارزه هستیم و این مبارزه دائمی است پس باید آینده‌نگری داشته باشیم. دو ویژگی راهبردی و آینده‌نگری از مختصات اصلی اقتصاد مقاومتی است. از این دیدگاه، اقتصاد مقاومتی نقطه اثر و کانون منظومه‌ای از رویکردهای اقتصادی می‌شود که عمدتاً توسط مقام معظم رهبری در چند سال اخیر مطرح شده است و آقایان دکتر قوامی و دکتر میرمعزی به زیبایی به این مسئله اشاره کردند. از این دیدگاه می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی لازم و ملزوم همان رویکرد جهاد اقتصادی است. تفکر اقتصاد مقاومتی، تفکر جهادی می‌خواهد. با رویکرد برخی مدیران اقتصادی کشور که نیم‌نگاهی به نتایج مثبت مذاکرات هسته‌ای کشور در آینده دارند و امیدوارند این تحریمها به زودی لغو شود تا مسائل و مشکلات اقتصادی کشور نیز حل شود، اساساً سازگاری ندارد. اگر مسائل ما با آمریکا که چنین مواضع خصمانه‌ای علیه ما اتخاذ کرده بخواهد حل شود، مسلم بدانید که برخی معیارهای ارزشی و اسلامی نادیده گرفته شده است. این یک مبارزه دائمی است و تا جایی پیش می‌رود که نظامهای سلطه‌گر حقیقتاً ایدئولوژیهای الهی را و در رأس به ارزشها و نظام اسلامی احترام بگذارند، در غیر اینصورت، این جریان ادامه خواهد داشت. از این رو، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، همه یک منظومه‌ای را

تشکیل داده است که نقطه اثر و کانونش هم‌اکنون به صورت اقتصاد مقاومتی ظاهر شده است.

به نظر بنده، برخی مختصات و ویژگیهای اقتصاد مقاومتی در عمل را می‌توان با تحلیل ماهیت و سازوکار تحریم‌ها معلوم کرد. باید این مسئله را در نظر بگیریم که دشمنان نظام اسلامی با چه حربه‌ای و به چه نحوی حمله اقتصادی می‌کنند تا بتوانیم مختصات اقتصاد مقاومتی را در مقابله با این حملات تعریف کنیم. نقاط ضعف اقتصاد ملی به ویژه نقاط ضعف ساختاری اقتصاد ملی مانند وابستگی تاریخی به درآمدهای نفتی، وجود کلان‌شهرهای بزرگی همچون تهران که مانند بمب ساعت‌شمار کار می‌کند و فرهنگ مصرف‌زدگی، همه و همه بسترهای مناسبی را برای تسهیل این تهاجمات اقتصادی علیه ما فراهم می‌کند. از سوی دیگر، نقاط قوت خود را هم باید به دقت بسنجیم تا معلوم شود تکیه‌گاههای اقتصاد مقاومتی چیست و سپس براساس این تحلیلها، مجموعه‌ای از سیاستهای کارآمد را بتوانیم تعریف کنیم. مسئله بعد، سیاستهای اقتصادی دولت است، هم در بعد اقتصاد ملی، هم در روابط منطقه‌ای و هم در تعاملات جهانی. نتایجی که از سیاستهای دولتی بدست می‌آید بر ساختار اقتصاد ملی و بر رابطه اقتصاد ملی با اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی تأثیر می‌گذارد که این امر نیز به نوبه خود مختصات اقتصاد مقاومتی را تعیین می‌کند. شناسایی نیروهای حفظ تعادل در نظام اقتصاد ملی نیز از عوامل کلیدی در طرح‌ریزی اقتصاد مقاومتی است. وقتی که همه این عوامل را همزمان بسنجیم، می‌توانیم ویژگیهای اقتصاد مقاومتی را به لحاظ نظری تعریف کنیم تا در مرحله بعد بتوانیم وارد حوزه سیاستگذاری شویم.

مسئله بسیار مهم دیگری که باید در تحلیل نظری اقتصاد مقاومتی در نظر داشت مقوله انگیزه‌ها و محرکهاست. نظام انگیزه‌ها بسیار مهم است. گاهی این پرسش مطرح می‌شود که آستانه مقاومت ملی در اقتصاد مقاومتی کجاست؟ در سالهای

نخستین انقلاب اسلامی و به ویژه بعد از شروع جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران، چه فداکاریها که انجام نشد. پرسشی که هم‌اکنون مطرح می‌شود این است که آستانه مقاومت ملی در اقتصاد مقاومتی را چگونه می‌توان تعیین کرد. به عبارت دیگر، اگر جنگ تحمیلی عامل وحدت، یکپارچگی، اتفاق و توان‌فزایی برای مقابله با استکبار جهانی بود، آیا تحریمها و ایجاد تنگناهای اقتصادی باعث تفرقه نمی‌شود؟ در اینجا بحث انگیزه‌ها و محرکها مطرح می‌شود که نقش کلیدی در اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند. به نظر من، بستر شکل‌گیری نظام انگیزه‌ها در اقتصاد مقاومتی، فضای عدالت اجتماعی و اقتصادی است. به همین دلیل است که باید توجه زیادی به مقوله عدالت شود، اما نه توجهی که صرفاً محدود به رویکردهای فلسفی باشد بلکه ثمره و مصادیقش را مردم می‌بایستی احساس کنند. هر چه تبلور و ظهور این عدالت را مردم بیشتر ببینند، آستانه مقاومت بالاتر می‌رود. اگر هم نبینند، آستانه مقاومت پایین می‌آید. مردم کشور ما، آماده همه نوع فداکاریها هستند به شرط آنکه حوزه اقتصاد، عدالت اقتصادی و اجتماعی را به وضوح رؤیت کنند. این عدالت اقتصادی و اجتماعی در همه حوزه‌ها اعم از خانوارها، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان، شبکه بانکی، سیاستهای پولی و مالی، بازار پول، بازار سرمایه و نظایر آن باید ظهور کند و مردم آن را حقیقتاً احساس کنند و ببینند. اگر انگیزه‌ها در بستر عدالت اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد، موتور و نیروی محرکه اقتصاد مقاومتی کجاست؟ به نظر من، موتور محرکه اقتصاد مقاومتی ارزشها، آموزه‌ها و رویکردهای اسلامی است که حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای دکتر میرمعزی به درستی به آن کردند.

سؤال کلیدی این است که مدیریت اجرایی الگوی اقتصاد مقاومتی با کیست؟ از نظر من، نقش اصلی را دولت باید ایفا کند. شروع کار بایستی مدیریت انگیزه‌ها باشد. مدیریت نظام انگیزه‌ها باید در راستای استمرار، تحکیم و تعمیق اقتصاد مقاومتی باشد. این انگیزه‌ها در همه حوزه‌های اقتصادی از بانک و بیمه و

سرمایه‌گذاری گرفته تا تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و توزیع‌کنندگان مطرح است. از این دیدگاه، الگوهای نظری اقتصاد مقاومتی اساساً نمی‌تواند متخذ از اقتصاد سرمایه‌داری باشد که مبتنی بر تکاثر سرمایه و رشد بیشتر برای تکاثر بیشتر است. در تمامی این حوزه‌ها، نخست باید از قلمرو دولت و سیاستهای دولتی آغاز کنیم به نحوی که این سیاستها به سمتی باشد که بخش خصوصی ملهم از رفتار دولت باشد. فکر نمی‌کنم در مقوله اقتصاد مقاومتی، بتوانیم به جایی برسیم که رفتار اقتصادی توده‌های مردم همانند رفتارشان در جنگ تحمیلی و سالهای نخستین انقلاب اسلامی باشد. به عبارت دیگر، آنچنان که جوانها، دسته دسته برای شهادت می‌جنگیدند، بعید می‌دانم بتوانیم به لحاظ نظری، الگویی را تعریف کنیم که تولیدکنندگان ما دسته دسته برای خاطر خدا و نه سود تولید کنند و خانوارها هم در حالت کلی، دسته دسته به خاطر حفظ دین و نظام ارزشی خود و نه تمتع از مادیات، الگوی مصرف خود را تغییر دهند و شبکه‌های بانکی و مالی نیز به همین نحو. به نظر می‌رسد آنچه باید وقوع آن را انتظار داشته باشیم این است که سیاستهای صحیح دولتی بتواند رفتار بخش خصوصی را تحت تأثیر خود قرار بدهد و ضوابط و مقررات بتواند رفتار تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و نهادهای پولی و مالی کشور را به نحو صحیح هدایت و مدیریت کند. برای نمونه، هر روز شاهد هستیم که چگونه افراد در اتوبان‌ها رانندگی کنند، سبقت غیرمجاز می‌گیرند، گاهی به یکدیگر اهانت می‌کنند و نظایر آن. اما هر طور که رانندگی بکنند، بالاخره به جایی می‌رسند که مسیر اتوبان تعیین کرده است. به عبارت دیگر، مهندسی ترافیک، این اتوبان را چنان ساخته که مثلاً از نقطه الف به نقطه ب می‌رسد. مهم نیست که رانندگان چطور رانندگی می‌کنند، مهم این است که آن جاده چطور ساخته شده است و رانندگان را به مقصد طراحی شده هدایت می‌کند. دولت باید همین نقش مسیر و سمت و سو و جهت اتوبان را ایفا کند. در اقتصاد مقاومتی انگیزه سود در سازوکار تولید نمی‌تواند از بین

برود. وقتی که می‌گوییم اقتصاد اسلامی، اقتصاد شرکتی آمریکایی نیست، منظور این نیست که مردم برای سود تولید نکنند یا مردم برای بهره‌مندی از مادیات مصرف نکنند. در اقتصاد مقاومتی و در اقتصاد اسلامی، اصل حداکثر کردن سود آنچنان که در اقتصاد شرکتی سرمایه‌داری مبنای نظام است، نمی‌تواند مبنای تنظیم امور اقتصادی باشد. جاده اقتصادی را دولت اسلامی بر مبنای تکاثر سرمایه و معیار حداکثرسازی سود نمی‌سازد اما افراد می‌توانند در درون این اتوبان به هر نحوی که می‌خواهند حرکت کنند البته مادامی که از ضوابط و ارزشهای اسلامی تخطی نکنند. البته فراموش نکنیم که تخطی نکردن از ضوابط و ارزشهای اسلامی مطلقاً به معنای اسلامی شدن نظام نیست. چه بسا رفتار اجزاء یک نظام می‌تواند هر یک منطبق بر معیارها و موازین اسلامی باشد اما وحدت ترکیبی این اجزاء که همان خصلت کلی نظام است اسلامی نباشد.

از این رو، به لحاظ نظری تحلیل اقتصاد مقاومتی بسیار مشکل‌تر از تحلیل اقتصاد متعارف است بویژه آنکه این اقتصاد مقاومتی را باید در فضای اقتصادی بسیار آسیب‌پذیر فعلی بسازیم که این امر را مشکل‌تر می‌کند. البته در سالهای نخستین انقلاب اسلامی هم مشکل بود زیرا که وابسته به نفت بودیم اما الان کار به مراتب مشکل‌تر شده است. به عبارت دیگر، مقوله تأسیس اقتصاد مقاومتی مثل این است که بخواهند بجای ساختمانی که قدمت ۵۰ ساله دارد، یک برج ۲۰ طبقه بسیار محکم و مقاوم در برابر زلزله بسازند اما بدون آنکه اجازه داشته باشند این ساختمان قدیمی را کاملاً تخریب کنند. اقتصاد کشور را نمی‌توانیم کاملاً تخریب کنیم، نمی‌توان گفت که ابتدا همه چیز را خراب کنیم و بعد یک اقتصاد مقاومتی مبتنی بر ارزشها و آموزه‌های اسلامی بسازیم. به همین دلیل به لحاظ نظری طراحی اقتصاد مقاومتی بسیار مشکل است. در مهندسی ساختمان، نمی‌توان از یک مهندس خواست که بدون تخریب یک ساختمان قدیمی، یک برج ۲۰ طبقه مقاوم بسازد اما در اقتصاد ما

باید بتوانیم این کار را انجام دهیم. از کجا شروع کنیم؟ کدام دیوار اقتصادی را خراب کنیم و قبل از خراب کردن آن، کدام ستون را در کجا بسازیم؟ نمی‌توانیم به اقتصاد ملی هجوم ببریم و همه چیز را تخریب کنیم زیرا که در آن صورت همه با هم فرو می‌ریزد و از اقتصاد و نظام چیزی باقی نمی‌ماند. پس باید به دقت، الگوی تخریب و الگوی سازندگی را محاسبه کنیم که البته کار بسیار مشکل و پیچیده‌ای است.

خلاصه آنکه اقتصاد مقاومتی در بستر مبارزه با تحریم‌ها و تعرضات اقتصادی که هم‌اکنون عمدتاً از ناحیه آمریکا صادر می‌شود، شکل می‌گیرد و آثار و پیامدهای آن تابعی از ویژگیهای اقتصاد ملی به لحاظ نقاط ضعف و قوت ساختاری آن است. همچنین سیاستهای دولتی در مدیریت نظام اقتصاد ملی و درجه تناسب این سیاستها با کمیت و کیفیت و جهت تعرض و تحریم‌های اقتصادی از عوامل مؤثر در طراحی اقتصاد مقاومتی است. پویایی اقتصاد مقاومتی تابعی از کیفیت روابط متقابل سه نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، بدین معنا که می‌بایستی مبتنی بر فرهنگ جهاد اقتصادی و متکی بر ارزشها و آموزه‌های اسلامی باشد ضمن آنکه ضروری است که مقوم نظام سیاسی نیز باشد و لذا سیاستهای اقتصادی در سطح کلان می‌بایستی با توجه به این ملاحظات و با رویکرد راهبردی و آینده‌نگری شکل بگیرد. با توجه به ضیق وقت، متأسفانه نمی‌توانیم از نظرات اعضای محترم نشست در دور دوم استفاده کنیم و لذا از حضار محترم تقاضا می‌کنم سؤالات خود را مطرح کنند.

پرسشها

دکتر درخشان

پرسشهایی که حضار محترم مطرح کردند به شرح ذیل جمع‌بندی می‌شود:

۱. چرا به جای اقتصاد مقاومتی، بر مسئله فرهنگ و اصلاحات فرهنگی تمرکز

نمی‌شود؟

۲. چرا این روزها از برنامه‌های ۵ ساله و سند چشم‌انداز صحبت زیادی نیست

و همه توجهات صرفاً به اقتصاد مقاومتی معطوف شده است؟

۳. چرا از نظریات و سیاستهای اقتصاد توسعه در مقوله اقتصاد مقاومتی استفاده

نمی‌کنید؟

۴. چگونه می‌توان سرمایه اجتماعی را در کشور بالا برد و نقش نهادهای

حقوقی، مدنی، سیاسی و اجتماعی در اقتصاد مقاومتی چیست؟

علاوه بر چهار پرسش کلیدی فوق‌الذکر، سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح شد که

اعضای محترم نشست لطفاً به آنها نیز پردازند.

دکتر دانش جعفری

در مورد اینکه چه رابطه‌ای بین اقتصاد مقاومتی و برنامه ۵ ساله و سند چشم‌انداز

وجود دارد، به نظر من همانطور که در مستندات برنامه ۵ ساله و سند چشم‌انداز بیان

شده، حرکتی را شروع کرده بودیم و اهدافی هم برای این حرکت در برنامه‌های ۵

ساله و سند چشم‌انداز تدوین شده بود و این امر در زمانی اتفاق افتاده بود که

درآمدهای ما تحت تأثیر تحریم‌ها قرار نگرفته بود. به عبارت دیگر، برنامه‌ریزیهای

اقتصادی ما، تحت تأثیر تحریم‌ها قرار نمی‌گرفت. اما اکنون که تحریمها در سطح

گسترده‌ای مطرح شده است، نیازمند این هستیم که یک بازنگری در اهداف برنامه و

همچنین رویکردهایی که در برنامه چشم‌انداز داشتیم، انجام دهیم اما در نهایت باید

به همان هدفها برسیم. در واقع، نباید برنامه‌های اقتصادی خود را بخاطر تاکتیک‌هایی

که دشمن اتخاذ کرده تعطیل کنیم، بلکه صرفاً رویکردها و راهبردهایی که اتخاذ می‌کنیم باید متفاوت باشد.

فکر می‌کنید در شرایط فعلی، جنگ لفظی بین چین و آمریکا در مورد نرخ برابری ارز بر سر چیست؟ آمریکا می‌گوید که از نظر او، یک دلار باید در حد دو یوان باشد اما چینی‌ها می‌گویند که یک دلار را معادل ۶ یوان می‌دانند. به عبارت دیگر، آمریکا می‌خواهد کاری بکند که پول ملی چین گرانتر شود، قضیه‌ای که اکنون در ایران عکس آن اتفاق افتاده است. در حقیقت آمریکا می‌خواهد با گران کردن ارزش پول چین، قدرت صادرات ارزان چین به کشورهای دیگر را از بین ببرد. همین مسئله در ارتباط با رویدادهای اخیر ارزی در ایران مطرح می‌شود. اگر بتوانیم از ظرفیتی که بوجود آمده در جهت افزایش صادرات استفاده کنیم، می‌توانیم این تهدید را تبدیل به فرصت کنیم. یعنی عکس آن چیزی که اکنون بین چین و آمریکا روی داده است. در مورد ژاپن هم چند سال پیش همین اتفاق افتاد. زمانی بود که شاید یک دلار آمریکا در حد ۳۰۰ ین هم معامله می‌شد. اما الان به حدود ۷۰ ین رسیده یعنی پول ژاپن آنقدر گران شد که صادرات ژاپن را تحت تأثیر قرار داد.

در مورد نفت ما هم، ممکن است که به کمک تحریم‌ها بتوانند بخشی از صادرات نفتی ما را متوقف کنند یا موانعی بوجود آورند ولی نکته مهم این است که با رشد صنعتی در اقتصاد ملی طبعاً در شرایطی خواهیم بود که خودمان کمبود نفت هم خواهیم داشت. مثلاً اندونزی کشوری بود که از اولین بنیانگذاران اوپک بود و جزء صادرکنندگان نفت محسوب می‌شد، اما الان اندونزی با صنعتی شدن تبدیل به واردکننده نفت شده است. لذا اگر سیاستمان را تغییر بدهیم و بجای صدور نفت خام بتوانیم در داخل چرخه‌هایی را بوجود بیاوریم که این نفت را مصرف کنیم دیگر نگرانی در مورد صادرات نفت یا تحریم‌هایی که مربوط به نفت است نخواهیم

داشت. چرا که یک بار در دوره مصدق این مشکل را دیدیم و بار دیگر در جنگ تحمیلی شاهد آن بودیم. بنابراین اگر ما بتوانیم چرخه نفت را داخلی کنیم می‌توانیم اقتصاد خود را به نحوی مقاوم‌سازی و واکنش‌پذیر کنیم.

اهداف می‌توانند همان اهدافی باشند که وجود دارند اما در چرخه‌هایی که الان وجود دارد، می‌بایست تجدید نظر کنیم. باید از وابستگی‌هایی که وجود دارد، پرهیز کنیم اما اقتصاد شکوفا داشته باشیم به گونه‌ای که خودمان بتوانیم تصمیم بگیریم و راهبردها را تعیین کنیم. در هر صورت دشمن با این اقدامات همچون جنگ تحمیلی، در مورد چشم‌انداز و برنامه ۵ ساله اختلال ایجاد کرده است. پس باید تغییراتی در برنامه خود بدهیم تا بتوانیم حرکت خودمان را برای رسیدن به اهداف مورد نظر ادامه دهیم.

دکتر قوامی

این دیدگاه که در مورد فرهنگ، سرمایه‌گذاری و کار فکری یا اعلام موضعی نمی‌شود، قابل قبول نیست. مقام معظم رهبری حدود ۲۰ سال پیش موضوع تهاجم فرهنگی را مطرح کردند و از همان زمان هم پیوسته تأکید بر این بوده است که مسئله فرهنگ در حوزه‌های مختلف مورد توجه دقیق مسئولان باشد. اما دلیل اینکه چرا امروزه اقتصاد مقاومتی مطرح شده این است که اکنون تمرکز کشورهای متخاصم بر روی اقتصاد ملی است و عملاً هم در جاهای مختلف موانع شدید اقتصادی ایجاد کرده‌اند و تا زمانی که اقتصاد مقاومتی به درستی تعریف و اجرا نشود، صحبت از فرهنگ صرفاً آن اثرگذاری مطلوب را نخواهد داشت، یعنی حداقل نمی‌تواند متوسط و عموم جامعه را دربر گیرد. به این دلیل است که در حال حاضر، روی بحث‌های اولیه فرهنگی یعنی الگو سازی و فرهنگ سازی برای تقویت

کل نظام اقتصادی بحث‌ها متمرکز شده‌اند که این تمرکز بر مسائل اقتصادی می‌تواند پشتوانه‌ای برای تقویت فرهنگی هم باشد.

حجت‌السلام والمسلمین دکتر عیسوی

محورهایی که یک جامعه براساس آن حرکت می‌کند سه محور اساسی است: فرهنگ، سیاست و اقتصاد. تعامل این سه با هم وضعیت یک جامعه را تعیین می‌کند و آینده آن را رقم می‌زند. این سه مفهوم، مقوم یکدیگر هستند یعنی یک تعاملی بین این سه وجود دارد به طوری که هیچ‌وقت نمی‌توانیم فرهنگ را از سیاست یا از اقتصاد جدا بدانیم. بنابراین یکی از پیش‌شرط‌های شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی در جامعه، توجه به مقوله‌های فرهنگی مرتبط با اقتصاد مقاومتی است. بنابر گفته‌های قبلی خودم، هر چقدر جامعه ما با آموزه‌های اسلامی، عجین‌تر باشد به همان نسبت امکان شکل‌دهی اقتصاد مقاومتی در جامعه بیشتر خواهد بود و امکان توفیق آن افزایش خواهد یافت. هرچه به سمت فرهنگ غیراسلامی سوق پیدا کنیم، به همان نسبت هم از توفیق در عرصه اقتصاد فاصله می‌گیریم.

اگر نتوانیم مسائلی مانند فرهنگ کار، پرهیز از لقمه حرام و نظایر آن را در جامعه نهادینه کنیم، نباید توقع داشته باشیم که نوسانات و ناهنجاریهای اقتصادی پیش نیاید. در حوزه‌هایی که سود عده‌ای تحریک می‌شود، هجوم به آنجا افزایش می‌یابد و از این حیث، اقتصاد مقاومتی می‌تواند شکست بخورد. پس توجه به مباحث اقتصادی به هیچ وجه نباید به مفهوم غفلت از مقوله‌های فرهنگی باشد. این اتفاق را بارها از سوی دولت‌ها در طول این چند سال تجربه کرده‌ایم و نتایج سوء آن را هم دیده‌ایم. پس باید در پیش‌شرط‌های دستیابی به الگوی موفق اقتصاد مقاومتی به مقوله‌های فرهنگی خصوصاً فرهنگ برخاسته از آموزه‌های اسلامی در حوزه‌های مرتبط با اقتصاد مقاومتی توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

حجت‌السلام والمسلمین علیزاده

در مورد این پرسش که آیا می‌توان اقتصاد مقاومتی را با رویکرد توسعه بررسی کرد، باید گفت بله البته به تعریف شما بستگی دارد. به نظر می‌رسد علاوه بر رویکرد توسعه با نگاه خاصی که آن را جهان شمول نمی‌داند، حتی در قالب مدل‌های رشد درون‌زا نیز می‌توان عوامل و الزامات یک اقتصاد مقاومتی را مورد بررسی قرار داد. بخصوص که در مطالعات مربوط، عوامل کیفی مثل انباشت دانش، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و حتی مذهب نیز در قالب چارچوب رشد اقتصادی بحث شده است.

در مورد این پرسش که اگر اقتصاد مقاومتی همان ریاضت اقتصادی است، آنگاه سیاست‌های کوتاه مدت اقتصاد مقاومتی چه تفاوتی با سیاست‌های بلند مدت دارد، باید گفت که در بحث مفهوم‌پردازی گفته شد که اقتصاد مقاومتی ریاضت اقتصادی نیست بلکه مثل هر شاخه دیگری از علوم اقتصادی، دارای مبانی، اصول، راهبرد و سیاست‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت است و بدیهی است که این سیاستها، مبانی و اهداف مشترکی دارند. اما طبق تعریف سیاست‌های کوتاه‌مدت، در وضعیتی است که امکان تغییر تمام عوامل نباشد.

در مورد این پرسش که پرسیدند آیا اقتصاد مقاومتی یک رویکرد سیاسی است که در جواب عرض می‌کنم خیر یک رویکرد سیاسی نیست گرچه در اقتصاد سیاسی نیز قابل بحث است. چرا که اقتصاد مقاومتی دارای مبانی، اهداف اصول و راهبردهایی است که برای تحقق اهداف آن، سیاست‌های خاص اقتصادی در یک بسته هماهنگ با اهداف سیاسی نظام به اجرا درمی‌آید.

پرسیده شده است که در رویکرد متعارف توسعه، پدیده اقتصاد مقاومتی را نمی‌توان ملاحظه کرد. به نظر بنده در مدل‌های رشد درون‌زا این مقوله وجود دارد. عوامل کیفی مانند انباشت دانش، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، مسائل سیاسی و

حتی مذهب هم در نظریات توسعه وارد شده است که البته توسعه جهان‌شمول نیست، یعنی جغرافیا، فرهنگ، آیین، آداب و رسوم آن کشور را در نظر می‌گیرد. در پرسش دیگر که گفتند اگر اقتصاد مقاومتی همان ریاضت اقتصادی است آنگاه سیاست کوتاه‌مدت اقتصاد مقاومتی چه تفاوتی با سیاستهای بلندمدت دارد، عرض می‌کنم که اینها چون مبانی مشترکی دارند، در یک راستا هستند، ضمن اینکه ما ریاضت اقتصادی تنها را هم نپذیرفتیم.

پرسیدند که آیا اقتصاد مقاومتی کوتاه‌مدت است که پاسخ دادیم خیر، بلندمدت است و نه متعلق به یک مقطع زمانی.

پرسیدند چرا از یک منتقد اقتصاد مقاومتی در نشست استفاده نشده است، به نظر من پس از پایان نشست‌ها قضاوت خواهید کرد ضمن آنکه این مورد هم نفی نمی‌شود.

پرسیدند که آیا اقتصاد مقاومتی پیشینه دارد یا نه و گفتیم که اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در شرایط تهدید و تحریم قرار دارد، به هر اسمی که در کشورهای دیگر ممکن است وجود داشته باشد.

پرسیدند آیا اقتصاد مقاومتی یک رویکرد سیاسی است که گفته می‌شود خیر، زیرا این رویکردها محیط، فضا و مبانی خاص اقتصادی خود را می‌طلبند و تنها یک راهبرد سیاسی نمی‌تواند باشد.

دکتر درخشان

سؤالی مطرح شد در مورد جایگاهی که اقتصاد توسعه متعارف در اقتصاد رقابتی دارد و چگونگی استفاده از نظریات و سیاستهای رایج در اقتصاد توسعه برای طراحی اقتصاد مقاومتی. نکته‌ای در این خصوص به نظر می‌رسد که به اختصار عرض می‌کنم. اگر بحث خود را به نظریات رشد و توسعه اقتصادی جدید محدود کنیم که

بعد از جنگ جهانی دوم و عمدتاً بعد از انقلاب کینزی مطرح شد می‌توان با اطمینان خاطر این نکته را بیان کرد که در تمام نظریات مطرح شده در حوزه رشد و توسعه اقتصادی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه مغیر اصلی رشد و توسعه اقتصادی است. مبنای همه مدل‌های رشد اقتصادی که در این دوره ساخته شده است، از مدل‌های هارود-دومار و سولو گرفته تا مدل‌های سوان و اوزاوا، و صورت‌های پیشرفته‌تر این مدل‌ها که بعداً در تحقیقات ساموئلسون و پیروان او ملاحظه می‌شود، چیزی جز تکاثر سرمایه نیست. در چنین چارچوبی، طبعاً سرمایه‌گذاری نقش درجه اول را در رشد اقتصادی ایفا می‌کند و لذا کشورهای توسعه‌نیافته که فاقد سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری هستند نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی خواهند بود. در واقع، تنگناهای رشد و توسعه اقتصادی همواره از زاویه دید کمبود سرمایه تحلیل می‌شد. البته در این فرصت کوتاه، مجال ورود به تفاوت‌هایی که بین رشد و توسعه اقتصادی به لحاظ نظری وجود دارد، نیست و صرفاً به کلیات و اصول موضوعه بحث اکتفا می‌کنیم. بدیهی است تکاثر سرمایه به مثابه مبنای نظریات و سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی از یک سو و درصد افزایش تولید ناخالص داخلی به مثابه شاخص رشد اقتصادی (البته به معنای شاخص صرفاً کمی و بدون ملاحظه کیفیت و آثار فرهنگی این تولیدات و خدمات و تأثیری که بر روابط انسانی خواهد داشت) با آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی ناسازگار است و لذا نمی‌تواند جایگاهی در اقتصاد مقاومتی داشته باشد.

اگر بخواهیم داستان طولانی رشد و توسعه اقتصادی را از دیدگاه نظریات و سیاست‌های اقتصادی خلاصه کنیم می‌توان گفت که بعد از تحولات و پیشرفت‌های نظری در مقاطع مختلف زمانی، به این نتیجه رسیدند که هدف رشد و توسعه اقتصادی می‌بایستی انسان و توسعه ظرفیتهای انسانی باشد. از این رو، نظریات توسعه انسانی را مطرح کردند و شاخص‌های دیگری مانند بهداشت، آموزش، طول عمر و

توزیع درآمد را نیز به شاخص تولید ناخالص داخلی اضافه کردند و هم اکنون سالیانه شاخص توسعه انسانی یا HDI را منتشر می‌کنند و سطوح توسعه‌یافتگی کشورهای جهان را جدا از دیدگاه‌های ارزشی آنان، صرفاً براساس همین شاخص طبقه‌بندی می‌کنند.

آماریتا سن اقتصاددان معروف هندی و برنده جایزه نوبل اقتصاد، خدمات زیادی در این راستا انجام داده است و شاخص معروف سن را برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی مطرح کرده است که در آن توزیع درآمد، و نه فقط رشد درآمد، از عوامل اصلی در اندازه‌گیری رشد اقتصادی است زیرا اگر توزیع درآمد بهبودی را نشان ندهد چه فایده که تولید ناخالص داخلی رشد کند. نظریه «توانمندی» آماریتا سن نیز در همین رابطه شکل گرفته است زیرا که وی معتقد است هدف از رشد و توسعه اقتصادی همانا توانمند شدن انسان برای تأمین اهداف خویش است.

این مباحث، مغالطه‌ای بیش نیست. چون فرصت بسیار کم است فقط به دو دلیل اکتفا می‌کنم. دلیل اول این است که توجه به انسان در نظریات جدید رشد و توسعه اقتصادی به معنای اصالت انسان در این نظام اقتصادی نیست بلکه در نظام سرمایه‌داری، مبنای هم‌چنان اصالت سرمایه به صورت تکاثر سرمایه پابرجاست. بنابراین، توجه بیشتر به انسان در فرآیند تولید کالا و خدمات صرفاً برای جلوگیری از ایجاد بحرانهای کارگری و یا استفاده بهینه و کارا از نیروی انسانی در نظام تولیدی است و این حمایتها و توجهات به انسان تا جایی پیش می‌رود که حفظ و استقرار و پایداری اصل تکاثر سرمایه اقتضای آن را دارد. در واقع، در نظام سرمایه‌داری همواره اصالت با سرمایه است و نه انسان. بحران بزرگ مالی و اقتصادی سال ۲۰۰۸ میلادی که هنوز هم ادامه دارد و تا چند سال بعد نیز آثار مخرب آن همچنان استمرار خواهد یافت شاهی بر این مدعاست. بعد از ظهور این بحران، همه سیاستها و راهکارهای پیشنهادی برای مقابله با این بحران در حول محور «نجات سرمایه»

متمرکز شد، هدف این بود که شرکتهای بزرگ مالی را از خطر ورشکستگی نجات دهند. نجات انسانها و خانوارها کلاً به دست فراموشی سپرده شد. به بیان دیگر، برای نجات سرمایه، انسانها می‌بایستی قربانی شوند و همینطور هم شد و تا به امروز نیز این روند ادامه دارد. میلیونها نفر بیکار در آمریکا و اروپا، سیاستهای ریاضت اقتصادی، فشار فزاینده بر طبقات محروم در اکثر کشورهای اروپایی و سرکوب شدید تظاهرات و اعتراضات مردمی به این سیاستهای خشن اقتصادی همه و همه نمونه‌های بارزی از قربانی شدن انسانها برای حفظ و نجات سرمایه است. آیا این همه، حاصل الگوهای رشد و توسعه اقتصادی است که بر مبنای توسعه واقعی انسانی شکل گرفته است؟ چه الگوی توسعه انسانی که انسان را قربانی سرمایه می‌کند؟

دلیل دوم این است که وقتی می‌گویند توسعه انسانی اساس و زیربنای الگوهای رشد و توسعه اقتصادی است سؤال می‌کنیم که اگر قرار است انسان توسعه یابد آنگاه سمت و سوی این مسیر توسعه به کجاست؟ آیا می‌توان تصور کرد که توسعه انسانی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری به جایی خواهد رسید که به مقابله با نظام سیاسی حاکم بر کشورهای سرمایه‌داری برخیزد؟ قطعاً چنین تصویری باطل خواهد بود زیرا نظام اقتصادی بایستی با نظام سیاسی هماهنگ و سازگار باشد. نظام اقتصادی نمی‌تواند در مسیری رشد و توسعه پیدا کند که توسعه انسانی منجر به تزلزل و نهایتاً سقوط آن نظام سیاسی شود. از این رو، یا بحث توسعه انسانی در الگوهای رشد و توسعه اقتصادی مغالطه‌ای بیش نیست یا آنکه می‌گویند منظور از توسعه انسانی همین است که طول عمر انسانها بیشتر شود، آموزش و بهداشت کافی داشته باشند و از امکانات بیشتر و بهتر مادی برخوردار شوند اما همین انسانهای توسعه یافته نمی‌بایستی کاری به نظامهای سیاسی، ایدئولوژیها، نظامهای ارزشی، دلایل توسعه نظام سلطه در کشورهای در حال توسعه و نظایر آن داشته باشند. در این صورت می‌گوییم که توسعه انسانی در این مفهوم، چیزی جز به خدمت گرفتن انسانها برای تحکیم و رشد

بیشتر نظام سرمایه‌داری نیست. تهی کردن انسان از ارزشهای انسانی چیزی جز تبدیل انسان الهی به انسان مادی نیست و لذا جایگاهی در اقتصاد رقابتی نخواهد داشت. در مجموع می‌توان گفت الگوهای رشد و توسعه اقتصادی که مبنای الهی نداشته باشند قابلیت استفاده در الگوی اقتصاد مقاومتی را نخواهند داشت. مبنای هر نظام می‌بایستی در تمام اجزاء و روبنای نظام در وجوه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و به ویژه در روابط اجتماعی و انسانی ظاهر و متبلور شود. ما نبایستی از برخی اصطلاحات و تعابیر اقتصادی چنان استفاده کنیم که مبنای ارزشی خودمان فراموش شود. این امر حکم کلی است و در همه سطوح صادق است، حتی در محاسبه شاخص تولید ناخالص ملی که ساده‌ترین شاخص در محاسبه رشد اقتصادی است. برخی تولیدات که در اقتصادهای آمریکا یا اروپا موجب افزایش تولید ناخالص داخلی است و رشد اقتصادی را نتیجه می‌دهد در محاسبه رشد در اقتصاد اسلامی بایستی با علامت منفی ظاهر شود.

به عنوان مثال، فرض کنید یک خوک ۲۰۰ کیلویی و یک جوجه ۲ کیلویی را در مقابل ما قرار داده‌اند. به لحاظ پروتئین و سایر مواد غذایی، ارزش آن خوک به مراتب بیش از آن جوجه است و لذا از نظر معیارهای اقتصادی قطعاً قیمت بسیار بالاتری را دارد. اما از دیدگاه اسلامی ارزش آن خوک صفر و حتی منفی است و لذا قیمت آن جوجه به مراتب بیشتر خواهد بود زیرا ارزشهای اسلامی به سهولت این حسابداری اقتصادی را به کلی برهم می‌زند. البته این مثال، بسیار ساده است زیرا ظهور ارزشهای اسلامی در این مثال به صورت بارزی مشاهده می‌شود. اما بصیرت کافی لازم است تا عظمت ظاهری اقتصاد آمریکا نیز شبیه بزرگی همان خوک دیده شود. وظیفه ما اقتصاددانان در طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی، مبتنی بر موازین و معیارهای اقتصاد اسلامی، این است که نسبت به مسائل و مقولات اقتصادی که علی‌الظاهر جنبه اسلامی و غیراسلامی ندارد بتوانیم با دقت نظر، پشت‌ظواهر را به

درستی بینیم و دلالت ترتیبات نهادی و سیاستگذاریهای اقتصادی را در حوزه‌های تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری، توزیع و در همه جوانب اقتصادی به دقت بررسی کنیم و لوازم بعیده آنها را به ویژه در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی بسنجیم و نسبت به اسلامی بودن یا غیراسلامی بودن آن تصمیم بگیریم.

خلاصه مطلب این است که اگر توسعه انسانی در چارچوب الگوها و نظریات جدید رشد و توسعه اقتصادی منجر به ارتقای ارزشهای اسلامی در رفتار فردی و در روابط اجتماعی نشود و مناسبات اقتصادی و سیاسی را به صورت اساسی و پایه‌ای تحت تأثیر قرار ندهد آنگاه انسان، به جای آنکه هدف توسعه باشد، ابزار توسعه است و در ردیف سایر عوامل تولید مانند سرمایه، دانش فنی، منابع طبیعی و نظایر آن در خدمت نظام سرمایه‌داری قرار می‌گیرد، نظامی که بر مبنای اصالت سرمایه عمل می‌کند و این مبنا در همه اجزاء و روتین‌های نظام از جمله در انسان و توسعه انسانی ظاهر می‌شود و انسان را ضرورتاً به صورت ابزار تولید، اما با کارایی به مراتب بیشتر، وارد مناسبات تولیدی می‌کند تا در راستای هدف نظام که رشد مادیات است خدمت کند.

با توجه به اینکه فرصت تمام شده است اجازه می‌خواهم از استادان عزیزی که در نشست حضور داشتند و مطالب ارزنده‌ای مطرح کردند و از استادان، دانشجویان و صاحب‌نظرانی که تشریف آورده‌اند و از عزیزانی که سؤالات مهمی مطرح نمودند صمیمانه سپاسگزاری کنم. با صلوات بر محمد و آل محمد ختم جلسه را اعلام می‌کنم.

بخشی از پاورپوینت آقای دکتر قوامی

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور

دلیل دوم ما که امروز کار برامان مهم است، کارآفرینی مهم است، این است که ما امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که میخواهد با فشار اقتصادی و با تحریم و با این کارهایی که شماها میدانید، سلطه‌ی اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور. هدف این است. یک کشور به این خوبی، با این همه منابع، منابع طبیعی، با این موقعیت سوق‌الجیشی، با همه‌ی امکانات، زیر‌نگین یک قدرتی در دنیا بوده؛ یک روز انگلیسها بودند، یک روز آمریکائی‌ها بودند - در واقع نظام سلطه، دستگاه سلطه، امپراتوری سلطه. حالا آمریکا یک گوشه‌ای از این امپراتوری است - اینها مسلط بودند بر این کشور؛ انقلاب دست اینها را کوتاه کرده. سلطه میخواهد برگردد به این کشور. همه‌ی این تلاشها برای این است. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای بهانه است. آن کسانی که خیال میکنند اگر ما مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا میکنند. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را مطرح میکنند، مسئله‌ی حقوق بشر را مطرح میکنند، مسائل گوناگون را مطرح میکنند، که اینها بهانه است. مسئله، مسئله‌ی فشار است، میخواهند یک ملت را به زانو در بیاورند؛ میخواهند انقلاب را زمین بزنند. یکی از کارهای مهم همین تحریم اقتصادی است. میگویند ما طرفمان ملت ایران نیست! دروغ میگویند؛ اصلاً طرف، ملت ایران است. تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار میگیریم؛ رابطه‌ی ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلاً این است. البته ملت ما را نمیشناسند؛ مثل همه‌ی موارد دیگر محاسباتشان غلط اندر غلط است. از نظر نظام سلطه، گناه

بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده. میخواهند مجازات کنند به خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، ای ملت! آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً محاسباتشان اشتباه است؛ نمیفهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند میکنند. خب، اما فشار می‌آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریمها.

ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریمها را دور میزنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت ایران و مسئولین کشور تحریمها را دور میزنند، تحریم کنندگان را ناکام میکنند؛ مثل موارد دیگری که در سالهای گذشته در زمینه‌های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. چند مورد یادتان هست لابد دیگر. حالا جوانها نمیدانند. در این ده بیست سال اخیر، از این کارها چند بار انجام دادند. این دفعه هم همین جور است. البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است تو تحریمیم. همه‌ی این کارهایی که شده است، همه‌ی این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمیتوانند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همه‌ی مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند.

استقامت در قرآن

- إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت ۳۰)
- إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (احقاف ۱۳)
- وَاللَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا (جن ۱۶)
- فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ (هود ۱۱۲ و ۱۱۳)
- فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالِكُمْ لَنَا حُجَّةٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يُجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (شوری ۱۵)

اصول و حیانی اقتصاد مقاومتی

- ۱) اصل تداوم دشمنی دشمن تا دست برداشتن شما از دین
وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا (بقره: ۲۲۰)
وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (بقره: ۱۲۰)

- ۲) اصل همبستگی مثبت ایمان، صبر و تقوی با امداد الهی
وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ يَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا

۶۴ اولین نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری

وَيَأْتُوكُمْ مِّنْ قَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (آل عمران: ۱۲۳ تا ۱۲۵)

۳) اصل نفی سبیل و لزوم استقلال
لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً (نساء: ۱۴۱)

۴) اصل لزوم بازدارندگی
وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لَكُمْ (انفال: ۶۰)

۵) اصل برتری مؤمنین و منع سستی و نگرانی
لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا
وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)

۶) اصل تلازم برکت با ایمان و تقوا
وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (اعراف: ۹۶)

۷) اصل هدایت مجاهدین و دفاع از مؤمنین
وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا
وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنكبوت: ۶۹)

بر اساس نص قرآن کریم

تأیید،

دفاع،

نصر،

رحمت،

ولایت

و نجات

منحصراً شامل مؤمنین می گردد.

محمد حسنین هیکل در کتاب «میان مطبوعات و سیاست» به ذکر جزئیاتی از جلسه‌ی ارائه‌ی گزارش کمیته‌ی ویژه‌ی کنگره‌ی آمریکا در سال ۱۹۷۴ می‌پردازد. این جلسه به ریاست سناتور چرچ، مأمور بررسی فعالیت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) تشکیل شده بود:

«از جمله نکته‌های قابل توجه در این گزارش این بود که مجله‌ی «ریدرز دایجست» که بعداً نیز با عنوان «المختار» به زبان عربی منتشر شد، در فهرست مجلاتی ذکر شده بود که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا به انتشار آن کمک کرد و عجب این بود که نخستین شماره‌ی عربی آن که در مصر چاپ شد. ارزش‌هایی که المختار ترویج می‌کرد، در دو مورد قابل توجه است: اول موفقیت بستگی به شانس دارد و بر حسب اتفاق به دست می‌آید. دوم این که عدالت اجتماعی مرهون گرم‌کسانی است که حاضر به دادن اعانه و نیکوکاری باشند.»

انستیتو سیاست خاورمیانه که مقر آن در واشنگتن است در گزارشی که از نتایج مطالعات سال ۲۰۰۰ خود منتشر کرده، تأکید نموده است: «صادرات کالاهای

مصرفی به ایران باید از سر گرفته شود. این کار باعث کم شدن ارز خارجی موجود در ایران خواهد شد.»

آنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلیس در رژیم پهلوی در کتاب خود با عنوان «غرور و سقوط» متن اظهاراتش در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۴ میلادی) و در جمع بازرگانان انگلیسی و دست‌اندرکاران تجارت و معامله با ایران را منتشر کرده است: «نخستین کاری که این‌جا می‌کنید، این است که تا می‌توانید، کالاهایتان را بفروشید و فقط در صورتی سرمایه‌گذاری کنید که برای فروش کالایتان چاره‌ای جز این کار نداشته باشید. اما اگر مجبور باشید در این‌جا سرمایه‌گذاری کنید، به میزان حداقل ممکن سرمایه‌گذاری کنید و صنایعی را انتخاب کنید که قطعات و لوازم آن از انگلستان وارد شود؛ مانند صنایع موتناژ که در واقع سوار کردن قطعات صادراتی انگلیسی در ایران است. در این محدوده و با توجه به این نکات، من معتقدم که ایران یکی از بهترین بازارهایی است که شما می‌توانید برای مصرف کالاهای خود در جهان سوم پیدا کنید.»

جرالد سگال -مدیر مطالعات انستیتو بین‌المللی استراتژیک لندن- در هفته‌نامه‌ی آمریکایی نیوزویک (فروردین ۱۳۷۷):

«غرب باید به شیوه‌ای که کمونیسم را مهار و آلوده کرد، با سایر دشمنان خود عمل کند.

...آلوده‌سازی شیوه‌های فراوانی دارد که تجارت با دشمن و ... از راه‌های اصلی آلوده‌سازی جوامع است.»

...«اکنون نیز باید استراتژی دوگانه‌ی مهار و آلوده‌سازی در دستور کار باشد. [...] مهار کافی نیست و آلوده‌سازی مهم‌تر است.»

... خوشبختانه آلوده‌سازی شیوه‌های فراوانی دارد که تجارت با دشمن (در کالاهای غیر استراتژیک) و [...] از جمله‌ی آنها است.»

الزامات اقتصاد مقاومتی

- مردمی کردن اقتصاد
 - دانش بنیان کردن اقتصاد
 - تنوع بخشی به صادرات
 - مدیریت واردات
 - تأکید بر تولید داخلی
 - اصلاح سبک معیشت
 - کارآفرینی جامع
 - بومی سازی فناوری
 - بهبود فضای کسب و کار
 - حذف وابستگی به نفت
-

ویژگیهای سیستمی

- پویا
 - درون‌زا (خودباور)
 - پیشتاز (دارای حرف نو)
 - پیش‌نگر
 - عرضه محور
-



هفت انقلاب برای تحقق اقتصاد مقاومتی

■ تحول در پس انداز (سطح رشد) و بهره‌وری (شیب رشد)

■ اصلاح اساسی بازار پول و سرمایه

■ تحول در گفتمان نخبگانی اقتصادی

■ تحول در حوزه‌ی ادراکی مردم

■ شاخص سازی برای پایش پیشرفت

■ بازتعریف نقش ها

■ مدیریت کلان اقتصادی

بسم الله الرحمن الرحيم

بیانیه جمعی از علمای اصفهان در یک قرن پیش :

بر کسی که کفتش از پارچه ایرانی نباشد ، نماز نمی خوانیم .

بعد از تسبیح و تحمید

این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن الملک متعهد و ملتزم شرعی شده ایم که مهما ممکن (بسم الله)

بعد ذلک تخلیف نمائیم ، فعلا پنج فقره است :

اولا: قبالحاجات واحکام شرعیه ، از شنبه (۱۴ جمادی الاول) به بعد باید روی کاغذ ایرانی بدون آهارنوشته شود ، اگر بر کاغذ های دیگر نویسند ، مهر نموده و اعتراف نمی نویسیم ، قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرار باشد ، امضاء نمی نمائیم حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی شویم ، ما ها با این روش متعهدیم .

ثانیاً: کفن اموات ، اگر غیر از کرباس و پارچه اوردستانی یا پارچه دیگر ایرانی باشد ، متعهد شده ایم ، بر آن میت ما ها نماز نخواهیم . دیگری را برای اقامه صلوة بر آن میت بخواهند ، ما ها را معاف دارند .

ثالثاً : ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می شود ، قرار دادیم مهما ممکن هر چه بدلی آن در ایران یافت نمی کنیم و حرام نمی دانیم لباسهای غیر ایرانی را ، اما ما ملتزم شده ایم ، حتی المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از نسج ایرانی بنماییم ، تا بعین ما ها نیز کاذک و متخلف توقع احترام از ما ها نداشته باشد ، آنچه از سابق پوشیده ایم و دوخته ، ممنوع نیست استعمال آن .

رابعاً: میهمانی ها بعد ذلک ، ولو اعیانی باشد ، چه عامه چه خاصه ، باید مختصر باشد ، یک پلو و یک چلو و یک خورش و یک افشوره ، اگر زائد بر این کسی تکلیف دهد ، ما را به محضر خود وعده نگیرد ، خودمان نیز به همین روش میهمانی می نمائیم ، هر چه کمتر و مختصر تر از این تکلیف کردند ، موجب مزید امتنان ما ها خواهد بود .

خامساً: افوری و اهل و افور را احترام نمی کنیم و به منزل او نمی رویم ، زیرا که آیات باهره (ان السیرین کثیرا یفوان الشیاطین - لا تسرفوا ان الله لا یحب المترفین - ولا تلقوا بائسکم الی التهلكة) و حدیث (لا ضرر و لا ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مسری است و خانواده ها و ممالک را به باد داده ، بعد از این هر که را فهمیدیم و افوری است ، به نظر توهین و خفت می نگریم .

امضای آقایان کرام و علماء فقام کثر الله امثالهم :

- ۱- شیخ الاسلام آقای حاج آقا نور الله ۲- حسین بن جعفر الفشارکی ۳- حجه الا سلام آقا نجفی ۴- شیخ مرتضی اژه
- ۵- آقا میرزا محمد تقی مدرس ۶- حاج سید محمد باقر بروجردی ۷- آقا میرزا علی محمد ۸- حاجی میرزا محمد مهدی جویناره
- ۹- سید ابوالقاسم دهکردی ۱۰- حاجی سید ابوالفضل زنجانی ۱۱- آقا محمد جواد قزوینی ۱۲- حاجی آقا حسین بیلابادی
- ۱۳- سید محمد رضا شهیر به آقا میرزای مسجد شاهی

پیوست ۲.

بخشی از پاورپوینت حجت الاسلام والمسلمین آقای خادم علیزاده

مفهوم شناسی و

مفهوم پردازی اقتصاد مقاومتی

مفهوم پردازی اقتصاد مقاومتی از آن رو اهمیت دارد که ادبیات اقتصادی درباره آن را هماهنگ و کارآمد می سازد.

همچنین می تواند در سایه بیان ویژگیهای مفهومی آن، در یک گفتمان سازی در بین اقتصاددانان، زمینه نظری لازم برای اجماع نظریه پردازان و تصمیم سازان کشور بر روی الگویی کامل را فراهم نماید.

Resistance Economy

یا

Resisting Economics

مقاومت در جایی است که نوعی تعدی و فشار و تهاجم وجود داشته باشد. و قیام کردن و ایستادگی در برابر این زور و هجوم بیگانه، ریشه در باورهای دینی و فرهنگی جامعه دارد. در این صورت مقاومت اقتصادی، ایستادگی در عرصه اقتصاد است که در تاریخ اقتصادی کشورهایی همچون آلمان، ژاپن، ویتنام و هند به شکل های متفاوتی بروز کرده است.

یک برداشت و مفهوم نادرست از اقتصاد مقاومتی، ماندن و اتخاذ موضع انفعالی در برابر تهاجم و تهدید و تحریم های اقتصادی دشمن و پذیرش محدودیت ها و محرومیت هاست.

در حالی که در مفهوم پردازی درست، اقتصاد مقاومتی، کسب توانمندی های بیشتر و جدیدتر و اتخاذ موضع فعال و پویا برای ایستادگی و خنثی کردن راهبرد های تحریمی بیگانگان بر اساس یک نظام کارآمد اقتصادی با تکیه بر منابع داخلی است.

در تعریفی وسیع تر می توان اقتصاد مقاومتی را نه یک راهکار محض دفاعی اقتصادی یا انفعال کوتاه مدت در برابر تحریم ها بلکه الگویی اسلامی، بومی و ایرانی در عرصه اقتصاد دانست.

روش شناسی نظریه اقتصاد مقاومتی

متدولوژی هر علم، بخشی از چرایی و فلسفه آن است. پس از مفهوم پردازی اقتصاد مقاومتی، شناخت چرایی، چگونگی و ماهیت این شاخه از علوم اقتصادی، در عرصه معرفت شناسی سامان می یابد. و پس از تبیین مؤلفه های این دانش یعنی دانش اقتصاد مقاومتی، نوبت به طرح روش شناسی آن می رسد.

بدیهی است اگر این شاخه از دانش اقتصادی را اثباتی و مهندسی محض بدانیم در بحث روش شناسی باید بدنبال اعتبار سنجی بهترین الگوی مهندسی کردن اقتصاد در شرایط تحریم ها و تهدیدها بود.

رویکرد دوم، نگاه دستوری محض به این شاخه می تواند باشد. اما اگر در رویکردی ترکیبی (رویکرد سوم) نظریه دانش اقتصاد مقاومتی را دارای ماهیتی دستوری همراه با مهندسی سازگار، تلقی کنیم،

مسلمانان روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبند که در آن بدنبال ارزیابی و اعتبارسنجی شیوه‌ای باشیم که مهندسی کردن اقتصاد و تخصیص بهینه منابع را در چارچوب ارزش‌های دینی و فرهنگی و بومی و اصول راهبردی خاصی، مورد هدف خود قرار می‌دهد.

برای نمونه:

در عرصه و نظریه تولید، هدف، حداکثر کردن میزان تولید کالای خاصی (مانند ضروری بودن، ارزآور بودن، استراتژیک بودن) با توجه به محدودیت منابع و قید بودجه تحریمی می‌باشد.

مبانی نظری اقتصاد مقاومتی

فلسفه اقتصاد مقاومتی شامل اپیستمولوژی و معرفت‌شناسی دانش اقتصاد مقاومتی و متدولوژی آن می‌باشد.

اما در نظریه دانش اقتصاد مقاومتی چه بعنوان یک رشته خاص از اقتصاد و چه بعنوان گرایشی از علوم اقتصادی مانند اقتصاد جنگ به چرایی این دانش و اهداف و مبانی خاص آن می‌پردازیم.

مبانی فلسفی نوع‌نگرش و جهان‌بینی حاکم بر نظام اقتصادی است. جهان‌بینی بشری در اقتصاد نئوکلاسیک یا نئوکینزی، تفسیر خاصی است که منجر به نظامی خاص از اقتصاد می‌شود که به مهندسی اقتصاد و مدیریت بهینه منابع موجود یا کمیاب می‌پردازد.

و در پرتو عقلانیت ابزاری به حداکثر کردن تابع مطلوبیت فرد و نوعی حداکثرسازی تابع رفاه اجتماعی جامعه می پردازد. بدیهی است در جهان بینی اسلامی، بدلیل تغییر نگرش و چشم انداز و اهداف، ساختار و ماهیت این توابع رفاه فردی و اجتماعی متفاوت می شود.

اقتصاد مقاومتی، مهندسی اقتصاد در وضعیت خاصی است (که یا در خود جامعه وجود دارد، قحطی، کمبود، بلایای طبیعی یا بشری و کمبود منابع طبیعی و نهاده های تولید در یک کشور خاص یا ایجاد محدودیت ها و تحریم هایی که به این جامعه تحمیل شده و ناشی از بستن راه ارتباط و مبادله با سایر کشورهاست) ولی هر نوع مهندسی را شامل نمی شود

و با مهندسی اقتصاد در ژاپن و آلمان در حال جنگ (و کمی پس از وضعیت جنگی) گرچه در تکنیک ها بعضاً مشابه است ولی چارچوب ارزشی، فرهنگی و سیاسی متفاوتی دارد.

کما اینکه تفاوت در فرآیندها و کالاهای تولیدی بخاطر تفاوت ویژگی های بومی و جغرافیایی نیز دیده می شود و ما در مقام تبیین چارچوب نظری الگوی اقتصاد مقاومتی در ایران ۱۳۹۱ یا دهه چهارم پس از پیروزی انقلاب اسلامی هستیم.

پس این جهت گیری فلسفی در نگاه ما به اقتصاد مقاومتی و طراحی اصول و بکارگیری تکنیک های تولیدی و روابط مبادله و الگوی مصرف و توزیع باید خود را آشکار کند.

مهمترین مبانی نظری اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

۱- عدالت اجتماعی

یعنی بخاطر اجرای عدالت اجتماعی باید چنین شکلی از اقتصاد را در پیش گرفت تا منافع امت اسلامی (کشورما) در برابر بیگانگان حفظ شود.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ...»

هر آینه پیامبرانمان را با حجت‌های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب- که وسیله تمییز حق از باطل است- و ترازو فرو فرستادیم تا مردم به داد و انصاف برخیزند و آهن را فرو آوردیم که در آن نیرویی سخت- سلاح و وسایل کارزار و مانند آن- و سودهایی [دیگر] برای مردم است...» (حدید / ۲۵)

۲- عزت و اقتدار اقتصادی

برای عزت و رسیدن به اقتدار اقتصادی، باید در عرصه‌های مختلف علمی، فناوری، سیاسی، اقتصادی و ... به گونه‌ای عمل کرد که جامعه اسلامی متأثر از تصمیم‌های سلطه‌آور بیگانگان نباشد.

باید توجه داشت که استقلال و اقتدار اقتصادی در کنار استقلال سیاسی جامعه اسلامی، از لوازم عقلی برخی آیات قابل استفاده است در ادبیات اقتصاد اسلامی، اخیراً گاهی از اقتدار اقتصادی امت اسلامی به «استقلال اقتصادی» آنها تعبیر می‌شود که می‌توان آن را شرط لازم اقتدار اقتصادی امت مسلمان دانست.

منظور از استقلال اقتصادی، عدم پذیرش سلطه دیگران در تصمیم گیری اقتصادی و تأمین تمام یا عمده کالاها و خدمات مورد نیاز اقتصادی است گرچه به دلایل اقتصادی همچون هزینه کمتر و مانند آن، دولت اسلامی به واردات برخی کالاها اقدام کند چون استقلال اقتصادی لزوماً با ارتباط و مرادده اقتصادی منافات ندارد.

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لَكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ...» و برای [کارزار با] آنها آنچه می‌توانید نیرو و اسبان بسته [و زین کرده] آماده سازید تا بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگرانی جز اینان که شما نمی‌شناسید - خدا آنها را می‌شناسد - بترسانید...» (انفال / ۶۰)

به نظر مفسران گرچه ظاهر آیه مربوط به جنگ و دفاع است ولی عبارت «من قوه» شامل هر نیرویی است که باعث حفظ و اقتدار جامعه اسلامی در مقابل دشمنان می‌شود و اسب و یا هر نوع سلاح جنگی یکی از مصادیق «من قوه» است.

بنابراین، آیه شریفه که می‌فرماید نیرو فراهم کنید تا دشمن را به هراس افکند، لازمه‌اش این است که در تمام زمینه‌ها از جمله عرصه اقتصادی، مسلمانان، مستقل و خوداتکا باشند و الا با وابسته بودن به دیگران، امت اسلامی برای کفار، ترسی نخواهد داشت.

«... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً»...

و خدا هرگز برای کافران [برای تسلط] راهی بر مؤمنان ننهاده است. (نساء / ۱۴۱)

از آنجا که واژه «سبیل» به اصطلاح از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و معنی عموم را می‌رساند از آیه شریفه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی نباید بر افراد با ایمان چیره شوند.

علاوه بر آیه قوه و تفسیر آن که اشاره به مدیریت درست با رویکرد کسب قدرت و اقتدار از جمله در بعد اقتصاد دارد و به عنصر توانمندی در برابر دشمنان خدا توجه دارد و کسب قوه را از راههای مختلف مورد تأکید قرار می‌دهد، می‌توان از آیات دیگری از قرآن کریم الهام گرفت که به خلاقیت و نوآوری برای حمایت از جامعه تأکید دارد مانند:

و علمناه صنعه لبوس لكم. (انبیاء / ۸۰) لبوس هرگونه اسلحه دفاعی و تهاجمی مانند زره، شمشیر و نیزه را شامل می‌شود گرچه در این آیه با توجه به قرائنی به معنای زره می‌باشد (تفسیر نمونه ج ۱۳ / ۴۶۵)

در این آیه، قرآن به تعلیم یا الهام صنعت زره سازی بعنوان نمونه ای از صنایع دفاعی اشاره می‌کند که می‌تواند بیانگر توجه قرآن به خلاقیت و ابتکار و تولید صنعتی باشد.

فاوحینا الیه ان اصنع الفلک.. مؤمنون ۲۳/ نمونه ای دیگر است که مربوط به صنعت کشتی سازی و آموزش آن می‌باشد.

امام صادق (ع) با اشاره به اهمیت پرداختن به صنایع مختلف می‌فرماید:

خداوند راه رسیدن مردمان به روزی و درآمد اقتصادی را در کارهای گوناگون صنعت های مختلف قرار داد و این تنوع شیوه ها و کارهای اقتصادی مختلف، برای بقای نوع بشر، پایدارتر و برای تدبیر امور حیات، صحیح تر است. (الحیاه ج ۵ / ۳۵۷)

از کلام این امام بزرگ می توان نتیجه گرفت برای حفظ جامعه اسلامی و امور آن از جمله امور اقتصادی، تنوع در شیوه ها و کالاها، ضریب ماندگاری و بقا و مقاومت همه جانبه را افزایش داده و از نظر تدبیر امور و سیاست گذاری از صحت بیشتری برخوردار است. (در مواجهه با تحریم ها و تهدیدها)

۳- استقلال و اقتدار در عرصه دانش و فناوری

قرآن کریم، جامعه و نظام اسلامی را موظف به تهیه و فراهم آوردن نیروهای اقتصادی، علمی، فناوری و ... برای رویارویی با دشمنان نموده است. آیه ۶۰ از سوره انفال، براساس تفسیر مفسران بزرگ قرآن مانند مرحوم علامه طباطبایی، اختصاصی به عرصه نظامی ندارد و شامل توانمند شدن در هر زمینه ای است که بتوان در برابر دشمنان مورد استفاده قرار داد که در شرایط امروز، اقتدار علمی و اقتصادی یکی از مصادیق آن است.

لزوم اقتدار در عرصه علم و فناوری، علاوه بر این آیه، از کلام قرآن ناطق، امیر المؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه نیز بخوبی قابل استفاده است که فرمود:

العلم سلطان، من وجده صال ومن لم یجده صیل علیه

امام علی (ع) می فرماید: ذات علم سلطان است و اقتدار می آورد

فرد و جامعه ای که قدرت علمی را پیدا کرد، در موقعیت برتری قرار می گیرد ولی اگر به این جایگاه برتر دست نیافت، مغلوب شده و دیگران بر او سلطه پیدا می کنند.

در شرایط کنونی جهان، مظاهر استقلال در عرصه علم و دانش، تعداد بیشتر نوآوری های علمی و فناوری، پیدا کردن راه های جدید برای تولید، مبتنی بر تولید و سرمایه ها و نهاده های بومی در چارچوبی اسلامی است.

۴- رشد و پیشرفت

چون خداوند از ما، رشد و آبادانی زمین را خواسته و شرایط و زمینه های آن را برای ما فراهم نموده ناگزیر در شرایط تحریم، بطور جدی تری باید اقتصاد بومی یعنی تلاش و سرمایه گذاری و تولید را با تکیه بر سرمایه ها و امکانات خود سامان داد.

«... هُوَ أَنشَاكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...»

او شما را از زمین آفرید و شما را در آن زندگانی داد- یا شما را به آبادانی آن وا داشت-...» (هود/ ۶۱) برخی از مفسران معنای عمران و آبادی و پرداختن به اموری که لازمه اش توجه به رشد اقتصادی است را در آیه ترجیح داده اند.

برخی دیگر به تصرف در زمین و بهره گیری از آن، جهت تأمین نیازهای زندگی که عبارت دیگری از توجه به رشد و رفاه اقتصادی است توجه داده اند. المنار، ج ۱۲، ص ۱۲۱؛ الکشاف، ج ۲، ص ۴۰۷. المیزان ج ۱۰ ص ۳۱۰.

یعنی با خاستگاه قرآنی توجه به رشد اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی معیشتی نیز، الزام به مقاومت و ایستادگی در برابر کسانی داریم که خواستار حذف امت اسلامی و در تنگنا قرار دادن برای تأمین معیشت آن برای رسیدن به حیا طیه دارند.

۵- ناهمسویی منافع جامعه اسلامی با منافع قدرت های بزرگ اقتصادی ناهمسویی منافع کشورهای اسلامی با منافع اکثر قدرت های بزرگ اقتصادی در جهان، یکی از آشکارترین دلایل ضرورت توجه به اقتصاد بومی و مقاومتی است.

چرا که اقتصادهای برتر بدنبال پیدا کردن بازارهای مصرف و بازارهای هدف صادراتی در کشورهای کوچکتر و اقتصادهای ضعیف و نوظهور می باشند.

و ماهیت سلطه گری آنها ایجاب می کند که از طریق انحصارهای اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی، مانع از پیشرفت، خوداتکایی و استقلال و توانمندی اقتصادی آنها شوند. در دهه های اخیر ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک به حمایت از انحصارهای اقتصادی برخاسته و ادبیات تحریم های گوناگون را شکل داده است.

چگونگی رویارویی این قدرت ها با جامعه اسلامی و راهکار مقابله با آنها در آیاتی از قرآن کریم ترسیم شده است.

۶- لزوم حفظ نظام

در معنای وسیع مبانی که مسائل قومی، ملی و بومی هم داخل در آن است در این صورت حفظ نظام (بعنوان ثانوی فقهی) نیز مبنای نظری اقتصاد مقاومتی خواهد بود.

۸۰ اولین نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری

فرشنده هندی در اثر آموزش گاندی، به خریدار گفت من حاضرم پارچه تولید داخل هند را که در کیفیت با مشابه خارجی برابر است فقط به خاطر حمایت از منافع کشورم و مبارزه با بیگانه کلی ارزانتر بدهم .

اما وقتی مشتری کالای خارجی را خرید او با قیچی، انگشت خود را کمی برید و خون چکید و گفت: تو با خرید کالای خارجی، خون یک هندی را ریختی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی - معاونت پژوهشی

پژوهشکده علوم اقتصادی

با همکاری قطب علمی اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

گروه اقتصاد مقاومتی

دومین نشست - اقتصاد مقاومتی: سیاستها و راهکارها

۲۷ آذر ۱۳۹۱

اعضای نشست (به ترتیب الفبا)

دکتر فتح‌اله تازی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم‌علی‌زاده (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر داوود دانش جعفری (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر مسعود درخشان (رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی و هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر سیدمحمد رضا سیدنورانی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر سیدحسن قوامی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر غلامعلی معصومی‌نیا (هیئت علمی و مسئول نهاد رهبری دانشگاه علوم اقتصادی)

دبیر و برگزارکننده نشست:

دکتر مسعود درخشان

سلسله نشست‌های تخصصی پژوهشکده علوم اقتصادی – نشست دوم

اعضای شورای پژوهشی پژوهشکده (به ترتیب الفبا):

دکتر علی امامی میبیدی، دکتر جاوید بهرامی، دکتر فتح‌ا... تاری، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم علی‌زاده، دکتر مرتضی خورسندی، دکتر مسعود درخشان، دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی، دکتر عباس شاکری، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی، دکتر تیمور محمدی، دکتر حمید ناظم‌ان

گروه‌های پژوهشی پژوهشکده

مدیر گروه: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی	گروه اقتصاد پولی و مالی اسلامی
مدیر گروه: دکتر مسعود درخشان	گروه اقتصاد مقاومتی
مدیر گروه: دکتر تیمور محمدی	گروه تولید و سرمایه‌گذاری و اشتغال
مدیر گروه: دکتر حمید ناظم‌ان	گروه مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد
مدیر گروه: دکتر فتح‌ا... تاری	گروه نهادهای اقتصادی و محیط کسب و کار
مدیر گروه: دکتر عباس شاکری	گروه اقتصاد بین‌الملل
مدیر گروه: دکتر سیدمحمدرضا سید نورانی	گروه اقتصاد بخش عمومی

امور اجرایی: لیلا صفی‌پور

حروفچینی و صفحه‌آرایی: سمیرا مؤدب

طراحی جلد: رضا دنیوی

ویراستاری و مقابله‌خوانی: حمیده ترابی

پیاده‌سازی نوارها و ویرایش اولیه: بهرام جاهد

چاپ: دانشگاه علامه طباطبائی

تیراژ: ۳۰۰

مسئولیت صحت مطالب با سخنرانان می‌باشد و پژوهشکده علوم اقتصادی هیچگونه مسئولیتی ندارد.
کلیه حقوق این اثر برای پژوهشکده علوم اقتصادی محفوظ می‌باشد.

مرکز اطلاع‌رسانی، پخش، دریافت پیشنهادهای و سفارش‌ها:

فکس ۸۸۷۰۳۲۶۳

تلفن ۸۸۷۱۸۱۱۷

پیشگفتار

در مقطع کنونی از تحولات انقلاب اسلامی، اقتصاد مقاومتی را می‌توان چارچوب تحلیلی مناسبی برای نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دانست و به نظر می‌رسد تا آینده قابل پیش‌بینی بستر مناسبی برای طراحی سیاستگذاری‌های اقتصادی کشور در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود. مختصات اصلی اقتصاد مقاومتی در فرمایشات مقام معظم رهبری به وضوح تبیین شده است. با وجود این، رسیدن از اقتصاد مقاومتی به نظریه‌پردازی و سیاستگذاری‌های بهینه برای تحقق اهداف اقتصادی مورد نظر در افق چشم‌انداز و منطبق با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مستلزم مطالعات عمیق و گسترده در مراکز پژوهشی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه است.

پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی با درک این ضرورت، اقدام به تأسیس گروه مطالعاتی اقتصاد مقاومتی نمود و برگزاری سلسله نشست‌های تخصصی در این حوزه را سرآغاز مطالعات جامع نظری و کاربردی این گروه قرار داد. پژوهشکده علوم اقتصادی مفتخر است که با قطب علمی «اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» همکاری‌های نزدیکی برای ارتقاء سطح علمی این نشست‌ها دارد و ان‌شاء... در آینده، دایره این همکاری‌ها را گسترش خواهد داد.

اولین نشست با عنوان «اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری» در ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۱ برگزار شد. در دومین نشست با عنوان «سیاستها و راهکارها» از نظرات استادان (به ترتیب الفبا) دکتر فتح‌اله تباری، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم‌علی‌زاده، دکتر داوود دانش جعفری، دکتر مسعود درخشان، دکتر سیدمحمد رضا سیدنورانی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی، دکتر سیدحسن قوامی و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر غلامعلی معصومی‌نیا استفاده شده است.

امیدواریم حرکتی که آغاز شده است با حمایت مسئولان استمرار یابد زیرا که ثمربخشی مطالعات و تضارب اندیشه به‌ویژه در حوزه‌های کلیدی همچون اقتصاد مقاومتی نیازمند تداوم چنین کوشش‌هایی است.

دکتر مسعود درخشان

رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی و

مدیر قطب علمی اقتصاد توسعه با تأکید بر

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

اقتصاد مقاومتی: سیاستها و راهکارها

دکتر مسعود درخشان*

این جلسه، دومین نشست تخصصی در موضوع اقتصاد مقاومتی است که پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی و قطب علمی اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مشترکاً برگزار می کنند. در اولین نشست، مبانی نظری اقتصاد مقاومتی بحث و بررسی شد. در این جلسه ان شاء... سیاستها و راهکارها مطرح خواهد شد. بزرگوارانی که قبول زحمت کرده اند و به این جلسه تشریف آورده اند بدین شرح به اطلاع حضار محترم می رسد: حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر معصومی نیا از دانشگاه علوم اقتصادی، جناب آقای دکتر تاری، جناب آقای دکتر سیدنورانی، جناب آقای علیزاده، جناب آقای دکتر قوامی، حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر عیسوی و جناب آقای دکتر دانش جعفری که همگی از دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی هستند. بحث ما در این جلسه راجع به سیاستها و راهکارها در اقتصاد مقاومتی است. اجازه می خواهم از میهمان عزیزمان، حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر معصومی نیا تقاضا کنم که با بیانات خود بحث را آغاز کنند.

حجت السلام والمسلمین دکتر غلامعلی معصومی نیا**

بنده در یکی دو جمله به صورت مختصر، تعریفی را که از اقتصاد مقاومتی در ذهنم است عرض می کنم و سپس وارد بحث می شوم. می توانیم بگوییم که اقتصاد

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی و مدیر قطب علمی اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت
safipour1360@gmail.com

** استادیار دانشگاه علوم اقتصادی
masuminia@ses.ac.ir

مقاومتی یعنی اینکه ما حوزه‌های فشار و تحریم را شناسایی کنیم، حوزه‌های فشاری را که ممکن است از ناحیه خارج به ما وارد شود بشناسیم و در جهت کنترل و خنثی‌سازی این فشارها تلاش کنیم و بالاتر از این، بتوانیم تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم. اقتصاد مقاومتی باید فعال باشد نه منفعل، اقتصاد مقاومتی با ریاضت اقتصادی تفاوت دارد. در ریاضت اقتصادی دولت به منظور رفع کسر بودجه خود هزینه‌هایش را کاهش می‌دهد و برای وصول به این هدف فشارهایی را به مردم تحمیل می‌کند، مالیاتها را افزایش داده برخی خدمات عمومی و حقوق و مزایای قشرهایی را کاهش می‌دهد. این امر در صورت ضرورت البته لازم است و از آن گریزی نیست، اما اقتصاد مقاومتی لزوماً با فشارهای یاد شده همراه نیست بلکه مجموعه‌ای از اقداماتی است که دولت و مردم با هم انجام می‌دهند تا با استفاده از تمامی امکانات به استقلال اقتصادی، رشد و سایر اهداف دسترسی پیدا نمایند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «اگر شما در حیطه‌ای به دیگران نیازمند بودید، اسیر آنها خواهید بود، اگر به مرحله‌ای برسید که از آنها بی‌نیاز شوید، نظیر آنها می‌شوید و اگر به مرحله‌ای برسید که دیگران به شما نیازمند بودند، شما امیر آنها خواهید بود.» به عنوان مثال، نفت که باید اهرم فشار از جانب ما به دنیای غرب باشد، تبدیل به اهرم فشار علیه خود ما شده است. تعریفی که از اقتصاد مقاومتی ارائه شد، در راستای همین حضرت فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد.

اقدامات لازم برای تحقق اقتصاد مقاومتی

بر متفکران فرض است که در این زمینه کارهای جدی ارائه نمایند. ما به سهم خود چند اقدام را یاد آوری می‌نماییم:

۱. **تدوین یک برنامه جامع:** برای دستیابی به این هدف، ضروری است برنامه جامعی را تحت عنوان اقتصاد مقاومتی تدوین نماییم. ما خیلی وقت‌ها نشان داده‌ایم که متأسفانه روزمرگی می‌کنیم و دنبال این هستیم که مسئله امروزمان را حل کنیم. برای اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که بتواند ظرفیت‌های ما را به فعلیت برساند و بتواند جلوی تهدیدات دشمن را بگیرد و آنها را به فرصت تبدیل کند، می‌بایست برنامه جامعی وجود داشته باشد. دستیابی به این امر، میسر نیست مگر اینکه همه دلسوزان، تحصیلکرده‌ها و کسانی که می‌توانند در این زمینه اظهار نظر کنند، مشارکت داشته باشند. دولت و مجلس باید دست به دست یکدیگر بدهند و به سرعت برنامه‌ای راجع به حساسیت‌هایی که موقعیت زمانی ما دارد و مشکلاتی که ما با آن روبرو هستیم، تنظیم کنند. در این مورد، باید فراجناحی عمل کنیم. متأسفانه ما به راحتی مسائل را سیاسی و جناحی می‌کنیم و بخاطر جناح‌بندی‌هایی که وجود دارد گاهی رعایت مسائل کشور را نمی‌کنیم.

عده‌ای می‌گویند اگر شما بخواهید برنامه‌ای به نام اقتصاد مقاومتی تنظیم کنید، به معنای پذیرش تهدیدهای دشمن است و لذا پیشنهاد می‌کنند بهتر است مذاکره کنیم و کوتاه بیایم تا جلوی آسیب‌ها را بگیریم. ولی مسئله بسیار مهم همانطور که مقام معظم رهبری نیز فرموده‌اند، این است که دشمن ما را تهدید می‌کند و اگر ما از آرمان‌هایمان دست برداریم آنها نیز دست از سر ما برندارند داشت: «و لن ترضی عنک الیهود و النصراری حتی تتبع ملتهم» بنابراین ما چاره‌ای جز تنظیم یک برنامه هدفمند نداریم. این نکته را از آن جهت عرض کردم که شبهاتی در گوشه و کنار می‌شنویم و حرفهایی که عده‌ای در سطح وسیع القا می‌کنند که ما این برنامه اقتصاد مقاومتی را نباید داشته باشیم.

۲. **بها دادن به مردم:** نکته دیگر اینکه در مسائلی از این نوع، ضروری است که به تمام معنا به مردم بها دهیم. چیزی که از مجموع تعالیم اسلامی برمی-آید این است که دولت نباید متصدی مسائل اقتصادی باشد. اگر تعالیم اقتصادی اسلام را نگاه کنیم می بینیم که اسلام اختیارات زیادی به دولت داده اما نخواست که دولت خود متصدی شود. دولت باید ناظر خوبی باشد. ما باید به تمام ظرفیتها و سرمایه‌هایی که درون مملکت وجود دارد، بها دهیم و موانع را برطرف کنیم که بتوانیم از این سرمایه‌ها در جهت شکوفایی اقتصادمان بهره ببریم. یکی از سرمایه‌های عظیم ما، اعتقادات مردم است. باید روی اخلاق و ارزشهای معنوی اقتصادی خودمان تأکید کنیم و آنها را به فعلیت برسانیم. در حال حاضر، یکی از راهکارهای بسیار مهم این است که صادقانه با مردم حرف بزنیم. اوضاع اقتصادی، تهدیدات دشمن، آرمانهای انقلاب و وضعیت فعلی خودمان را برای مردم بیان کنیم و به مردم بها و میدان بدهیم و صادقانه از مردم کمک بخواهیم.

در اینجا یک نکته بسیار ظریف وجود دارد: برخی با شعار دخالت دادن مردم در اقتصاد، توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را اجرا می‌نمایند. مراد از سپردن کارها بدست مردم استفاده از ظرفیت وسیع توده‌هاست که بسیار عظیم است و هم سبب رشد و شکوفایی اقتصاد می‌شود و هم توده مردم را از مواهب رشد بهره مند می‌سازد، اما نتیجه توصیه‌های دو ارگان یاد شده حاکمیت قشر کمی از صاحبان مکنات و ثروت و در نتیجه تعمیق اختلاف طبقاتی می‌باشد.

۳. **مبارزه با مفاسد:** مسئله دیگری که نقش بسیار کلیدی دارد این است که برای وارد کردن مردم به صحنه، می‌بایست یک مبارزه جدی علیه مفاسد در همه زمینه‌ها انجام دهیم و این چیزی است که متأسفانه در آن موفق

نبوده‌ایم. مردم ناظر هستند که افرادی با روشهای نادرست به ثروتهای بالا می‌رسند ولی آنهایی که فعالیت سالم انجام می‌دهند از بسیاری مزایا محروم می‌شوند. به ویژه این مسئله در مورد کسانی که در بخش تولید فعالیت می‌کنند بیشتر است. اگر نتوانیم یک مبارزه جدی با مفساد انجام دهیم در اقتصاد مقاومتی موفق نخواهیم شد. بخاطر همین است که مقام معظم رهبری تأکید زیادی بر مبارزه با مفساد اقتصادی دارند. این مسئله می‌بایستی یکی از سیاستهای اصلی ما باشد. یکی از لوازم اصلی مبارزه با مفساد اقتصادی، شناسایی زمینه‌ها و بدنال آن جلوگیری از بروز مفساد است.

۴. **قطع وابستگی به نفت:** مسئله بسیار مهم دیگر که همه ما می‌دانیم و اکنون نیز خداوند متعال فرصتش را برای ما فراهم آورده است، قطع وابستگی به نفت است. تا وقتی که اقتصاد ما از نفت جدا نشود، نمی‌توانیم اقتصاد مستقلی داشته باشیم. باید ارتباط اقتصادی خود را تا حد ممکن از نفت قطع کنیم. اکنون نیز فرصت قطع وابستگی فراهم شده است و از این جهت، باید خوشحال باشیم. زیرا ما نشان داده‌ایم که اگر یک زمینه به اجبار برای ما پیش نیاید، متأسفانه خودمان چنین همتی نداریم. با درآمدهای عظیم نفتی که در سالهای اخیر نصیب ما شد، چه کرده‌ایم؟

اگر جناحهای سیاسی را کنار بگذاریم، در همان سالهای نخستین انقلاب اسلامی، تعدادی از نمایندگان مجلس که از مسائل اقتصادی مطلع بودند، گفتند که این درآمدهای نفتی را به این شکل خرج نکنیم، اما متأسفانه عده‌ای مصوبه گرفتند و درآمدهای نفتی را کما فی‌السابق خرج کردند. الان که حساب می‌کنیم می‌بینیم که در این سالها نتوانسته‌ایم از درآمدهای نفتی درست استفاده کنیم، در غیر اینصورت تهدیدی که اکنون علیه ما اعمال شده به این شدت نمی‌بود. زمانی که اعلام کردند می‌خواهند ما را

تحریم نفتی کنند، متأسفانه مسئولین ما اعلام کردند که ما خریدار داریم. این رویکردی که مسئولین اتخاذ کردند، نادرست بود. باید می گفتند مهم نیست که تحریم شده ایم. ما در داخل کشورمان سیاستهایی را برای قطع وابستگی به فروش نفت اتخاذ خواهیم کرد. در این راستا نیز باز باید با مردم صادقانه صحبت کنیم.

عده ای می گویند اقتصاد مقاومتی غیر از اقتصاد ریاضتی است. البته منظور این عده، سیاستی است که هم اکنون در کشورهای غربی اعمال می شود و به همین جهت ممکن است معنای خاصی داشته باشد. اما من قبول ندارم که اقتصاد مقاومتی اساساً بدون ریاضت ممکن است. لذا باید به مردم صادقانه بگوییم که بدون قطع وابستگی به نفت شکوفایی اقتصادی ملی امکان پذیر نیست و اگر بخواهیم بودجه مملکت را بدون درآمد نفت تنظیم کنیم آنگاه وجود سختی ها اجتناب ناپذیر است. نگوییم که می توان اقتصاد مقاومتی داشت بدون تحمل سختی. باید یکسری سختی هایی را تحمل کرد. در این راستا سرمایه هایی مثل دفاع مقدس و روحیه ای را که در مردم وجود داشت داریم و الان یک توفیق اجباری پیش آمده که وابستگی خود را به نفت قطع کنیم.

۵. **ارتقای فرهنگ کار و تلاش:** متأسفانه در سالهای اخیر، روحیه تبلی در سطح وسیع در کشور ما حاکم شده است. آرزوی دستیابی به یک زندگی مرفه بدون کار و تلاش و صرفاً از طریق شرکت در یک قرعه کشی و امثال آن به یک اپیدمی تبدیل شده است. این در حالی است که اسلام بیشترین سفارش را در مورد لزوم کار و تلاش به عمل آورده است. امامان بزرگوار ما با دست خود کار می کردند و آن را عبادتی بس بزرگ معرفی

می فرمودند. تا وقتی این فرهنگ باز نگردد، تحقق اقتصاد مقاومتی از حد شعار فراتر نخواهد رفت.

دکتر درخشان

از جناب آقای دکتر معصومی نیا بسیار سپاسگزاریم. از جناب آقای دکتر تاری تقاضا می‌کنم مطالبشان را بفرمایند.

دکتر فتح‌اله تاری*

نکته اولی که به ذهن من می‌رسد و بایستی روشن شود این است که آیا اقتصاد مقاومتی صرفاً بحث دفاع است یا تقویت بنیه اقتصادی. با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری به نظر می‌آید که بحث دفاع نیست، بحث اقتصادی است که در بلندمدت باید توانمندی‌هایی را برای خود داشته باشد. در فرمایشات ایشان است که «الان ما در شرایط شعب ابی طالب نیستیم، در شرایط بدر یا خبیر هستیم.» با توجه به تاریخ صدر اسلام و شرایط بدر و خبیر که مسلمانان دفاع نمی‌کردند بلکه در صحنه سیاسی و اقتصادی اثرگذار بودند معلوم می‌شود که اقتصاد مقاومتی صرفاً به مسئله دفاع نمی‌پردازد. این اقتصاد می‌بایستی یک حالت فعال، پویا و تأثیرگذار داشته باشد. اگر چنین باشد، باید دید اقتصاد مقاوم چه ویژگی‌هایی دارد؟

در بحثها و بررسی‌هایی که با کمک دوستان انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که بخشی از ویژگی‌های این اقتصاد می‌تواند همان ویژگی‌هایی باشد که در اقتصادهای توسعه‌یافته به آنها اشاره می‌شود. مثلاً در اقتصادهای توسعه‌یافته، بحث رشد اقتصادی، تعادل در تراز پرداختها، کنترل تورم و کاهش نرخ بیکاری مطرح است. اینها از ویژگی‌های یک اقتصاد توسعه‌یافته است. پس یک اقتصاد مقاوم و توسعه‌یافته می‌تواند اینها را درون خود داشته باشد. اما اقتصادی که ما به عنوان اقتصاد مقاومتی

در نظر می‌گیریم، آیا تنها همان ویژگیهای موجود در اقتصادهای توسعه‌یافته را دارد؟

یک تعبیر دیگری که در تفاوت بین اقتصاد توسعه‌یافته و اقتصاد مقاومتی گفته می‌شود این است که در اقتصاد مقاومتی آنچه مد نظر یک جامعه اسلامی است لحاظ می‌گردد. از جمله مواردی که اسلام به آن اهمیت می‌دهد توجه به طبقات ضعیف درآمدی است، یعنی در بحث توسعه، مجموعه اقتصاد و رشد کلی اقتصاد مد نظر است. مثلاً در تئوریهای توسعه ممکن است طبقات پایین درآمدی در یک سطح مصرف پایین یا حتی پایین‌تر از حداقل معیشت وجود داشته باشد، بدین ترتیب فقر گسترش می‌یابد. کما اینکه در تئوریهای توسعه می‌بینید که توزیع درآمد در مراحل اولیه بهم می‌خورد و شکاف درآمدی بین فقرا و ثروتمندان افزایش می‌یابد اما در مراحل بعدی توسعه، رشد اقتصادی و توزیع درآمدها بگونه‌ای می‌شود که شکاف کمتر شده و توزیع درآمدها متعادل‌تر می‌شود.

یک بررسی مربوط به محمد ملکاوی^۱ که در سال ۲۰۰۲ نوشته شده است، روند اقتصاد کشورهای جهان را بررسی کرده است. بخشی از آن مربوط به آمریکا است که در طول یک دوره حدود ۲۰ ساله در حدود ۳۰ میلیون نفر جمعیت این کشور در خط فقر بودند. من این آمارها را تا سال ۲۰۰۹ تعقیب کردم. این رقم در سال ۲۰۰۹ به ۴۵ میلیون نفر رسیده است یعنی افزایش هم پیدا کرده، بخصوص از سال ۲۰۰۸ به بعد یک روند صعودی پیدا کرده است. بنابراین با اینکه اقتصاد در آمریکا توسعه‌یافته است اما از دیدگاه اقتصاد مقاومتی که باید به آحاد مردم توجه شود، به نظر نمی‌آید که این نوع از اقتصادها، اقتصاد مقاومتی باشد. حضرت آیت‌ا... آقای جوادی آملی در یکی از بحثها به همین موضوعات اشاره کرده‌اند که یک بخش عمده‌ای که در اقتصاد مقاومتی است توجه به مردم است آنهم اعتقادات مردم.

1. *Economic Justice: Islam Versus Capitalism*, Dr. Mohammad Malkawi, March 28, 2002

اقتصاد باید در خدمت این اعتقادات باشد. حال اقتصاد چگونه می‌تواند در خدمت اعتقادات مردم باشد؟ چگونه نظام اقتصادی در تقویت اقتصاد مقاومتی می‌تواند جهت‌گیری خود را درست انجام بدهد؟

این موضوع در بخشهای مختلف، یک بحث دامنه‌دار است. مثالی می‌زنم. در اقتصاد کشور، همواره شاهد مطرح شدن بحث مالیات بوده‌ایم. مسائلی از قبیل اینکه مالیاتها افزایش پیدا کند و تکیه بودجه دولت بر مالیات زیادتر شود. آیا زیاد شدن مالیاتها و گرفتن مالیاتهای بیشتر از مالیات‌دهندگان در اقتصاد اسلامی نیز به همان شکل اقتصادهای متداول مطرح است یا اینکه می‌بایستی امکان کسب درآمد بیشتر را ایجاد کنیم که مردم درآمد کسب کنند و آنگاه مالیات را افزایش دهیم. پس بحث تحمیل مالیات بر اقشار مختلف بدون اینکه چه اثری روی درآمد، تولید و اشتغال می‌گذارد و اینکه ممکن است چه کسب و کارهایی را تعطیل کند، بحث مهم و دقیقی است. به نظر من اقتصاد مقاومتی صرفاً چارچوبهایی را که در مکاتب دیگر وجود دارد به عنوان یک چارچوب اقتصاد توسعه یافته در نظر نمی‌گیرد.

نکته دیگر، بحث درآمدهای نفتی است و اینکه عده‌ای می‌گویند که اگر سالیانه ۵ درصد از تکیه بودجه دولت به درآمدهای نفتی کاسته می‌شد امروز خیلی راحت می‌توانستیم کاهش درآمدهای نفتی را تحمل کنیم و بودجه و ساختار اقتصادی به این شکل تحت تأثیر درآمدهای نفتی قرار نمی‌گرفت. به نظر می‌رسد کلیت این حرف درست است اما در عمل وقتی می‌رسیم به برنامه‌ها و بودجه‌هایی که سالها در شکل‌های مختلف اجرا شده، می‌بینیم که به جای حرکت به سمت این اقتصاد غیرمتکی به نفت عملاً هم توسط مجلس و هم توسط دولت، طرحها و پروژه‌های مختلف معرفی و اضافه می‌شود که هدف کلی آنها به شکل خرج کردن درآمدهای نفتی بوده است و نه پس‌انداز و یا صیانت از آنها، حتی مطرح می‌کردند که اصلاً وجود این درآمد نفتی به صورت دلاری در ذخایر دارایی کشور نمی‌تواند در

اقتصاد اثر مثبت داشته باشد. ظاهر این حرف درست است ولی تقویت یک اقتصاد مقاومتی این است که چگونه از این درآمدها بتوان به عنوان سرمایه استفاده کرد، به این معنی که که منابع درآمدی به نوعی سرمایه‌گذاری در داخل و یا خارج از کشور تبدیل شود و بتوان در یک دوره طولانی از منفعت درآمدی آن بهره‌مند شد و یا با تقویت زیرساختهای اقتصادی سبب افزایش رشد اقتصادی و بهره‌وری در کشور شود. نه اینکه یکباره به شکل هزینه‌های جاری و یا واردات کالاهای مختلف خرج شود که در نهایت وابستگی به مصرف و یا وابستگی بخشهای تولیدی به واردات را به همراه آورد. این سرمایه باید به عنوان یک عامل از عوامل تولید بر اقتصاد اثرگذار باشد. می‌بینیم که اگر در یک زمانی درآمد نفتی افزایش می‌یافت بلافاصله به این فکر بودند که در طول سال راهکارهایی را برای خرج کردن آن ایجاد کنند.

صرف تدوین برنامه، چاره‌ساز نیست. اگر خوب نگاه کنیم می‌بینیم از تاریخی که برنامه پنجم تصویب شده تا به امروز، فقط چند مورد از آن اجرا شده است. اخیراً، یک بند از این برنامه که مربوط به کاهش تعداد وزارتخانه‌ها بود را مجلس با دو سوم آرا اصلاح کرد در حالی که تازه در سال اول برنامه هستیم، آن را تغییر می‌دهیم. یعنی صرفاً برنامه‌ریزی، عامل تقویت یک اقتصاد مقاومتی نیست بلکه پای‌بند بودن به برنامه و وحدت تصمیم‌گیری لازم است. پس یکی از راهکارهای دیگر ایجاد اقتصاد مقاومتی این است که یک برنامه داشته باشیم و به آن پای‌بند باشیم و دائماً تغییرش ندهیم. حال لازمه این امر چیست؟ وحدت، همدلی و همسویی بین همه دست‌اندرکاران تدوین و اجرای برنامه. اگر برگردیم به سوابق سالهای مختلف از برنامه‌ها و شکلهای مختلف، می‌بینیم که ضربه‌های متعددی در این زمینه خورده‌ایم.

نکته آخر این است که برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید چند کار را بصورت مجزا انجام بدهیم. بخش اول این است که فرصتها را بشناسیم. بخش دوم این است

که تهدیدها را بشناسیم و در این فرصتها و تهدیدها تجربه گذشته را نگاه کنیم و از اشتباهات گذشته پرهیز کنیم. در مورد نقدینگی می‌بینیم که این مسئله در واقع یکی از مشکلات اصلی اقتصاد است. رشد نقدینگی جزء معضلات اقتصاد کشور است. هنوز هم، همه به این امر معترفند ولی در نهایت همه دولت‌ها به نوعی از این ابزار استفاده می‌کنند. با این روند، هیچ وقت به آن هدف مورد نظر دست نخواهیم یافت. لذا باید نقاط ضعف و قوت را شناسایی کنیم و سپس برویم بسوی برنامه‌ای که بتواند ما را به سمت اهداف مورد نظر ببرد که این اهداف می‌تواند مندرج در برنامه‌های بالادستی، سند چشم‌انداز و نظایر آن باشد. لذا اگر به آن ویژگیها برسیم اقتصاد مقاومتی خود بخود تقویت، اجرا و محقق می‌شود.

اما بحث اصلی ما این است که چه سازوکاری اتخاذ کنیم که اجرای این سازوکارها بتواند ما را به سمت برنامه مورد نظر هدایت کند. در حال حاضر بحثهایی مثل هدفمند کردن یارانه‌ها، سیاستهای ارزی، مدیریت ورود و خروج کالا و نظایر آن همه در حال تغییر است و در این اقتصاد نه بخش خصوصی می‌تواند کارا باشد نه بخش دولتی، و همه سیاستهای اتخاذ شده، روزمره خواهد بود و اقتصاد مقاومتی از این رهگذر بدست نخواهد آمد.

دکتر درخشان

خیلی ممنون هستیم از جناب آقای دکتر تاری. در خدمت جناب آقای دکتر سیدنورانی هستیم.

دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی*

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، بزرگان، استادان، مقالات و مطالب درج شده در سایتها، برداشت بنده از اقتصاد مقاومتی این است که سؤال کنیم کلمه مقاومت

در اینجا به چه معناست؟ در برابر چه چیزی می‌خواهیم مقاومت کنیم؟ هدف از مقاومت چیست؟

از اهدافی که برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مطرح است، کلمه استقلال می‌باشد که جزء شعارهای مردمی نیز قرار داشت (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی). استقلال معنای گسترده‌ای دارد. برای رسیدن به استقلال یکسری سختی‌هایی را باید تحمل کرد. از اول انقلاب، برای این استقلالی که کشور می‌خواهد داشته باشد بایستی یکسری اصولی را رعایت می‌کردیم تا استقلال ما محقق شود که مقداری سختی از قبیل جنگ تحمیلی، تحریم‌ها و مشابه آن را مردم و حکومت تحمل نمودند. البته استقلال هم درجه‌بندی دارد. اگر خودکفایی اقتصادی را یک شکل از استقلال اقتصادی بدانیم، خودکفایی نسبی در اقتصاد دارد نه خودکفایی مطلق. استقلال هم بعد سیاسی دارد هم بعد اقتصادی که در ایران به استقلال سیاسی اهمیت زیادی داده شد.

برخلاف برخی دوستان که فکر می‌کنند در مورد استقلال اقتصادی کار زیادی شده است، برداشت من این است که راجع به اقتصاد در کشورمان در حوزه نظری کار جدی نشده است. یعنی از اول انقلاب، دولتهایی که سرکار آمدند، یک مدل و برنامه مشخص و مدون برای اینکه بتوانیم یک استقلال اقتصادی در کشور داشته باشیم یا اینکه از طریق مقاومت به آن استقلال اقتصادی برسیم، نداشتند یا اگر هم داشتند الگوبرداری از مدلهایی بود که قبلاً هم وجود داشت. مثلاً بعضی از دولتهایی که سرکار بودند، سیاستهایی را اتخاذ می‌کردند که مثلاً اگر بانک جهانی هم می‌خواست به ما مدل بدهد آنها نیز مانند آن عمل می‌کردند.

زمانی ما در ایران می‌خواستیم جهانی شویم. مدتی بعد می‌خواستیم تعامل بین کشورها را بیشتر کنیم. بحث گفتگوی تمدن‌ها را مطرح کردند. از لحاظ سیاسی

می خواستیم با همه دنیا رابطه دوستانه داشته باشیم و بگونه‌ای رفتار می‌شد که گویا هیچ دشمنی نداریم. در صورتی که دشمن داریم. وابستگی به نفت قبل از انقلاب نیز وجود داشت و این روند را ادامه دادیم. سند چشم‌انداز چند سالی است که تدوین شده است. در همین مدت کوتاه، متأسفانه عده‌ای اظهار نظرهایی می‌کنند و راجع به سند چشم‌انداز ایرادهایی می‌گیرند اما جایگزینی برای ایراد خود ارائه نمی‌دهند. یعنی برنامه‌ای را قبلاً موجود بوده صرفاً خراب می‌کنند.

مشکلی که ما داریم این است که هر دولتی که سرکار می‌آید، سعی در بزرگ جلوه دادن و تعریف از خود دارد. لذا یک نهضت افتتاح طرح در دولتها وجود دارد، به ویژه از دولتهای بعد از جنگ تحمیلی. زمان جنگ این مشکل مطرح نبود بلکه بیشتر خسارت می‌دیدیم و اگر طرح یا پروژه‌ای هم اجرایی می‌شد در فضای جنگ این مشکل یا وجود نداشت یا کمتر مطرح بود و اگر پروژه‌ای اجرا می‌شد در جهت حفظ تمامیت ارضی کشور و نظام بود که البته اینها در نوع خود ارزشمند بود. آن زمان، واقعیت مشخص‌تر بود. مقاومت ما برای حفظ استقلال به شکل حمایت از تولید داخلی انجام می‌شد که البته مشکلات خود را داشت و طبیعی هم بود که دخالت دولت بیشتر شود. سهمیه‌بندی‌ها شکل گرفت، اختیارات و آزادی اقتصادی کم شد و در این شرایط اقتصادی فعال اقتصادی نمی‌تواند آزادانه و بدون مانع تصمیم بگیرد و مسلماً مردم هم بیشتر سختی می‌کشند. بعد از دوران جنگ، انتظار می‌رفت که جمهوری اسلامی ایران سیاستی که اتخاذ می‌کند، به سمت استقلال اقتصادی پیش برود. در این سالها، هر زمان که درآمد نفتی بالا می‌رفت، جز دورانی که بحث حساب ذخیره ارزی مطرح می‌شد و این ذخیره ارزی بیشتر می‌شد، دولتها تلاششان بر این بود که بودجه عمرانی را زیاد کنند، سرمایه‌گذاری کنند و تعداد پروژه‌ها را بیشتر کنند. با توجه به ساختار نمایندگان مجلس کشور که اکثراً

شهرستانی هستند، نماینده خوب به نماینده ای گفته می شود که پروژه های عمرانی را بیشتر به سمت شهر خود سوق بدهد، کارخانه خودرو سازی و فولاد یا کارخانه دیگر راه بیاندازد، اشتغال زایی کند، صادرات داشته باشد یا اینکه یک منطقه آزاد یا ویژه تجاری برای استان و شهر خود بسازد تا اطرافیان و مردم منطقه بر خوبی عملکرد او صحه بگذارند.

این شیوه کار در کشور، تخصیص بهینه منابع نبوده و بخاطر همین هم در جهت استقلال کل کشور حرکت نشده و حتی ممکن است وابستگی ما را در برخی موارد بیشتر کرده باشد. به عنوان مثال، کارخانه ای ساخته اند که مواد اولیه این کارخانه می بایست وارد شود و تکنولوژی مربوط را در کشور نداریم. در ظاهر امر، می گویند که کار کرده اند، خدمت کرده اند و اشتغال زایی کرده اند. در کوتاه مدت بله، این اتفاق افتاده اما در بلندمدت که نگاه می کنیم، می بینیم که مشکلی برای کشور ایجاد کرده است. نمونه بارز و اخیر این مسئله، سیستم بانکی کشور است. زمانی که نرخ ارز بالا می رود، سیاست ارزی مشکل پیدا می کند. وقتی نرخ ارز ۲ برابر می شود، اکثر تولیدات داخل با مشکل روبرو می شوند. مگر ما تولید کننده نبودیم؟ مگر اعلام نشد که تولید را داخلی کرده ایم؟

برای مثال صنعت خودرو اگر بگویند که تولیداتش تا ۸۰ درصد داخلی و ۲۰ درصد به واردات وابسته شده است. وقتی به ما قطعه نمی دهند، تولید با مشکل مواجه می شود؟ در واقع تولید کننده داخلی ممکن است مقداری به واردات مواد اولیه و واسطه ای نیاز دارد مثلاً اگر ۴۰ درصد به واردات وابسته باشد در نتیجه صنعت خودرو ۳۲ درصد (۴۰×۸۰) دیگر به خارج وابسته می شود یعنی در حقیقت ۵۲ درصد وابستگی وجود دارد نه ۲۰ درصد که در ابتدای مثال بیان شد. لذا اینکه در گزارشی بیان شود که در صنعت خودروی ما کاهش وابستگی داریم، باید به دقت بررسی شود که ۲۰ درصد یا ۵۲ درصد وابستگی داریم و اگر در تهیه این گزارش،

دقت لازم لحاظ نشده باشد، نتیجه‌اش این خواهد بود که در زمان بحران، ضعفهای ما مشخص می‌شود.

بنابراین برای اینکه به یکی از اهدافمان که استقلال است، برسیم می‌بایست از نظر فرهنگی سرمایه‌گذاری کنیم. در شرکتی شخصی مدیر بود، زمانی که از آن شرکت رفت، مشابه خارجی کالایی را خرید که خودش در آن شرکت آن را تولید می‌کرد. وقتی گاندی می‌گوید که من دیگر لباس انگلیسی نمی‌پوشم، لباسی را می‌پوشم که ساخت کشور خودم باشد یعنی فرهنگی تصمیم می‌گیرد تا بتواند استقلال اقتصادی کشورش را حفظ کند. ما در کشورمان این کار را نمی‌کنیم. همین الان هم که دوستان بحثهایی از این نوع را مطرح می‌کنند، به محض اینکه درآمد نفتی بالا برود و وضع اقتصادی مانند گذشته شود، این بحثها کمرنگ می‌شود. یعنی به حرفهای امثال ما دیگر توجه نمی‌کنند و می‌گویند که ما دیگر مشکلی نداریم، دلار هست و تخصیص می‌دهیم.

وقتی به عنوان مثال در سال ۸۵ گفته می‌شود که تعداد پروژه‌های عمرانی زیاد است و برای این تعداد پروژه پیمانکار نداریم تا بتوانند پروژه‌ها را اجرا کنند، برای این است که وقتی مشکل ارزی پیش می‌آید، بودجه به قدر کافی تخصیص نمی‌دهند، آنگاه با تعدادی طرح نیمه‌تمام مواجه می‌شویم. این طرحهای نیمه‌تمام به دولتهای بعدی به ارث می‌رسد و طرح نیمه‌تمام هم یعنی کار غیراقتصادی. لذا هر گروهی که از لحاظ سیاسی قدرت را بدست می‌گیرد، فکر می‌کند که عقل کل است. برنامه‌های نوشته شده قبلی را کنار می‌گذارد، دوباره برای خود یک گروه می‌سازد و برنامه جدیدی می‌دهد. دولت آقای هاشمی رفسنجانی، برنامه قبلی را کنار گذاشت، سیاست تعدیل اقتصادی را اجرا کرد. دولت آقای خاتمی برنامه قبلی را کنار گذاشت، سیاست ساماندهی اقتصادی را اجرا کرد. دولت آقای احمدی‌نژاد برنامه قبلی را کنار گذاشت، از همان اول هم گفت که این برنامه خوب نیست و

طرح تحول اقتصادی را اجرا کرد. در حقیقت ما نمی‌توانیم در یک چارچوبی که دیگری از پیش برای ما نوشته حرکت کنیم و لذا منابع ما تلف می‌شود. حتی اندیشمندان هم منابعشان هدر می‌رود. یعنی بجای اینکه مطالب را غنی کنیم و تکرار نکنیم، مطالب ۳۰ سال گذشته را تکرار می‌کنیم و لذا دوباره دنبال حرف اول می‌رویم.

خلاصه کلام بنده این است که از نظر فرهنگی و مدیریتی بایستی یک پیمان بین مسئولین کشور داشته باشیم و اینکه هر کسی که در این کشور می‌خواهد مسئولیتی را قبول کند، تعهد بدهد که به این پیمان پایبند است نه اینکه بگوید من به‌ترم و دیگران متوجه نبودند و از نو برنامه بنویسد. مثلاً سیاستهای کلی اصل ۴۴ خودش یک برنامه بود. بنده خودم در مراحل تصویب این قانون بودم. فوق‌العاده قانون مهمی است. این برنامه حداقل برای ۱۰ سال تنظیم شده بود. یعنی معادل ۲/۵ دوره ریاست جمهوری بود و اگر وقت می‌گذاشتند تا این سیاستهای کلی اصل ۴۴ را بتوانند درست اجرا کنند، آنگاه بخش خصوصی قدرت بیشتری می‌یافت و اقتصاد به سمت مقاوم شدن پیش می‌رفت.

این فرمایش مقام معظم رهبری است که در سه یا چهار سال گذشته مطرح شده. همت مضاعف، کار مضاعف، جهاد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، یعنی ما در بخش دولتی و خصوصی توجه خود را به نقطه آسیب‌پذیر یعنی اقتصاد جلب کنیم، تقویت کنیم که پاشنه آشیل کشور ما اقتصاد است. افکاری را که در این زمینه وجود دارد منسجم کنیم و به سمت مقاوم شدن اقتصاد پیش برویم. دیدگاهها باید به این صورت باشد که دیگران سهم خود را انجام داده‌اند، من هم سهم خود را انجام دهم. چون ما معتقدیم به اینکه خداوند متعال بر اعمال ما شاهد است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «الم يعلم بان الله یری: نمی‌بینید که خدا شما را می‌بیند» همچنین پیامبر

اکرم (ص)، امامان، شهدا، زمین و زمان همه شاهد اعمال ما هستند. لازم نیست مردم بفهمند که ما کار می‌کنیم، خدا که می‌بیند کافیت.

دکتر درخشان

ممنون هستیم از جناب آقای دکتر سیدنورانی. در خدمت حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای علیزاده هستیم.

حجت‌السلام والمسلمین امیر خادم علیزاده*

بنده در نشست اول بر ضرورت روش‌شناسی دانش یا نظریه اقتصاد مقاومتی تأکید کردم. امروز در بحث سیاستها و راهکارهایی که ما را به اهداف اقتصاد مقاومتی می‌رساند، بر ضرورت نظریه منسجم این نظریه تأکید میکنم تا سیاستها و راهکارها، یک بخش جدا و بدون پشتوانه نظری نباشند بلکه طرح اقتصاد مقاومتی با رویکردی اسلامی اقتضا می‌کند تا این سیاستها و راهکارها براساس آموزه‌های دینی و اسلامی باشند. بعد از بیان سه نکته، هفت راهکار برای اقتصاد مقاومتی، عرض می‌کنم.

نکته اول اینکه راهکار را اخص از سیاست یا راهبرد می‌دانم. راهبرد در اصطلاح اقتصادی مترادف با سیاست است، گرچه برخی راهکار را مترادف با سیاست می‌دانند. اما در تعریف من، سیاستها به شکل عملیاتی می‌تواند به چند راهکار تقسیم شود. نکته دوم چارچوب سیاستها و راهکارهاست. طبیعی است که این نشست به ارائه سیاستها و راهکارهایی می‌پردازد که بر اساس مبانی نظری و دینی استوار است که در نشست اول گفته شده است. نکته سوم ضرورت آسیب‌شناسی سیاستهای پیشین است. زمانی می‌توانیم راهکارهایی را ارائه دهیم که در اجرا قابل استفاده برای تصمیم‌گیران اقتصادی کشور باشد و براساس آسیب‌شناسی سیاستهای گذشته، از کاستی‌ها و اشتباهات فاصله بگیریم و اینکه چه نتایج داشته‌اند تا در طراحی و ارائه

راهبردهای جدید، از تجربه‌های پیشین استفاده کنیم. البته این راهبردها، الزاماتی دارند که سازگاری با فرهنگ و اقتضائات بومی ما از مهمترین آنهاست که سازگاری نهادهای قضایی، اداری، مالی، نظامی و امنیتی را هم باید به آنها افزود. اکنون هفت مورد از این سیاستها به طور خلاصه بیان می‌شود.

۱- سیاست تولید کالاهای اساسی با تکیه بر منابع داخلی

چون اقتصاد مقاومتی یعنی مهندسی اقتصاد به منظور تخصیص بهینه منابع با تأکید بر منابع و امکانات بومی کشور در شرایط تحریم اقتصادی و تهدیدهای خارجی و تولید با کمترین هزینه بر روی مرز منحنی امکانات تولید بومی و حداکثرسازی تابع رفاه اجتماعی کشور در شرایط تحریمها و تهدیدها این سیاست از طریق راهکارهای زیر قابل اجراست.

۱. هدایت بنگاههای تولیدی و خدماتی و بطور کلی صنایع تولیدی و مالی کشور به سوی الگوهایی از تولید کالا و خدمت که در توابع هزینه خود، نهادهای بومی را به منظور تولید کالاهایی بطور نسبی ارزان‌تر و با مزیت نسبی بالاتر، جانشین نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای وارداتی کنند. اساساً ضربه‌پذیری ما در شرایط اقتصاد تولیدی کمتر است تا اقتصاد وارداتی و این یک اصل مهم در مسائل اقتصادی است. ما بر روی مرز منحنی امکانات تولید بومی کشور خود به حداکثرسازی تابع رفاه اجتماعی می‌پردازیم. در اینصورت این سیاست کلی از طریق راهکارهایی مثل هدایت بنگاههای تولیدی و خدماتی و بطور کلی تمام صنایع کشور به سوی تولید کالاهایی است که بطور نسبی ارزان‌تر باشد. درسهایی را که ما از ویتنام از سال ۱۹۴۵ به این طرف یا ژاپن، آلمان و هند گرفته‌ایم می‌بایست مرور کنیم. دستور آموزه‌های دینی ماست که از تجارت کشورها و نسلهای دیگر استفاده کنیم.

۲. فرهنگ‌سازی و هدایت مصرف‌کنندگان کالاهای نهایی به سوی مصرف کالاهای تولید داخل از طریق ارائه الگوهای مصرفی کارآمد و ارزان‌تر داخلی و ایجاد ساختاری که بتواند بر رفتار مصرفی جامعه تأثیر بگذارد.
۳. سومین راهکار، تولید انبوه کالاهای اساسی و کم‌کشش از طریق حمایت یارانه‌ای و یا معافیت مالیاتی صنایع داخلی است. بطوری که قیمت‌های نسبی به سوی کالای کاملاً بومی تغییر یابد و بر نرخ نهایی جانشینی یا MRS فرد ایرانیان به نفع جانشین کردن کالای کاملاً بومی تأثیر آشکاری داشته باشد و اکتفا به شعار دادن بدون ایجاد این ساختار در تولید و مصرف، تأثیر عملی ندارد. در ویتنام کمیته‌ها و تشکلهای اقتصادی کوچک و متوسط تشکیل شده بود و مدل^۱ SME در ویتنام شهرت جهانی دارد. ما چقدر در این زمینه مطالعه کرده‌ایم؟ چند مقاله راجع به این تشکلهای خوانده‌ایم؟ اینها با مشارکت و برنامه‌ریزی دولت توانسته‌اند برای مقاومت الگوهای بسازند و از آن پیروی کنند. پس اینها برنامه‌ریزی کرده‌اند و تجربه خوبی برای ما می‌باشد.
۴. قطع یارانه به تولید بیگانگان (دلار ارزان برای واردات کالاهای آنها) و پرداخت آن به تولید داخل
۵. اصلاح و کارآمد کردن نظام مالیاتی کشور: علاوه بر اصلاح اداری و کاهش آثار ضد توزیعی مالیاتها، در فضای اقتصاد مقاومتی، مالیات بیشتر بر کالاهایی که با اهداف اقتصاد مقاومتی ناسازگارند، یک راهکار کارآمد می‌باشد. بطور کلی مالیات‌ستانی بر محور اقتصاد مقاومتی یک اصل می‌باشد.
۶. تولید بومی و منطقه‌ای با توجه به مزیت نسبی آن منطقه و آمایش جغرافیایی که در سطح کلان به توزیع منابع و تخصیص بهینه یعنی کارآیی آنها منجر

۱. تشکلهای اقتصادی متوسط و کوچک (Small Medium Enterprise)

می‌شود یعنی به عنصر مزیت نسبی و آمایش سرزمین و اقلیم و عدالت و کارآیی توجه شده است. (طرح آمایش صنعت، کشاورزی و ...) آمایش اقلیم یا سرزمین باید در سطح صنایع خودرو، فولاد، صنایع کوچک و بزرگ باشد. برنامه‌ریزی به این معناست که چیزی را عملیاتی کنیم تا بتوانیم در برابر این تحریمها و تهدیدها مقاومت کنیم. ولی به نظر می‌رسد ما هنوز به این فضا نزدیک نشده‌ایم.

۷. راهکار تقدم سیاستگذاری در زمینه تولید و تأمین صنایع استراتژیک همچون غذا، دارو، در چارچوب پارادایم تأمین نیازهای اساسی مردم که موافق و سازگار با آموزه‌های دینی نیز می‌باشد.

۸. راهکار اجتناب از اقتصاد دلالی و سوداگری و حرکت به سوی اقتصاد تولید: اقتصاد دلالی نه تنها توانایی مقاومت در برابر نوسانات برونزای اقتصادی ندارد بلکه ضریب آسیب‌پذیری بالایی نیز دارد لذا آن اقتصاد با اقتصاد مقاومتی ناسازگار تلقی می‌شود. اما اقتصاد تولید محور ضریب ماندگاری و مقاومت بیشتری در شرایط نوسانی دارد. مسلماً با ایجاد ساختارهای مناسب باید از چنین اقتصادی به سوی اقتصاد تولید برویم.

۲- سیاست گسترش فرهنگ اقتصاد مقاومتی

گسترش و تعمیق فرهنگ اقتصاد مقاومتی و باورداشت آن از سوی مردم و مسئولان ضامن موفقیت تمام راهکارها و سیاست‌گذاری‌ها است. این سیاست از طریق راهکارهای زیر قابل پیگیری است

۱. حاکمیت فرهنگ اقتصاد مقاومت: برای مقاومت و ایستادگی بلندمدت تا رسیدن به اقتدار اقتصادی که زمینه‌ساز اقتدار سیاسی نیز هست باید نظام آموزش اولیه تا دانشگاهها و حوزه‌های علمیه جایگاه فرهنگ مقاومت در عرصه اقتصادی و بلکه حیات اجتماعی را تبیین و باور داشته باشند.

نظام آموزش اولیه در کره جنوبی برنامه‌هایی داشت که برای توانمندسازی اقتصادشان از کودکان شروع می‌کردند. آیا ما در دانشگاهها چنین کاری کرده‌ایم؟ آیا ما سیستم SME ویتنام را در درس اقتصاد توسعه یا اقتصاد ایران در دانشکده‌های اقتصادمان در ایران مطرح کرده‌ایم؟ به نظر می‌رسد تبیین درست این فرهنگ و وظیفه دانشگاهها و حوزه‌های علمیه است.

۲. دومین راهکار، اعتماد به نفس و خودباوری بین دولتمردان و مردم است. بی‌شک کسانی که این باور را ندارند، نمی‌توانند بسوی آن گام بردارند. در ژاپن پس از جنگ ۱۹۴۵، آیین شینتو محور همبستگی دولتمردان و مردم بود. مسلماً در آموزه‌های اسلامی، ما بالاتر از این آیین را داریم که در آموزه‌های قرآنی و علوی قابل مطالعه است. همگرایی و همبستگی ملی که در ژاپن و ویتنام و آلمان دیدیم، نمونه‌هایی از این دست هستند. همینطور در دوران دفاع مقدس که رهبری امام (قدس سره) در این اتحاد نقش اساسی داشت.

۳. راهکار دیگر، مهندسی اخلاق اقتصادی است. یعنی باید فضای قانونی، حقوقی و قضایی ما متناسب با اقتصاد مقاومتی باشد. آیا فرهنگ اقتصادی کشور در عرصه تولید، مصرف و توزیع با چنین فضایی باز مهندسی شده است؟ اینها بیان گامهای عملی در زمینه اقتصاد مقاومتی است و می‌شود از هر جایی و از هر نقطه‌ای شروع شود.

۴. ایجاد فضای قانونی و حقوقی متناسب با محیط اقتصاد مقاومتی

۵. باز مهندسی فرهنگ اقتصادی کشور در عرصه تولید، مصرف و توزیع

۶. اصلاح و ارائه نظام مالی سازگار با اقتصاد مقاومتی: بازتعریف نهادهای اقتصادی از دیگر راهکارهاست. در کشورهایی که اشاره کردم، مقولاتی از این نوع در مسائل مالی و بانکداری‌شان وجود دارد. آیا ما شروع کرده‌ایم؟

الان نظام بانکداری ما با اقتصاد مقاومتی متناسب است؟ ضروری است که در نهادهای مالی و پولی بازتعریف صورت پذیرد. این کار را دیگران انجام داده‌اند و قطعاً در کشور ما نیز امکان‌پذیر است.

۳- سیاست اصلاح و مدیریت مصرف و هزینه‌ها

مدیریت مصرف نه در توصیه‌های اخلاقی و ملی خلاصه می‌شود و نه در مهندسی و اصلاح قیمت‌های نسبی، بلکه مجموعه‌ای از این دو و الگوسازی و ساختارهایی است که بطور عقلایی به استفاده بهینه منابع در چارچوب یک تابع رفاه اجتماعی منجر شود. اصلاح ساختار هزینه‌ها نیز پس از فرهنگ‌سازی مناسب برای پذیرش کاهش آنها از طریق یک دیوانسالاری ساده و کارآمدی ممکن است که بتواند ساختارها را طراحی و به اجرا درآورد. این سیاست از طریق چه راهکارهایی عملی می‌شود؟

۱. اصلاح الگوی مصرف: این اصلاح در بخش خانوارها و مصارف دولت و بخش عمومی، گام اول در موفقیت اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود. اصلاح الگوی مصرف و فرهنگ‌سازی در این زمینه در سطح کلان و در سطح خانوارها یک ضرورت جدی برای اقتصاد مقاومتی است.
۲. فرهنگ‌سازی و هدایت مصرف‌کنندگان کالاهای نهایی به سوی مصرف کالاهای تولید داخل از طریق ارائه الگوهای مصرفی کارآمد و ارزان‌تر داخلی و ایجاد ساختاری که بتواند بر رفتار مصرفی جامعه تأثیر بگذارد.
۳. تأکید بر الگوی قرآنی مصرف قوام: یعنی دوری از خساست که ضد مصرف متعارف و در نتیجه سرمایه‌گذاری و تولید است و دوری از اسراف که از بین برنده منابع کمیاب و افزایش هزینه‌های فردی و اجتماعی و دوری از تخصیص عادلانه منابع جامعه است.

۴- سیاست گسترش کمی و کیفی صادرات غیرنفتی

می‌توان گفت راه برون‌رفت از اقتصاد نفتی ایران و رهایی از وابستگی، تکیه بر اقتصاد بومی و بدون نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام می‌باشد. بخصوص که بیشترین ضربه‌پذیری اقتصاد ما از این ناحیه می‌باشد. می‌دانید که تا کنون بیش از ۸۰٪ درآمدهای ارزی کشور مربوط به نفت بوده است اما به لحاظ اقتصادی و تحریم‌های اخیر، ضربه‌پذیری ما درست در همین نقطه است. لذا باید از همین نقطه هم برنامه‌ریزی برای مقابله با تحریم‌ها را آغاز کنیم. این سیاست از راه‌های زیر می‌تواند دنبال شود.

۱. توانمندسازی ساختارهای تولیدی کشور در جهت صادرات کالاها و خدماتی که تأمین کننده درآمد ارزی بوده و زمینه واردات نهاده‌های اساسی را فراهم کنند.
۲. تشویق صادرات بیشتر به کشورهای همسو و اعمال معافیت‌های مالیاتی و گمرکی و سود بازرگانی برای صادرکنندگانی که در کنار خلاقیت و افزایش بهره‌وری تولید و صادرات از کار و سرمایه ایرانی به نسبت بیشتری استفاده کرده‌اند. سیاستهایی که آلمان و چین در زمینه صادرات داشتند این بود که دولت به بخش خصوصی می‌گفت چنانچه با برنامه‌ای که مدنظر ماست و اهداف ما را تأمین کند، کار کنید، از بخشودگی مالیاتی بالا برخوردار می‌شوید یا سیاست پاداش در مقابل برنامه‌هایی که موافق با سیاستهای کلان کشور بود اتخاذ می‌کردند.
۳. صادرات خدمات نیروی کار بخصوص خدمات مهندسی دارای مزیت نسبی: صادرات نیروی کار متخصص به خارج (بخصوص کشورهای طرف مبادله) می‌تواند زمینه اشتغال بیشتر نیروی کشور و در نتیجه موجب کاهش

بیکاری از یکسو و افزایش درآمد و تجربیات آنان باشد که در هر صورت به نفع اقتصاد ما می‌باشد.

۴. دگرگونی ساختار اقتصاد نفتی ایران: توقف صادرات نفت، نعمتی الهی و توفیقی اجباری است که ما را از وابستگی به ۸۰ درصد از درآمد کشور که از فروش نفت بدست می‌آید، نجات می‌دهد و زمینه بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایی در کشور می‌شود که جایگزین این درآمد باشند که بخشی از این نوآوری‌ها می‌تواند در صنعت نفت اتفاق افتد یعنی تولید مقداری نفت با هدف پالایش و تبدیل آن به انواع فرآورده‌های نفتی که در صورت صادر شدن نیز چندین برابر نفت خام، ارزآور باشد. ضمن اینکه نیاز کشور به فرآورده‌های نفتی را مرتفع می‌سازد نوآوری‌ها در برخی صنایع مثل صنایع دفاعی و نظامی رشد کرده است اما به نظر من نامتوازن می‌باشد. این نوآوری‌ها باید در صنعت نفت که آسیب‌پذیری ما بیشتر است، بیشتر شود.

۵- سیاست گسترش بخش خصوصی به عنوان مکمل بخش عمومی

اصل تعامل بخش عمومی و خصوصی به معنای همگرایی و هم‌گامی کامل مردم و نظام می‌باشد و بدون اعتقاد مشترک این دو بخش به اهداف نظام اقتصاد مقاومتی امید موفقیت این سیاست‌ها وجود ندارد.

۱. حضور و مشارکت گسترده مردم با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی: حضور و مشارکت گسترده مردم با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی یک راهکار مهم برای اقتصاد مقاومتی است.

۲. پاداش دادن به بخش خصوصی سازگار با سیاستهای اقتصاد مقاومتی دولت و غرامت گرفتن از بخش ناسازگار (سیاست شیرینی و شلاق در آلمان پس از جنگ جهانی دوم در برابر بخش خصوصی در این کشور) با آن، یک معیار و راهکار مشخص می‌باشد.

۳. انعطاف‌پذیری هوشمندانه دولت و واکنش مسئولانه مردم برای کاهش آثار منفی تحریم‌های اقتصادی

۶- تدوین و اعمال سیاستهای ارزی سخت‌گیرانه

این سیاستها باید در جهت تحکیم پایه‌های مقاومت اقتصاد در برابر تحریم‌های خارجی و تهدیدهای داخلی باشد. بطوری که ارز به جای واردات کالاهای مصرفی برای واردات نهاده‌های استراتژیک و فناوری جدید تخصیص یابد و یارانه ارزی بجای تعلق گرفتن به کالاهای مصرفی و وارداتی نهایی، صرف تولید کالای با کیفیت داخلی شود. راهکارهای این سیاست کلی عبارتند از:

۱. نهادهای ناظری همچون اتاق مبادلات براساس یک سری ضوابط و معیارهای سازگار با اقتصاد مقاومتی با آورده ارزی صادرکنندگان رفتار کند برای نمونه در صورتی که این صادرات در چارچوب مورد نظر دولت یا بانک مرکزی باشد یا صددرصد از نهاده داخلی با بهره‌وری بالا استفاده کرده باشد، ارز او را با قیمت بازاری ارز بخرد تا نوعی پاداش صادراتی سازگار با اقتصاد مقاومتی باشد.
۲. تخصیص ارز به واردات نهاده‌های کالاهای اساسی که در داخل کشور تولید نمی‌شوند.
۳. اجرای سیاستهای پولی و مالی هماهنگ با سیاستهای ارزی. در ویتنام برای گسترش بازارهای مالی بررسی کردند و دیدند بین ۱۹۵ بنگاه، ۱۶۲ بنگاه نیازمند تأمین مالی بیرون از بنگاه است، آنگاه منابعی را برای تأمین این بنگاهها تخصیص دادند و دیدند که ۱۰۳ بنگاه از این منابع استفاده کرده‌اند و لذا به آنها جایزه دادند و روی آنها سرمایه‌گذاری کردند. آیا ما چنین کاری کرده‌ایم یا می‌خواهیم دنبال چنین برنامه‌هایی برویم؟

۴. گسترش بازارهای مالی بخصوص بازار سرمایه و باز کردن آن به روی سرمایه گذاران مردم منطقه که از این فرصت تاکنون استفاده نکرده ایم. این مسئله، آسیب پذیری ما را در منطقه کم می کند.

۷- سیاست گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه

بر این اساس ارتباط با کشورهای همسایه از یکسو منافع مشترک را تأمین و هزینه مبادله را کاهش می دهد و از سوی دیگر به ثبات و امنیت مرزها کمک می کند و آسیب پذیری کشورها را کاهش می دهد که برای پیشرفت اقتصادی ثبات اجتماعی و اقتصادی بستر مناسبی است.

۱. راهکار انعطاف پذیری در سیاستها و انجام مبادلات اقتصادی براساس ترجیح اهم بر مهم و مصالح برتر بر منافع کوتاه مدت که در چارچوب آموزه های اسلامی و بکارگیری قاعده تزام است. مبنای دیگر این انعطاف پذیری اصل حفظ نظام می باشد که تغییر سیاستها و راهبردها را به نفع اصول و براساس فدای عزیز برای حفظ عزیزتر توجیه می کند و زمینه استفاده از اصل و قاعده ثانویه فقهی را فراهم می نماید.
۲. برای افزایش اقتدار و توانمندی اقتصادی، در حوزه تجارت خارجی می توان با اشتراک در بانک مشترک (اسلامی، منطقه ای و ...) با کشورهای همسو و یا تحت سلطه، نوعی چتر مالی برای مبادلات خارجی ایجاد کرد که از آسیب پذیری در حساب سرمایه و جاری کشور می کاهد.
۳. تأسیس بازار مشترک، اتحادیه های تجاری و پیمان های منطقه ای و فرامنطقه ای و کاهش تعرفه ها بطوری که ضمن تأمین منافع ملی، برای کشورهای طرف مبادله و تجارت خارجی نیز سودآور باشد، گام مؤثری برای استفاده از مزیت های نسبی اعضاء و در جهت شکوفایی اقتصاد آنها خواهد بود.

۴. راهکار تنوع‌سازی مجاری درآمدی و مالیاتی و بازرگانی خارجی بر کاهش ریسک ناشی از قطع ناگهانی مبادلات تجاری و ایجاد حاشیه امن تجاری برای اقتصاد ملی.

دکتر درخشان

خیلی ممنون هستیم از حجت السلام والمسلمین جناب آقای علیزاده برای چارچوب جامعی که از سیاستها و راهکارهای اقتصاد مقاومتی ارائه دادند. در خدمت جناب آقای دکتر قوامی هستیم.

دکتر سیدحسن قوامی*

می‌دانیم که اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد و استفاده از راهکارهای مناسب و دارای پشتوانه علمی می‌تواند نتایج دلخواه و مطلوبی را بدست آورد و در عمل اهداف اقتصاد مقاومتی را محقق سازد بنابراین می‌توان الزامات و راهکارهای به شرح زیر را برای اقتصاد مقاومتی ارائه کرد. ضمناً در ادامه بحث به ویژگی‌های سیستمی اقتصاد مقاومتی، خطوط راهنما برای تدوین سیاستهای کلی کشور بر مبنای اقتصاد مقاومتی، آسیب‌های موجود در وضعیت فعلی کشور و به آثار اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی اشاره خواهد شد.

الزامات اقتصاد مقاومتی چیست؟

تحقق اقتصاد مقاومتی و موفقیت الگوی اقتصاد مقاومتی در عمل نیاز به تحقق الزاماتی است که بعضی از این الزامات داخلی و برخی منطقه‌ای و حتی برخی بین‌المللی است. بنابراین امکان تحقق موفقیت‌آمیز اقتصاد مقاومتی منوط به رعایت الزامات زیر است:

۱. مردمی کردن اقتصاد که در جنگ تحمیلی هم پاسخ داده است. کمک‌های مردمی دوران جنگ تحمیلی در مقابل هزینه جنگ رقمی نبود ولی هر کمکی در واقع یک رأی و متعلق دانستن جنگ به خود بوده است. یکی از راههای مشارکت مردمی در اقتصاد افزایش سهم بخش تعاون تا ۲۵٪ و اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است.
۲. دانش بنیان کردن اقتصاد. مثلاً موبایل ۹۷٪ ارزش آن را تکنولوژی و دانش تشکیل می‌دهد. در حالی که بخش عمده تولیدات داخلی دانش بنیان نیستند. حتی در صنایع دانش بر مثل پتروشیمی ما تولیدکننده کالای واسطه هستیم و خودمان در برخی قطعات و مواد با تکنولوژی بالا وابسته هستیم.
۳. تنوع‌بخشی به صادرات. در حال حاضر در حدود ۳۰ درصد صادرات ما را محصولات غیرنفتی تشکیل می‌دهند. در حال حاضر عمده صادرات کشور را نفت و مشتقات نفتی از جمله میعانات گازی تشکیل می‌دهد.
۴. مدیریت واردات. واردات رسمی کشور بالای ۷۰ میلیارد دلار بوده و در صورتی که قاچاق را به آن اضافه نماییم در حدود ۹۰ میلیارد دلار کالا و خدمات وارد می‌شود که این به هیچ وجه با اقتصاد مقاومتی سازگاری ندارد.
۵. تأکید بر تولید داخلی. تولید داخلی علاوه بر اینکه بایستی مورد توجه قرار گیرد، لازم است در بخشهای اثرگذار امکان تولید صفر تا صد کالاها را دارا باشیم. هم اکنون گرچه برخی کالاها، تولید داخلی حساب می‌شوند ولی در برخی قطعات همچنان وابستگی مشاهده می‌شود. فلذا بجهت عدم امکان دسترسی به برخی قطعات تکمیلی امکان عرضه آن میسر نمی‌باشد.

۶. اصلاح سبک معیشت. سبک زندگی تا به تناسب فرهنگ ایرانی- اسلامی شکل نگیرد، راه اندازی یک سبک سازگار با اقتصاد مقاومتی امکان پذیر نخواهد بود.
۷. کارآفرینی جامع و توجه به خوشه‌های صنعتی و مدیریت صحیح در بنگاه‌های رهبر و پیرو در این زمینه.
۸. بومی سازی فناوری. بایستی نهضت بومی سازی فناوری شکل گیرد در کنار ابداع و اختراع بایستی نهضت مهندسی معکوس برای بومی سازی فناوری از اهمیت بالا برخوردار شود. ساخت پهباد و... به عنوان نمونه عملی که نشان می دهد امکان تحقق این مسأله وجود دارد. کشور چین عمده موفقیت‌های صنعتی خود را از این طریق کسب کرده است.
۹. بهبود فضای کسب و کار. با تمام تلاشهای صورت گرفته رتبه فعلی ایران در فضای کسب و کار هم اکنون ۱۴۵ است.
۱۰. حذف وابستگی به نفت. هم اکنون فضای اجباری شکل گرفته برای فروش نفت و جابجایی منابع گرچه فشار زیادی به کشور وارد می کند ولی این می تواند یک فرصت مناسب برای شکل گیری اقتصاد مقاومتی باشد. به عبارتی، مشکل اساسی کشور، عدم پیشرفت بخش صنایع به معنی اعم و درگیر شدن کشور با بیماری هلندی در مقاطع مختلف بوده است. اجتناب از این مشکلات با این رویکرد قابل حل است.
۱۱. مدیریت مصرف اقدام عملی به اضافه فرهنگ سازی که برعهده رسانه‌ها است. صرفه جویی در مصرف و جلوگیری از اسراف و تبذیر و اتلاف ... هم از نظر دینی و هم ملی مطرح است. ولی نگاه به تصمیمات دولتی عمومی و به تبع آن بخش خصوصی عملکرد مصرفانه دارند.

۱۲. ضرورت استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات کشور. به عنوان نمونه بایستی پروژه‌های ملی در ظرف زمانی خود به اتمام برسند. در حال حاضر حکایت پروژه فیل سفید بر پروژه‌های عمرانی و ملی کشور صدق می‌کند در اقتصاد مقاومتی گلنگ‌زنی‌های صرفاً سیاسی بایستی تعطیل شود و اقدامات توجیه اقتصادی داشته باشد.

۱۳. افزایش بهره‌وری. اعم از بهره‌وری نیروی کار و سرمایه از مصادیق بارز برای نیل به اقتصاد مقاومتی به حساب می‌آید.

ویژگیهای سیستمی اقتصاد مقاومتی موارد ذیل می‌باشند:

- پویا. منفعلانه عمل نمی‌کند در عین حال که به دنبال رفع محدودیت‌های فعلی است ولی برای رشد در شرایط جدید تلاش می‌کند.
- درون‌زا (خودباور). تکیه اصلی اقتصاد مقاومتی به ظرفیتهای داخلی بوده و در جاهایی که نیاز به بیرون دارد ضمن تسهیل طروق دستیابی به دنبال بومی‌سازی آن است.
- پیشتاز (دارای حرف نو). در قالب صرفاً راههای شناخته شده حرکت نمی‌کند بلکه راههای میانبر با توجه به تجربه‌های بشری برای پیشرفت اتخاذ و تا نیل به اهداف در آن مسیر حرکت می‌کند.
- پیش‌نگر. آینده‌نگر بوده و با توجه به رصد آینده برنامه‌های خود را طراحی و پیگیری می‌کند (سند چشم‌انداز).
- عرضه‌محور. باید توجه داشت مشکل کشور تقاضا نیست بلکه عرضه است.

محورها و خطوط راهنما برای تدوین سیاستهای اقتصادی کشور به منظور نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی

به عبارتی برای عملیاتی شدن الگوی اقتصاد مقاومتی سیاستهای اقتصادی کشور براساس چه محورهایی می‌بایستی تنظیم و پیگیری گردند تا به اقتصاد مقاومتی و اهداف آن دست یابیم؟

با توجه به ویژگیهای اقتصاد مقاومتی می‌بایستی محورهای اقتصاد مقاومتی به عنوان راهنمای مسیر طراحی و سیاستهای اقتصادی کشور لازم است با توجه به آنها تدوین گردد. مهمترین محورهای اقتصاد مقاومتی به قرار زیر است که نوعاً به تجدید ساختار اقتصادی می‌پردازند:

۱. مشارکت حداکثری، فعال و مؤثر آحاد جامعه در همه ابعاد و سطوح اقتصادی با تأکید بر ارتقای نقش و جایگاه طبقات کم‌درآمد و متوسط.
۲. خوداتکایی در تأمین نیازهای اساسی.
۳. تجدید الگوی تجارت در کوتاه‌مدت و تجدید آرایش در مبادلات بین‌المللی و گسترش همکاریهای و مبادلات اقتصادی با کشورهای مورد نظر جهت فعال‌سازی کلیه ظرفیتهای اقتصادی و نیروی انسانی کشور در درازمدت (گسترش ارتباطات تجاری).
۴. طراحی و ساماندهی چرخه دانش - ثروت با تأکید بر تولیدات دانش‌بنیان.
۵. واکنش هوشمند، فعال، سریع و بهنگام و دارای توانمندی‌های آفندی در مقابل تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی.
۶. آینده‌نگری روند تحولات جهانی و ملحوظ نمودن آن در سیاستهای اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی و افزایش آمادگی و سرعت بخشیدن به واکنش هوشمند در مقابل تحولات جهانی. برخی کشورها

- برنامه برای تحولات ۲۵ سال آینده دارند. ماهاتیر محمد با برنامه ۳۰ ساله خود، مالزی را به پیشرفت رساند.
۷. مدیریت مصرف و بهره‌وری حداکثری از منابع و محصولات بویژه محصولات داخلی.
۸. ارتقای سطح بهره‌وری و افزایش سهم نیروی کار و سرمایه از تولید به تناسب ارزشهای افزوده و بهره‌مندی عادلانه سهم عوامل از زنجیره تولید-مصرف.
۹. نهادینه کردن فرهنگ جهاد اقتصادی و استقامت و ظرفیت‌سازی برای افزایش آستانه تحمل اجتماعی.
۱۰. توجه هوشمند به موضوع سلامت، امنیت و اقتصاد که از طریق ارتقای عدالت اجتماعی و توانمندسازی آحاد جامعه و بهبود فضای کسب و کار و اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی شکل می‌گیرد.
۱۱. کاهش حداکثر اتکای بودجه و تراز جاری به درآمدهای نفتی.
۱۲. ایجاد ثبات اقتصادی از طریق اتخاذ سیاستهای پولی و مالی و ارزی متناسب و مناسب با ظرفیتهای اقتصادی کشور و مهار نوسانات اقتصادی به منظور برقراری ثبات اقتصادی.

آسیب‌شناسی وضع موجود و تهدیدات اقتصادی

۱. وابستگی به زیرساختهای بین‌المللی برای تبادل پول و کالا و اطلاعات.
۲. شکل‌گیری صنایع کشور بر مبنای صنایع مونتاژ و وابسته و عدم وجود چرخه کامل تولید حتی در تولیدات ملی.

۳. وابستگی کالاهای استراتژیک و حیاتی کشور به خارج از کشور، اعم از نیازهای روزمره و اساسی مردم (گندم، شکر، روغن، ...) و مواد اولیه و تجهیزات تولید در کشور.
۴. وابستگی در فناوری و تکنولوژی دانش محور به خارج از کشور.
۵. وابستگی بودجه کشور به نفت و تراز منفی تجاری بدون احتساب نفت.
۶. وجود ساختارهای آسیب‌پذیر و ایجادکننده رانت در اقتصاد (نظام توزیع، قاچاق، ...)
۷. وجود رابطه تجاری ناعادلانه به علت صادرات کالاها با تولید غیردانش‌بنیان و واردات کالاهای ساخته شده با اقتصاد دانش‌بنیان.
۸. بالا بودن شدت مصرف انرژی در ایران در مقایسه با اغلب کشورها.

دستاوردهای الگوی اقتصاد مقاومتی

در صورتی که الگوی اقتصاد مقاومتی با موفقیت برنامه‌ریزی شود و به اجرا درآید، دستاوردهای زیر متصور است:

۱. تبدیل تهدیدات و مشکلات به فرصتها. مثلاً وابستگی به نفت همیشه مشکل بوده است. با اجرای موفق این الگو مشکل برای همیشه حل خواهد شد. جان پاپو اقتصاددان و وزیر نفت سابق ونزوئلا جمله مشهوری دارد که نفت فضله شیطان است.
۲. ایجاد مصونیت در اقتصاد داخلی و عدم امکان فشار برای اقتصاد از سوی کشورهای متخاصم و غیرهمسو.
۳. معرفی ایران اسلامی به عنوان یک کشور موفق و دارای الگوی موفق با داشتن نظام اقتصادی متفاوت از نظامهای اقتصادی موجود.

۴. صیانت از منابع کشور و تبدیل صادرات از خام فروشی به مواد ساخته شده نهایی با ارزش افزوده بالا.
۵. تداوم استقلال سیاسی کشور به پشتوانه استقلال اقتصادی.

دکتر درخشان

از جناب آقای دکتر قوامی خیلی سپاسگزاریم. در خدمت حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر عیسوی هستیم.

حجت السلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی*

نکاتی که در این جلسه مطرح می شود به هیچ وجه به مفهوم نفی تلاشهایی نیست که در طول سالیان متمادی در کشور از سوی دولت های مختلف صورت گرفته است، بلکه هدف این است که بتوانیم از تجربیات گذشته برای ساختن آینده ای بهتر استفاده کنیم. به عنوان مثال، همانطور که در صحبت همه دوستان هم بود، یکی از ضعف های ما که بنده هم بطور جدی بر آن تأکید می کنم، وابستگی اقتصاد ملی به نفت است. نفتی که باید منشأ قدرت باشد در مواقعی حربه علیه ما شده است. این رویداد تازه ای نیست. از زمان ملی شدن صنعت نفت یکی از آرمان های ملت ایران این بود که بتواند نفت را آنطور که خودش می خواهد مدیریت و استفاده کند. در واقع اقتصاد تک محصولی خود را به صورتی سامان دهد که بتواند از همه ظرفیتهای خود استفاده کند. این آرمان، همچنان خواسته ملت ایران است. اما معنایش این نیست که هم اکنون در همان شرایط زمان ملی شدن صنعت نفت هستیم. ما امروزه گام های بلندی را در بهبود وضعیت اقتصادی کشور برداشته ایم. اگر به صادرات غیرنفتی خود نظری بیافکنیم صادراتی مثل فرش، پسته و نظایر آن در اوایل انقلاب در حدود ۴ یا ۵ درصد بود اما آماری که اکنون اعلام شده حدود ۳۰٪ است. نه

اینکه این ۳۰٪ خوب است اما بالاخره بین ۵٪ تا ۳۰٪ فاصله قابل توجهی است. ما باید این فاصله را روز به روز بیشتر و عمیق‌تر کنیم. بنابراین همه دولتهایی که سرکار آمدند، بگونه‌ای تلاش کردند تا وابستگی کشور را از به درآمدهای نفتی کاهش دهند و در این جهت تلاش کردند تا زیرساختهایی در اقتصاد کشور ایجاد کنند تا سکویی برای پرش نسلهای بعد باشد.

به عنوان مثال در زمینه حمل و نقل جاده‌ای و ریلی به عنوان یکی از زیرساختهای مهم برای پیشرفت کشور، آمارها کاملاً گواه است که در کشور کارهای زیادی صورت گرفته اما هنوز با نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم. بخش وسیعی از کشور را هنوز نتوانسته‌ایم با حمل و نقل ریلی پوشش دهیم. بسیاری از مناطق کشور وجود دارد که هنوز جاده‌های مناسب خود را ندارند. بنابراین حرفهایی که در این جلسه مطرح می‌شود بیشتر برای این است که بتوانیم برای دستیابی به نقطه مطلوب جهت گیریهای مناسب‌تری داشته باشیم. ما باید بتوانیم از آنچه از سوی دشمن به صورت فشار و مشکل بر ما تحمیل شده است در جهت منافع ملی خودمان استفاده کنیم و تهدیدات دشمن را به فرصتهایی بزرگ برای کشور تبدیل کنیم.

با این توضیحات، می‌بایست اقتصاد مقاومتی را مدلی برای برون‌رفت از شرایطی دانست که یا دشمنان بر ما تحمیل کرده‌اند یا خود در درون به دلایلی به آن گرفتار هستیم. اقتصاد مقاومتی را باید مدلی عملیاتی دانست برای آنکه بتوانیم از امکانات خدادادی خود بهترین استفاده را به عمل آوریم و از خروج سرمایه‌های انسانی و منابع طبیعی خودمان از کشور جلوگیری کنیم. در واقع، بگونه‌ای قدرتمند باشیم که دشمنان این مرز و بوم هیچگاه نتوانند به طور جدی از ابزار اقتصاد علیه ما استفاده نمایند. به همین جهت ما نیازمند آن هستیم که در گام اول نقاط قوت و ضعف خود را بهتر از گذشته بشناسیم. براساس شناخت این فرصتها یا تهدیدهایی که از طرف دشمن یا در فضای پیرامون ما بطور بالقوه یا بالفعل وجود دارد، بتوانیم سیاستهایی را

پیشنهاد دهیم یا اگر این پیشنهادها را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده‌ایم بتوانیم با جدیت بیشتری روی آن مطالعه کنیم و از دولتمردانی که در رأس سیاست کشور قرار می‌گیرند، بخواهیم این سیاستها را با قوت بیشتری دنبال کنند و روی نقاط قوتی که در درون کشورمان، هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ غیراقتصادی وجود دارد، بیشتر متمرکز شوند.

به اعتقاد من، اقتصاد مقاومتی تنها یک مقوله اقتصادی نیست، بلکه مقوله‌ای سیاسی و فرهنگی هم هست، کما اینکه کلیت مسائل جامعه هم خارج از این ابعاد نیست. کسی که بخواهد مسائل جامعه را یک‌بعدی نگاه کند، در حل مسائل آن زیاد موفق نخواهد بود. بلکه باید با نگاهی سیستمی و هدفمند و با توجه به ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به چاره‌جویی مشکلات و مسائل جامعه پردازد.

با این نگاه، ابتدا به مهمترین نقاط قوت کشور به‌طور گذرا اشاره خواهم داشت. مهمترین نقطه قوت ما این است که هم به لحاظ ایرانی و هم به لحاظ اسلامی دارای فرهنگی غنی هستیم. این فرهنگ را باید بتوانیم هر چه بیشتر در نسلهای جدید خودمان نهادینه کنیم. از دیگر نقاط قوت ما داشتن سرزمینی پهناور است که دارای منابع متعدد خدادادی است که هر کشوری اگر یکی از آنها را داشته باشد، می‌تواند در دنیا سهم معقول خود را از قدرت جهانی در اختیار بگیرد. نقطه قوت دیگر ما این است که ما در سرزمینی زندگی می‌کنیم که به لحاظ جغرافیایی و سیاسی در موقعیت بسیار ممتاز ژئوپلیتیکی قرار دارد. ما هم به آبهای بین‌المللی دسترسی داریم هم به سرزمینهای متعدد پیرامون خود. بسیاری از این کشورها اگر بخواهند با هم مراداتی داشته باشند باید از طریق سرزمین ما این کار را انجام دهند. تجربه تاریخی هم نشان داده که یکی از برتری‌هایی که موجب شده به ایران طمع ورزیده شود، همین موقعیت سیاسی و جغرافیایی ایران است.

نقطه قوت مهم دیگر ما این است که از لحاظ جمعیتی، هرم جمعیتی ما جزء جمعیت‌های جوان جهان محسوب می‌شود و این یک پتانسیل قوی برای ما ایجاد می‌کند تا بتوانیم از این پتانسیل به نحو شایسته‌ای استفاده کنیم.

از دیگر نقاط قوت ما این است که جوانان ما انگیزه تلاش برای مملکت را دارند. در هر حوزه‌ای که به آنها میدان داده شده، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی را جوانان این مرز و بوم به سرانجام رسانده‌اند. در عرصه‌های مختلف علمی در سالیان اخیر این جوانان دانشمند کشور بوده‌اند که توانسته‌اند گام‌های مؤثری بردارند.

نقطه قوت دیگر ما، دارا بودن بازار داخلی بزرگ است که علاوه بر بازارهای پیرامون کشور، حدود ۸۰ میلیون نفر جمعیت کشور را پوشش می‌دهد که اگر فرصت‌شناسی کنیم، می‌توانیم بازارهای پیرامون خود را نیز متعلق به خود کنیم. شاید نزدیک به ۳۰۰ یا ۴۰۰ میلیون جمعیت هستند که بصورت سنتی جزء بازارهای ما محسوب می‌شوند.

از دیگر نقاط قوت ما، وجود رهبری هوشمند، دقیق و تیزبین است که به عنوان یک استراتژیست برتر در جهان، همه مسائل را رصد می‌کند و با آینده‌نگری لازم نقشه راه آینده کشور را به طور دقیق، به موقع و هوشمندانه به ملت خود اعلام می‌کند.

نقطه قوت دیگر این است که در هم‌آوردی سیاسی و نظامی با دشمن به مرحله‌ای رسیده‌ایم که هرگونه تصمیم‌گیری برای انجام هر نوع تحرکی علیه ملت ایران را برای آنها سخت کرده است.

البته نباید از این نکته غافل بود که در کنار این نقاط قوت، نقاط ضعف مهمی هم در کشور وجود دارد که چه بسا وجود این نقاط ضعف باعث شده است که نتوانیم آن‌گونه که باید و شاید از همه نقاط قوت و توانمندی‌های خود استفاده بهینه را به عمل آوریم. اولین نقطه ضعف ما که باید با شرم از آن یاد کرد، عدم رسوخ کافی

آموزه‌های اسلامی خصوصاً در حوزه اقتصاد در سطوح مختلف جامعه است. فرهنگ اسلامی در ارتباط با اقتصاد، آموزه‌های فراوانی دارد که اگر این آموزه‌ها را دستمایه حرکت خود قرار دهیم، باید انتظار وقوع انقلابی اقتصادی را در جامعه داشته باشیم. نبود چنین انقلابی در کشور، به این مفهوم است که ما به آموزه‌های اقتصادی اسلام بهای چندانی نداده‌ایم و چه بسا بر خلاف آنها عمل کرده‌ایم.

دیگر نقطه ضعف ما، وابستگی شدید کشور به خارج از کشور در زمینه کالاهای حیاتی و استراتژیک است. با اینکه در سالهای اخیر، تلاش‌های زیادی شده است که از این نظر به خارج از کشور وابسته نباشیم، اما متأسفانه همچنان در تأمین این نیازهای اساسی به خارج از کشور وابسته‌ایم. به عنوان مثال، اقلامی مثل برنج، ذرت، قند، شکر، گوشت، روغن و نظایر آن هنوز جزء واردات ما هستند. البته می‌پذیرم که مفهوم استقلال و خودکفایی این نیست که همه چیز را درون جامعه خود تولید کنیم، این کار نه مطلوب است و نه ممکن. از این رو، باید ظرفیتهای خود را به خوبی بشناسیم و متناسب با توانمندیها و مزایای خود، سرمایه خود را بکار گیریم. اما پذیرفتنی نیست که در نیازهای اساسی کشور، همچنان به بیگانگان وابسته باشیم تا هر زمان که خواستند، بتوانند از آن زاویه ما را تحت فشار قرار دهند، خصوصاً اینکه در این زمینه‌ها، توانمندیهای کافی در کشور وجود دارد. مثلاً ما در برخی سالها صادرکننده گندم بودیم اما هنوز وضعیت متزلزلی داریم. این وضع در مورد برنج که غذای اصلی مردم است نیز وجود دارد. در نوسانات قیمت این نوع کالاهای، متأسفانه همچنان خانوارهای ما بیشترین آسیب را می‌بینند.

در زمینه صنعت نیز همین گونه است. عمده کالاهای ما واسطه‌ای است. یعنی صنعت ما به کالاهای وارداتی وابسته است تا بتواند تولید کند. در واقع، تولیدات داخلی ما هم به نوعی وابسته به کالاهای خارجی است. نقطه ضعف دیگر ما این است که در بسیاری از صنایع از لحاظ تکنولوژیکی به کشورهای متخاصم خودمان

وابستگی شدید داریم. هر چند در برخی زمینه‌ها توانسته‌ایم این ضعف را جبران کنیم اما متأسفانه در بسیاری از زمینه‌ها همچنان به تکنولوژیهای وارداتی وابسته هستیم.

نقطه ضعف دیگر ما که متأسفانه در دوره‌هایی دولتمردان و زمامداران ما به آن دامن زده‌اند این است که به ساختارهای متمرکز سیاسی و اقتصادی بین‌المللی متکی و وابسته شده‌ایم، بگونه‌ای که سعی می‌کردیم در مواقعی نسخه‌های عملیاتی آنها را در کشور اجرا کنیم که نوعاً درست هم اجرا نمی‌شد و لذا تبعات منفی شدیدی برای کشور داشت. به عنوان مثال، مدلی بنام خصوصی‌سازی که در دنیا در اواخر قرن بیستم مطرح شد، ایران جزء کشورهای بود که تصمیم داشت این مدل را در کشور اجرا کند که متأسفانه به شکل بدی هم اجرا شد. البته اگر هم خوب اجرا می‌شد معلوم نبود سیاستهای خصوصی‌سازی پیشنهادی سازمانهای بین‌المللی چقدر برای اقتصاد ملی ما می‌توانست مفید باشد. نتیجه اجرای چنین سیاستی این شد که شکاف طبقاتی شدیدتری در جامعه ایجاد شد و مفساد اقتصادی در جامعه رشد زیادی کرد، رانت‌خواری در جامعه گسترش یافت و سرمایه اجتماعی ما که مردم و اعتماد آنها به مسئولین است در دوره‌ای از زمان تا حد زیادی آسیب دید.

درست است که باید با دنیا تعامل داشته باشیم اما این تعامل می‌بایست براساس آموزه‌های ما و آنچه که منفعت ما در آن است، باشد. حضور نداشتن ما در مجامع بین‌المللی قطعاً در بسیاری از موارد به زیان ما بوده و خواهد بود و اگر بخواهیم چنین رویه‌ای را دنبال نماییم، این زیان بیشتر خواهد شد، اما تعامل با جهان به هیچ وجه به این معنی نیست باید با سازوکارهای آنها زندگی کنیم. تب جهانی شدن که در دوره‌ای در دنیا رواج یافت، جز وابستگی بیشتر کشورها به ساختارهای جهانی هدفی را دنبال نمی‌کرد. در درون کشور، کم نبودند افرادی که صرفنظر از همه سوابقی که داشتند می‌خواستند کشور را به سرعت به سمت جهانی شدن هدایت کنند و اگر

کسی می گفت که این نحوه حرکت درست نیست، به او می گفتند که شما از تحولات جهانی عقب هستید و می خواهید کشور را در انزوا نگهدارید. بنابراین یکی از مشکلات و نقاط ضعف ما این است که متأسفانه در مواردی ما را مجبور کرده اند که با قواعد آنها حرکت کنیم.

از دیگر نقاط ضعف ما، وابستگی شدید کشور به درآمدهای نفتی است که اگر درست مدیریت بشود، می تواند نقطه قوت ما باشد اما در هر صورت همچنان از نقاط ضعف ماست. این مشکل بطور تاریخی به عنوان یک بیماری مزمن در اقتصاد ما مطرح است.

باز یکی دیگر از نقاط ضعف مهم ما این است که از دیپلماسی تجاری و اقتصادی در دنیا خیلی بهره نمی بریم. برای تعامل اقتصادی و تجاری با کشورهای مختلف دنیا، مهندسی مناسبی طراحی نکرده ایم. در سال ۱۳۸۸ بیش از ۷۵٪ واردات کشور ما از ۱۱ مبدأ انجام می شد که ۷ مبدأ آن کشورهای اروپایی و وابسته به غرب بودند. یعنی همچنان بزرگترین شرکای تجاری ما همان کشورهایی هستند که دشمنان ما محسوب می شوند.

آخرین نقطه ضعف، وجود آسیب های ریشه دار درونی در اقتصاد ما است که کمتر برای رفع آنها اقدام عملی و جدی صورت گرفته است. به عنوان مثال می توان از فقدان شفافیت در فعالیت فعالان اقتصادی کشور نام برد. ما نتوانستیم سازوکاری را در سیستم اقتصادی خودمان طراحی کنیم که هر گونه فعالیت اقتصادی افراد، بنگاه ها و دولت از شفافیت کافی برخوردار باشد و پنهان کاری صورت نگیرد. به عنوان مثالی دیگر می توان به مسأله مالیات ها در کشور اشاره داشت که هنوز اطلاعات دقیقی از وضعیت درآمد افراد جامعه وجود ندارد تا معلوم شود چه کسی چه مقدار درآمد دارد و چقدر باید مالیات بپردازد. در زمینه گمرک هم وضع چنین است. چندی پیش گزارشی در تلویزیون در همین رابطه پخش شد که در آن یکی

از مسئولین گمرک معترف بود که هنوز در رده‌های مدیریت سازمان گمرک ما، افرادی وجود دارند که با گرفتن مبالغی، می‌توانند حقوق ملت را از ناحیه گمرک پایمال کنند.

از جمله مسائل ما این است که انضباط مالی لازم را در ابعاد مختلف جامعه نداشته‌ایم. در گذشته چنین بوده است که نبود انضباط مالی و خرج کردن بی‌رویه و بی‌حساب و کتاب در پروژه‌های مختلف و تزریق پول در پروژه‌های مختلف، همواره زمینه فرصت‌طلبی را برای عده‌ای فراهم می‌کرد که بجای اینکه جیب ملت را پر کنند، بتوانند جیب خود را پر کنند. در همین رابطه، نبود سیستم کارآمد پولی و بانکی در کشور مطرح می‌شود. علی‌رغم اینکه منابع مالی زیادی در کشور داریم، یکی از مشکلاتی که از اول انقلاب در جامعه مطرح بوده است و همچنان نیز مطرح است، نقدینگی فراوانی است که در جامعه وجود دارد که خود یکی از عوامل جدی تورم و ناکارآمدی دولت‌ها در سالیان گذشته بوده است. وجود چنین مسئله‌ای نشان می‌دهد که ما نتوانسته‌ایم این نقدینگی را متناسب با تولید ملی کشور مدیریت کنیم. از طرف دیگر، روشی که در جامعه و بانکها و سیستمهای پولی و مالی کشور برای مدیریت این منابع در پیش گرفته‌ایم، نمی‌تواند سرمایه‌های مردم را در جهت تحقق اهداف اقتصادی کشور بخوبی بسیج کند. اگر یکی از ارکان توجه به تولید در سطح کلان جامعه، تأمین مالی پروژه‌های مختلف تولیدی است، این تأمین مالی توسط چه سازمانی در جامعه انجام می‌شود؟ چرا همچون گذشته، هم اکنون نیز یکی از مشکلات اساسی تولیدکنندگان ما، کمبود نقدینگی است؟ معلوم می‌شود که سیستم پولی و مالی ما از این نظر ضعیف است که نمی‌تواند منابع محدود پولی کشور را به سمت عرصه‌های مختلف و مناسب تولید هدایت کند. همین مسئله موجب گسترش و پایداری بازارهای غیرمولدی همچون بازار ارز، سکه و طلا در اقتصاد کشور شده است. بازارهای غیرمولدی که جز دامن زدن به دلالت‌بازی و سفته‌بازی و ایجاد فشار

تورمی در جامعه و عمق بخشی به رکود اقتصادی، سود دیگری برای کشور نداشته و ندارد.

مجموعه این عوامل، نقطه ضعف جدی دیگری را در جامعه موجب شده است که عبارت است از تضعیف اعتماد ملی نسبت به افرادی که سکان هدایت کشور را برای مدتی بدست می گیرند. وجود این مشکل به گونه ای است که علی رغم همه تلاش هایی که مسئولین مختلف با گرایش های سیاسی متفاوت در این سالها در مسند قدرت انجام داده اند و بسیاری از آنها نیز بدون شک دغدغه مردم را داشته اند، اما متأسفانه وجود این شکاف را نمی توان انکار کرد. این پرسش همیشگی مردم است که مشکلات اقتصادی ما چه زمانی تمام می شود؟

این ها مجموعه ای از نقاط ضعف و قوت ماست که می بایست آنها را شناسایی کنیم تا بتوانیم برای آینده تصمیم گیری های مناسبی انجام دهیم. بر همین اساس، برای برون رفت از وضعیت اقتصادی حاضر کشور می توان مجموعه ای از سیاست ها و راهکارها را مطرح کرد که کم و بیش مورد اتفاق بسیاری از صاحب نظران کشور هستند. ذیلاً به مهمترین این سیاستها و راهکارها که می توان به تناسب از آنها در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت استفاده کرد، به اجمال اشاره خواهد شد.

نخستین و مهمترین سیاست برای هدایت کشور تلاش جدی و از روی اعتقاد برای اسلامی کردن اقتصاد کشور است. مسلماً استفاده از الگویی مبتنی بر آموزه های اسلامی در عرصه اقتصادی کشور بسیار راهگشاست و استفاده از نظرات کارشناسی علمای دینی و صاحب نظران اقتصاد اسلامی بر روند اقتصاد مقاومتی تأثیر بسیار مطلوبی خواهد گذاشت. زیرا چنین الگویی هم مبتنی بر معیارهای اسلامی است که هدفی جز تحقق و بسط عدالت و پیشرفت را در جامعه دنبال نمی کنند و هم هماهنگ با فرهنگ عمومی جامعه است که می تواند برای مجریان امور بسیار کمک کننده باشد. تبیین، تدوین و گسترش آموزه های اقتصادی اسلام در مراکز

علمی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری کشور و نیز در سطح عموم جامعه اولین گام در این زمینه است.

سیاست دیگری که به طور جدی باید مورد توجه قرار گیرد این است که در فرآیند اجرای اقتصاد مقاومتی نباید به اقدامات شعاری و صرفاً کوتاه‌مدت بسنده کرد. زیرا اگر اقتصاد مقاومتی را در تقابل با اقدامات خصمانه دشمن علیه انقلاب اسلامی و مردم وفادار به آن ارزیابی کنیم، باید به این نکته توجه داشت که همچنان که تجربه نیز نشان داده است، اقدامات اقتصادی دشمن جهت‌گیری بلندمدت دارد. از این رو باید جامعه را برای یک رویارویی بلندمدت اقتصادی با استکبار جهانی آماده کرد. القای این که همه چیز عادی است و هیچ تهدیدی از طرف دشمن وجود ندارد، شاید به عنوان یک خط تبلیغاتی تا حدودی قابل فهم باشد، اما اصرار بی‌رویه بر این مسأله می‌تواند موجب غفلت مردم و مسئولان در مواجهه با شرایط نبرد اقتصادی شود. اگر چه ما از اول انقلاب همیشه در شرایط تحریم اقتصادی قرار داشته‌ایم اما واقعیت این است که تحریم اخیر با تحریم‌های ۳۴ ساله گذشته بسیار تفاوت دارد. از این رو به منظور توفیق بیشتر در این نبرد تمام عیار اقتصادی باید برنامه‌ریزی‌های همه‌جانبه‌ای را برای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت انجام داد.

همچنان که در جلسه پیشین درباره مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی خاطر نشان شد، خصلت مردمی بودن را باید یکی از ویژگی‌های برجسته اقتصاد مقاومتی دانست. بر این اساس و در راستای سیاست پیشین، باید یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های رویکرد اقتصاد مقاومتی در اداره جامعه را سیاست مردمی بودن برشمرد. به همین دلیل در اقتصاد مقاومتی باید بخش خصوصی را بازیگر اصلی به حساب آورد و سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی را به طور جدی به مرحله اجرا درآورد و از اجرای نیم‌بند و ناقص آن پرهیز نمود. همچنان که رهبر معظم انقلاب در تشریح و تبیین ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی خطاب به مسئولان یادآوری کردند: «بخش خصوصی را باید کمک

کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است. همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هر چه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست.»

در تبیین ضرورت اتخاذ چنین سیاستی که مورد تأکید جدی مقام معظم رهبری نیز قرار دارد، باید این نکته تاریخی را که میراث رهبری هوشیارانه دینی امام خمینی^(ره) در طول انقلاب و پس از آن است، یادآوری کرد که مردم اصلی‌ترین سرمایه نظام اسلامی بوده و هستند. نظام ما در طول سال‌های گذشته در عرصه‌های سیاسی و نظامی توانسته است با استفاده از این ظرفیت، بسیاری از مسائل و مشکلات را حل کند و گردنه‌های بسیار خطرناکی را با موفقیت پشت سر بگذارد. اما باید اعتراف کرد که متأسفانه در عرصه اقتصاد هنوز آن‌گونه که باید، از ظرفیت مردم برای تولید و رشد کشور استفاده نشده است. بنا بر اندیشه رهبر معظم انقلاب یکی از مهمترین علل وجود مشکلات اقتصادی کشور، شناختن ظرفیت مردمی اقتصاد کشور و عدم استفاده از آن است. در صورتی که بتوان اقتصاد کشور را بر پایه مشارکت حداکثری مردم و براساس اعتقادات اسلامی آنان شکل داد، آن‌گاه باید انتظار داشت که اقتصاد کشور از حیث مقابله با تهدیدهای اقتصادی دشمن و اثرپذیری از آنها تا حد زیادی کامیاب خواهد بود و دشمن را در این جنگ نابرابر نیز همچون جنگ تحمیلی با شکست مواجه خواهد کرد.

هر گونه اتخاذ تصمیم در اداره جامعه آنگاه قرین موفقیت خواهد بود که متکی بر علم و دانش باشد. ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که علم و دانش یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده خلق ارزش اقتصادی است. دانش سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر و متکی به انسان است. همچنان که انسان اصلی‌ترین و پایدارترین دارایی هر کشور است، دانش نیز اصلی‌ترین و پایدارترین دارایی آن کشور را تشکیل

می‌دهد. پایداری دانش ناشی از این واقعیت است که دانش نوعی دارایی است که با مصرف بیشتر، رویش بیشتری را از خویش بروز می‌دهد. لذا اگر اقتصاد کشوری بر پایه دانش شکل گیرد، اولاً این امکان را فراهم می‌سازد که اقتصاد از رویش مستمری برخوردار شود و ثانیاً از حیات پایدار و مستقلی بهره‌مند خواهد بود که ضمن ایجاد رفاه توأم با عدالت برای آحاد جامعه و نسل‌های آینده توان مقابله و مقاومت در مقابل دشمن را به شدت فزونی خواهد بخشید. بنابراین، پی‌ریزی یک اقتصاد دانش‌بنیان برای کشور باید یکی از سیاست‌های اساسی اقتصاد مقاومتی تلقی شود.

تا زمانی که جامعه برای تأمین نیازهای خود به بیگانگان و خصوصاً دشمنان خود وابسته است، سخن از مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های دشمن تنها ارزش یک شوخی را خواهد داشت. گسترش فرهنگ کار و تولید کالاها براساس توانمندی‌های داخلی و تلاش در جهت بالا بردن استانداردهای تولید سکوی پرش هر اقتصادی است. تدوین نقشه‌ای جامع برای بهبود فضای کسب و کار در کشور همگام با ارتقای مستمر کیفی و کمی تولید ملی در کنار توجه به ارتقای دانش فنی و افزایش توان بومی‌سازی فناوری‌های نوین می‌تواند به خودکفایی کشور در محصولات استراتژیک منتهی شود و توان مقاومتی واقعی را برای اقتصاد ملی به ارمغان آورد. بنابراین، یکی از سیاست‌های کلیدی اقتصاد مقاومتی، سیاست تولید محوری است.

براساس این سیاست، باید به پی‌ریزی اقتصادی درون‌زا و متمرکز بر زنجیره‌های تولید داخلی و البته در تعامل با کشورهای غیرمتخاصم دنیا که اکثریت را تشکیل می‌دهند، همت گماشت. زیرا کشور ما از یک سو، از حیث منابع اولیه تولیدی، معادن و سرمایه‌های طبیعی غنی است و از سوی دیگر از حیث بازار مصرف هم با وجود جمعیت حدود هشتاد میلیونی کاملاً مستعد بازاری بزرگ برای شکل‌گیری تولید بصره و اقتصادی است. لذا رونق دادن اقتصادی که چه از نظر منابع اولیه و چه

از نظر بازار مصرف به خارج وابسته نباشد، امری شدنی و مطلوب است. وجود چنین شرایطی در کشور باید موجب آن شود که بر نوعی از صنایع تولیدی تمرکز کنیم که با رونق آنها ده‌ها صنعت دیگر نیز به حرکت در خواهد آمد و رونق پیدا خواهد کرد. صنایعی مانند مسکن، نفت و گاز و خودرو، مثال‌هایی از این گونه صنایع هستند. البته نباید از این نکته غفلت کرد که هر چند به طور طبیعی و سنتی همیشه این امکان برای ما فراهم بوده است که بازارهای هدف خود را شناسایی و مورد بهره‌برداری قرار دهیم اما متأسفانه در این زمینه نیز کند عمل کرده‌ایم.

به عنوان مکمل سیاست اقتصادی تولید محور در کشور باید به سیاست اصلاح الگوی مصرف نیز به گونه‌ای واقعی، غیرشعاری و مستمر توجه ویژه داشت. سیاست پرهیز از اسراف و تبذیر در کنار تشویق مردم به استفاده از کالاهای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای غیرضروری خارجی باید مورد توجه مردم و مسئولان کشور قرار گیرد. تبلیغ کالاهای خارجی تأثیر زیادی بر روند فرهنگ‌سازی مصرف در کشور دارد. لذا کاهش تبلیغات کالاهای خارجی از دیگر مواردی است که باید در روند اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گیرد. نبود همت کافی در فرهنگ‌سازی برای استفاده از کالاهای داخلی توسط مسئولان اقتصادی یکی از چالش‌های اقتصاد مقاومتی است که می‌تواند ما را ناکام بگذارد. توجه به کیفیت در تولیدات داخلی می‌تواند ابزاری مهم و مؤثر در اصلاح الگوی مصرف و حمایت از تولید ایرانی باشد.

یک اقتصاد بسته، فاقد توانمندی کافی برای ادامه حیات خواهد بود، از این‌رو، توجه به توسعه صادرات و کاهش واردات خصوصاً در ارتباط با کشورهای متخاصم را باید مکمل سیاست‌های پیشین دانست. اقتصاد مقاومتی ما باید صادرات‌گرا باشد. زیرا صادرات محصولات با کیفیت ایرانی، ظرفیت کسب درآمد خارجی و افزایش سرمایه‌های ملی را به همراه دارد و از اتکای آسیب‌پذیر اقتصاد کشور به درآمدهای

نفتی خواهد کاست و ما را از فروش خام سرمایه‌ها و دارایی‌های خود بی‌نیاز خواهد کرد. اقتصاد صادرات‌گرا می‌تواند امکان رقابت اقتصادی در دنیا را برای ما فراهم آورد و ما را در سطح اقتصادهای برتر و قدرتمند منطقه و جهان بنشانند.

هیچ برنامه‌ریزی دقیق اقتصادی بدون تأمین منابع مالی لازم و مطمئن به بار نخواهد نشست. در کشور ما که عمده منابع مالی در اختیار نظام بانکی کشور است، توجه به بانک‌های کشور و نظارت مستمر بر آنها و اصلاح سازوکارهای عملیاتی آنها اهمیتی ویژه دارد. خصوصاً که عملکرد آنها در سالیان گذشته نشان داده است که این سیستم بیمار است. وجود تخلفات مالی متعدد و چند هزار میلیاردی در بانک‌های کشور به تنهایی دلیلی کافی برای اتخاذ سیاست اصلاح نظام بانکی کشور است.

یکی از اساسی‌ترین کارهای لازم در اقتصاد مقاومتی در بعد جهانی و منطقه‌ای فراهم آوردن ساختارها و سازوکارهایی است که کشور را از زورگویی‌های سیستم حاکم بر جهان و نهادهای در خدمت استکبار در امان نگه دارد. اتخاذ سیاست گسترش پیمان‌های دوجانبه با کشورهای همراه و همسو را می‌توان جایگزین پیوستن به پیمان‌های جهانی نمود. باید در معاملات تجاری خود با جهان خارج هر چه سریع‌تر به سمت استفاده از پول‌های کشورهای دو طرف حرکت کرد. این سیاست به تدریج می‌تواند محوریت دلار را در اقتصاد دنیا با تهدیدی جدی مواجه سازد و در عین حال آسیب‌پذیری اقتصاد ملی ما از نوسانات نرخ دلار را مهار نماید. همچنین تأسیس مؤسسات مالی معتبر بزرگ، بیمه‌های بزرگ در حمایت از صنایع و صادرات کشور، ایجاد شرکت‌های بزرگ حمل و نقل خارجی و مواردی از این دست، می‌تواند موازی با ساختارهای در اختیار غرب ظرفیت‌هایی خوبی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

اتخاذ مجموع این سیاستها که مکمل یکدیگر هستند و نیز تلاش برای اجرای جدی و پیگیرانه آنها می‌تواند کشور را از نبرد اقتصادی تحمیلی دنیای استکبار پیروزمند بیرون آورد و بنیانهای لازم را برای جهش اقتصادی عدالت محور اسلامی فراهم کند، همه تهدیدات بالقوه و بالفعل را برای ما به فرصتهایی طلایی و تاریخی تبدیل کند، خیزش بیداری اسلامی را در میان ملت‌های مسلمان عمقی تازه بخشد و ملت‌های مستضعف جهان را امیدوارتر سازد و مسیر گسترش فرهنگ اسلامی را در جهان هموارتر نماید.

دکتر مسعود درخشان

خیلی ممنون هستیم از جناب آقای دکتر عیسوی. در خدمت جناب آقای دکتر دانش جعفری هستیم.

دکتر داود دانش جعفری*

در خلال مدتی که بنده در مورد اقتصاد مقاومتی مطالعه کردم، آنچه فهمیدم این است که اقتصاد مقاومتی، مجموعه تدابیر مدیریتی اقتصادی است که آسیب‌پذیری ما را در برابر ریسکهای متعددی که اقتصاد ایران را تهدید می‌کند، کاهش می‌دهد. اقتصاد مقاومتی بحث نظری جدیدی نیست بلکه بحث مدیریتی جدیدی است که هر کشوری با توجه به وضعیت و مشکلات اقتصادی خود باید اتخاذ کند.

مثال ۱. وقتی که جنگ اعراب و اسرائیل در دهه ۸۰-۷۰ پیش آمد، کشورهای عرب اوپک، آمریکا را تحریم نفتی کردند که باعث شد شوک سنگینی در سالهای بعد به اقتصاد آمریکا وارد شود. همانجا اقتصاد آمریکا تصمیم گرفت کاری کند که آسیب‌پذیری خود را در برابر هر کشوری که ممکن است در آینده آمریکا را تحریم کند، کاهش دهد. راه حل این کار چه بود؟ ایجاد ذخایر استراتژیک نفتی.

مثلاً برای یک سال نفت خریداری کردند و ذخیره کردند که هر وقت بهر دلیلی کمبود نفت پیش آمد بتوانند با استفاده از ذخایر آسیب‌پذیری خود را کاهش دهند. مثال ۲. می‌دانید که ترکیه در حالی در سالهای گذشته با ایران قرارداد خرید گاز منعقد می‌کند که قبل از آن قرارداد بزرگتری را با روسیه بسته بود. وقتی که ترکیه با ایران قرارداد نفتی بست، قیمتی که برای خرید گاز ایران پرداخت به مراتب بیش از قیمتی بود که برای گاز روسیه می‌پرداخت. البته این امر، واکنشهایی را در داخل ترکیه به دنبال داشت اما دولت ترکیه در نهایت قبول کرد که گاز ایران را گرانتر از گاز روسیه بخرد. چرا؟ زیرا اگر عرضه‌کننده گاز به ترکیه تنها یک کشور مثلاً روسیه باشد آنگاه ترکیه انحصار عرضه را دست یک کشور داده است. اینکه از ایران گاز گرانتری را بخرد، آسیب‌پذیری اقتصاد ترکیه را کاهش داده است و همچنین درجه تمرکز واردات از یک کشور بنام روسیه نیز کاهش می‌یابد. کاری که ترکیه کرد، نوعی تدبیر اقتصاد مقاومتی بود. در واقع با واقعیت یافتن واردات گاز از ایران، آسیب‌پذیری اقتصاد خود را در برابر واردات گاز از روسیه کاهش داد. حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر عیسوی مثالهای زیادی از آسیب‌پذیری‌های کنونی اقتصاد ایران زدند. یعنی اگر می‌خواهیم در آینده دچار مشکل نشویم، نباید همه تخم‌مرغها را در یک بسته متمرکز کنیم زیرا ریسک خود را بالا می‌بریم. هم‌اکنون ۸۰٪ واردات ما از ۳ کشور ترکیه، چین و امارات است. این امر یعنی آسیب‌پذیری. اینکه این کشورها دوست یا دشمن هستند مهم نیست. اقتصاد مقاومتی ایجاب می‌کند که میزان تجارت ما با کشورهای دیگر بگونه‌ای باشد که در نوسانات سیاسی احتمالاً در آینده که بوجود می‌آید، به مشکل جدی برنخوریم. پس تجارت نباید به یک کشور یا چند کشور محدود وابسته شود. باید تجارت خود را با کشورهای دیگر نیز گسترده کنیم تا آسیب‌پذیری اقتصادی ما کاهش یابد.

در وابستگی درآمدهای بودجه به درآمد نفتی، وضع بدتر است. همانطور که در نشست اول عرض کردم، ۶۵٪ درآمدهای دولت از درآمدهای نفتی است. می‌دانید که ریسک درآمد نفتی به چه معنی است؟ اگر روزی قیمت جهانی نفت پایین بیاید و یا درآمدهای اصلاحات نفت به هر دلیل کاهش یابد، چه اتفاقی برای اقتصاد ایران می‌افتد؟ که ۶۵٪ درآمد دولت از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌شود؟ و لذا یک شوک انفجاری به اقتصاد وارد می‌شود. یعنی اگر وابستگی به درآمد نفتی را کاهش ندهیم ممکن است در آینده آسیب ببینیم. هم‌اکنون قیمت جهانی نفت بالاست اما ممکن است که تحریم خرید نفتی بوجود بیاید که الان بخشی از آن توسط کشورهای اروپایی اجرا شده است. یعنی بخشی از نفتی که در گذشته از ما می‌خریدند الان دیگر نمی‌خرند. پس ما که ۲/۳ میلیون بشکه صادرات در روز داشتیم در بعضی از ماهها صادرات ما به زیر ۱ میلیون بشکه می‌رسد. بنابراین درآمد نفتی دولت در شرایط اخیر کاهش می‌یابد.

اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه همه آسیب‌پذیرهای خود را در حوزه‌های مختلف مالی، پولی، تجاری، ارزی و همه حوزه‌هایی که ریسک ما بالاست و احتمالاً در آینده به اقتصاد ایران شوک وارد کند، کاهش دهیم. الان شاید ۹۰٪ از روغن نباتی کشور از خارج وارد می‌شود. پس اقتصاد ما در این بخش خیلی وابسته است. گوشت قرمز نیز به این نحو است. ممکن است در شرایطی این کار تجویز شود اما اینکه همه اینها را بخواهیم از یک کشور وارد کنیم، احتمالاً در آینده دچار مشکل می‌شویم. بنابراین کاهش ریسکهای متعددی که اقتصاد ایران را تهدید می‌کند در حوزه مقولات اقتصاد مقاومتی است.

به نظر من شناسایی همه اینها امکانپذیر است. مثلاً در حوزه سیاستهای پولی که اشاره شد، یکی از مشکلات اقتصاد ایران این است که نهادهای موجود مثل سیستم بانکی یا بورس، امکان تأمین مالی که مورد نیاز اقتصاد ایران است را ندارند. البته این

امر به این معنی نیست که در این زمینه افراط یا تفریط صورت گرفته است. مثلاً آخرین آماری که در سطح جهانی دیدم، میزان تولید اعتبار توسط سیستم بانکی ایران را ۰/۳۷ تولید ناخالص داخلی ایران ذکر کرده بود در حالی که در برخی کشورها تا ۱۸۰٪ GDP آنها در سیستم بانکی شان تولید اعتبار می شود (نقطه و میزان وام اعطایی بانکها به متقاضیان است). اگر بتوانیم به این سؤال جواب دهیم که چرا سیستم بانکی ما اینقدر ضعیف است که برای متقاضیان می تواند تولید اعتبار کافی کند؟ می توانیم ریسک خود را در زمینه تأمین مالی که در حال حاضر با آن مواجه هستیم، کاهش دهیم.

یکی از تهدیدهایی که در نظام بانکی با آن مواجه هستیم، مسئله بالا بردن معوقات بانکی است. یعنی وام یا تسهیلاتی که سیستم بانکی به متقاضی می دهد به هر دلیلی بازپرداخت نمی شود. در حال حاضر، میزان تسهیلات معوقی که برنگشته در حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان است. سیستمهای جهانی می گویند اگر نسبت تسهیلات برگشت داده نشده (معوق) به کل تسهیلاتی که داده شده، بالاتر از ۵٪ باشد بانک وارد ریسک بالا می شود. این نسبت در ایران در بعضی از سالها ممکن است از مرز ۲۰٪ هم عبور کرده باشد. باید برای رفع خطر این ریسکها، راههایی را پیدا کنیم و معوقات را کاهش دهیم. کلیه اشخاصی که بازپرداخت تسهیلات آنها معوق شده، ناتوان نیستند. ۳ گروه هستند که معوقه دارند. یک گروه می گویند که ما به دلیلی در گذشته زمین خوردیم و بنگاهمان دچار مشکل شده و الان امکان بازپرداخت نداریم. راه حل این است که دولت به اینها کمک کند. عده ای دیگر می گویند که ما زمین نخوردیم اما در شرایطی هستیم که فکر می کنیم اگر وامی که گرفته ایم پس بدهیم، معلوم نیست بانک دوباره به ما وام جدید می دهد یا نه؟ پس ترجیح می دهیم وام را نگه داریم و تأخیر و جریمه اش را هم بدهیم که باز به نفع ماست. از طرفی شاید ۴۷ هزار میلیارد تومان از این ۷۰ هزار میلیارد تومان، معوقه های است که مربوط

به بنگاههای دولتی است. یعنی چون سیستم بانکی نمی تواند طلبش را از دولت پس بگیرد. بنابراین می بایست هر کدام از این آسیب شناسی ها را انجام دهیم و راه حل مناسبی برای هر کدام بیابیم تا بتوانیم در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی حرکت کنیم.

دکتر مسعود درخشان

خیلی ممنون از جناب آقای دکتر دانش جعفری. در فرصت کوتاهی که باقی مانده است اجازه می خواهم نکات خود را به صورت فشرده به استحضار حضار محترم برسانم.

هر بعدی از ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی طبعاً سیاستها و راهکارهای متناسب با خود را دارد. از مقدمات بحث صرف نظر می کنم و به بررسی اجمالی برخی سیاستها و راهکارها صرفاً در یکی از جنبه های اقتصاد مقاومتی یعنی «مردمی بودن» آن می پردازم. می خواهم از بحث خود اینطور نتیجه گیری کنم که رفتار دولت و سیاستهای مناسب دولتی، شرط لازم برای مردمی کردن اقتصاد در فضای اقتصاد مقاومتی است.

چنانکه در نشست قبلی گفته شد، اقتصاد مقاومتی اقتصاد مردمی است زیرا که مقاومت هر نظام اقتصادی در برابر تعرضات و رفتارهای خصمانه خارجی، در نهایت تابعی از مقاومت توده های مردم در برابر فشارها و تنگناهایی است که بر اقتصاد ملی تحمیل می شود. مقاومت های مردمی می بایستی آگاهانه و مبتنی بر شناخت دقیق باشد تا اولاً مستمر باشد و ثانیاً از کارایی کافی برخوردار باشد. کارگران، کشاورزان، کارمندان، کسبه و تجار و دیگر اقشار جامعه همگی می بایستی درک صحیحی از سیاستهای خصمانه اقتصادی علیه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران داشته باشند و سازوکارهای این رفتار خصمانه را چه از سوی کشورهای خارجی باشد و چه از

سوی نمایندگان آنها در داخل، به درستی بشناسند. بدیهی است در شرایط فعلی، تحریم نفتی کشور و ایجاد اختلالهای جدی در تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران در صدر رفتارهای خصمانه اقتصادی سیاست آمریکا قرار دارد. آگاه‌سازی اقشار مختلف جامعه از این حقایق پایه‌ای و اساسی، وظیفه دولت است که می‌بایستی با استفاده از کارشناسان و صاحب‌نظران دانشگاهی و حوزوی به تدوین برنامه‌های جامع به منظور آگاه‌سازی اقشار و طبقات مختلف اجتماعی اقدام کند و این، اولین وظیفه دولت در مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است.

اگر آگاهی شرط لازم برای مقاومت‌های توده‌ای در مقابل رفتارهای خصمانه اقتصادی است، تعلق آحاد جامعه به نظام جمهوری اسلامی ایران شرط کافی برای مقاومت‌سازی بدنه مردمی اقتصاد ملی است. یکی از مصادیق این تعلق، بلکه مهمترین آن، تبلور فرهنگ جهادی در عملکرد کلیه فعالان اقتصادی اعم از کشاورزان، کارگران، صنعتگران، کسبه و تجار، مدیران و سرمایه‌گذاران است. بدون حرکت در بستر جهاد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی کارایی لازم در مقابله با تهاجمات اقتصادی خارجی و تحقق اهداف میان‌مدت و بلندمدت اقتصاد ملی را نخواهد داشت.

اما سؤال این است که تبلور فرهنگ جهادی در عملکردهای اقتصادی اقشار مختلف اجتماعی چگونه حاصل می‌شود؟ فراموش نکنیم که محور اصلی در مباحث این نشست، بررسی سیاستها و راهکارهای اقتصاد مقاومتی است. بنابراین می‌بایستی حتی‌المقدور بتوانیم از کلیات به جزئیات و از مفاهیم پایه‌ای به مصادیق و از سیاستهای کلی به برنامه‌های اجرایی نزدیک شویم. بدیهی است پاسخ به سؤالی که مطرح کردیم، نیازمند مطالعات و تحقیقاتی است که می‌بایستی توسط صاحب‌نظران و کارشناسان دانشگاهی و حوزوی پیگیری شود و با همکاری نزدیک دستگاههای دولتی تبدیل به برنامه‌های اجرایی شود. مجدداً ملاحظه می‌شود که ضروری است دولت نقش بسیار فعال و اساسی در این مورد ایفا کند. بنابراین اگر گفته شود اقتصاد

مقاومتی در واقع اقتصاد مردمی است مطلقاً به این معنی نیست که دولت نقشی ندارد، بلکه دولت می‌بایستی نقش بسیار اساسی ایفا کند اما در مسیر صحیح و حساب شده و تعریف شده. بنابراین دولت مقتدر، قانون‌گرا، ناظر و نظارت‌پذیر که وجه مشخصه آن رفتار عقلایی در همه سطوح است از لوازم اصلی، بلکه مهمترین عامل، در تحقق اقتصاد مقاومتی است و این، دومین وظیفه دولت در مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است.

مجدداً به سؤال خودمان برمی‌گردیم. چگونه می‌توان فرهنگ جهادی را در عملکردهای اقتصادی همه اقشار اجتماعی متبلور کرد؟ پاسخی که بنده برای این سؤال دارم و البته پاسخ صاحب‌نظران حاضر در این نشست دقیقتر از پاسخ بنده خواهد بود، این است که یکی از راهکارهای ترویج فرهنگ جهادی در عملکردهای اقتصادی، ایجاد امنیت اقتصادی در جامعه است. به نظر بنده، امنیت اقتصادی پشتوانه عدالت اقتصادی است. آحاد جامعه، چه مصرف‌کننده باشند چه تولیدکننده، چه کارگر باشند چه کارفرما، اگر امنیت اقتصادی را به اصطلاح با تمام وجود احساس کنند، آنگاه عدالت اقتصادی را تصدیق می‌کنند. و اگر عدالت اقتصادی را تصدیق کنند آنگاه مدافع نظام اقتصادی و نظام سیاسی خواهند بود زیرا که عدالت، مطلوب هر جامعه است و اقامه قسط و تحقق عدالت از رسالت انبیای الهی است. بنابراین ایجاد امنیت اقتصادی، از الزامات اقتصاد مقاومتی است. اما نکته مهم این است که تحقق همین امر یعنی امنیت اقتصادی برای فعالان اقتصادی نیز در دست دولتهای باکفایت است. در همین جا نیز مجدداً می‌بینیم که نقش دولت در مردمی کردن اقتصاد در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، نقشی کلیدی است و این، سومین وظیفه دولت در مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است.

اما سؤال این است که چگونه می‌توان امنیت فعالان اقتصادی را ایجاد کرد؟ پاسخ این است که از طریق تأمین حقوق فعالان اقتصادی، که این هم از وظایف

دولتهای با کفایت است. به عبارت دیگر، حقوق مصرف کنندگان، حقوق تولید کنندگان، حقوق صاحبان سرمایه، حقوق سرمایه گذاران و در یک کلمه حقوق هر فعال اقتصادی اعم از خانوارها، کشاورزان، کارگران، مدیران و سرمایه گذاران را بایستی بر اساس ضوابط و معیارهای دقیق اسلامی تعریف کرد و سپس حمایت از این حقوق را وظیفه دستگاههای ذیربط دولتی دانست که با اقتدار کامل حق را به ذی حق برسانند. این امر، در واقع بیان دیگری از فرمایش حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر معصومی نیا است که فرمودند مبارزه با فساد اقتصادی از محورهای اصلی اقتصاد مقاومتی است. ملاحظه می شود که اقتصاد مقاومتی با نظام حقوقی و قضایی پیوند ناگسستنی دارد. بدون دستگاه قضایی کارا، که مبتنی بر موازین شریعت بتواند متکفل حمایت از حقوق فعالان اقتصادی باشد صحبت کردن از اقتصاد مقاومتی بی فایده است زیرا که حقوق روح حاکم بر پیکر اقتصاد است و این، چهارمین وظیفه دولت در مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است.

با تدوین و اجرای دقیق و مقتدرانه نظام جامع حقوق فعالان اقتصادی، امنیت اقتصادی بر جامعه حاکم می شود که شرط لازم برای اصلاح و سالم سازی فضای کسب و کار است. نه تنها تدوین این نظام جامع حقوقی مستلزم دقت نظرهای وسیع و عمیق کارشناسی است اجرای آن نیز محتاج نیروی انسانی کارا، توانا و آگاه است. هر دو جنبه، نیازمند مطالعات و دقتهای کارشناسی است که البته محور اساسی در اقتصاد مقاومتی می باشد. تا فضای مصرف و سرمایه گذاری و تولید و تجارت اصلاح نشود و نهادهای ذیربط اعم از بانکها و بیمه ها و سایر نهادهای پولی و مالی در چنین فضای سالمی به نحو کارا فعال نشوند اقتصاد مقاومتی در فرایند رشد و پویایی خود قرار نخواهد گرفت و تقویت این نهادها در تحقق اهدافی که گفته شد پنجمین وظیفه دولت در مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است.

از مباحث کوتاهی که به اجمال اشاره کردم این نکته معلوم شد که سیاستها و راهکارهای اقتصاد مقاومتی چگونه ریشه در راهکارها و نوآوریهای در حوزه حقوق و قضاء دارد. اگر این بحثها را بیشتر پیگیری کنیم این نکته نیز معلوم می‌شود که سیاستها و راهکارهای اقتصاد مقاومتی ریشه در نظام مدیریتی و سیاسی جامعه نیز دارد.

آنچه عرض شد صرفاً در خصوص یکی از جنبه‌های اقتصاد مقاومتی یعنی وجه «مردمی بودن» آن بود. می‌توان وجود دیگر اقتصاد مقاومتی را، به شرحی که در نشست قبلی مطرح شد، مانند سیاستهای ارزی، پیوند بخش نفت و گاز به اقتصاد ملی، و نظایر آن در نظر گرفت و برای هر یک، الگوی مناسبی برای سیاستها و راهکارها طراحی کرد. نکته مهم این است که بایستی به نحو دقیقی، همه این الگوهای سیاستی را همزمان به اجرا درآورد که البته روش و دقت نظرهای ویژه خود را می‌طلبد. این همه نشان می‌دهد که مراکز پژوهشی و کانونهای فکری نقش بسیار حساسی را می‌بایستی در الگوسازیها و تدوین سیاستهای بهینه اقتصاد مقاومتی ایفا کنند و چنانکه دیدیم دولت و سیاستهای دولتی شرط لازم برای مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است که البته در بستر فرهنگ جهادی شکل می‌گیرد.

پرسشها

۱. بحثهای خوبی مطرح شد اما طرح و برنامه، سیاست و راهکاری ارائه نشد. سؤال این است که با وجودی که بیش از ۳۰ سال است این بحثها را می‌شنویم چرا هیچ وقت اجرا نمی‌شوند؟
۲. همه فرمایشات حضرات ناظر به بررسی مشکلات اقتصاد ایران بود. مگر عنوان جلسه بررسی مشکلات و چالشهای ایران است؟ بررسی مشکلات و چالشهای اقتصاد ایران چه تفاوتی با اقتصاد مقاومتی دارد که مدنظر مقام معظم رهبری است؟
۳. به نظر حضرات و استادان، آیا نگاه راهبردی به موضوع اقتصاد مقاومتی به عنوان یکی از الزامات مهم این ایده، غایب نیست؟ امری که دشمن در تهدیدات و فشارهای اقتصادی خود به خوبی انجام می‌دهد اما ما فقط به بیان مشکلات و چالشهای اقتصاد ایران می‌پردازیم.
۴. آیا توزیع یارانه‌ها به این شکل، به اقتصاد مقاومتی آسیب نمی‌زند؟ فرضاً اگر ما قبل از این کار، سامانه اطلاعات اقتصادی تهیه می‌کردیم تا بدانیم چه افرادی مستحق دریافت وجه نقد هستند و سپس از باقیمانده این ظرفیت، در جهت تأمین زیرساختهای توسعه از جمله بومی‌سازی علم و تکنولوژی روز دنیا و رسیدن به قله‌های علم استفاده می‌شد؟ آیا این نحوه کار به نظرات مقام معظم رهبری نزدیکتر نبود؟
۵. گفته می‌شود باید میزان نفتی بودن بودجه کاهش بیاید ولی هیچ‌گاه راهکاری مطرح نمی‌شود. گاهی اعلام می‌شود باید مالیاتها افزایش یابد ولی چه راهکارهایی برای افزایش مالیاتها وجود دارد در حالی که در کشور ما مردم و افراد مختلف در مقابل مالیات مقاومت می‌کنند، پس

راهکار چیست؟ حتی در دولت و مجلس کاری برای افزایش درآمدهای مالیاتی انجام نمی‌شود.

۶. آنچه هم در این جلسه و هم در جلسه قبل به اشتباه به صورت داده شده فرض می‌شد، «فرهنگ» و «سیاست» بوده است. همه استادان منتظرند که فرهنگ تغییر کند و اسلام و فرهنگ اسلامی به جامعه تزریق شود تا بتوان اقتصاد مقاومتی ایجاد کرد. به عنوان مثال، مرتباً می‌گوییم فرهنگ مصرف باید تغییر کند، ولی هیچ‌گاه انگشت اتهام را به سمت اقتصاددانان خودمان نگرفته‌ایم که مگر ما اقتصاددانان نمی‌توانیم قواعد بازی را طوری قرار تنظیم کنیم که دولتها به تبعیت از تجویزهای ما اقتصاددانان مجبور شده و راضی به اجرای سیاستهای تجویزی باشند (بحث مدیریت انگیزه‌ها). به عبارت دیگر، چرا «نهادهای فرهنگی» را متأثر از همین سیاستهای تجویزی خودمان نمی‌بینیم؟ یا چگونه می‌توان با کشورهای متنوع تجارت داشته باشیم بدون آنکه همگرایی سیاسی ایجاد شده باشد؟ چرا برای همگرایی سیاسی از دید حوزه‌های اقتصادی فکری نمی‌کنیم؟

۷. آیا اقتصاد مقاومتی صرفاً به دنبال راهکاری برای فرار از سقوط است یا اینکه هدف دیگری دنبال می‌کند؟ ارتباط اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی چیست؟ اگر بین این دو ارتباطی هست چرا برای ارائه سیاستها و راهکارها از مبانی اقتصاد اسلامی بهره‌گیری نمی‌شود؟

۸. فرمودند که مقدار صادرات غیرنفتی ما نسبت به اوایل انقلاب افزایش یافته است ولی آیا به این نکته توجه ندارید که همان فرش و پسته‌ای که ۸٪ اعلام شد تقریباً ارزش افزوده خالص داشت ولی همین ۳۰٪ صادرات غیرنفتی ما نیز جزء مواد خام هستند مانند کلوخه‌های معدنی، سیمان و ...

۹. لطفاً توضیح دهید که چگونه با این خوش‌بینی‌های کاذب می‌توان به اقتصاد مقاومتی رسید؟ به عنوان مثال در ژاپن به کودکان خود می‌گویند که اگر روز کار نکنیم، شب شام نداریم ولی در ایران گفته می‌شود که ما دومین کشور دارای ذخایر بزرگ گاز هستیم، ما نفت داریم، معادن طلا داریم، تمدن و فرهنگ داریم و مانند اینها، و لذا به نحوی مطالب القا می‌شود که این کشور به جز دشمنان سیاسی، اساساً مشکلی ندارد.
۱۰. وجود ناهماهنگی‌ها در سیاستهای ارزی و ارائه بخشنامه‌های متعدد ارزی چه تأثیری بر بازار ارز بخصوص مرکز مبادلات دارد؟ علت تعدد بخشنامه‌ها و قوانین ارزی در چیست؟
۱۱. چه تدابیری برای رفع موانع تجاری با ایران اندیشیده شده است؟ آیا اساساً می‌توان اقتصادی را با وجود موانع تجاری فراوان رشد داد؟
۱۲. آیا اقتصاد مقاومتی با مقاومت اقتصاد تفاوتی دارد؟ آیا اقتصاد مقاومتی نیازمند وجود دشمن است یا اینکه می‌توان ترتیبات اقتصادی را به نحوی شکل داد که امکان سوء استفاده قدرتهای اقتصادی وجود نداشته باشد؟
۱۳. مباحث مطرح شده توسط استادان، عموماً ناظر به یک سری مباحث کلی است که در ساختار اقتصاد سیاسی ایران عملاً امکان اجرای آنها وجود ندارد. به عبارتی کم و بیش هر کسی می‌تواند مواردی نظیر تکیه بر بخش خصوصی برای تولید، مدیریت واردات و نظایر آن را به عنوان راهکارهای اقتصاد مقاومتی بیان کند اما مسئله اساسی که بی‌جواب مانده، طریقه رسیدن به این راهبردها با توجه به ساختار اقتصاد ایران و محدودیتهای آن است که قابلیت اجرایی داشته باشد.

حجت‌السلام والمسلمین دکتر عیسوی

یک سؤال این بود که اقتصاد مقاومتی چه ارتباطی با اقتصاد اسلامی دارد. من در صحبت‌هایم عرض کردم که اقتصاد مقاومتی رویکردی راهبردی به مسائل اقتصادی کشور است اما اقتصاد اسلامی یک رویکرد بنیادین به مسائل اقتصادی است. به عبارت دیگر، ما می‌توانیم نگرش‌های خاصی را در حوزه مسائل اقتصادی از اسلام استنباط کنیم، اما اقتصاد مقاومتی می‌خواهد این رویکرد بنیادین را متناسب با شرایط موجود، در جامعه اجرا کند. همانطور که گفته شد بحث‌هایی که در اقتصاد مقاومتی مطرح است، بیشتر جنبه مدیریتی دارد لذا تصمیم‌گیری‌ها نیز اساساً مدیریتی است. ما مسلمانیم و معتقدیم که همیشه پشتوانه الهی حلال مشکلات است به شرطی که خودمان بخواهیم از آن استفاده کنیم. بنابراین آموزه‌های اقتصاد اسلامی پشتوانه‌ای برای تفکر بیشتر و یافتن راهکارهای مختلف و اتخاذ سیاست‌های گوناگون برای غلبه بر مشکلات اقتصادی است که به هر دلیل در جامعه ما وجود دارد.

سؤال بعدی این است که چرا سعی می‌کنید به مشکلات اقتصادی، ابعاد فرهنگی بدهید؟ یکی از مسائلی که نمی‌توان از آن اجتناب کرد، جدا نبودن فرهنگ از اقتصاد است. همچنان که نمی‌توانیم سیاست را از اقتصاد جدا کنیم، نمی‌توانیم اقتصاد را از فرهنگ و سیاست نیز جدا کنیم. یک تعامل پیوسته بین این سه عامل در همه جوامع وجود دارد. بخشی از مسائلی که دوستان مطرح کردند، رنگ فرهنگی داشت بخش عمده‌ای هم جنبه اقتصادی داشت. مثلاً وقتی می‌گوییم که برای رفع وابستگی به نفت باید چکار کنیم، یک وجه این راه حل، فرهنگی است که بالاخره باید مردم را متقاعد کنیم که باید از این مسیر عبور کنیم و مردم بپذیرند که بر داشته‌ها و تولیدات خودمان تکیه کنیم.

برای پیش‌برد سیاست‌های اقتصادی در بسیاری موارد ناچاریم به مسایل فرهنگی توجه نماییم. برای اینکه وجه فرهنگی اقتصاد در جامعه غالب شود، نیازمند

شکل‌دهی ساختارهایی مناسب در جامعه هستیم. مثلاً فرض کنیم اگر بخواهیم فرهنگ استفاده از کالاهای ایرانی در جامعه حاکم شود، دیگر رسانه‌های ما نباید کالاهای خارجی را تبلیغ کنند، نباید فضای تبلیغاتی شهرها و تابلوهای تبلیغات داخل شهرها تبلیغ کالای خارجی باشد. یا به عنوان مثال، نظام گمرکی ما باید به گونه‌ای طراحی شود که ورود کالاهایی که برای زندگی مردم ضروری نیست، گران تمام شود تا مردم تشویق شوند به سمت استفاده از کالاهای داخلی بروند. پس اگر وجه فرهنگی مطرح است به هیچ وجه به مفهوم غفلت از ابعاد دیگر نیست. در واقع تأکید بر این است که اگر برای حل برخی مشکلات به صورت فرهنگی اقدام نشود، اتخاذ برخی تصمیم‌ها به نتیجه نخواهد رسید. مثلاً اگر نتوانیم در جامعه فرهنگ کار و انضباط کار را حاکم کنیم، هر چقدر هم پول به جامعه تزریق شود، نتیجه دلخواه بدست نخواهد آمد. اینها مسائل بهم پیوسته‌ای است که در شرایط اقتصادی حاضر، پررنگتر شده‌اند. توجه به اقتصاد نباید به معنای غفلت از مقوله‌های فرهنگی و سیاسی مرتبط با آن باشد.

دکتر سیدنورانی

از نظر بنده برخی تصمیمات اقتصادی که در این ۳۳ سال در اقتصاد کشور اجرا شده اسلامی نبوده و ما بیشتر دنبال اهداف سیاسی بودیم. چیزی که در کشور ما از نظر اقتصادی اجرا می‌شود معجونی است از اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد کنترل شده دولتی (متمرکز). در دوران جنگ، اقتصاد ما شبیه سیستم متمرکز و کنترل شده بود. طبیعت جنگ هم اقتصادی این اقتصاد را داشت ولی بعد از آن، سیاستهای اقتصادی که در کشور اجرا شد شبیه سیاستهای اقتصاد آزاد بود. متأسفانه شفافیت در کشور ما وجود ندارد. اینکه مشاور اقتصادی رئیس جمهور کیست؟ باید اول هر دوره از ریاست جمهوری، اقتصاددان دوره مشخص شود. باید مشخص شود که سیاستهای

اقتصادی، مدل اقتصادی و مکتب اقتصادی کدام است و دولت بگوید ما می‌خواهیم از این روش تبعیت کنیم. من تصورم این بود که در کشور ما این کار می‌بایستی توسط یک مجمعی مثل مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شبیه به آن انجام شود. متأسفانه این کار در کشور انجام نشد. برای همین هم سیاستهایی که در کشور اجرا می‌شود یکسری سیاستهای متعارض و متناقض است.

وقتی در یک دوره‌ای، یک اقتصاددان، دولت یا مجلس، جهانی‌سازی را توصیه می‌کنند، آنجا توسعه صادرات و ارتباط با شرکتهای چندملیتی مهم می‌شود، لذا سیاستهای دیگر کنار گذاشته می‌شود. در صورتی که اگر بنا باشد به استقلال دست یابیم، شاید می‌بایست برخلاف سیاستهای جهانی‌سازی اقدام کنیم، مثلاً خودکفایی و متنوع‌سازی اقتصادی را هدف قرار دهیم، یعنی ما خود را محدود نکنیم به اینکه یک کالای خاص را تولید کنیم بلکه چندین کالا را تولید کنیم و خودکفا شویم. نمی‌شود که ما در اول دوره‌ای، در تولید گندم خودکفا باشیم اما در آخر همان دوره چند میلیون تن گندم وارد کنیم. لذا خودکفایی می‌بایست استمرار یابد. بینیم مشکل کشاورز چیست. آیا در قیمت‌گذاری است؟ در این زمینه وزارت جهاد کشاورزی، متعهدانه عمل نمی‌کند. بجای اینکه سیاست خرید تضمینی را ادامه دهد، سیاست قیمت‌گذاری تضمینی را اتخاذ کرده است. یعنی می‌گوید من مثلاً قیمت را ۴۲۰ تومان اعلام می‌کنم در حالی که گندم وقتی با قیمت جهانی وارد می‌شود مثلاً ۱۰۰۰ تومان است. یعنی با دلار ۲۵۵۰ تومانی گندم تنی ۴۰۰ دلار است و گندم را باید کیلویی نزدیک به ۱۰۰۰ تومان بخرند. وقتی از قرار اطلاع قیمت تضمینی برای گندم در سال آینده ۵۵۰ تومان و مبلغ ۱۰۰ تومان پاداش تولید (یعنی جمعاً ۶۵۰ تومان برای هر کیلو گندم در سال ۱۳۹۲) اعلام می‌شود معلوم است که از تولید داخلی در مقابل تولیدکننده خارجی گندم خوب حمایت نمی‌کنند. سیاست‌گذاری اقتصاد مقاومتی در وزارت جهاد کشاورزی می‌بایست در جهت حمایت از تولیدکننده

باشد. کشوری که می‌خواهد مقاومت کند و مستقل بماند، گندم، برنج، جو و سایر اقلام غذایی را باید خود تأمین کند. بنابراین مقاومت اصلی را مردم انجام می‌دهند. اگر گوشت و برنج و روغن مردم با قیمتی مناسب به دستشان نرسد، ناراحت می‌شوند و اگر قرار است ۱۰ سال مقاومت کنند در ۶ ماه اول مقاومتشان تمام می‌شود.

بحثی که اینجا مطرح می‌شود با آنچه در دانشگاه با عنوان اقتصاد آزاد مطرح می‌شود ناسازگار است. در اقتصاد آزاد، تئوری‌هایی مطرح می‌شود که هدفش استقلال کشور نیست یا کشور به این مفهومی که ما می‌گوییم مطرح نیست. مثلاً امارات یک منطقه آزاد می‌خواهد لذا خیلی از شرکتها آنجا می‌روند و سرمایه‌گذاری و تجارت می‌کنند اما کشور ما نمی‌تواند این کار بکند. ما در کشور بخاطر مسائل فرهنگی، نمی‌توانیم خیلی مشاغل را داشته باشیم و بخاطر همین هم بسیاری از افراد تمایلی به سرمایه‌گذاری در کشور ما ندارند. بنابراین سرمایه‌گذاری خارجی به شکلی که در منطقه آزاد و سوم در دنیا انجام می‌شود در کشور ما انجام نمی‌شود.

بنابراین راهکار اولاً در خود کفایی بویژه در بخش کشاورزی و تنوع‌سازی محصولات و تولیدات است و ثانیاً بایستی راهبرد جایگزینی واردات اتخاذ شود. البته ممکن است عده‌ای بگویند این سیاست منسوخ شده است اما جایگزینی واردات برای کشوری که می‌خواهد مستقل باشد و مقاومت کند و ایده‌ها و اهدافش به ثمر بنشیند، مفید است. اما چون اقتصاددانان و مشاوران و مسئولین شفاف نظر نمی‌دهند تا این اهداف سیاسی و فرهنگی ما محقق شود در نتیجه دوپهلویی و چندگانگی را در کشور مشاهده می‌کنیم و نمی‌توانیم مسئولش را پیدا کنیم.

در مورد کنترل مصرف سؤال شد. ما نمی‌توانیم تبلیغات مصرف‌گرایی که در اقتصاد سرمایه‌داری است در اقتصاد مقاومتی اجرا کنیم. همانطور که گفته شد، اگر

سیاستهای کلی اصل ۴۴ درست اجرا شود، مردم سهمشان را از اقتصاد می‌گیرند نه به این شکل که شبه‌دولتی‌ها یا گروهی بیایند مثلاً مخابرات را بخرند بعد قیمتها را تغییر بدهند. در شروع کار، برخی اشکال می‌گیرند، شورای رقابت اشکال می‌گیرد و امثال ما اشکال می‌گیرند اما گوش کسی هم بدهکار نیست و ۲ یا ۳ سال بعد قیمت هر پالس تلفن را بالا می‌برند و بهای خرید را از همین محل از مردم می‌گیرند. این کار خصوصی سازی نیست. نهادهای ناظری می‌بایست کنترل کنند. الان هزینه اینترنت بیشتر شده، هزینه تلفن و موبایل بیشتر شده است. قبل از واگذاری مخابرات یک وزیر ارتباطاتی بود که پاسخ دهد اما الان اگر مجلس بخواهد سؤال کند نمی‌تواند از چنین کسی پرسد.

اینکه وقتی صحبت از خصوصی سازی می‌کنیم فکر می‌کنیم که اینجا انگلیس و لندن است و می‌خواهند مثل آنجا خصوصی سازی کنند. خیر، اینجا ایران است و مخابراتش مهم است. تک‌تک ما در مخابرات سهم داریم. نفری ۵۰۰ هزار تومان برای موبایل ودیعه دادیم، نفری ۵۰ هزار تومان برای خط ثابت ودیعه دادیم و این پولها ودیعه است و بر طبق موازین اسلامی ما طلبکار هستیم و این ودیعه‌ها می‌شد به عنوان سهام به مردم ایران داده شود اما مخابرات این وجوه را نگه داشته است. پس این مورد، از مصادیق بارز درست اجرا نکردن سیاستهای کلی اصل ۴۴ است.

تأمین نیازهای اساسی دولت. الان ما باید بینیم که در انبارها چه داریم؟ ذخایرمان چیست؟ از اینها موجودی بگیریم و نگه داریم که اسراف نکنیم و به موقع و به میزان مناسب مصرف کنیم. سیاست توزیعی کالا مهم است. شما نمی‌توانید مثل حالت عادی رفتار کنید. بگویید بازار تعیین می‌کند و عده‌ای سودجو هم ممکن است احتکار کنند. لذا می‌بایست با این افراد برخورد شود و تمهیدات اجرایی لازم اندیشیده شود.

حجت‌السلام والمسلمین علیزاده

فرمودند راهکاری ارائه نشد. فکر می‌کنم بیش از ۷ سیاست و بیش از ۲۵ راهکار مربوط به اقتصاد مقاومتی را بنده ارائه کردم. تأکید هم کردم که از راهکارها و تجربیات کشورهای مثل آلمان، ویتنام، ژاپن و هند هم به صورت جدی کمک بگیریم. بنابراین برای پرهیز از بیان کلیات یا کلی‌گویی کم‌ثمر، براساس ادبیات اقتصادی به بیان سیاستهای خاص و کاربردی اشاره شد که براساس مبانی نظری ذکر شده در نشست اول می‌باشند.

دکتر دانش جعفری

در مورد راهکارها اشاره می‌کنم. پیشنهاد می‌کنم برای دنبال کردن راهکارها، اقتصاد ایران را به چند بخش تقسیم کنیم. مثل بخش صنعت، خدمات کشاورزی، و سپس بینیم ریسکهایی که در هر کدام از این بخشها، اقتصاد ایران را تهدید می‌کند کدام است. در مرحله بعد برای این ریسکها راه حل بیابیم. اقتصاد ایران را در حوزه‌های سیاستی به بخشهایی تقسیم کنیم. مثل حوزه‌های ارزی، پولی، مالی، تجاری، و سپس ریسکها و راه حلها را بیابیم. در هر صورت، من قبول دارم که در سالهای گذشته، از نظر اقتصادی، سیاست بازی را پیش گرفتیم. ولی از نظر سیاسی رادیکال عمل کردیم. یعنی در سیاست، شعارهای انقلابی دادیم اما در اقتصاد خیلی باز در دنیا حرکت کردیم و با همانهایی که ما را تحریم کردند مبادلات بسیار بالایی انجام دادیم و خود را به آنها وابسته کردیم. این دو شعار با هم سازگار نیست. یعنی ریسک اداره کشور و تقابل سیاست و اقتصاد را بالا برده است.

نسبت موجودی انبار در اقتصاد ایران به تولید ناخالص داخلی بالاست. حد متوسط جهانی موجودی انبار حدود ۲/۳٪ است اما موجودی انبار ایران بعضی از سالها به ۱۷/۲٪ هم رسیده است یعنی غیر از حوزه مصرف خصوصی،

سرمایه‌گذاری، مخارج دولت و خالص صادرات، ۱۷٪ از تولید ناخالص داخلی ما مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. برای کاهش این موجودی انبار چه کنیم؟ در مورد مصرف از بعد کلان، مصرف ما یعنی نسبت مخارج مصرف خصوصی به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران بالا نیست. در سال ۱۳۶۹ این نسبت در اقتصاد ایران حدود ۶۲٪ بوده است اما الان به ۴۵٪ کاهش یافته است. در مورد مصرف نکته‌ای که وجود دارد این است که نسبت ۴۵٪ چندان بالا نیست. ما الان همین ۴۵٪ را بیشتر به خارج از کشور وابسته هستیم و اینجاست که تهدید بوجود می‌آید و ریسک بالا می‌رود.

در مورد بحث ارز که دوستان سؤال کردند، جواب می‌دهم که نوساناتی که در ارزش پول ملی صورت گرفته به نظر من یکی از تهدیدهای اقتصاد ایران است و یکی از ریسک‌هایی است که با آن مواجهیم. حوزه‌هایی که می‌توانند ریسک ما را کاهش دهد عبارتند از مقابله با تحریم، مدیریت واردات، مدیریت صادرات، و سیاستهای پولی و مالی. ارز ایزاری برای تجارت داخلی است. الان در اقتصاد ایران تقاضای ارز به وسیله‌ای برای پس‌انداز تبدیل شده است. اینجاست که مسئولین نمی‌توانند برای آن راهکاری بیابند. یعنی عده‌ای بخاطر اینکه نگران کاهش ارزش ریالی داراییهای خود در آینده هستند، داراییهای ریالی خود را به داراییهای ارزی تبدیل می‌کنند و در خانه نگهداری می‌کنند. این نوع فشارها را، هیچ اقتصادی نمی‌تواند تحمل کند. ما باید این نااطمینانی که در ذهن عده‌ای بوجود آمده و ارز را وسیله پس‌انداز خود کرده‌اند، از بین ببریم. ارز وسیله‌ای برای تجارت است و امسال هم تجارت خارجی ما نسبت به سال گذشته کاهش یافته است نباید آن را ایزاری برای پس‌انداز کنیم. درآمدها هم خیلی کاهش پیدا نکرده اما چه شده که دچار کمبود عرضه ارز شده‌ایم؟ آماري که بانک مرکزی در سال گذشته منتشر کرده نشان می‌دهد که بیش از ۵۰٪ ارزی که بانک مرکزی فروخته، به منظور واردات و

تأمین نیاز ارزی تجارت ما نبوده است. باید با این ریشه‌ها مبارزه کرد تا بتوانیم از این بحران عبور کنیم. در هر صورت برای هر کدام می‌شود بسته‌های راهکار قوی و حساب شده اقتصادی ارائه داد.

حجت السلام والمسلمین دکتر معصومی نیا

جواب سؤال ۱ دو قسمت دارد: ۱- عدم ارائه طرح و برنامه، سیاست و راهکار: برخی از اساتید در نشست راه حل نیز ارائه دادند، اما لازم است بیش از این کار شود. البته تا وقتی در مورد اقتصاد مقاومتی تئوری پردازی مناسبی صورت نپذیرد و مدل‌های جامعی ارائه نشود ارائه راه حل‌های عملیاتی ممکن نخواهد بود. ۲- یکی از علل اصلی عدم اجرا این است که کمابیش مدل‌های وارداتی مبنای عمل بوده و اقتصاد ایران بیشتر یک اقتصاد شبه سرمایه‌داری بوده است. ریشه امر یاد شده عدم اعتقاد بسیاری از برنامه‌ریزان و متولیان به مدل‌های بومی و مدل‌های غیرسرمایه‌داری می‌باشد. اکنون که مشکلات بارزتر شده و ناکامی مدل‌های وارداتی رخ نمایانده است و رهبر معظم مدظله بر طراحی الگوهای اسلامی و بومی تأکید می‌فرمایند، نشانه‌های جدی گرفتن لزوم یک حرکت مبارک به چشم می‌خورد. البته یک آفت بزرگ تهدیدکننده است و آن «لوث شدن» این حرکت می‌باشد. در سال‌های اخیر بسیاری اوقات انجام یک حرکت مد می‌شود که یکی از آفات آن لوث شدن و بی‌ثمر شدن حرکت می‌باشد.

در پاسخ به سؤال ۲ از آنجا که انقلاب اسلامی تنها امید برای ارائه یک الگو در قبال الگوهای الحادی می‌باشد بر همه ما فرض است در مورد موانع دستیابی به یک الگوی موفق فکر نموده و راه حل ارائه دهیم. کشور ما مهد انقلاب اسلامی است و ما در شرایطی بسر می‌بریم که تمامی راه حل‌ها برای بشریت به بن‌بست رسیده است. یکی از لوازم اصلی موفقیت در عرصه اقتصاد استفاده از تجربه کشورهای

است که در شرایط فشار و تحریم یا مشابه آن قرار داشته‌اند و با تدبیر توانسته‌اند تهدیدها را به فرصت تبدیل نمایند.

در پاسخ به سؤال ۳ بیان مشکلات و چالش‌های اقتصاد ایران امری لازم است. تا وقتی درد شناخته نشود پرداختن به درمان سودی ندارد، اما این کافی نیست. برای تحقق اقتصاد مقاومتی دو امر دیگر لازم است: اول اینکه باید تهدیدهای خارجی را هم شناخت. این امر سبب شناسایی نقاط آسیب‌پذیر می‌شود. امر دوم شناخت امکانات و استعدادها و فرصتها می‌باشد. پس از تحقق این امور می‌توان برنامه‌ریزی نظری و بدنبال آن برنامه‌ریزی عملیاتی برای تحقق خارجی اقتصاد مقاومتی را عملی نمود. به این ترتیب هم از آسیبها مصون خواهیم بود و هم می‌توانیم از تمامی ظرفیتهای برای وصول به اهداف بهره‌گیری نماییم. بنابراین اقتصاد مقاومتی را می‌توان ترکیبی از امور یاد شده دانست و نگاه راهبردی به موضوع هم همین است که در تمامی شرایط راهگشا خواهد بود.

در پاسخ به سؤال ۴ پرداخت یارانه نقدی به تمامی مردم پیامدهای مخربی دارد که شاهد آنیم. مشکل اصلی اقتصاد ایران کمبود تولیدات با کیفیت است نه کمبود تقاضا. پرداخت یارانه نقدی به تمامی اقشار از دو ناحیه ضربه می‌زند، از طرفی به منابع لازم برای تقویت بخش تولید آسیب می‌زند و از سوی دیگر تقاضا را افزایش می‌دهد. این امر باعث تشدید رکود تورمی می‌شود، هم قیمتها را افزایش می‌دهد و هم سبب افزایش واردات می‌شود. بنابراین تا حد ممکن باید یارانه‌ها را فقط به افراد نیازمند پرداخت نمود. مشکل اصلی در این مسیر امکان و نحوه شناخت قشرهای نیازمند می‌باشد که کار سختی است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است که اینها می‌تواند هم رونق ایجاد کند- در تولید، در اشتغال- و هم موجب رفاه شود؛ اینها مایه رشد تولید

کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند. این کار بایستی به انجام برسد.» در پاسخ به سؤال ۵ راهکار اصلی کاهش وابستگی بودجه به نفت تقویت تولید است. اگر تولید ملی تقویت شود، امکان افزایش مالیات هم فراهم می‌شود. به فرموده امیرالمؤمنین (ع) به مالک: «و لِيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَتْلُغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاكِ؛ لِأَنَّ ذَالِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاكَ لِغَيْرِ عِمَارَةٍ أُخْرِبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمَّ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) باید تلاش تو در آباد کردن زمین، بیشتر از جمع آوری خراج (مالیات) باشد؛ زیرا، خراج، جز با آبادانی، فراهم نمی‌شود و هر کسی، بخواهد خراج را بدون آبادانی زمین به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش جز اندک مدتی، دوام نخواهد آورد.

در پاسخ به سؤال ۷ دقتی اندک در آموزه‌های اقتصادی اسلام و وضعیت ایران آشکار می‌سازد که اقتصاد اسلامی کبریات و قواعد کلی را بطور کامل بیان می‌کند و وضعیت کشور ما و رابطه آن با خارج صغریات و مصادیق را مشخص می‌سازد. برای تدوین اقتصاد مقاومتی باید با استفاده از اقتصاد اسلامی برای مسائل خودمان راه حل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بیابیم و آنها را به صورت منظومه‌ای منسجم تدوین و ارائه نماییم.

در پاسخ به سؤال ۹ یکی از اشتباهات بزرگ ما همین مطلب است که در این سؤال به آن اشاره شده است.

بخشی از پاورپوینت آقای دکتر قوامی

الزامات اقتصاد مقاومتی

- تحقق اقتصاد مقاومتی و موفقیت الگوی اقتصاد مقاومتی در عمل نیاز به تحقق الزاماتی است که برخی از این الزامات داخلی و برخی منطقه ای و حتی برخی بین المللی است. بنابراین امکان تحقق موفقیت آمیز اقتصاد مقاومتی منوط به رعایت الزامات زیر است:
- مردمی کردن اقتصاد؛ در جنگ تحمیلی هم پاسخ داده است کمک های مردمی دوران جنگ تحمیلی در مقابل هزینه جنگ رقمی نبود ولی هر کمکی در واقع یک رای و متعلق دانستن جنگ بخود بوده است . یکی از راههای

-
- مشارکت مردمی در اقتصاد افزایش سهم بخش تعاون تا ۲۵٪ و اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است
 - دانش بنیان کردن اقتصاد؛ مثلاً موبایل ۹۷٪ ارزش آن را تکنولوژی و دانش تشکیل میدهد. در حالیکه بخش عمده تولیدات داخلی دانش بنیان نیستند؛ حتی در صنایع دانش بر مثل پتروشیمی ما تولیدکننده کالای واسطه هستیم و خودمان در برخی قطعات و مواد با تکنولوژ بالا وابسته هستیم.
 - تنوع بخشی به صادرات؛ در حال حاضر در حدود ۳۰ درصد صادرات ما را محصولات غیرنفتی تشکیل میدهند. در حل حاضر عمده صادرات کشور را نفت و مشتقات نفتی از جمله میعانات گازی تشکیل می دهد.
-

- مدیریت واردات؛ واردات رسمی کشور بالای ۷۰ میلیارد دلار بوده و در صورتی که قاچاق را به آن اضافه نمایم در حدود ۹۰ میلیارد دلار کالا و خدمات وارد میشود که این به هیچوجه با اقتصاد مقاومتی سازگاری ندارد.
- تأکید بر تولید داخلی؛ تولید داخلی علاوه بر اینکه بایستی مورد توجه قرار گیرد لازم است در بخش های اثرگذار امکان تولید صفر تا صد کالاها را دارا باشیم. هم اکنون گرچه برخی کالاها، تولید داخلی حساب میشوند ولی در برخی قطعات همچنان وابستگی مشاهده می شود. فلذا بجهت عدم امکان دسترسی به برخی قطعات تکمیلی امکان عرضه آن میسر نمی باشد

-
- اصلاح سبک معیشت؛ سبک زندگی تا به تناسب فرهنگ ایرانی- اسلامی شکل نگیرد راه اندازی یک سبک سازگار با اقتصاد مقاومتی امکان پذیر نخواهد بود.
 - کارآفرینی جامع؛ و توجه به خوشه های صنعتی و مدیریت صحیح در بنگاه های رهبر و پیرو در این زمینه .
 - بومی سازی فناوری؛ بایستی نهضت بومی سازی فناوری شکل گیرد در کنار ابداع و اختراع بایستی نهضت مهندسی معکوس برای بومی سازی فناوری از اهمیت بالا برخوردار شود. ساخت پهباد و... بعنوان نمونه عملی که نشان می دهد امکان تحقق این مسأله وجود دارد. کشور چین عمده موفقیت های صنعتی خود را از این طریق کسب کرده است .

-
- بهبود فضای کسب و کار؛ با تمام تلاشهای صورت گرفته رتبه فعلی ایران در فضای کسب و کار هم اکنون ۱۴۵ است.

- حذف وابستگی به نفت؛ هم اکنون فضای اجباری شکل گرفته برای فروش نفت و جابجایی منابع گرچه فشار زیادی به کشور وارد می کند ولی این می تواند یک فرصت مناسب برای شکل گیری اقتصاد مقاومتی باشد. عبارتی اساسی کشور عدم پیشرفت بخش صنایع به معنی اعم و در گیر شدن کشور با بیماری هلندی در مقاطع مختلف بوده است. اجتناب از این مشکلات با این رویکرد قابل حل است.
 - مدیریت مصرف اقدام عملی به اضافه فرهنگ سازی که بر عهده رسانه ها است. صرفه جویی در مصرف و جلوگیری از اسراف و تبذیر و اتلاف... هم از نظر دینی و هم ملی مطرود است. ولی نگاه به تصمیمات دولتی عمومی و به تبع آن بخش خصوصی عملکرد مصرفانه دارند
-
- ضرورت استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات کشور؛ بعنوان نمونه بایستی پروژه های ملی در ظرف زمانی خود به اتمام برسند. در حال حاضر حکایت پروژه فیل سفید بر پروژه های عمرانی و ملی کشور صدق می کند در اقتصاد مقاومتی گلنگ زنی های صرفا سیاسی بایستی تعطیل شود اقدامات توجیه اقتصادی داشته باشد.
 - افزایش بهره وری؛ اعم از بهره وری نیروی کار و سرمایه از مصادیق بارز برای نیل به اقتصاد مقاومتی به حساب می آید.

ویژگی های سیستمی اقتصاد مقاومتی

پویا؛ منفعلانه عمل نمی کند در عین حال که به دنبال رفع محدودیت های فعلی است ولی برای رشد در شرایط جدید تلاش می کند. ویژگیهای سیستمی اقتصاد مقاومتی موارد ذیل می باشند:

- درون‌زا (خودباور)؛ تکیه اصلی اقتصاد مقاومتی به ظرفیتهای داخلی بوده و در جاهایی که نیاز به بیرون‌داری دارد ضمن تسهیل طروق دستیابی به دنبال بومی‌سازی آن است.
- پیش‌تاز (دارای حرف نو)؛ در قالب صرفاً راههای شناخته شده حرکت نمی‌کند بلکه راههای میان‌بر با توجه به تجربه‌های بشری برای پیشرفت اتخاذ و تا نیل به اهداف در آن مسیر حرکت می‌کند.
- پیش‌نگر؛ آینده‌نگر بوده و با توجه به رصد آینده برنامه‌های خود را طراحی و پیگیری می‌کند (سند چشم‌انداز).
- عرضه محور؛ باید توجه داشت مشکل کشور تقاضا نیست بلکه عرضه است.

محورها و خطوط راهنما برای تدوین سیاستهای اقتصادی کشور به منظور نیل به اهداف اقتصاد مقاومت

به عبارتی برای عملیاتی شدن الگوی اقتصاد مقاومتی سیاستهای اقتصادی کشور براساس چه محورهایی می‌بایستی تنظیم و پیگیری گردند تا به اقتصاد مقاومتی و اهداف آن دست یابیم؟ با توجه به ویژگیهای اقتصاد مقاومتی می‌بایستی محورهای اقتصاد مقاومتی بعنوان راهنمای مسیر طراحی و سیاستهای اقتصادی کشور لازم است با توجه به آنها تدوین گردد. مهمترین محورهای اقتصاد مقاومتی به قرار زیر است که نوعاً به تجدید ساختار اقتصادی می‌پردازند:

- مشارکت حداکثری، فعال و موثر آحاد جامعه در همه ابعاد و سطوح اقتصادی با تأکید بر ارتقای نقش و جایگاه طبقات کم‌درآمد و متوسط.
 - خوداتکایی در تأمین نیازهای اساسی.
-

پیوست ۲.

بخشی از پاورپوینت حجت الاسلام والمسلمین آقای خادم علیزاده

نکته اول: منظور از سیاست و راهکار

منظور ما از راهکار اخص از سیاست یا راهبرد می باشد
و راهبرد در اصطلاح اقتصادی مترادف با سیاست است.
گرچه برخی راهکار را مترادف با سیاست می گیرند.

نکته دوم: چارچوب سیاست ها و راهکارها

از آنجا که اقتصاد مقاومتی بیشتر جنبه راهبردی برای وضعیت ایستادگی جامعه و
نهادهای اجتماعی آن در برابر یک پدیده ای که بر خلاف منافع ملی و فرهنگی و
دینی آنهاست، پس نوعی مهندسی اقتصاد در شرایط خاص در چارچوب مبانی،
فرهنگ، سنت ها و ارزشهای دینی جامعه لازم است تا راهکارهای اقتصادی
مشخصی ارائه شود.

نکته سوم: ضرورت آسیب شناسی سیاست های پیشین

یک مقدمه لازم برای ارائه سیاست های سازگار با اقتصاد مقاومتی، آسیب شناسی
سیاست های گذشته است و اینکه چه نتایجی داشته اند تا در طراحی و ارائه
راهکارهای جدید، از تجربه های پیشین استفاده کنیم.
البته این راهکارها، الزاماتی دارند که سازگاری با فرهنگ و اقتضائات بومی ما از
مهمترین آنهاست. و سازگاری نهادهای قضایی، اداری، مالی، نظامی و امنیتی را هم
باید به آنها افزود.

برخی از سیاست‌ها و راهکارها

اول: سیاست تولید کالاهای اساسی با تکیه بر منابع داخلی

چون اقتصاد مقاومتی یعنی مهندسی اقتصاد به منظور تخصیص بهینه منابع با تاکید بر منابع و امکانات بومی کشور در شرایط تحریم اقتصادی و تهدیدهای خارجی و چون اقتصاد مقاومتی یعنی تولید با کمترین هزینه بر روی مرز منحنی امکانات تولید بومی و حداکثر سازی تابع رفاه اجتماعی کشور در شرایط تحریم‌ها و تهدیدها در اینصورت:

این سیاست از طریق راهکارهای زیر قابل اجراست.

۱- هدایت بنگاههای تولیدی و خدماتی و بطور کلی صنایع تولیدی و مالی کشور به سوی الگوهای از تولید کالا و خدمت که در توابع هزینه خود، نهاده‌های بومی را به منظور تولید کالاهایی بطور نسبی ارزانتر و با مزیت نسبی بالاتر، جانشین نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای وارداتی کنند.

۲- فرهنگ سازی و هدایت مصرف کنندگان کالاهای نهایی به سوی مصرف کالاهای تولید داخل از طریق ارایه الگوهای مصرفی کارآمد و ارزانتر داخلی و ایجاد ساختاری که بتواند بر رفتار مصرفی جامعه تأثیر بگذارد.

۳- تولید انبوه کالاهای اساسی و کم‌کشش:

از طریق حمایت یارانه‌ای و یا معافیت مالیاتی صنایع داخلی بطوریکه قیمت‌های نسبی به سوی کالای کاملاً بومی تغییر یابد و بر نرخ نهایی جانشینی یا MRS فرد فرد ایرانیان به نفع جانشین کردن کالای کاملاً بومی تأثیر آشکاری داشته باشد. و شعار دادن بدون ایجاد این ساختار در تولید و مصرف، تأثیر عملی ندارد.

۴- قطع یارانه به تولید بیگانگان (دلار ارزان برای واردات کالاهای آنها) و پرداخت آن به تولید داخل

۵- اصلاح و کارآمد کردن نظام مالیاتی کشور:

علاوه بر اصلاح اداری و کاهش آثار ضد توزیعی مالیات ها، در فضای اقتصاد مقاومتی، مالیات بیشتر بر کالاهایی که با اهداف اقتصاد مقاومتی ناسازگارند، یک راهکار کارآمد می باشد. بطور کلی مالیات ستانی بر محور اقتصاد مقاومتی یک اصل می باشد.

۷- راهکار الویت تولید و تامین کالاهای استراتژیک همچون مواد غذایی، دارو، در چارچوب پارادایم تامین نیازهای اساسی مردم.

۸- راهکار اجتناب از اقتصاد دلالی و سوداگری و حرکت به سوی اقتصاد تولید اقتصاد دلالی نه تنها توانایی مقاومت در برابر نوسانات برون زای اقتصادی را ندارد بلکه ضریب آسیب پذیری بالایی نیز دارد لذا با اقتصاد مقاومتی ناسازگار تلقی می شود. اما اقتصاد تولید محور، ضریب ماندگاری و مقاومت بیشتری در شرایط نوسانی تحریم ها دارد.

دوم: سیاست گسترش فرهنگ اقتصاد مقاومتی

گسترش و تعمیق فرهنگ اقتصاد مقاومتی و باورداشت آن از سوی مردم و مسئولان ضامن موفقیت تمام راهکارها و سیاست گذاریها است. این سیاست از طرق زیر قابل پیگیری است

۱- حاکمیت فرهنگ اقتصاد مقاومت :

۸۶ دومین نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی: سیاستها و راهکارها

برای مقاومت و ایستادگی بلند مدت تا رسیدن به اقتدار اقتصادی که زمینه ساز اقتدار سیاسی نیز هست باید نظام آموزش اولیه تا دانشگاهها و حوزه های علمیه جایگاه فرهنگ مقاومت در عرصه اقتصادی و بلکه نظام اجتماعی کشور را باور داشته و تبیین نمایند.

۲- اعتماد به نفس و خودباوری در بین دولتمردان و مردم (دولت ژاپن پس از جنگ ۱۹۴۵ توانست آیین شینتو را محور همبستگی مردم قرار دهد و نوعی اعتماد متقابل بین خود و ملت ایجاد کند).

۳- مهندسی اخلاق اقتصادی

۴- ایجاد فضای قانونی و حقوقی متناسب با محیط اقتصاد مقاومتی
۵- باز مهندسی فرهنگ اقتصادی کشور در عرصه تولید، مصرف و توزیع

۶- اصلاح و ارائه نظام مالی سازگار با اقتصاد مقاومتی

۷- هم گرایی و همبستگی ملی که در ملت ژاپن، ویتنام و آلمان در شرایط بحران اقتصادی در تاریخ سراغ داریم و از ملت ایران در دوران دفاع مقدس دیدیم.
۸- باز تعریف نهادهای اقتصادی و تأسیس نهادهای جدید اقتصادی

سوم: سیاست اصلاح و مدیریت مصرف و هزینه ها

مدیریت مصرف نه در توصیه های اخلاقی و ملی خلاصه می شود و نه در مهندسی و اصلاح قیمت های نسبی، بلکه مجموعه ای از این دو و الگو سازی و ساختارهایی است که بطور عقلایی به استفاده بهینه منابع در چارچوب یک تابع رفاه اجتماعی منجر شود.

اصلاح ساختار هزینه ها نیز پس از فرهنگ سازی مناسب برای پذیرش کاهش آنها از طریق یک دیوانسالاری ساده و کارآمدی ممکن است که بتواند ساختارها را طراحی و به اجرا در آورد.

۱- اصلاح الگوی مصرف:

این اصلاح در بخش خانوارها و مصارف دولت و بخش عمومی، گام اول در موفقیت اقتصاد مقاومتی به شمار می رود.

۲- فرهنگ سازی و هدایت مصرف کنندگان کالاهای نهایی به سوی مصرف کالاهای تولید داخل از طریق ارایه الگوهای مصرفی کارآمد و ارزانتر داخلی و ایجاد ساختاری که بتواند بر رفتار مصرفی جامعه تأثیر بگذارد.

۳- تاکید بر الگوی قرآنی مصرف قوام:

یعنی دوری از خساست که ضد مصرف متعارف و در نتیجه سرمایه گذاری و تولید است.

و دوری از اسراف که از بین برنده منابع کمیاب و افزایش هزینه های فردی و اجتماعی و دوری از تخصیص عادلانه منابع جامعه است.

چهارم: سیاست گسترش کمی و کیفی صادرات غیر نفتی

می توان گفت راه برون رفت از اقتصاد نفتی ایران و رهایی از وابستگی، تکیه بر اقتصاد بومی و بدون نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام می باشد. بخصوص که بیشترین ضربه پذیری اقتصاد ما از این ناحیه می باشد.

این سیاست از راههای زیر می تواند دنبال شود.

۱- توانمند سازی ساختارهای تولیدی کشور در جهت صادرات کالاها و خدماتی که تامین کننده درآمد ارزی بوده و زمینه واردات نهاده های اساسی را فراهم کنند.

۲- تشویق صادرات بیشتر به کشورهای همسو و اعمال معافیت های مالیاتی و گمرکی و سود بازرگانی برای صادرکنندگانی که در کنار خلاقیت و افزایش بهره وری تولید و صادرات از کار و سرمایه ایرانی به نسبت بیشتری استفاده کرده اند.

۳- صادرات خدمات نیروی کار بخصوص خدمات مهندسی دارای مزیت نسبی: صادرات نیروی کار متخصص به خارج (بخصوص کشورهای طرف تجاری) می تواند زمینه اشتغال بیشتر نیروی کار کشور را فراهم و موجب کاهش بیکاری و افزایش درآمد و تجربیات آنان باشد که در هر صورت به نفع اقتصاد ما می باشد.

۴- دگرگونی ساختار اقتصاد نفتی ایران: توقف صادرات نفت، توفیقی اجباری است که ما را از وابستگی به ۸۰ درصد از درآمد کشور که از فروش نفت بدست می آید، نجات می دهد. و زمینه بروز خلاقیت ها و نوآوری هایی در کشور می شود که جایگزین این درآمد باشند.

که بخشی از این نوآوری ها می تواند در صنعت نفت اتفاق افتد یعنی تولید مقداری نفت با هدف پالایش و تبدیل آن به انواع فرآورده های نفتی که در صورت صادر شدن نیز چندین برابر نفت خام، ارزش آور باشد. ضمن اینکه نیاز کشور به فرآورده های نفتی را مرتفع می سازد.

پنجم: سیاست گسترش بخش خصوصی به عنوان مکمل بخش عمومی
اصل تعامل بخش عمومی و خصوصی به معنای همگرایی و هم گامی کامل مردم و نظام می باشد و بدون اعتقاد مشترک این دو بخش به اهداف نظام اقتصاد مقاومتی امید موفقیت این سیاست ها وجود ندارد.

۱- حضور و مشارکت گسترده مردم با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی
۲- گرچه نیروهای جوان همواره نیازمند تجربه ها و همفکری جوانان دیروز می باشند ولی مشارکت و روحیه سرشار از امید و نشاط آنان، بستر مناسبی برای رشد استعدادها و نوآوری هایی است که لازمه پویایی مقاومت در عرصه اقتصاد است.

۳- پاداش دادن به بخش خصوصی سازگار با سیاست های اقتصاد مقاومتی دولت و غرامت گرفتن از بخش ناسازگار (سیاست شیرینی و شلاق در آلمان پس از جنگ در رابطه با بخش خصوصی در این کشور)
۴- انعطاف پذیری هوشمندانه دولت و واکنش مسئولانه مردم برای کاهش آثار منفی تحریم های اقتصادی

ششم: تدوین و اعمال سیاست های ارزی سخت گیرانه :

این سیاست ها باید در جهت تحکیم پایه های مقاومت اقتصاد در برابر تحریمهای خارجی و تهدیدهای داخلی باشد. بطوری که تخصیص ارز به جای کالاهای مصرفی برای واردات نهاده های استراتژیک و فناوری جدید باشد.
و یارانه ارزی بجای تعلق گرفتن به کالاهای مصرفی و وارداتی برای تولید کالای با کیفیت داخلی اختصاص یابد.

۱- نهاد های ناظری همچون اتاق مبادلات بر اساس یک سری ضوابط و معیارهای سازگار با اقتصاد مقاومتی با آورده ارزی صادر کنندگان رفتار کند برای نمونه در صورتی که این صادرات در چارچوب مورد نظر دولت یا بانک مرکزی باشد یا صد در صد از نهاده داخلی با بهره وری بالا استفاده کرده باشد ارز او را با قیمت بازاری ارز بخرد تا نوعی پاداش صادراتی سازگار با اقتصاد مقاومتی باشد.

۲- تخصیص ارز به واردات نهاده های کالاهای اساسی که در داخل کشور تولید نمی شوند.

۳- اجرای سیاست های پولی و مالی هماهنگ با سیاست های ارزی

۴- گسترش بازارهای مالی بخصوص بازار سرمایه و باز کردن آن به روی سرمایه گذاران مردم منطقه

هفتم: سیاست گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه

بر این اساس ارتباط با کشورهای همسایه از یکسو منافع مشترک را تامین و هزینه مبادله را کاهش میدهد و از سوی دیگر به ثبات و امنیت مرزها کمک میکند و آسیب پذیری کشور را کاهش میدهد که برای پیشرفت اقتصادی ثبات اجتماعی و اقتصادی بستر مناسبی است.

۱- راهکار انعطاف پذیری در سیاستها و انجام مبادلات اقتصادی

بر اساس ترجیح اهم بر مهم و مصالح برتر بر منافع کوتاه مدت که در چارچوب آموزه های اسلامی و بکارگیری قاعده تراحم است. مبنای دیگر این انعطاف پذیری اصل حفظ نظام میباشد که تغییر سیاستها و راهبردها را به نفع اصول و بر اساس فدای

عزیز برای حفظ عزیزتر توجیه میکند و زمینه استفاده از اصل و قاعده ثانویه فقهی را فراهم مینماید.

۲- برای افزایش اقتدار و توانمندی اقتصادی، در حوزه تجارت خارجی می توان با اشتراک در بانک مشترک (اسلامی، منطقه ای و ...) با کشورهای همسو و یا تحت سلطه، نوعی چتر مالی برای مبادلات خارجی ایجاد کرد که از آسیب پذیری در حساب سرمایه و جاری کشور می کاهد.

۳- تاسیس بازار مشترک، اتحادیه های تجاری و پیمان های منطقه ای و فرا منطقه ای و کاهش تعرفه ها بطوری که ضمن تامین منافع ملی، برای کشورهای طرف مبادله و تجارت خارجی نیز سود آور باشد، گام مؤثری برای استفاده از مزیت های نسبی اعضاء و در جهت شکوفایی اقتصاد آنها خواهد بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی - معاونت پژوهشی

پژوهشکده علوم اقتصادی

با همکاری قطب علمی اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

گروه اقتصاد مقاومتی

سومین نشست - اقتصاد مقاومتی:

تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

۱۲ اسفند ۱۳۹۱

اعضای نشست (به ترتیب الفبا)

دکتر امراله امینی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر مسعود درخشان (رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی و هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر رضا طالبلو (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر سیدمحمد میرمحمدی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر محمدجواد نوراحمدی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دبیر و برگزارکننده نشست:

دکتر مسعود درخشان

سلسله نشست‌های تخصصی پژوهشکده علوم اقتصادی – نشست سوم

اعضای شورای پژوهشی پژوهشکده (به ترتیب الفبا):

دکتر علی امامی میبیدی، دکتر جاوید بهرامی، دکتر فتح‌ا... تاری، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم علی‌زاده، دکتر مرتضی خورسندی، دکتر مسعود درخشان، دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی، دکتر عباس شاکری، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی، دکتر تیمور محمدی، دکتر حمید ناظم‌ان

گروه‌های پژوهشی پژوهشکده

مدیر گروه: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی	گروه اقتصاد پولی و مالی اسلامی
مدیر گروه: دکتر مسعود درخشان	گروه اقتصاد مقاومتی
مدیر گروه: دکتر تیمور محمدی	گروه تولید و سرمایه‌گذاری و اشتغال
مدیر گروه: دکتر حمید ناظم‌ان	گروه مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد
مدیر گروه: دکتر فتح‌ا... تاری	گروه نهادهای اقتصادی و محیط کسب و کار
مدیر گروه: دکتر عباس شاکری	گروه اقتصاد بین‌الملل
مدیر گروه: دکتر سیدمحمدرضا سید نورانی	گروه اقتصاد بخش عمومی

امور اجرایی: لیلا صفی‌پور

حروفچینی و صفحه‌آرایی: سمیرا مؤدب

طراحی جلد: رضا دنیوی

ویراستاری و مقابله‌خوانی: حمیده ترابی

پیاده‌سازی نوارها و ویرایش اولیه: بهرام جاهد

چاپ: دانشگاه علامه طباطبائی

تیراژ: ۳۰۰

مسئولیت صحت مطالب با سخنرانان می‌باشد و پژوهشکده علوم اقتصادی هیچگونه مسئولیتی ندارد.
کلیه حقوق این اثر برای پژوهشکده علوم اقتصادی محفوظ می‌باشد.

مرکز اطلاع‌رسانی، پخش، دریافت پیشنهادها و سفارش‌ها:

فکس ۸۸۷۰۳۲۶۳

تلفن ۸۸۷۱۸۱۱۷

پیشگفتار

در مقطع کنونی از تحولات انقلاب اسلامی، اقتصاد مقاومتی را می‌توان چارچوب تحلیلی مناسبی برای نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دانست و به نظر می‌رسد تا آینده قابل پیش‌بینی بستر مناسبی برای طراحی سیاستگذاری‌های اقتصادی کشور در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود. مختصات اصلی اقتصاد مقاومتی در فرمایشات مقام رهبری به وضوح تبیین شده است. با وجود این، رسیدن از اقتصاد مقاومتی به نظریه‌پردازی و سیاستگذاری‌های بهینه برای تحقق اهداف اقتصادی مورد نظر در افق چشم‌انداز و منطبق با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مستلزم مطالعات عمیق و گسترده در مراکز پژوهشی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه است.

پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی با درک این ضرورت، اقدام به تأسیس گروه مطالعاتی اقتصاد مقاومتی نمود و برگزاری سلسله نشست‌های تخصصی در این حوزه را سرآغاز مطالعات جامع نظری و کاربردی این گروه قرار داد. پژوهشکده علوم اقتصادی مفتخر است که با قطب علمی «اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» همکاری‌های نزدیکی برای ارتقاء سطح علمی این نشست‌ها دارد و ان‌شاء... در آینده، دایره این همکاری‌ها را گسترش خواهد داد.

اولین و دومین نشست با عناوین «اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری» و «سیاستها و راهکارها» به ترتیب در ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۱ و ۲۷ آذر ماه ۱۳۹۱ برگزار شد. در سومین نشست با عنوان «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» از نظرات استادان (به ترتیب الفبا) دکتر امراله امینی، دکتر مسعود درخشان، دکتر رضا طالبلو، دکتر سیدمحمد میرمحمدی و دکتر محمدجواد نوراحمدی استفاده شده است.

امیدواریم حرکتی که آغاز شده است با حمایت مسئولان استمرار یابد زیرا که ثمربخشی مطالعات و تضارب اندیشه به‌ویژه در حوزه‌های کلیدی همچون اقتصاد مقاومتی نیازمند تداوم چنین کوشش‌هایی است.

دکتر مسعود درخشان

رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی و

مدیر قطب علمی اقتصاد توسعه با تأکید بر

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

اقتصاد مقاومتی: تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

دکتر مسعود درخشان*

امروز شنبه ۱۲ اسفند ماه سال ۱۳۹۱، سومین نشست گروه اقتصاد مقاومتی پژوهشکده علوم اقتصادی را با عنوان «اقتصاد مقاومتی: تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» و با همکاری قطب علمی «اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» برگزار می‌کنیم. قبلاً نتایج دو نشست منتشر شده است: نشست اول با عنوان «اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری» و نشست دوم با عنوان «اقتصاد مقاومتی: سیاست‌ها و راهکارها»، که نسخه‌ای از آن خدمت دوستان تقدیم شد. نشست حاضر نشست سوم می‌باشد و نشست چهارم نیز روز شنبه ۱۹ اسفند ماه سال ۱۳۹۱ از ساعت ۱۳ الی ۱۶ تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی: سیاست‌های مناسب پولی، مالی و ارزی» ان‌شاء... برگزار خواهد شد.

در این جلسه جناب آقای دکتر سید محمد میرمحمدی، جناب آقای دکتر امراله امینی، جناب آقای دکتر رضا طالبلو و جناب آقای دکتر محمدجواد نوراحمدی تشریف دارند و بنده نیز در خدمت دوستان هستیم. سعی بر این است که جلسه به صورت بحث و گفتگو برگزار شود و ان‌شاء... همانند نشست‌های قبلی سخنرانی استادان محترم از نوار پیاده شده و بعد از ویرایش به صورت جزوه شماره ۳ پژوهشکده علوم اقتصادی منتشر خواهد شد.

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی و مدیر قطب علمی اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
safipour1360@gmail.com

در ابتدا از جناب آقای دکتر سیدمحمد میرمحمدی تقاضا داریم بحث را آغاز بفرمایند. سعی بر این است که بحث‌ها در دو یا سه گردش انجام شود. نکات کلیدی در حدود ده دقیقه توسط استادان بیان شده و بعد وارد بحث می‌شویم.

دکتر سیدمحمد میرمحمدی*

این نشست در حالی برگزار می‌شود که سیاست‌های کلی نظام اداری و همچنین سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است و لذا این نشست و نشست‌های مشابه می‌تواند به‌عنوان تبیینی برای دانشجویان و دانش‌پژوهان بوده و یا الزامات اجرایی این سیاست‌ها را پیگیر باشد. به دنبال ابلاغ سیاست‌های کلی، معمولاً بین سیاست‌های کلی ابلاغ شده و برنامه‌ها و قوانین اجرایی خلأ وجود داشته که آن خلأ همان الزامات اجرای سیاست‌های کلی ابلاغی است. به‌عنوان مثال مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و یا سیاست‌های سند چشم‌انداز ورود پیدا کرد و الزاماتی را برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز تبیین نمود که در این الزامات، نکات مختلفی بیان شده بود که یکی از نکات (که البته در همه چشم‌اندازهای دنیا به آن تأکید شده است) اصلاح نظام اداری و مدیریتی است که در نشستی جداگانه و با کمک دوستان می‌توان به آن پرداخت. گرچه به الزامات مربوط به سیاست‌های سند چشم‌انداز، که مجمع نیز کار ویژه‌ای روی آن انجام داده بود توسط دستگاه‌های کشور توجه کافی مبذول نشد. امید بر این است که بهای لازم به الزامات اجرای سیاست‌های جدید ابلاغ شده، یعنی سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، داده شود.

خوشبختانه سیاست‌های جدید ابلاغ شده در حوزه سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، در ارتباط با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، که آن هم

در حال نهایی شدن و ابلاغ است، قرار دارد و هم‌جهتی و هم‌راستایی در این زمینه وجود دارد. تشخیص جناب آقای دکتر درخشان که تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی را در چارچوب اقتصاد مقاومتی برای این نشست طراحی کرده‌اند کار صحیحی است چراکه تولید ملی، در اقتصاد مقاومتی دارای جایگاه مهمی است.

بحث دیگر این است که سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی منتزع از سایر سیاست‌های کلی نبوده و تمامی این سیاست‌ها به‌شکل منظومه می‌باشد و در سلسله سیاست‌های کلی قرار می‌گیرند لذا تکراری بودن برخی از آنها دارای اهمیت است به طوری‌که هر بخشی می‌تواند مؤید و حامی بخش دیگر باشد. این منظومه از سیاست‌ها، پوشش‌دهنده نام‌گذاری‌های سال‌های مختلف توسط مقام معظم رهبری است که کاری جهادی بوده و محوریت همه آنها نیز اقتصاد و مسائل اقتصادی می‌باشد که البته مستلزم کار جهادی، جهشی و مجاهدانه است به این معنی که حتی تحقق اهداف سند چشم‌انداز نیز نیازمند کار جهادی در زمینه اقتصاد است و تحرک اقتصادی مورد نظر، محصول سیاست‌های اصلاح‌الگوی مصرف، سیاست‌های کلی نظام اداری، سیاست‌های کلی اشتغال و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است. قصد بنده بر این است که به بند ۱۴ سیاست‌های تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی که در برگیرنده «ارتقاء سرمایه‌های انسانی، طبیعی، اجتماعی و فیزیکی با تأکید بر توسعه نهادهای مردمی برای رشد تولید ملی» است، پردازم.

قبل از ورود به بحث، یک جمله عرض می‌کنم چراکه پس از بحث، پیشنهادهایی را خدمت دوستان عرض خواهم کرد. اگر به عبارت آیه مبارکه «كُلُّوْا وَاَشْرَبُوْا وَلَا تُسْرِفُوْا» در قرآن کریم توجه کنیم، معمولاً در ایران عبارت اول آیه مذکور مورد توجه قرار گرفته اما عبارت دوم مورد فراموشی قرار می‌گیرد. اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به‌عنوان یک راهبرد تأثیرگذار مطرح می‌باشد که حتی در سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی نیز به این مورد اشاره

شده است. این نکته مطمئناً در سیاست‌های کلی مربوط به اقتصاد مقاومتی نیز مورد اشاره خواهد بود و در هر راهبردی به آن اشاره می‌شود اما متأسفانه همواره روح آن مورد غفلت قرار می‌گیرد. در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ابلاغی، اهدافی مشخص شده است که یکی از آنها معطوف به ذیل اصل ۴۴ بوده و دیگری توجه به «اصل ۴۳» است که تکالیف اساسی برای دولت جمهوری اسلامی در رابطه با مردم و مسائل اقتصادی، اجتماعی آورده شده و از اهم اهداف آن شتاب بخشیدن به رونق اقتصادی و رشد اقتصادی می‌باشد که البته مورد توجه لازم قرار نمی‌گیرد.

حال که در بند ۱۴ سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، موضوع «ارتقاء سرمایه‌های انسانی، طبیعی، اجتماعی و فیزیکی با تأکید بر توسعه نهادهای مردمی برای رشد تولید ملی» مورد توجه قرار گرفته است، در ابتدا بایستی به تعریف سرمایه که به دو دسته کلی تقسیم می‌شود، به شرح ذیل اشاره نمود:

الف- سرمایه اقتصادی. شامل سرمایه مالی، سرمایه فیزیکی و منابع طبیعی می‌باشد.

ب- سایر سیاست‌ها. سایر سیاست‌ها نیز خود به سیاست‌های فکری، اجتماعی و عاطفی تقسیم‌بندی می‌شوند.

هدف سیاست‌های اقتصادی عبارت از بررسی رفتارها در سطح فردی و سازمانی، بررسی دانش، بررسی توانایی یادگیری و مهارت‌های تخصصی، بررسی انباشت دانش در اعضاء و سازمان، بررسی ساختار، کیفیت و انعطاف‌پذیری شبکه‌های انسانی، خودآگاهی و نهایتاً عزت نفس می‌باشد. موارد اشاره شده بحث‌هایی است که برخی صاحب‌نظران آنها را در قالب اقتصاد مقاومتی یا تولید ملی یا مسائل مربوط به سرمایه انسانی و حتی اخیراً اقتصاد دانش‌بنیان مد نظر قرار می‌دهند.

در عرض دو سه دقیقه راجع به سرمایه انسانی مباحثی را مطرح می‌کنم و بعد از فرمایش‌های دوستان دیگر استفاده می‌کنیم. بخش عمده‌ای از مطالعات علم اقتصاد مربوط به این بوده است که چه نهادهایی در تابع تولید مؤثر است. تولید و میزان

رشد هر کشوری تابعی از عوامل زمین، نیروی کار، سرمایه و تکنولوژی است. قبل از انقلاب صنعتی تمرکز روی یکسری از بحث‌ها بود اما بعد از انقلاب صنعتی به نقش سرمایه در تولید بیشتر توجه شده و در اواخر قرن بیستم نیز تکنولوژی با دو رویکرد برونزا و درون‌زا وارد تابع تولید می‌شود به این معنی که فرض تفاوت رشد اقتصادی کشورها ناشی از تفاوت تکنولوژی است و سؤالی که به دنبال این تفاوت در رشد اقتصادی مطرح می‌شود این است که چرا بین کشورها تفاوت در سطح تکنولوژی وجود دارد. برخی مطالعات نشان می‌دهد که تفاوت بین کشورها به لحاظ تکنولوژی ناشی از تفاوت در سرمایه انسانی بین آنها است یعنی سرمایه انسانی منشأ اصلی ایجاد تکنولوژی و وارد شدن آن به فرآیند تولید می‌باشد و اصل رویکرد سرمایه انسانی نیز خود ناشی از سرمایه اجتماعی است که برخی اقتصاددانان و برخی علمای مدیریت بر آن تأکید کرده‌اند.

سرمایه اجتماعی در سیاست‌های کلی نظام اداری مورد تأکید ویژه‌ای قرار گرفته است. در سیاست‌های کلی نظام اداری مباحث مسئولیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و مسائل دیگری وجود دارد که ان‌شاء... در فرصت مناسب باید بحث شود. دلیل اصلی تفاوت در سرمایه انسانی و حتی سرمایه‌های اجتماعی کشورهای مختلف، نهادهای متفاوت موجود در کشورها است. نهادها در توزیع میزان سرمایه انسانی کشورها به طور مستقل بر فرآیند تولید تأثیرگذار است. نهایتاً بایستی اشاره کرد که ایجاد سیستم‌های مختلف پاداش‌دهی اقتصادی - اجتماعی و ایجاد هزینه‌های متفاوت در ساختار تولید، منجر به تفاوت در تولید و رشد ملی کشورها می‌شود.

برخی افراد، رویکرد نهادگرایی را مورد اشاره قرار می‌دهند چراکه معتقدند برخی زوایای رویکرد نهادگرایی یا راه‌حل‌های آن با وضعیت ایران منطبق است و می‌تواند قابل استفاده باشد. اما چیزی که همه به آن رسیده و اتفاق نظر دارند، لزوم اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی است. قبل از مطرح شدن

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نه خصوصی‌سازی مطرح بود و نه حتی این لفظ رایج بود، البته واگذاری داشتیم و واژه خصوصی‌سازی بعدها وارد مباحث شد. باید از خصوصی‌سازی به جایی برسیم که وظایف دولت‌ها یا نقش دولت‌ها که در سیاست‌های کلی یا در فرمایشات مقام معظم رهبری در سال‌های مختلف وجود داشته، بگونه‌ای باشد که:

۱. دولت نقش حمایتی داشته باشد،
۲. سرمایه‌گذاران و نیروی کار نقش خود را در چرخه تولید بارز کنند،
۳. مردم از تولیدات داخلی مصرف کرده و بتوانند با مصرف از تولیدات داخلی، باعث تقویت تولید داخلی شوند.

به هر نحوی که بحث کنیم در نهایت به تولید می‌رسیم به این معنی که اگر می‌خواهیم اقتصاد بدون نفت داشته باشیم و نقش مالیات را پررنگ کنیم بایستی تولید داخلی تقویت شود تا بتوان مالیات اخذ کرد. ایجاد اشتغال حاصل تمام فعالیت‌های اقتصادی است: حاصل تولید، حاصل مصرف (به معنای مدیریت مصرف) و حاصل فعالیت‌های مردمی به معنی مردمی کردن اقتصاد^۱ است. برخی اندیشمندان خارجی مردم را مشتری تلقی می‌کنند، برخی از آنها مردم را شهروند تلقی می‌کنند اما حضرت امام خمینی^(ره) مردم را ولی نعمت می‌دانند لذا صاحب اصلی اقتصاد مردم هستند.

دکتر درخشان

از جناب آقای دکتر میرمحمدی خیلی ممنون هستیم. از صحبت‌های ایشان استفاده کردیم ان شاء... در دور دوم مباحث، از نکات ایشان بیشتر استفاده خواهیم کرد. از آقای دکتر امینی تقاضا می‌کنیم مطالب خودشان را بیان بفرمایند.

۱. مردمی کردن اقتصاد یعنی مردم هم به عنوان سرمایه‌گذار هم به عنوان مصرف‌کننده و هم به عنوان تأثیرگذار مد نظر باشند.

دکتر امراله امینی*

قبل از اینکه وارد بحث شوم مقدمه‌ای را خدمت دوستان عرض می‌کنم. در طول سال‌هایی که بنده اقتصاد ایران و اقتصاد توسعه تدریس کرده‌ام همیشه با این سؤال از طرف دانشجویان روبرو بوده‌ام که چرا کشور ایران توسعه پیدا نکرده است؟ دلایل توسعه نیافتگی چیست؟ اگر بخواهیم تبدیل به کشوری توسعه یافته شویم چگونه می‌توان به این امر نائل شد؟ نقش تئوری‌های اقتصادی در حل معضلات اقتصادی چیست؟ این سؤالات همواره مطرح بوده است. حال که می‌خواهیم اقتصاد ایران را با رویکرد اقتصاد مقاومتی بشناسیم و بر مقولاتی همچون تولید، کار و سرمایه ایرانی تمرکز کنیم حتماً نیازمند پاسخگویی به یکسری پرسش‌های اولیه هستیم. اگر نتوانیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم بنایی که می‌سازیم سست و لرزان است و ما را منحرف می‌کند.

اولین سؤال این است که بین تئوری‌های اقتصادی و واقعیت چه رابطه‌ای وجود دارد؟ تئوری‌های زیادی در اقتصاد خرد و کلان و رشد داده شده و مورد مطالعه و تدریس قرار گرفته ولی هیچ تغییری در وضعیت اقتصادی ایران به وجود نیامده است. همچنان رشد تولید، سرمایه‌گذاری در آمد سرانه پایین است؛ مشکل کجاست؟ در پاسخ به این سؤال باید اشاره کرد که رابطه بین تئوری‌ها و واقعیات رابطه‌ای دو سویه است یعنی هم تئوری در واقعیت تأثیر می‌گذارد و هم واقعیت بر تئوری. در واقع فلسفه وجودی تئوری در سه زمینه تبیین، پیش‌بینی و تجویز می‌باشد. این نکته را هم باید بپذیریم که هیچ تئوری وجود ندارد که همه ابعاد واقعیت را بشناسد زیرا تئوری‌ها در شرایطی خاص جواب می‌دهند. به عنوان مثال گفته می‌شود که اگر فلان تئوری در ایران جواب نمی‌دهد بخاطر فقدان رقابت کامل است چرا که آن تئوری برای شرایط رقابت کامل است.

همه ما می‌دانیم که اقتصاد، علم انتخاب است اما برای انتخاب یکسری مقیدات داریم، یعنی ساختاری را برای خودمان درست کرده‌ایم که نمی‌توانیم خیلی سریع انتخاب کنیم و هر جامعه که تاریخ طولانی‌تر داشته باشد، انتخاب‌های آن جامعه در شرایط فعلی محدودیت‌های بیشتری دارد. به‌عنوان مثال کشور ما در زمان حال گرفتار وابستگی به نفت و وابستگی به واردات است، لذا اگر بخواهیم از تئوری‌ها استفاده کنیم با محدودیت‌های بیشتری در قیاس با کشوری که این ساختار اولیه را ندارد، مواجه خواهیم شد. به‌عنوان مثال دو سوم جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کنند، پنجاه درصد این جمعیت در هفت شهر بزرگ زندگی می‌کنند که این مسئله امروز باعث شده است توسعه با مشکلات زیادی مواجه شود. در واقع با بحران تراکم در ایران روبرو هستیم. بحث‌هایی مانند آلودگی شهرها، نبود فضای سبز و ترافیک و غیره را نیز باید اضافه کرد. در کنار مسئله تراکم در بخش وسیعی از سرزمینمان با مشکلی بنام مراکز خالی از سکنه روبرو هستیم که این مسئله، هم در واقعیت و هم در استفاده از تئوری، تصمیمات را با مشکل مواجه می‌سازد.

یکسری محدودیت‌های خاص دیگر هم داریم مثلاً وقتی تئوری‌ها را می‌خوانیم این تئوری‌ها رویکرد نظری معینی دارند یعنی شرایطی مثل تعداد مصرف‌کننده زیاد، کالاهای متجانس و نظایر اینها، باید وجود داشته باشیم. در واقع یک رویکرد نظری معین با ویژگی‌های خاص در اقتصاد داریم که این رویکرد اصولاً با اقتصادی مثل ایران منطبق نیست و ما را دچار مشکل می‌کند. در کنار این، بایستی مطالعاتی انجام دهیم و کاستی‌هایی را برطرف کنیم. در مطالعات اقتصادی داخل کشور مسئله‌ای بنام روش‌شناسی نداریم. به‌عنوان مثال ما، مکتب مارژینالیست‌ها را تدریس می‌کنیم اما هیچ وقت به این نکته توجه نکرده‌ایم که نظریه مارژینالیست‌ها بر اساس چه فلسفه‌ای ایجاد شده و چه ارزش‌هایی برای آنها مهم بوده است، نگاه آنها به دنیا چگونه بوده است و در اقتصاد ایران چه کارایی دارد. نکته دیگر در همین راستا این

است که اکثراً تحلیل‌هایی که برای دانشجویان بیان می‌کنیم تحلیل‌های اقتصادی ایستا است در صورتی که باید به سمت تحلیل‌های مقایسه‌ای و پویا برویم. اگر می‌خواهیم از تحلیل اقتصادی در اقتصاد ایران استفاده کنیم باید پویایی را به تحلیل‌های خود اضافه کنیم.

حال سؤال این است که چه چیزی می‌تواند آن پویایی را به همراه داشته باشد؟ در پاسخ باید گفت که تحلیل تاریخ اقتصادی ایران است که ما را در مورد نحوه برخورد با این مسائل آگاه می‌سازد. اگر می‌خواهیم از تئوری خاصی استفاده کنیم باید درک درستی از تاریخ اقتصادی گذشته ایران داشته باشیم. به عنوان مثال تحلیل تاریخی به ما می‌گوید که چرا ملی شدن صنعت نفت در ایران شکست خورد؟ چرا با اینکه تجربه برنامه‌ریزی خوبی داشته‌ایم نتایج ملموس و اقتصادی را مشاهده نکرده‌ایم؟ چرا رشد اقتصادی پایین است؟. پاسخ همه این سؤال‌ها را تحلیل تاریخی و درس‌های مهمی که از تاریخ می‌گیریم به ما می‌گوید. اگر مسئله‌ای مانند هدف‌مندی یارانه‌ها را با این دید نگاه کنیم به مشکلات اصلی آن پی می‌بریم.

نکته دیگری که بایستی در تحلیل‌ها حتماً مورد توجه باشد، که در تئوری‌های اقتصادی آن را ثابت در نظر گرفته‌ایم، اقتصاد سیاسی است. در اقتصادهایی مثل ایران یا کشورهای جهان سوم اقتصاد محض مطالعه نمی‌کنیم بلکه با اقتصاد سیاسی سروکار داریم. توجه داشته باشیم که یک اظهار نظر و یک حرکت سیاسی چقدر روی متغیری مثل نرخ ارز تأثیر دارد در حالی که این مسائل در نظریه‌های اقتصادی، مثل اقتصاد خرد و کلان، ثابت فرض شده است. بنابراین اقتصاد تدریس می‌شود اما اقتصاد سیاسی نه و اگر اقتصاد سیاسی مطالعه نشود دچار مشکل می‌شویم. در کشورهای صنعتی امور اقتصادی و سیاسی و اجتماعی طبقه‌بندی شده است و هر چیز، در جای خودش قرار دارد ولی در ایران اینطور نیست. مثلاً در اقتصاد ایران رفتار دولت را در تابع تولید، ثابت فرض می‌کنیم. در تئوری‌های اقتصادی رفتار

دولت در تابع تولید یا تابع رفاه و غیره ثابت است در حالیکه در ایران این امر مفروض نیست یعنی در واقع رفتار دولت ثابت نیست و دولت هر روز رفتار خاص و تصمیم‌گیری‌های متفاوت و گاه متضاد می‌گیرد.

با این مقدمه، سؤال این است که اگر ما می‌خواهیم بنای یک اقتصاد مقاومتی را درست کنیم ابتدا باید ویژگیهای اقتصاد ایران را بشناسیم تا بتوانیم این بنا را بر آن استوار کنیم. اقتصاد ایران در شرایط فعلی دو ویژگی دارد:

۱- اقتصاد ایران اقتصادی دولتی است. ۲- اقتصاد ایران وابسته به نفت است. با نگاهی به تولید ناخالص داخلی کشور مشاهده می‌شود که سهم دولت در اقتصاد بیش از ۷۵ درصد است که به معنی اقتصاد دولتی است. بخش خصوصی و مردم نقش چندانی ندارند و اگر هم دارند بسیار کم است.

این دو ویژگی تبعاتی در اقتصاد ایران ایجاد می‌نماید و نمی‌توان به این تبعات جداگانه نگاه کرد. اگر می‌خواهیم کار ایرانی را بررسی کنیم باید بهره‌وری کار را هم بررسی کنیم. اقتصاد دولتی و اقتصاد وابسته به نفت، سطح تولید ملی را کاهش داده است و به تبع آن تولید سرانه هم پایین است و هیچ تحرکی در تولید نمی‌بینیم. بهره‌وری در کنار کار باید مورد توجه قرار گیرد ولی مورد توجه ما نیست و همواره صرف کار مطرح است در حالیکه بهره‌وری مهم است. مثلاً امروز در صنعت خودرو قیمت خودرو بالا است. علت قیمت بالا در این است که بهره‌وری صنعت خودرو کمتر از ۵۰ درصد است، کارایی آن نیز کمتر از ۵۰ درصد است. مدام عنوان می‌شود که چه کاری باید انجام شود تا در عرض دو هفته قیمت خودرو پایین بیاید، وقتی بهره‌وری پایین است چنین امری امکان‌پذیر نبوده و قیمت پایین نمی‌آید. اگر مدام، سرمایه به این صنعت تزریق شود قیمت کاهش نمی‌یابد تا بهره‌وری عوامل تولید رشد نکند قیمت خودرو کاهش نخواهد یافت.

نکته دیگر اینکه ساختار اقتصاد ایران نامتعادل شده است و علت آن توزیع نامناسب درآمدهای نفتی است. ساختار نامتعادل به این معنی است که یک بخش خیلی بزرگ شده است، نقدینگی به سمت کالاهای غیرفیزیکی رفته و تولید افت کرده است. به عنوان مثال شرکت‌های سرمایه‌گذاری که سرمایه‌های هنگفتی دارند وارد تولید نمی‌شوند و بیشتر این شرکتها در سال گذشته، ۹۵ درصد سودشان از خرید و فروش ارز و طلا بوده است. وضعیت اکثر شرکت‌های سرمایه‌گذاری به همین منوال هستند.

بحث بعدی که ریشه در اقتصاد دولتی دارد بحث تورم، بیکاری، کم‌کاری و وابستگی بسیار شدید به واردات است. مدام می‌شنویم که صحبت از توقف واردات است. ولی در سالهای پیش تکیه بر واردات بود؟ دلیل آن این است که الان با محدودیت فروش نفت مواجه هستیم.

نکته دیگر در اینجا که بسیار مهم است این است که درآمد حاصل از نفت چگونه توزیع شده است. امروزه روستاها خالی از سکنه شده است. علت چیست؟ علت آن توزیع نامناسب درآمد است. توزیع نامتناسب درآمد مسئله‌ای است که باید به آن توجه کرد. چه کسانی یک شبه چندین میلیارد درآمد کسب کرده‌اند؟

اما به بحث کارپردازیم که بیشتر بحث این جلسه است. فرض کنید می‌خواهیم سیاست‌گذاری کنیم. ملاحظه بفرمایید که تعطیلات رسمی در ایران ۲۵ روز است (در سطح جهان ۷ تا ۱۰ روز). اگر پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها را هم اضافه کنیم ۱۲۹ روز تعطیلی داریم، ۳۰ روز هم مرخصی کارمندان است لذا تعطیلات ۱۵۹ روز است. اگر روزهای بین تعطیلی و روزهایی که از آلودگی هوا و غیره تعطیل می‌شود به آن اضافه شود ۱۶۹ روز تعطیلی داریم که تقسیم بر ۳۶۵ روز، حدود ۴۷ تا ۵۰ درصد در سال تعطیلی داریم یعنی از ۳۶۵ روز بیش از ۱۸۰ روز کار در ایران انجام نمی‌گیرد. برای دانشجویان، دانش‌آموزان و معلمان هم تعطیلات دیگری هست. لذا برای این

۲۰ سومین نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی: حمایت از کار و سرمایه ایرانی

دسته از افراد ۲۶۰ روز تعطیلی وجود دارد که تقسیم بر ۳۶۵ اگر بنمائیم این گروه از افراد در سال حدود ۷۷ درصد تعطیلی دارند. در مورد کارمندان هم که اشاره شد ۱۸۰ روز در سال کار می کنند، البته بحث ساعات مفید کار خیلی مهم است. طبق گفته دولت، ۲۰ درصد از ساعات کار در کشور بصورت مفید است یعنی کسی که در اداره شاغل است ۲۰ درصد از ۸ ساعت را کار می کند، ۲۰ درصد ۱۸۰ روز یعنی در ایران ۳۶ روز در سال کار مفید انجام می گیرد. اگر می خواهیم ۳۶ روز کار کنیم نمی توان امیدوار بود که وضعیت اقتصاد ما بهتر شود.

می دانیم که اقتصاد دانش بنیان بر اساس ذخایر بشری بوده و اجزای تشکیل دهنده ذخایر بشری نیز عبارتند از دانش آشکار که دارای سهم ۱۰ درصدی و دانش ضمنی که دارای سهم ۹۰ درصدی است. دانش ضمنی همان کار است یعنی باید کار کنیم و دانش کسب کنیم. تجربه ای که از کار ضمنی بدست می آوریم بیان کننده کار سازمان یافته است و ایجاد کننده ظرفیت اقتصادی است یعنی کار، ظرفیت ما را می سازد دانش آشکار ظرفیت ما را نمی سازد. بنابراین ظرفیت سازمانی در اقتصاد توسعه مهم ترین عامل است یعنی اگر می خواهیم توسعه پیدا کنیم باید ظرفیت سازمانی را بالا ببریم. ظرفیت سازمانی نیز به تدریج قابلیت افزایش داشته و آنی نیست.

می دانیم که در ربع قرن حاضر شتاب اختراعات خیلی زیاد شده است مثلاً زمانی یک اختراع ۱۰۰ سال طول می کشید. در ۱۹۵۰ میلادی، زمان مفید اختراعات سی سال شد تا چند سال پیش زمان یک اختراع سه سال بود الان هم زمان یک اختراع جدید کمتر از یک سال شده است. این امر با کار زیاد و ظرفیت سازمانی ایجاد شده است و اینها هستند که بنیه اقتصادی را می سازند و در مواجهه با مشکلات و تغییرات، ظرفیت سازی می کنند. زمانی می توانیم تغییری را به فرصت تبدیل کنیم که سازماندهی که خود حاصل کار است، داشته باشیم. به همین خاطر است که مثلاً

وقتی درآمد نفت در ایران زیاد می‌شود چون ظرفیت سازمانی بالایی در کشور وجود ندارد، یک مرتبه عنوان می‌شود که واردات کنیم زیرا ظرفیت سازمانی و مدیریت صحیح نداریم و این باعث می‌شود که از خودمان واکنش نشان دهیم و این افزایش قیمت نفت به ضد خودش تبدیل می‌شود. الان می‌گوییم ای کاش نفت نداشتیم. نفت خوب است اما توزیع آن ناعادلانه است. ظرفیت‌سازی درستی صورت نگرفته است. امروز صحبت از نفرین منابع است. طبیعی است که وقتی ظرفیت‌سازی نکردیم نفت برای ما نفرین است و گروهی عنوان می‌کنند که ای کاش نفت نداشتیم.

طبق برنامه اول توسعه کشور ۴۰ درصد جمعیت هیچ نقشی در تولید ملی نداشتند. در برنامه چهارم ۵۰ درصد مردم نقشی در تولید ملی نداشتند. این چه درکی از توسعه است که این سهم از افراد در تولید ملی نقش ندارند. در ۱۹۶۰ میلادی کره‌ای‌ها عنوان کردند که ما نفت نداریم اما آدم داریم و حالا کشوری توسعه یافته هستند. الان فقط تولید فولاد آنها اندازه نفت ایران فروش دارد، کشتی‌سازی آنها رشد زیادی کرده است زیرا ما تکیه بر منابع مالی نفت کردیم و منابع را به صورت نامتعادل توزیع نمودیم. نتیجه همه این مسائل این است که بسیاری از روستاهای ما خالی از سکنه شده است، کشاورزی به مشکل برخورد کرده است. الان واردات گندم داریم. چرا واردات می‌کنیم؟ ما که کشاورزی داریم الان درکی که بین مردم رایج است اینکه کار نکن و پول دربیار. دانشجویی دارم که می‌گوید خیلی اشتباه کردم کارشناسی ارشد خواندم. گفتم چرا؟ گفت در بازار مشغول کار شدم و ملاحظه کردم که چقدر به لحاظ درآمدی عقب بوده‌ام. این نوع توزیع درآمد، این نوع رانت نفت باعث می‌شود که اشتغال مولد از بین برود. باید از کار حساسیت‌زدایی بشود.

حال تا ما نتوانیم این دو موضوع که به نحوی وابسته بهم هستند را حل نکنیم مسئله‌ای به نام کار و از همه مهمتر بهره‌وری کار و عوامل دیگر تولید از جمله سرمایه که در ایران بسیار پایین است حل نخواهد شد.

بهره‌وری: بهره‌وری در ساده‌ترین تعریف دستیابی به ستانده بیشتر در برابر نهاده است وقتی از منابع مادی کمتر استفاده می‌شود باعث می‌شود که محصول با قیمت کمتر و کیفیت بالاتر و محصول فراوان‌تر که باعث ارتقای توان رقابت است می‌شود.

ما در مطالعاتی که در اواخر دهه ۷۰ در صنعت خودروسازی انجام دادیم و پس از آن در دهه ۸۰ هم چند کار تحقیقی انجام شد نشان داد که بهره‌وری در صنایع خودرو حدود ۵۰٪ و کارآئی کمتر از ۵۰ است حال حمایت ما آیا باید این باشد که این صنعت بیشتر تولید کند تا انحصار بیشتری بوجود آورد و یا اینکه ظرفیت مدیریتی باید بالا برود تا بهره‌وری و کارایی افزایش یابد. افزایش قیمت خود را در این چند هفته بنگرید. حال سؤال این است که چرا این قدر بهره‌وری مهم است. دلیل آن این است که بهره‌وری مساوی توسعه است و سه کارکرد مهم بهره‌وری عبارتند از: ۱- پایداری، ۲- توان رقابت و ۳- سطح رفاه بیشتر. با این سه متغیر می‌توان فهمید آیا ما بهره‌ور هستیم یا نه. در این مورد صنایع ممکن است تصویر غلطی را ارائه دهند.

۱. پایداری یعنی اینکه وقتی ما بتوانیم از نهاده‌های محدود ستانده‌های بیشتری تولید کنیم باعث می‌شود طول عمر صنایع در دسترس افزایش یابد و این یعنی پایداری چشم‌انداز تولید پس هر جامعه‌ای که بهره‌ورتر باشد پایداری محسوب می‌شود.

۲. توان رقابت: بهره‌وری به یک اعتبار به معنای جایگزینی نهاده دانائی با منابع مادی است که مهمترین تفاوت نهاده دانائی با منابع مادی این است که نهاده دانائی پایان‌ناپذیر است.

در عرصه دانایی ما با فراوانی روبرو هستیم. پس بنابراین هر میزان که دانائی جایگاه والاتری پیدا کند به معنای نیاز کمتر به منابع مادی است و باعث می‌شود که محصول با قیمت کمتر کیفیت بیشتر و محصول فراوانتر که این باعث ارتقای توان رقابت است

۳. رفاه بیشتر: بهره‌وری بالاتر به معنای این است که بطور همزمان با افزایش درآمد و کاهش قیمت روبرو هستیم و این به معنای رفاه بیشتر است. البته برای اقتصاد ایران مسئله بهره‌وری به عنوان یک پارادوکس بنیادی مطرح است به این معنا که وقتی ما با نهاده پایان‌پذیر روبرو هستیم قاعده مرسوم این است که باید از این نهاده‌ها با بهره‌وری بیشتر استفاده کنیم در حالی که عکس این حالت دیده می‌شود. مواد خام را با سرعت زیاد استخراج می‌کنیم.

بنابراین سه مسئله پایداری، رقابت‌پذیری و رفاه بیشتر، باعث بهره‌وری می‌شود اما امروزه این بحث است که با ورود به جهان دانائی مسئله بهره‌وری اهمیت بیشتری پیدا کرده زیرا انقلاب دانائی بیشترین کاربردش ایجاد بهره‌وری است. انقلاب دانائی به معنای سرعت، شتاب در جهت افزایش رفاه و تولید ملی است.

بنابراین در کشور ایران انقلاب دانائی به این معنا است که اگر نسبت به بهره‌وری فکری نکنیم به وضعیت حاشیه‌تری رانده می‌شویم. حال مسئله بهره‌وری برای کشورهایی مثل ایران که وابسته به نفت هستند و از عوارض فساد سیاسی رانتی رنج می‌برند بیشتر است. چرا؟

در اقتصاد سیاسی رانتی به صورت نهادمند و نظاممند، انگیزه بهره‌وری تضعیف می‌شود (یعنی اقتصاد ایران به صورت سیستماتیک و نظاممند به سمت از بین رفتن انگیزه‌های بهره‌وری پیش می‌رود چرا؟ بدلیل اینکه در اقتصاد سیاسی وابسته به نفت، فعالیت‌هایی تشویق می‌شود که بجای ارتقای دانائی - پیشرفت فنی و علمی و بهره‌وری، می‌گوید به سمت فعالیت‌هایی بروید که بدون کار و بهره‌وری سود خود را حداکثر کنید و بهره‌وری تضعیف می‌شود در اینجاست که مدیریت سیاسی باید تدابیری بیندیشید که با این مسئله مبارزه کند مثلاً در ایران یکی از مصادیق این مسئله این است که سهم اشتغال دانش‌آموختگان در بخش خصوصی حدود ۲٪ است ۹۸٪ باقی‌مانده شاغلین تحصیلات کمتر از دیپلم دارند به قاعده موازین اقتصاد سیاسی رانتی بخش خصوصی متوجه شده است که در این اقتصاد حداکثرسازی سود مستلزم حداکثرسازی دانائی نیست و برای حداکثرسازی سود باید خود را به مرکز رانت نزدیک کند یا مثلاً رفتار بخش خصوصی در زمینه هزینه‌های تحقیق و توسعه اینطور است که سرمایه‌گذاری در این زمینه اندک است و متوجه می‌شوید که اینها فهمیده‌اند که حداکثرسازی سود مستلزم حداکثرسازی دانائی نیست در ایران از نظر سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه ۹۰٪ در بخش دولتی و ۱۰٪ در بخش خصوصی و این ۱۰٪ هم با احتساب بخش تحقیقات بانکها و شرکتهای دولتی و نیمه دولتی است. نتیجه‌گیری: بهره‌وری یک مسئله اضطراری برای امروز و فردای ایران است. افزایش قیمت‌ها خصوصاً در انرژی باید بتواند بهره‌وری را بالا ببرد در سال ۱۹۷۳ در انگلیس وقتی قیمت انرژی ۱۴ برابر شد بهره‌وری هم ۷ برابر شد در مورد شاخص‌سازی در بهره‌وری هم باید دقت کرد:

شاخصهای بهره‌وری‌ای باید ساخته شوند که با ارزشها و شعارها و فرهنگ هماهنگ باشد. اگر عدالت مهم است در شاخص‌سازی نباید فقط کمیت و رشد ملاک باشد. اما در مورد سرمایه‌گذاری، در حال حاضر حجم نقدینگی به بیش از

۴۵۰۰۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است در سال ۱۳۸۸ این میزان ۲۱۵ هزار میلیارد تومان بود و میزان معوقات بانکی ۳۸ هزار میلیارد، و این در حالی بود که سرمایه بانکها ۲۰ هزار میلیارد تومان بود یعنی معوقات بانکی دو برابر سرمایه بانکها بود. مسئله مهم این است که طی ۲۰ سال گذشته ما بیشترین مقادیر رشد در نقدینگی را داشتیم و در عین حال بی سابقه ترین کمبود نقدینگی را هم در بخش تولیدی داریم که این مسئله یک پارادوکس است. در بازار مسکن لوکس، عرضه بیشتر از تقاضاست و در بازار مسکن گروه متوسط و فقیر، تقاضا بیشتر از عرضه است. یکی از دلایل بالا بودن معوقات بانکی این است که در فرایند تولید تمام ریسک به سمت تولید کننده جهت داده شده است نه پس انداز کننده و نه بانکها، هیچکدام در فرایند تولید ریسکی متوجه آنها نیست در حالیکه در بانکداری اسلامی ریسک باید بین این سه گروه (پس انداز کننده، بانکها و تولید کننده) توزیع شود. یک معضل دیگر در بخش سرمایه گذاری، شرکتهای سرمایه گذاری وابسته به بانکها و نهادها می باشند که این گروه حاضر به پذیرش ریسک تولید نیست و بیشتر در بازار واردات، مسکن و کالا و تا حدودی بورس فعالیت دارد. به همین خاطر است که متأسفانه نقش بانکها خصوصاً بانکهای خصوصی در رشد و توسعه اقتصاد ایران در سالهای اخیر منفی و تخریبی بوده است.

دکتر محمدجواد نوراحمدی*

عنوانی که برای این نشست انتخاب شده عبارت است از نسبتی که بین اقتصاد مقاومتی و عنوانی که برای سال ۱۳۹۱ توسط مقام معظم رهبری انتخاب شده است، یعنی تولید ملی حمایت از کار و سرمایه ایرانی. چند سؤال در این زمینه مطرح است: اولاً) چرا موضوع اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری مطرح گردید؟

ثانیاً) چرا سال ۱۳۹۱ توسط ایشان به نام «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نام گذاری شد؟

ثالثاً) چه رابطه‌ای میان اقتصاد مقاومتی و تولید ملی وجود دارد؟

برای پاسخگویی به سؤالات فوق و درک بهتر نسبت میان اقتصاد مقاومتی و تولید ملی، از مفهوم پدافند غیرعامل^۱ استفاده می‌کنم. پدافند به معنای دفاع است که زمانی به صورت عامل یعنی با استفاده از جنگ افزار اتفاق می‌افتد و زمانی بصورت غیرعامل یعنی بدون به کارگیری جنگ افزار. منظور از پدافند غیرعامل مجموعه اقدامات غیرمسلحانه است که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در برابر تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد. این موضوع به این خاطر مطرح شد که طبق بحث‌هایی که در مطالعات نظامی جدید مطرح می‌شود، ویژگی جنگ‌ها و تهدیدهای نظامی در سالهای اخیر صرفاً نظامی نیست بلکه ابعاد مختلفی پیدا کرده است که با توجه به مؤلفه‌های قدرت آن کشوری که قصد تهاجم دارد مطرح می‌شود اعم از جنگ نظامی، جنگ سیاسی، جنگ فرهنگی، جنگ اقتصادی، جنگ علمی و جنگ اطلاعاتی.

بنابراین لایه‌های مختلفی از تهدیدها وجود دارد اعم از نظامی، سیاسی، فرهنگی، سایبری، بیولوژیک، هسته‌ای، شیمیایی، الکترونیک، اقتصادی، اطلاعات. یکی از این تهدیدها، تهدیدهای اقتصادی است و تحت همین زمینه، بحث جنگ اقتصادی مطرح شده است. تعاریف مختلفی برای جنگ اقتصادی مطرح می‌باشد که یکی از آنها عبارت است از «بکارگیری ابزارهای اقتصادی در جهت فلج‌سازی و تضعیف نظام اقتصادی یک کشور که در نهایت منجر به ضعف قوای سیاسی و نظامی کشور می‌شود». تعریف دوم جنگ اقتصادی عبارت است از استفاده از ابزارهای اقتصادی برای وادار کردن کشور برای تغییر سیاستها یا رفتارها و یا تضعیف توانایی کشور و

1. Passive Defence

به انزوا بردن آن است. ابزارهایی که در این جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند شامل تحریم، ایجاد محدودیت در صادرات و واردات و تعلیق معاهده‌ها است. اولین بار در مقابل جنگ اقتصادی، مقام معظم رهبری مباحثی را مطرح کردند تحت عنوان جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی. برخی از فرمایشات ایشان بدین شرح است:

- هر تلاشی به معنای جهاد نمی‌باشد. جهاد به معنای تلاش برای مقابله با تهاجم و تهدید دشمن می‌باشد.
- جهاد اقتصادی یعنی مبارزه اقتصادی
- اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباث دشمن؛ دشمنانی که ما داریم.
- هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است.
- این شعارهای سال حلقه‌هایی بود برای ایجاد یک منظومه‌ی کامل در زمینه‌ی مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله‌ی جلوگیری از اسراف، مسئله‌ی همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله‌ی جهاد اقتصادی، و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. ما اینها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهایی است که می‌تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه‌ی اقتصاد ساماندهی کند؛ می‌تواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم.

در فرمایشات ایشان منظور از جهاد به معنای صرفاً تلاش اقتصادی نیست بلکه ایشان جهاد را به معنای تلاش برای مقابله با تهاجم و تهدید دشمن معنی می‌کنند. به عبارت دیگر جهاد اقتصادی یعنی مبارزه اقتصادی، یعنی دشمن در ابعاد اقتصادی ما

را مورد هجوم خود قرار داده است و ما هم در مقابل آن باید حرکت جهاد گونه داشته باشیم. ایشان اقتصاد مقاومتی را اقتصادی تعریف می کنند که همراه با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن باشد. لذا دشمنی وجود دارد، حمله ای اتفاق افتاده، هدف این حمله را هم تمرکز روی اقتصاد معنی می کنند تا این که به رشد ملی لطمه بزنند، به اشتغال لطمه بزنند و نهایتاً رفاه اجتماعی مردم را با خدشه مواجه کند و سرانجام بین مردم و نظام اسلامی فاصله بیاندازد. این را به عنوان هدف غایی دشمن از جنگ اقتصادی معنی می کنند.

در مقابل این جنگ اقتصادی، وقتی به عناوین سال های اخیر نگاه می کنیم مشاهده می شود که این عناوین در واقع پدافندهایی است که از طرف مقام معظم رهبری به عنوان استراتژی های نظام اقتصادی کشور مطرح شده است که در واقع بعضی از نقاط ضعف را مورد تأکید قرار داده اند و با این نام گذاری ها سعی کرده اند که توجه را به سمت مسائل اقتصادی برده و تأکیدشان هم بر این است که اینها شعارهای گذرا نیست بلکه نیازهای روزمره اقتصاد کشور است که در کل، یک نظام اقتصادی در مقابله با جنگ اقتصادی تشکیل می دهند. الزاماتی هم توسط ایشان برای اقتصاد مقاومتی مطرح می شود. برخی از آنها عبارتند از:

- مردمی کردن اقتصاد: بخش خصوصی را باید توانمند کرد.
- کاهش وابستگی به صنعت نفت: تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمذزای دیگری جایگزین کنیم.
- مسئله مدیریت مصرف.
- حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم های خلق الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه هائی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می شود و به مقاومت ملت ضربه می زند.
- مسئله وحدت و همبستگی

با توجه به این مقدمه، رابطه بین اقتصاد مقاومتی و تولید ملی در تعریفی که برای اقتصاد مقاومتی می‌توانیم داشته باشیم این است که نهایتاً عملکرد هر نظام اقتصادی در قالب تولید ملی و توزیع کالاها و خدمات و درآمد بین مردم ظهور و بروز پیدا می‌کند و هدف جنگ اقتصادی اخیر نیز مختل کردن ساز و کارهای تولید و توزیع ملی است.

بنابراین هدف اقتصاد مقاومتی عبارت است از این که: ساختارهای اقتصادی (اعم از نهادها و سازمانهای اقتصادی) به نحوی سازمان‌دهی شوند که در مواجهه با جنگ اقتصادی بتواند عملکرد مناسب خود را برای بقا و دوام نظام اجتماعی ملی به همراه داشته باشد. بنابراین اقتصاد مقاومتی از جنس پدافند غیرعامل است. در واقع حمله‌ای اتفاق افتاده و ما علاوه بر اینکه می‌خواهیم به آن حمله واکنش نشان دهیم می‌خواهیم دوام و بقای نظام را نیز داشته باشیم.

حال سؤال این است که چرا جنگ اقتصادی شروع شد؟ پاسخ این است که دشمن در جنگ‌های سیاسی و نظامی و فرهنگی نتوانست به هدف خود که در واقع براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بود برسد، لذا با توجه به نقاط ضعفی که در اقتصاد ملی ایران مشاهده کرد راه‌های تهدید را به ابعاد اقتصادی گسترش داد. سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که اقتصاد ملی ما در چه عرصه‌هایی با ضعف مواجه است؟

در مطالعات نظامی، کشور هدف به یک سیستم تشبیه می‌شود که از اجزایی تشکیل شده و این سیستم یکسری گره‌های اساسی دارد که اگر کارکرد آن گره‌ها مختل شود کل سیستم با مشکلات اساسی مواجه می‌شود. برای اینکه ما نقاط ضعف خود را درک کنیم با توجه به نقاطی که مورد حمله دشمن قرار گرفته می‌توان تشخیص داد که ما در چه نقاطی با ضعف مواجه هستیم. محورهای مورد حمله و تهدید اقتصادی کشورهای غربی عبارتند از: بخش پولی و بانکی، دانش و فناوری،

صادرات و واردات، تأمین مالی، معاملات عمده اقتصادی، حمل و نقل هوایی و دریایی. اینها چیزهایی است که در واقع محورهای تهدیدها بوده است.

هدف بنده این است که بر سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی که توسط مقام معظم رهبری ارائه شده است متمرکز شده و بعد یک دسته‌بندی داشته باشم. این سیاست‌ها از ۲۳ بند تشکیل شده است که بند اول آن عبارت است از «بالا بردن قدرت رقابت و افزایش بهره‌وری عوامل تولید»، یعنی زیربنایی‌ترین نکته‌ای که می‌تواند تولید ملی را افزایش دهد بهره‌وری است. با دقت در بقیه بندهای سیاست‌های کلی مشاهده می‌شود که بقیه بندها همگی راه‌حل‌هایی است که کمک می‌کند تا بهره‌وری عوامل تولید افزایش پیدا کند. به‌عنوان مثال در مورد تحقیق و توسعه و نوآوری‌ها بحث شده است.

بنده ریز آنها را مطرح نمی‌کنم اما یک دسته‌بندی انجام داده‌ام که ارائه خواهم کرد. در این سیاست‌ها، تأکید بر اقتصاد دانش‌بنیان شده است، تأکید روی حمایت از تولید محصولات با ماهیت راهبردی شده است، همچنین تأکید بر تکمیل زنجیره تولید مطرح شده، تأکید بر تولید محصولاتی با خالص ارزش‌آوری مثبت یا خالص ارزش‌بری منفی، مدیریت منابع ارزی، بهبود فضای کسب و کار، افزایش سهم سایر بخش‌های اقتصادی تعاونی و خصوصی، بحث تنظیم نقش نهادهای عمومی، بحث آمار و اطلاعات و در واقع نظام آماری کشور مورد تأکید قرار گرفته است. بحث ایجاد انگیزه برای کار و تلاش، سازماندهی اشتغال، ارتقای سرمایه‌های انسانی، توسعه فرهنگ حمایت از کار و سرمایه، جلوگیری از اتلاف، گسترش ابزارهای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه، حمایت از محققان و همین‌طور کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه ملی، تنظیم و اصلاح قوانین و مقررات، کارآمد کردن نظام توزیع، گسترش منابع مالی و جلوگیری از انحصار.

قبل از اینکه تقسیم‌بندی خودم را در مورد سیاست‌ها مطرح کنم، لازم است که این سؤال را مطرح کنم که جنگ اقتصادی که هم اکنون علیه اقتصاد ملی ما تحمیل شده است چگونه می‌تواند روی اقتصاد ملی ما تأثیر بگذارد؟ شاید بتوان مکانیزم تأثیرگذاری را به دو بخش کلی تقسیم کرد:

الف) از یک طرف سازمان‌ها و مؤسسات پولی، بانکی، بیمه‌ای، حمل و نقل، شرکت‌های سرمایه‌گذاری تحریم شده‌اند که این امر هزینه‌های معامله و مبادله را افزایش می‌دهند و موجب افزایش هزینه‌های تولید و مصرف داخلی توسط بخش خصوصی و دولتی می‌گردد.

ب) از طرف دیگر تحریم‌ها باعث کاهش درآمدهای ناشی از صادرات نفتی و غیرنفتی شده است.

پس از دو ناحیه یعنی هم از ناحیه درآمدها و هم از ناحیه هزینه‌ها اقتصاد را با مشکل مواجه کرده‌اند. سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که آسیب‌پذیری اقتصاد ملی از تحریم‌ها به چه عواملی بستگی دارد؟ عمده‌ترین عامل می‌تواند میزان وابستگی اقتصاد ملی به درآمدهای نفتی باشد که از حیث درآمدی اگر با مشکل مواجه بشویم آسیب‌پذیری جدی است. وابستگی اقتصاد ملی به واردات کالاهای ضروری، واسطه‌ای، سرمایه‌ای و فناوری‌های جدید که از این ناحیه هم به واسطه عامل قبلی، وابستگی شدیدی داریم. نکته بعد ضعف ساختار اقتصاد ملی است، یعنی ضعف در سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی که نظام اقتصادی موجود ما را سازماندهی می‌کنند که این خود از دو عامل قبلی متأثر است و عملکرد ضعیف اقتصادی ما ناشی از ساختاری است که در طی تاریخ در کشور ما شکل گرفته و موجب عملکرد فعلی اقتصاد ملی ما شده است.

آیا عملکرد فعلی ما عملکرد مناسبی است؟ اگر عملکرد ما ضعیف باشد و تحریم هم به آن تحمیل شود چه اتفاقی می‌افتد؟ وقتی سیاست‌های ابلاغی را در نظر

می‌گیریم ریشه مشکلات در پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید و رقابت‌پذیری اقتصاد ملی مطرح شده است که در واقع همان اولین بندی است که در سیاست‌های کلی اشاره شده است. وقتی کل بندهای ۲۳ گانه را مطالعه می‌کنیم مشاهده می‌کنیم که **عامل اول** و اصلی که باعث پایین بودن بهره‌وری اقتصاد ایران می‌باشد که موجب توصیه آن سیاست‌ها شده است، اقتصاد مبتنی بر نفت است **عامل دوم** نهادهای اقتصادی هستند که در نظام اقتصادی کشور وجود دارند (قوانین و مقررات پولی، بانکی، کار، تأمین اجتماعی، مالیاتی، گمرکی، حقوق مالکیت مادی و معنوی). پس تعداد قابل توجهی از بندهایی که به‌عنوان سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی آورده شده است ناظر بر نهادهای اقتصادی است که در کشور فعالیت داشته و نهادهای اصلی اقتصاد را نیز تشکیل می‌دهد. نکته بعد مربوط به «فرهنگ اقتصادی جامعه» (سبک زندگی به تعبیر مقام معظم رهبری) است و یا آنچه در مطالعات اقتصاد نهادگرایی تحت عنوان نهادهای غیررسمی یاد می‌شود. باز هم تعداد قابل توجهی از بندهای سیاست‌های کلی ناظر بر فرهنگ اقتصادی جامعه است. عوامل فرعی دیگری نیز برای عملکرد اقتصاد ملی وجود دارد مثل سرمایه‌گذاری پایین روی تحقیق و توسعه، رابطه ضعیف بین صنعت و دانشگاه، سهم قابل توجه بخش دولتی در اقتصاد که همه اینها را می‌توان متأثر از ساختارهای نهادی که در کشور وجود دارد یا فرهنگ اقتصادی که حاکم بر جامعه است و همچنین اقتصاد مبتنی بر نفت دانست. همه اینها باعث شده است که بهره‌وری عوامل تولید در اقتصاد ایران پایین باشد.

بنده در مورد اقتصاد مبتنی بر نفت و تأثیری که روی عملکرد اقتصادی ما داشته است چند نکته را مورد تأکید قرار می‌دهم. اقتصاد مبتنی بر نفت باعث شده است که ناکارایی‌های اقتصاد ملی (در بخشهای مدیریت اقتصادی، تولید و صنعت، پولی و بانکی) پنهان شود. شاید این تحریم‌ها فرصتی باشد تا ناکارایی‌های اقتصاد کشور

ظاهر شود و بتواند مورد توجه جدی قرار بگیرد و زمینه‌ساز افزایش کارایی و بهره‌وری اقتصاد ملی شود. به اعتبار درآمدهای نفتی، اقتصاد ایران شدیداً وابسته به واردات کالاهای اساسی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای شده است. به عنوان مثال شاید تعجب‌برانگیز باشد که در کشور ما یونجه، دان مرغ و دانه‌های روغنی تقریباً ۱۰۰ درصد وارداتی است یا برنج، چای و مواد اولیه داروها. عنوان می‌شود که حدود ۹۵ درصد از داروهای پزشکی در داخل تولید می‌شود اما به همین میزان وابسته به واردات مواد اولیه آنها هستیم.

نکته دیگر اینکه، درآمدهای نفتی باعث شده است که منابع ارزی، سرمایه‌های انسانی و فیزیکی به صورت ناکارا استفاده شود. مورد دیگر شکل نگرفتن نظام جامع آماری و مالیاتی است چراکه دولت وابسته به درآمدهای مالیاتی نبوده است لذا سیستم آماری دقیقی شکل نگرفته و نظام مالیاتی ایران هنوز دارای ناکارایی‌های زیادی است که شاید الان با کاهش درآمدهای نفتی مجبور شویم در این قسمت‌ها تلاش بیشتری داشته و بتوانیم بستر مناسبی برای شناسایی وضعیت موجود فراهم آوریم و برای آینده پیش‌بینی و سیاست‌گذاری داشته باشیم. نکته مهمی که در اقتصاد مبتنی بر نفت گرفتار آن هستیم درباره چگونگی وارد کردن درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور است که به دو شکل ممکن است:

الف) از یک طرف مصرف ریالی داشته باشیم که پیامد آن شکل‌گیری تورم در اقتصاد است.

ب) از طرف دیگر می‌توان مصارف ارزی داشت که دچار بیماری هلندی می‌شویم و با عملکرد ضعیف اقتصاد ملی، با افزایش بیکاری و رکود در اقتصاد ملی مواجه خواهیم شد.

در این بین، پارادوکسی وجود دارد و سؤال مهم این است که موقعیت بهینه درباره نحوه مصرف درآمدهای نفتی کجاست؟ در شرایط کنونی نکته مهم این

است که به هر حال درآمدهای نفتی به شدت کاهش پیدا کرده و بایستی به نحو بهینه از منابع موجود استفاده نمود. با توجه به تقسیم‌بندی‌هایی که مطرح کردم می‌توان سه دسته راه‌حل در قالب راه‌حل‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای مقابله با این جنگ اقتصادی با توجه به سیاست‌های کلی مربوط به تولید ملی مطرح کرد. راه‌حل‌های کوتاه‌مدت خود به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱. دستیابی به حد بهینه نحوه مصرف درآمدهای ارزی، به طوری که آثار

تورمی و رکودی ناشی از آن کاهش پیدا کند.

۲. به هر حال جنگ اقتصادی با هدف ایجاد اختلال در اقتصاد ملی و ایجاد

شکاف بین مردم و نظام به وجود آمده است پس بایستی اولویت به تأمین

نیازهای ضروری جامعه داده شود.

۳. به هر حال حمله دشمن محدود به ابعاد اقتصادی نیست و لایه‌های تهدید

دیگری هم وجود دارد که می‌تواند از آن ناحیه‌ها نیز اقتصاد ملی و نظام

ملی را با مشکل مواجه کند. بنابراین ضروری است که به تقویت لایه‌های

دفاعی در مقابل سایر حملات محتمل مانند سایبری، الکترونیک و

مخابراتی مختل‌کننده شبکه‌های پولی و بانکی پرداخته شود.

۴. بایستی این منابع ارزی و ریالی محدودی که در اختیار است به نحو بهینه در

کوتاه‌مدت مدیریت بشود.

راه‌حل میان‌مدت عبارت است از اصلاح نهادهای اقتصادی با هدف بهبود فضای

کسب‌وکار، گسترش اقتصاد دانش‌بنیان و افزایش کارایی و رقابت‌پذیری

فعالیت‌های تولیدی.

راه‌حل بلندمدت نیز بر مبنای سیاست‌های کلی عبارت است از: اصلاح سبک

زندگی و فرهنگ عمومی و ارتقای نهادهای غیررسمی جامعه.

در نهایت با کلام و توصیه‌ای از حضرت علی علیه‌السلام به مالک اشتر بحث خود را به تمام می‌رسانم. حضرت علی علیه‌السلام به مالک اشتر توصیه می‌فرمایند که: خدای سبحان را یاری کند به دست و دل و زبان چه او (جلّ اسمه) یاری هر که یار او باشد را پذیرفته است و ارجمندی آن کس که - دین - او را ارجمند سازد، به عهده گرفته. در تفسیر عبارت «یاری به دست و دل و زبان» گفته شده که منظور از یاری به دست، اجرای دستورات الهی است و منظور از یاری به دل نیز اعتقاد به اوامر الهی است و منظور از یاری به زبان هم امر به معروف و نهی از منکر است.

دکتر درخشان

از نکات بسیار ارزشمند آقای دکتر نوراحمدی خیلی ممنون هستیم. فرصت زیادی نداریم. از آقای دکتر طالبلو خواهش می‌کنم که مطالب خود را مطرح بفرمایند.

دکتر رضا طالبلو*

بنده مطالب خود را در چهار بخش اصلی تقسیم‌بندی کرده‌ام که خدمت شما عرض می‌کنم.

بخش اول - کلیاتی از مفهوم اقتصاد مقاومتی

بخش دوم - سیاست‌های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی

بخش سوم - قوانین و تنظیمات در حوزه بانکی و مالی

بخش چهارم - اجرای سیاست‌های لازم در نظام بانکی برای تحقق تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

بخش اول - همانطور که مستحضر هستید وضعیتی که در کشور حاکم شده بود

این الزام را برای مسئولان ایجاد کرد تا به فکر پایه‌سازی چارچوب نظری در مورد اقتصاد برآیند و تمامی فعالان و نظریه‌پردازان در اقتصاد بر اساس آن اصول

راهکارهای خود را ارائه کنند. این فرآیند منجر به شکل‌گیری مفهومی تحت عنوان اقتصاد مقاومتی شد که در رابطه با این مفهوم در نشست‌های قبلی بحث‌هایی شده و برداشت‌های مختلفی از این مفهوم ارائه شده است. به عنوان مثال می‌توان از اقتصاد شرایط جنگی، اقتصاد مقاومت در برابر تحریم‌ها، جنگ اقتصادی و موضوعاتی از این قبیل نام برد.

تمامی مفاهیمی که در این نشست و حتی در نشست‌های قبلی عنوان شده است، که البته هر کدام جنبه‌های مختلفی از بحث را پوشش می‌دهند، در بطن خود چند موضوع را در بردارند که بایستی در طراحی راه کارهایی که ارائه می‌شود، مد نظر قرار دهیم.

ا. انتظارات بخش خصوصی نقش کلیدی در مسیر اقتصادی دارد و تا حد زیادی تابع عملکرد دولت است و در این برهه از زمان این حساسیت بسیار بالاتر است.

ب. اگر فرض کنیم که سازوکار بازار آزاد در یک وضعیت عادی می‌تواند برای تولید بهینه کالاهای خصوصی، منابع را به نحو کارایی تخصیص دهد، با توجه به شرایط اقتصادی و وضعیت موجود کشور، تحقق این کارکرد مستلزم دخالت بیشتر دولت است.

ت. به دلیل دخالت دولت در بازارهای مختلف امکان ایجاد رانت اطلاعاتی از یکسو و انحصار از سوی دیگر بیشتر می‌شود.

می‌دانیم که پیشرفت اقتصادی هر کشوری منوط به ثبات اقتصاد در سطح کلان و پویایی اقتصاد در سطح خرد است یعنی با توجه به اینکه مثلاً نرخ تورم، نرخ ارز و نرخ بهره در آینده نزدیک (سال بعد یا چند سال بعد) در چه سطحی خواهد بود افراد اقدام به تأسیس بنگاه کرده یا بنگاه‌های موجود اقدام به برنامه‌ریزی برای تولید در سال آینده می‌کنند. حال با توجه به این متغیرهای کلان، بنگاه‌ها وارد عرصه

تولید شده و بر این اساس است که بنگاه‌های جدید تصمیم به تولید گرفته یا بنگاه‌های موجود در حال برنامه‌ریزی برای شروع فعالیت هستند. نکته اینجاست که کارایی عملکرد بنگاه‌ها، مبنی بر اینکه کدام یک از بنگاه‌ها با توجه به اینکه آیا می‌توانند نسبت به هزینه‌هایشان، درآمدها را افزایش دهند و هزینه‌ها را بپوشانند یا نه، در خلال فعالیت مشخص می‌شود. اگر امکان این نوع فعالیت وجود نداشته باشد و بر اساس اصل کارایی امکان ادامه فعالیت نداشته باشند، از بازار خارج شده و بنگاه‌های دیگری جانشین آنها می‌شوند. پس در کل، یک بستر باثبات در سطح کلان لازمه پویایی اقتصاد در سطح خرد است تا با پویایی اقتصاد و خروج بنگاه‌های ناکارا و ورود بنگاه‌های کارا، اقتصاد بتواند به سمت تخصیص بهینه حرکت کرده و نیازی به حمایت از بنگاه‌ها در این چارچوب وجود نداشته باشد.

بخش دوم- در این نشست قصد بنده این است که بحث خود را بر متغیرهای کلان متمرکز کرده و از متغیرهای کلان، حوزه پولی را مد نظر دارم و می‌خواهم به صورت مختصر چند موضوع را که در سیستم بانکی بر سیستم کلان کشور مؤثر است مورد توجه قرار دهم.

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی طی هفته گذشته سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی را ابلاغ فرمودند که شامل ۲۳ بند است، اما بنده روی دو بند از این سیاست‌های کلی تأکید می‌کنم.

بند ۲۰ که «تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات، از جمله اصلاح قانون پولی و بانکی، تأمین اجتماعی و مالیات‌ها، برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی و رفع موانع سرمایه‌گذاری در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین» می‌باشد و تمرکز بنده نیز بر اصلاح قوانین پولی و بانکی کشور خواهد بود و بند ۲۲ که «گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش

هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز به ویژه با سازماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای» است.

همانطور که ملاحظه می‌شود تأکید مقام معظم رهبری در بندهای ۲۰ و ۲۲ سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی عمدتاً روی بحث قوانین است، و از جمله مهم‌ترین قوانین کشور قوانین پولی و بانکی است. **بخش سوم** - با توجه به مقدمه‌ای که عرض شد، می‌خواهیم بررسی کنیم که کدام بخش از این قوانین و مقررات پولی را، بدون ایجاد انحصار و رانت به‌ویژه رانت اطلاعاتی در بخش‌های مختلف، می‌توان تغییر داده و یا تقویت کرد. در ابتدا بررسی می‌کنیم که قوانین و مقررات بانکی به چه دلیلی ایجاد می‌شوند. در این زمینه چهار دلیل بیان می‌شود:

۱. اولین موضوعی که در قوانین بانکی مهم است و یکی از اصلی‌ترین دلایل ایجاد قوانین و مقررات بانکی می‌باشد، افزایش کارایی نظام بانکی در جهت افزایش کارایی بخش واقعی (کارایی در بخش تولید هر کشور) است.
۲. مربوط به ثبات نظام بانکی است. با توجه به اینکه بخش مالی و به‌خصوص بخش‌های بانکی می‌تواند اثرات خارجی مثبت و منفی در اقتصاد داشته باشد، لذا ثبات نظام اقتصادی منوط به ثبات نظام بانکی است و برای نیل به این ثبات نیز قوانین و مقررات وضع می‌شود.
۳. جلوگیری از بحران‌ها و جلوگیری از تسری بحران‌ها.
۴. با توجه به اینکه عمده سرمایه در بخش بانکی مربوط به سپرده‌گذاران است لذا حمایت از سپرده‌گذاران که سرمایه آنان در نظام بانکی سپرده شده است، از اولویت‌های اصلی تدوین مقررات بانکی است.

حال سؤال این است که به چه نحوی مقررات را مورد بررسی قرار دهیم تا انحرافات تا حد امکان به حداقل برسد؟ اولین کار این است که یک تقسیم بندی از تنظیمات در حوزه بانکی ارائه شود، که در قالب شش قسمت به شرح ذیل بیان می گردد، یعنی بررسی شود که چه تنظیماتی در حوزه بانکی و مالی وجود داشته و کدام بخش از آن را با تغییرات جزئی می توان به سمت کارآمد شدن حرکت داد.

قسمت اول - عبارت از تنظیمات ساختاری است، یعنی وضعیت بازار بانکی و بازار بین بانکی به چه نحوی است؟ چه تعداد داخل بازار هستند؟ آیا فعالیت آنها رقابتی است؟ آیا اصلاً باید رقابتی باشد یا نه؟ با توجه به این موضوعات:

بخش اول مقررات بانکی مربوط به این است که باید محدودیت هایی برای ورود بنگاه های جدید وضع شود که این امر در نظام های بانکی تمامی کشورها وجود دارد.

بخش دوم اعمال محدودیت بر حداکثر میزان مالکیت افراد در بانک ها است. این مورد هم تا حد خیلی زیادی در کشورهای مختلف برقرار بوده و در ایران هم وضع شده و می توان گفت که تا حدود ۱۰۰ درصد به جز چند بانک مانند بانک سرمایه و چند بانک خصوصی تازه تأسیس، اعمال شده است اما عدم رعایت آن توسط چند بانک، در ثبات سیستم در شرایط کنونی تأثیر زیادی نخواهد داشت.

بخش سوم تنظیمات رفتار و عملکرد است. از جمله مواردی که می توان ذیل تنظیمات رفتار و عملکرد سیستم بانکی نام برد اعمال محدودیت بر نوع فعالیت بانک ها است. اینکه مجاز بدانیم که آیا یک بانک تجاری می تواند در پذیره نویسی، در سرمایه گذاری، در نهادهای مختلف و در بخش های مختلف فعالیت کند یا نه؟

قوانین و مقررات جهانی و استانداردهای موجود، به این جنبه از فعالیت های بانکی بسیار پرداخته اند و تا حد زیادی تقسیم بندی هایی انجام داده اند و

محدودیت‌هایی را بر فعالیت‌های بانکی اعمال کرده‌اند اما در قوانین کشور، توجه به این حوزه بسیار محدود بوده است.

قسمت دوم- موضوعی است که در شرایط فعلی بسیار مهم است و آن الزامات مربوط به متنوع‌سازی سبد دارایی‌ها است. می‌دانیم که هر بانکی می‌تواند در حوزه‌های مختلفی فعالیت کند و از طرف دیگر هر بانکی می‌تواند طیفی از ابزارهای مالی را داشته باشد ولی برای ثبات نظام بانکی لازم است که این ابزارها در هر بخشی مشخص شده و از یک سطح آستانه‌ای بالاتر نروند. مثلاً در حوزه ارز، بانک مرکزی باید این الزام را برای سیستم بانکی بوجود آورد، کما اینکه این الزام را بوجود آورده است اما نظارت کافی نمی‌تواند داشته باشد، که تخصیص وجوه بانک‌ها به سمت سرمایه‌گذاری‌هایی از جنس ارز و طلا باید در یک سطح مشخصی باشد و نه شرایطی که در زمان حال شاهد آن هستیم.

قسمت سوم- تنظیمات احتیاطی است. با توجه به شرایط کنونی اقتصاد، لازم است که رویه‌ای وجود داشته باشد تا مطمئن باشیم که به هیچ وجه بحران بانکی پیش نمی‌آید یا اگر پیش آمد تا حد قابل قبولی بتوانیم آن را مدیریت کنیم. از جمله ابزارهایی که در این حوزه تدوین شده است، بحث تدوین الزامات مربوط به حداقل سرمایه یا بحث کفایت سرمایه است که با وجود ابلاغ چنین مقرراتی، به هیچ وجه این مقررات در اقتصاد کشور رعایت نمی‌شود. البته دستورالعمل‌های مربوطه (کفایت سرمایه هر بانک باید بالای ۸/۵ درصد باشد) ابلاغ شده است اما هیچ کدام از بانک‌ها آنرا اجرا نمی‌کنند و نظارت بر اجرای آن نیز کافی نیست.

قسمت چهارم- مربوط به نظام بیمه سپرده‌ها است که با توجه به این نظام، اقتصاد کشور می‌تواند مطمئن باشد که اگر در سیستم بانکی بحرانی بوجود آمد، تسری پیدا نخواهد کرد. در نشست مربوط به کرسی‌های ترویجی که در اسفند سال جاری در

دانشکده اقتصاد بر قرار شد در مورد این موضوع نکاتی مطرح شد که از بحث مجدد آن در این نشست خود داری می کنم.

قسمت پنجم - مربوط به الزامات و محدودیت‌های مربوط به ابزارهای تأمین مالی است که موضوع بحث مادر حال حاضر نیست.

قسمت ششم - مربوط به نرخ سپرده‌ها و وام‌ها است. مطالب بنده تا حد زیادی مربوط به نرخ سپرده‌ها و وام‌ها است که در رابطه با تنظیم رفتار و عملکرد بانک‌ها، یعنی نرخ سپرده‌ها و وام‌ها، می‌باشد.

به دلیل محدودیت زمانی، فقط به چند موضوع در نظام بانکی می پردازم. در شرایط کنونی اقتصاد ایران که منابع مالی در نظام بانکی بسیار محدود است، نرخ در سطح ۲۴ درصد وضع شده است به این معنی که بانک‌ها با نرخ بیش از ۲۴ درصد مجاز نیستند وام بدهند. در چنین شرایط مشاهده می شود که محدودیت این منابع، افراد متقاضی وام را به سمت مؤسسات اعتباری هدایت می کند. اگر وضعیت مؤسسات اعتباری کشور را بررسی کنیم مشاهده می شود که اولاً وام برای افرادی تعریف می شود که وثیقه (عمدتاً وثیقه ملکی) داشته باشند، ثانیاً برای اینکه بخواهند این مسکن یا ملک خود را در رهن بانک قرار دهند باید حدود ۱/۵ درصد هزینه کارشناسی و ثبت در دفتر اسناد رسمی بپردازند، حدود ۲۶ تا ۳۰ درصد باید به مؤسسه مربوطه پرداخت داشته باشند، بیش از ۲ تا ۸ درصد باید به واسطه‌ای پول بپردازند تا آن واسطه رابط بین فرد و واسطه‌گر مالی باشد یعنی دو واسطه‌گر مالی به موازات هم فرد را از طریق مؤسسه تولیدی به وام می‌رسانند. الان مشاهده می کنیم که بصورت قطعی نرخ وام‌گیری در اقتصاد ایران بیش از ۳۰ درصد است، در حالی که به بانک‌ها الزام شده است که فقط با ۲۴ درصد وام بپردازند و این سیستم ثمره‌ای ندارد جز اینکه تمامی وام‌های پرداختی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازانه رهسپار شود.

بخش چهارم - به عنوان توصیه‌ای که می‌توان در راستای اجرای سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری درباره تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی بیان کرد این است که بایستی نرخ بهره به عنوان اولین متغیری که می‌توان روی آن دست گذاشت و تا حد زیادی هم در اختیار سیستم اقتصادی است، به اجبار افزایش پیدا کند.

دکتر درخشان

خیلی ممنون هستیم از نکات کلیدی که مطرح کردید. بنده هم اجازه می‌خواهم چند دقیقه‌ای درباره همین موضوع صحبت کنم و سپس از نظرات استادان محترم استفاده کنیم.

بنده مسئله اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی را از دیدگاه دیگری مطرح می‌کنم. اول از تحلیل اقتصادی آغاز می‌کنیم. وقتی می‌گوییم تولید، قطعاً عوامل تولید مانند کار و سرمایه می‌بایستی نقش اصلی را در فرآیند تولید ایفا کنند. سؤال این است که کار یعنی چه؟ کار چیزی جز تخصص فنی و مدیریتی نیست که خودش هم باید در یک نظام تولیدی تولید شود. به بیان دیگر، تخصص، خودش حاصل یک نظام تولیدی است. مدیریت هم حاصل یک نظام تولیدی است. پس مشاهده می‌شود که کار به معنی دقیق کلمه خودش از تولید بوده و ستانده‌ای از نظام تولید است. پس اگر می‌خواهیم از کار حمایت کنیم باید از تولید تخصص و از تولید مدیریتهای تخصصی و حرفه‌ای حمایت کنیم.

حال به بحث سرمایه می‌پردازیم. منظور از سرمایه به مثابه یک عامل تولید چیست؟ سرمایه دارای انواع مختلفی شامل سرمایه‌های مالی، تجاری یا فیزیکی (مثل تجهیزات) است. پس سرمایه هم حاصل نظام تولید است. بنابراین همه چیز به تولید

برمی‌گردد. لذا وقتی صحبت از حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه می‌کنیم، کار و سرمایه هم حاصل نظام تولید است، پس همه بخش‌ها بایستی همزمان رشد کند. بحث‌هایی که تا اینجا بیان شد حاصل تحلیل اقتصادی و دانش اقتصاد بود. حال باید به بحث فوق‌الذکر دو نکته را اضافه کرد که اولین آن اقتصاد مقاومتی است. سؤال این است که در این چارچوب تحلیلی، اقتصاد مقاومتی چطور مطرح می‌شود؟ همانطور که می‌دانیم کشور ما قبلاً مواجه با جنگ تحمیلی بوده است که در مقابل آن دفاع مقدس داشتیم. حالا نیز تحریم اقتصادی داریم و در مقابل آن می‌بایستی اقتصاد مقاومتی داشته باشیم. لذا اقتصاد مقاومتی دقیقاً مشابه دفاع مقدس می‌باشد و به همان میزان دارای اهمیت است. این تحریم‌ها شامل تحریم کالاها و خدمات استراتژیک و تجهیزات فنی، تحریم فروش نفت و لذا محدودیت درآمدهای ارزی است آن هم برای اقتصادی است که به لحاظ تاریخی وابستگی شدید به درآمدهای ارزی داشته است.

تا اینجا، از تولید، کار و سرمایه صحبت کردیم و نشان دادیم که چطور و چرا اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود. حال بحث دیگری را مطرح می‌کنیم که آن هم مربوط به عنوان نشست یعنی «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» است. سؤال این است که منظور از «ایرانی» چیست؟ و این واژه دارای چه نقشی است؟ «ایرانی» کاشف از این است که در حال حاضر نیاز به حداکثر استفاده از کار و سرمایه ایرانی داریم زیرا که در شرایط تحریم هستیم. لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا زمانی که در شرایط تحریم نبودیم از کار و سرمایه ایرانی حمایت کرده‌ایم؟ که حالا که در شرایط تحریم هستیم صحبت از چنین حمایت‌هایی می‌کنیم.

بهرتر است نگاهی کوتاه به گذشته داشته باشیم. آیا زمانی که تحریم نبودیم و تصور می‌کردیم که با درآمدهای نفتی همه چیز، حتی توسعه اقتصادی را می‌توان از بازارهای جهانی خریداری کرد آیا از کار و سرمایه ایرانی حمایت کردیم؟ در

جواب باید گفت که خیر، حمایت نکردیم و با اشتباهات خود تقریباً نظام تولید ملی را به سمت سراشیبی سوق دادیم. سیاست‌هایی را در قبال صنایع کشاورزی بکار گرفتیم که بسیار تضعیف‌کننده بود. صنعت چای کشور به این وضع افتاده و چای‌کاران با مشکلات جدی مواجه‌اند. در حالی که از تولیدکنندگان چای هستیم اما در هر مغازه و سوپرمارکتی نوعاً چای خارجی دیده می‌شود و این در حالی است که چای ایرانی از بهترین انواع چای دنیا است زیرا ارگانیک است. چه سیاست‌های نادرستی که در قبال صنعت چای، برنج، گندم و میوه بکار نگرفتیم! وقتی تحریم نبودیم از تولید میوه‌های داخلی حمایت نکردیم و با درآمدهای نفتی از شرق و غرب عالم انواع میوه‌ها را وارد کردیم. آیا این حمایت بود؟!

حال بحث را در صنعت و آن هم نه صنایع پیشرفته و با تکنولوژی بالا بلکه در مورد صنعت چندهزار ساله فرش مطرح می‌کنم. در صنعتی که بخشی از هنر ملی ما را تشکیل می‌دهد و دو میلیون نفر در این صنعت شاغل هستند، چه حمایتی از کار ایرانی کردیم؟ یکی از بافندگان بزرگ قم می‌گفت که صنعت فرش از نظر ما تمام شده است. بنده از وی در مورد چرایی این نظر پرسیدم که در پاسخ گفتند که دو پسر ایشان که فرش‌بافی را به کمال آموخته‌اند ترجیح داده‌اند که یکی شاگرد قنادی شود و دیگری راننده تاکسی، چون در مقایسه با فرش‌بافی درآمد بیشتری دارد! استادکاران فرش تولید مجدد نمی‌شوند و احتمال دارد که دو سه نسل دیگر چیزی بنام صنعت فرش ایرانی وجود نداشته باشد. آیا این حمایت بود که کردیم!! همه این عدم حمایت‌ها از صنعت فرش ایران در شرایطی اتفاق افتاد که تحریم وجود نداشت و در عین حال زمینه برای واردات فرش ماشینی از چین و حتی اروپا تسهیل شد. حتی با تبلیغات محیطی که انجام گرفت فرش‌های مرغوب ایرانی را مترادف با تجمل و اشرافی‌گری دانستیم. آیا این حمایت از دو میلیون کارگری است که در صنعت فرش کشور فعالیت می‌کنند؟ صنایع دیگر مثل سرامیک و کاشی، صنعت

چرم، کیف و کفش و پوشاک نیز به همین منوال است. چیزی از صنعت پوشاک و کیف و کفش و چرم کشور باقی نمانده است. با تکیه بر درآمدهای نفتی، همه نیازهای کشور را از چین و برخی دیگر کشورها تأمین کردیم و تولیدکنندگان داخلی را با اتخاذ سیاست‌های ارزی اشتباه، ارز ارزان، واردات بی‌رویه و ارزان قیمت با مشکل مواجه کردیم. آیا اینها حمایت بود!!؟

در صنایع با تکنولوژی متوسط و بالا بحث خیلی جدی‌تر است که به علت فرصت کم، به آن نمی‌پردازم. الان چرا صحبت از حمایت می‌کنیم؟ آیا شرایط حاصل از تحریم چنین اقتضایی دارد؟ اگر تفکر دولتمردان و مدیران اقتصادی این باشد که تنها در شرایط تحریم باید حمایت صورت گیرد آنگاه به هیچ وجه حمایت از تولید ملی شکل نگرفته و فرمایشات مقام معظم رهبری و رهنمودهای ایشان هیچ وقت به تحقق نخواهد رسید. در صحبت‌های بسیاری از مقامات اقتصادی کشور متأسفانه نیم‌نگاهی به مذاکرات هسته‌ای است و چنین عنوان می‌کنند که ان‌شاء... به‌زودی مسائل حل می‌شود. سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا اگر مسائل به اصطلاح این آقایان حل شد آنگاه حمایت از کار و سرمایه ایرانی منتفی است یا این که چنین حمایتی در واقع یک حرکت دائمی است؟ مقام معظم رهبری وقتی صحبت از اقتصاد مقاومتی می‌کنند این مقوله را در ارتباط با کل نظام جمهوری اسلامی ایران عنوان می‌کنند که نظام جمهوری اسلامی ایران در دنیا حرف جدیدی برای گفتن دارد، موضع جدیدی در تعاملات بین‌المللی دارد و دقیقاً این عاملی است که دنیا در مقابل آن می‌ایستد. بحث تحریم در واقع امر، بحث امروز نیست. در نشست اول تحت عنوان اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری، جناب آقای دکتر دانش‌جعفری به‌درستی اشاره کردند که تحریم درست ۷ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد. بسیاری از مقامات اقتصادی فکر می‌کنند که تحریم مسئله زودگذری است، یعنی نبوده، هست و در آینده نزدیک هم نخواهد بود. به نظر بنده

تحریم به معنی واقعی کلمه، مادامی که نظام جمهوری اسلامی ایران مواضع فرهنگی، ایدئولوژیک و سیاسی جدیدی مبتنی بر موازین اسلامی در دنیا دارد همچنان خواهد بود.

اقتصاد مقاومتی به لحاظ ظهور و استقرار، اقتصاد مقطعی نیست بلکه اقتصادی است که منعکس کننده ویژگی اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران است، یعنی مقابله با سلطه و سلطه‌گران؛ بنابراین اگر از این دیدگاه تحلیل کنیم، همه سیاستها و برنامه‌ریزیهای اقتصادی ما تغییر می‌کند. باید دید که آیا مقامات پولی، مالی و اقتصادی کشور نیز این حقیقت را می‌پذیرند؟ اگر تحریم را مقوله‌ای دائمی می‌دانند چرا قبلاً خود را برای مقابله با این پدیده آماده نکرده‌اند؟ و یا هم‌اکنون خود را برای پی‌آمدهای آتی آن آماده نمی‌کنند؟

حال فرض کنید قبول کردیم که اقتصاد مقاومتی امری دائمی است، پس حمایت از کار و سرمایه ایرانی نیز امری دائمی است، و فرض می‌کنیم که اگر در گذشته دولتمردان و مقامات اقتصادی کشور غفلت کرده‌اند ان شاء... جبران خواهد شد. اکنون سؤال می‌کنیم که آیا می‌خواهیم اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید، کار و سرمایه ایرانی در فضای رقابتی انجام شود یا در فضای غیررقابتی؟ اگر در فضای رقابتی و آن هم رقابت با شرکت‌های بزرگ خارجی باشد، توان تولید داخلی اساساً تحمل این رقابت‌ها را ندارد بویژه در شرایط فعلی که به خاطر تحریم، ساختارها و زیربنای تولید ملی آسیب‌هایی دیده است. اگر صنعت‌گران به همراه مصرف‌کنندگان و خانوارها را در بستر حمایتها و نظارت‌های سازنده دولت و تولیدکنندگان داخلی بسیج کنیم، آنچنان که در دوران دفاع مقدس نیروهای نظامی و مردمی بسیج شدند، آنگاه بسیج اقتصادی انجام داده‌ایم که به فرمایش مقام معظم رهبری همان جهاد اقتصادی است. چنانکه در نشست‌های قبلی گفته شد این جریان، یک منظومه است که شامل اصلاح الگوی مصرف، جهاد اقتصادی، همت مضاعف،

اقتصاد مقاومتی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و حمایت از تولید، کار و سرمایه ایرانی است.

اکنون فرض کنیم هم تولیدکنندگان و هم مصرف کنندگان را در چارچوب اصلاح الگوی مصرف در جهت جهاد برای تولید ملی در فضای اقتصاد مقاومتی بسیج کردیم. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه تضمینی وجود دارد که در فاصله دو یا سه سال آینده که تحریم‌ها جهت و سمت و سوی دیگری بگیرد و درآمد نفتی دوباره به سمت ۱۰۰ میلیارد دلار در سال برود، این سیاستها تغییر نکند و در نتیجه، همچون گذشته بخش خصوصی و تولیدکننده ملی را به سمت سقوط آزاد رها نکنیم؟ به عبارت دیگر، آیا این سؤال برای تولیدکنندگان مطرح نمی‌شود که اگر در شرایط تحریم به میدان بیاییم و بعداً اگر شرایط تغییر کرده و با ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی بتوانید از شرق و غرب عالم کالا و خدمات وارد کنید، ما را رها نخواهید کرد؟ پاسخ به این سؤال را باید در با ثبات بودن سیاست‌های کلان اقتصادی جستجو کرد. در فرمایش مقام معظم رهبری به ریشه‌ها و مبانی و اصول و مبادی و مسیرهای کلی حرکت نظام تأکید می‌شود اما بسیاری از سیاستگذاران اقتصادی و کارشناسان و مسئولان اقتصادی و مقامات پولی و مالی به نحو دیگری صحبت می‌کنند و به ظواهر و روبناها توجه دارند. تولیدکنندگان و مصرف کنندگان هم کاملاً ناظر این تفاوت در موضع‌گیریها هستند. پس آنچه نیاز اساسی است ثبات سیاست‌ها در سطح کلان در راستای رهنمودهای مقام معظم رهبری است. باید بخش خصوصی و تولیدکنندگان مطمئن شوند که در سیاست‌های کلی نظام ثبات وجود دارد.

باید این باور در جامعه و نظام اقتصادی به وجود آید که اقتصاد کشور وارد جریان جدیدی شده است. مقام معظم رهبری از این جریان جدید با عنوان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یاد می‌کنند و می‌فرمایند که این الگو سند بالادستی است و

همه چیز باید بر این اساس شکل بگیرد. از این رو تصمیم گیران اقتصادی کشور بایستی وارد فضای جدید فرهنگ اقتصادی شوند که برای فعالان اقتصادی جامعه این باور ایجاد شود که اقتصاد کشور وارد یک مرحله جدیدی شده است. البته این را هم اشاره کنم که اگر این نکته محقق شود و این باور به وجود آید که اقتصاد کشور وارد محیط جدیدی شده و سمت و سوی دیگری گرفته و جهاد اقتصادی در حوزه تولید و در حوزه مصرف و در فضای اقتصاد مقاومتی شکل گرفته است، به شما اطمینان می‌دهم که آمریکا تمام تحریم‌ها را لغو خواهد کرد. خطر واقعی جمهوری اسلامی برای نظام سلطه جهانی این است که اقتصاد کشور سمت و سوی اقتصاد مقاومتی و استقلال واقعی اقتصادی را بگیرد و از اقتصاد وابسته به نفت و اقتصاد مصرفی کلان شهرها که خود حاصل اقتصاد نفتی است فاصله بگیرد.

اگر غرب به این نتیجه برسد که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران واقعاً سمت و سوی اقتصاد مقاومتی گرفته است، بلافاصله تحریم‌ها را لغو خواهد کرد زیرا وابستگی اقتصاد ایران به نفت و وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، و ثمره این دو یعنی رشد انحصارات دولتی و تضعیف بخش خصوصی واقعی و ثمره این هر سه در تکیه اقتصاد ملی به واردات و ثمره این هر چهار تضعیف شدید نظام تولید ملی است که می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری به مواضع جمهوری اسلامی ایران در تعاملات با نظامهای سیاسی سلطه‌گر وارد کند.

بنابراین، جمع‌بندی صحبت‌های بنده این است که باید نخست به دولتمردان، به نمایندگان مجلس، به کارشناسان ارشد اقتصادی و به شرکت‌های بزرگ و به بنگاه‌های بزرگ اقتصادی این حقیقت را منتقل کنیم که اقتصاد کشور سمت و سوی دیگری گرفته که جریان زودی‌گذری نیست. البته انتقال این حقیقت کار دشواری است و باید با تثبیت سیاست‌ها و نشان دادن عقلانیت در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی الگوسازی شود. باید توجه داشت که بنگاه‌های دولتی نقش مهمی را برای

این الگوسازی ایفا می کنند و به دنبال آنها بنگاه های بخش خصوصی هستند که می توانند الگوسازی کنند. مباحثی مانند اصلاح نظام انگیزه ها و اصلاح فضای کسب و کار در مراحل بعدی مطرح می شود.

اجازه می خواهم مجدداً تأکید کنم که تحقق تمامی این بحث ها نیازمند ترویج تفکر اقتصادی به سمت و سوی اقتصاد مقاومتی است و در این راستا باید نظام آموزشی دانشگاه ها نیز متحول شده و الگوهای جدید نظام آموزشی اقتصاد در دانشکده ها مطرح شود. اینها برنامه های بلندمدتی است که اگر امروز با عزم راسخ و با فرهنگ سازی شروع کنیم ثمره آن در آینده ای نه چندان دور ان شاء... حاصل خواهد شد.

دکتر سیدمحمد میرمحمدی

بنده یکسری پیشنهادهایی دارم که عرض می کنم.

اول، بحث توسعه صادرات است که بایستی جدی گرفته شود. نایستی شیفته اعداد و ارقام جاری شویم چرا که خود این اعداد و ارقام نیز وابسته به نفت است. اگر ژست پولداری نداشته باشیم در صادرات به سایر کشورها دچار مشکل خواهیم شد. در کنار همین قدرت و عزت نفتی است که به صادرات غیرنفتی بها داده می شود.

در کتب درسی این مطلب بحث می شود که تنزل ارزش خارجی پول ملی به توسعه صادرات می انجامد. اما چه اتفاقی افتاده است که علی رغم افزایش قیمت ارز توسعه صادرات به آن نسبت افزایش پیدا نکرده است؟ باید به اقتصاد بدون نفت توجه کرد تا تولید به قصد صادرات جایگاه خاصی برای خود پیدا کند یعنی واحدهای تولیدی نباید تنها ارزشخوار باشند بلکه باید ارزآفرین نیز باشند یعنی باید در کنار ارزی که استفاده کرده اند به ارزآوری هم پردازند.

دوم، بایستی به دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی بها داده شود و سیاست خارجی در جهت تعامل سازنده با جهان بر اساس عزت، حکمت و مصلحت کشور تقویت شود. دیپلماسی اقتصادی باید جایگاه خودش را پیدا کند.

سوم، بحث توسعه اقتصادی دانش‌بنیان است. تسهیل الزامات به ویژه توسعه فناوری اطلاعات، توجه جدی به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و مخصوصاً اهداف آن که ذیل اصل ۴۴ و اصل ۴۳ از محورهای کلیدی است. نکته دیگر این است که باید رویکرد خودباختگی علمی در برابر چالش‌های جهانی شدن، اصلاح شود. متأسفانه بنده اخیراً کتابی را مطالعه می‌کردم که جمع‌بندی کتاب این بود که باید در فرآیند جهانی شدن غرق شویم و باید از باورهایمان دست برداریم. بنده با این دیدگاه مخالف بوده و معتقدم که باید از روحیه خودباوری در تعاملات جهانی برخوردار باشیم. الان، در عین حال که با تهدیدات بیرونی مواجه هستیم با تهدیدات نگرشی هم مواجه هستیم این امر درست مثل این است که مدام پشت سر یک سرباز را در جبهه خالی کنیم.

چهارم، تقویت صنعت گردشگری و صنعت بیمه و خدمات در کنار تولید ملی. به صحبت‌های آقای دکتر طالب‌لو که کفایت سرمایه را برای بانک‌ها اشاره کردند، بنده توانگری مالی برای صنعت بیمه را اضافه می‌کنم. متأسفانه شرکت‌های بیمه دچار مشکلات زیادی هستند و در آینده نیز خواهند شد چراکه ریسکی را قبول می‌کنند که خیلی بیش از موجودی سرمایه آنها است.

پنجم، شفاف کردن نقش دولت‌ها و مسئولان

ششم، بهره‌ور بودن دولت. اگر دولت بهره‌ور باشد، از یکسو درسی برای بهره‌وری شهروندان بوده و از سوی دیگر آثار بهره‌ور بودن دولت در کیفیت خدمات به مردم ظاهر خواهد شد. ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی به مردم باعث افزایش رضایت‌مندی مردم، افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد مردم و امنیت

ملی می شود یعنی اگر بخواهیم کشور را به شکل یک مجموعه نگاه کنیم بحث وحدت قوای سه گانه محور اساسی است. باید همه اینطور تصور کنیم که در یک کشتی نشسته ایم و ضروری است همگی در یک جهت حرکت بکنیم.

رهبری خلاق کشور طالب کار خلاق، رهبری نوآور طالب کار نوآور و رهبری جهادی طالب کار جهادی است و همه باید در کنار چنین رهبری حرکت کنند که این عین تبدیل سیاستها در اجرا است.

هفتم، انتظارات. یک سرمایه گذار چه انتظاری دارد؟ سرمایه گذاران قبلاً به سود ۱۰ درصد، ۱۵ درصد، ۲۰ درصد و ۳۰ درصد قانع و راضی بودند اما الان اگر به سرمایه گذاری گفته شود که در صورت سرمایه گذاری در تولید سود ۸۰ درصد کسب خواهی کرد، معلوم نیست قبول کند! کسی که الان جنسی را می فروشد احساس می کند که بعداً باید همان جنس را گرانتر از آنچه فروخته، خریداری کند. بنابراین ثبات سیاستها و مدیریت انتظارات ضروری است.

دکتر درخشان

با توجه به اینکه وقت جلسه مدتی است که به پایان رسیده، بنده سؤالات را قرائت می کنم، متأسفانه فرصتی برای پاسخ نیست. از اینکه نتوانستم جلسه را به نحو مؤثری مدیریت کنم تا از حضور سخنرانان محترم برای پاسخ به سؤالات نیز بهره مند شویم پوزش می خواهم. تأکید می کنم که ان شاء... سؤالات در مجموعه مباحث این نشست به چاپ برسد زیرا که هدف ما ثبت نظرات کارشناسی است و مجموعه این سؤالات کمک بزرگی در تحلیل دیدگاهها برای رسیدن به راهکارهای مؤثر است.

پرسشها

۱. چه نیازی به وجود این همه بانک و مؤسسات مالی در کشور داریم؟ در صورتی که خود این بانکها و مؤسسات یکی از اصلی ترین عوامل برهم زدن آرامش بازار بر حسب فعالیت های غیرمولد و سوداگرانه اقتصادی هستند. به نظر شما آیا باید جلوی این فعالیت ها گرفته شود چون نه کارایی دارند و نه عدالت در بین این دسته از فعالیت ها وجود دارد؟
۲. به نظر بنده مشکل اصلی کشور عدم اجرای دقیق قانون است. آیا نباید وقتی یک سیاست اقتصادی اتخاذ می شود دقیقاً اجرا شود؟
۳. با توجه به اینکه تجربه های تاریخی و سیر تطور اندیشه های کلان اقتصاد همواره نشان دهنده ریشه داشتن این اندیشه ها در مکاتب فلسفی در طول زمان است، لذا پیشنهاد می شود به نوعی این پیوند میان تفکر اقتصادی با اندیشه های بنیادی فلسفی و جامعه شناختی اسلامی برقرار شود. تا زمانی که این پیوند و اثرپذیری برقرار نشود، نمی توان انتظار داشت اندیشه های اقتصادی بنیادین تولید شود.
۴. آیا برنامه های توسعه کشور، توسعه ای هستند؟ قابل اتکا هستند؟ علمی بسته شده اند؟
۵. آیا تنها راهکار ایجاد اشتغال از طریق تولیدات می باشد آن هم تولیداتی که هیچ گونه مزیتی برای ادامه آنها وجود نداشته و تنها هزینه بر می باشند؟ مگر اینطور نیست که باید از امکانات محدود حداکثر استفاده را کرد پس آیا نباید این منابع را به سمت تولیدات دارای مزیت هدایت کرد؟
۶. با وجود قوانین موجود در سیاست های کشور و اینکه هر دولت راهی جدا را انتخاب می کند، آیا بهتر نیست که ثبات در سیاست ها به صورت یک تکلیف به هر دولتی با هر گرایشی که بر سر کار می آید دیکته شود؟ یعنی

- این سمت و سوی جدید، هدف عالی باشد و هر دولتی سر کار می‌آید باید و باید این راه را رفته و دنبال محبوبیت خود نباشد؟
۷. سؤال بنده دو قسمت است. الف) منظور از تغییر نظام آموزشی اقتصاد در دانشگاه‌ها چیست؟ یعنی چه چیزهایی باید اضافه و کم شود و این تغییرات شامل چه مسائلی خواهد شد؟ ب) چگونه می‌توان الان که صنایعی نظیر چای و برنج تقریباً نابود شده‌اند دوباره آنها را احیاء کرد؟
۸. سؤال بنده دو بخش است. الف) هنگامی که دائمی بودن تحریم‌ها را باور کنیم، اولین اقدام ثبات سیاست‌های اقتصادی توسط دولت است یا تغییر رفتار مردم جامعه؟ ب) هنگامی که انتظارات تورمی در جامعه بالاست و اغلب این انتظارات محقق می‌شود، چه انتظاری از مصرف‌کننده و مردم داریم؟
۹. مشکل اصلی اقتصاد ملی، عدم اعتماد به نفس و خودباوری جامعه نسبت به توانایی‌های اقتصادی است. به نظر استادان محترم آیا کار کردن روی فرهنگ اقتصادی اقشار جامعه در اولویت باشد بهتر نیست؟
۱۰. در مواجهه با تحریم‌ها یکی از مباحثی که مطرح می‌شود بحث ایجاد قطب‌های تولیدی در کشور و یا بحث تولید ملی است. نقش این موارد در اقتصاد مقاومتی به چه شکل می‌تواند باشد؟
۱۱. بین آنچه یک اقتصاددان خود را موظف به بحث در مورد آن می‌داند با آنچه در حوزه اقتصاد مقاومتی مطرح است، بین آنچه وضعیت حاضر اقتصاد ایران است و آنچه باید باشد چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

بخشی از پاورپوینت آقای دکتر طالبلو

کلیاتی از مفهوم اقتصاد مقاومتی

- وضعیتی که در سال های اخیر بر اقتصاد ایران حاکم بوده است این الزام را به وجود آورد تا مسئولان در پی پایه سازی چارچوب اقتصاد بر اساس اصولی شدند که متناسب با وضعیت واقعی کشور باشد تا بر اساس این چارچوب برنامه ریزی های اقتصادی کشور انجام شود.
- در این راستا مفهوم "اقتصاد مقاومتی" از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد و جامعه علمی نیز در پی بررسی این مفهوم و اجرایی کردن آن در نظریه پردازی ها بر آمدند
- در این راستا برداشت های مختلفی از این مفهوم مطرح شد:
 - اقتصاد شرایط جنگی
 - اقتصاد مقاوت در برابر تحریم ها
 - جنگ اقتصادی

-
- بر اساس برداشت های مختلف از این مفهوم چند موضوع را باید در نظر گرفت:
۱. انتظارات بخش خصوصی نقش کلیدی در مسیر اقتصادی دارد و تا حد زیادی تابعی از عملکرد دولت است.
 ۲. اگر فرض کنیم سازو کار بازار آزاد در یک وضعیت عادی می تواند برای تولید بهینه کالاهای خصوصی، منابع را به نحو کارایی تخصیص دهد، با توجه به وضعیت اقتصادی و شرایط موجود کشور، تحقق این کارکرد مستلزم دخالت دولت است.

۳. به دلیل دخالت دولت در بازارهای مختلف، امکان ایجاد رانت اطلاعات از یک سو و انحصار از سوی دیگر بیشتر می شود.

تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی

پیشرفت اقتصادی هر کشوری منوط به ثبات اقتصاد در سطح کلان و پویایی اقتصاد در سطح خرد است. یعنی با توجه به اینکه مثلاً نرخ تورم، نرخ ارز و یا نرخ بهره در سال های آینده در چه سطحی خواهد بود افراد اقدام به تاسیس بنگاه می کنند یا بنگاه های موجود برای سالهای آینده برنامه ریزی می کنند و با توجه به کارایی شان اقوام به تولید می کنند و در صورت نا کارایی از بازار خارج می شوند و بنگاه کارای دیگری جای آن را پر می کند. پس در کل می توان گفت:

یک بستر با ثبات کلان لازمه پویای اقتصاد در سطح خرد است تا با پویای اقتصاد و خروج بنگاه های ناکارا و ورود بنگاه های کارا اقتصاد به سمت تخصیص بهینه حرکت کند و نیازی به حمایت از بنگاه ها نیست.

به دلیل گسترده بودن بحث، در اینجا فقط بر بخش بانکی متمرکز می شویم.

سیاستهای کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با ابلاغ سیاستهای کلی "تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی" که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، دولت را مکلف کردند برای تسریع در عملیاتی کردن این سیاستها در کمترین زمان ممکن، راهکارها را تنظیم کرده و پیگیریهای قانونی را انجام دهد.

- ۲۰- تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات (از جمله اصلاح قانون پولی و بانکی، تأمین اجتماعی و مالیات ها) برای تسهیل فعالیت در بخش های تولیدی و رفع موانع سرمایه گذاری در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین
- ۲۲- گسترش منابع مالی و کارآمد سازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه های تأمین مالی مورد نیاز بویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه ای و بیمه ای.
- ۲۳- جلوگیری از ایجاد انحصار در چرخه تولید و تجارت تا مصرف.

قوانین و تنظیمات در حوزه بانکی و مالی

- قوانین و مقررات بانکی یا به اصطلاح تنظیمات بانکی چرا وضع می شوند؟
۱. افزایش کارایی نظام بانکی در جهت افزایش کارایی بخش واقعی یعنی تولید در هر کشور
 ۲. ثبات نظام بانکی
 ۳. جلوگیری از بحرانها
 ۴. حمایت سپرده گذاران که سرمایه شان را به نظام بانکی سپرده اند در مجموع آنچه در خصوص روش های تنظیم در صنعت بانکداری مطرح می شود، این است که: بزارهای تنظیم صنعت بانکداری متعدد بوده و هدف از بکارگیری هر یک، حذف انحرافات عملکرد بانک نسبت به شرایط بهینه می باشد.

■ تنظیمات ساختاری شامل

۱. اعمال محدودیت بر ورود بانک های جدید به صنعت بانکداری،
۲. اعمال محدودیت بر حداکثر میزان مالکیت افراد در بانک ها .

■ **تنظیمات رفتار و عملکرد شامل:**

۱. اعمال محدودیت بر نوع فعالیت بانک ها؛
۲. الزامات متنوع سازی سبد دارایی ها؛
۳. الزامات و محدودیت های مربوط به ابزارهای تامین مالی؛
۴. اعمال نرخ ذخیره قانونی؛
۵. الزامات مربوط به نرخ سپرده ها و وام ها .

■ **تنظیمات احتیاطی شامل:**

۱. تعیین الزامات حداقل سرمایه؛
۲. حمایت های مبتنی بر ایجاد تور ایمنی مقابل بانک از طریق نظام بیمه سپرده ها .

■ **تنظیمات مربوط به نظارت و پایش بازار شامل:**

۱. محدودیت ها و الزامات شفاف سازی و افشای اطلاعات؛
۲. محدودیت ها و الزامات مربوط به ذخیره گیری وامها
۳. محدودیت ها و الزامات حسابداری و حسابرسی خارج از بانک

اجرای سیاست های لازم برای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و

سرمایه ایرانی

- نظارت بیشتر بر اجرای تنظیمات مالی
- ترکیب ترانزنامه بانک ها

در حال حاضر نرخ بهره در نظام بانکی بنا بر مقررات بانکی کمتر از ۲۴ درصد است و به دلیل کمبود منابع رانت ایجاد شده است.

این در حالی است که به دلیل کاهش توانایی بانک ها برای اعطای وام، توجه بیشتر به سمت موسسات مالی است .

نرخ تمام شده وام برای وام گیرنده

حدود ۱/۵ درصد از ارزش وام مربوط به کارشناسی وثیقه و ثبت در دفتر اسناد رسمی است.

به دلیل غیر شفاف بودن نرخ و محدود بودن تبلیغات برای نرخ وام موسسات اعتباری که حدود ۲۶ تا ۳۰ درصد است، واسطه ها شکل می گیرند که بیش از ۲ درصد از این مبلغ وام نیز به آنها تعلق می گیرد. در مجموع نرخ اخذ وام از موسسات مالی و اعتباری بیش از ۳۰ درصد تمام می شود

تغییر سیاستهای مربوط به نرخ بهره

با عنایت به لزوم تنظیم بخش بانکی و بخصوص نرخ بهره، باید سیاست های نرخ بهره در نظام بانکی برای موسسات اعتباری و بانک ها یابند یکسان شود سهم موسسات اعتباری بی دلیل افزایش نیابد.

نظارت بیشتر بر اجرای تنظیمات بانکی و مالی در موسسات اعتباری

رونق موسسات مالی و اعتباری در حالی است که بانک مرکزی عملا کنترلی بر آن ها ندارد

لذا امکان بروز بحران در این موسسات طی سالهای آینده دور از ذهن نیست.

پس لازم است:

اجرای نظام بیمه سپردهها

۶۰ سومین نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی: حمایت از کار و سرمایه ایرانی

الزام مؤسسات اعتباری به کفایت سرمایه
ثبات نظام بانکی که در تثبیت نظام اقتصادی نقش بسیاری داری و لذا توجه به این
الزامات برای جلوگیری از بحران بانکی که می تواند گام بعدی در راستای اخلال
در نظام اقتصادی کشور باشد بیار کلیدی است.

بخشی از پاورپوینت آقای دکتر نوراحمدی

برخی از سوالات اساسی

- چرا موضوع اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری مطرح گردید؟
- چرا سال ۹۱ توسط ایشان به نام "تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی" نامگذاری شد؟
- چه رابطه ای میان اقتصاد مقاومتی با تولید ملی وجود دارد؟

استفاده از مفهوم پدافند غیرعامل برای درک بهتر سوالات فوق الذکر

- تعریف پدافند غیرعامل :
 - عبارت است از مجموعه اقدامات غیر مسلحانه که موجب :
 - افزایش بازدارندگی،
 - کاهش آسیب پذیری،
 - تداوم فعالیت های ضروری،
 - ارتقای پایداری ملی
 - و تسهیل مدیریت بحران در برابر تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می گردد.
 - مهمترین ویژگی جنگ ها و تهدید های نظامی در سال های اخیر :
- به کارگیری هوشمندانه همه مولفه های قدرت اعم از نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، علمی و اطلاعاتی

لایه های مختلف تهدیدها

- نظامی
- سیاسی
- فرهنگی
- سایبری
- بیولوژیک
- هسته ای
- شیمیایی
- الکترونیک
- اقتصادی
- اطلاعات

جنگ اقتصادی

- تعریف اول: به کارگیری ابزارهای اقتصادی در جهت فلج سازی و تضعیف نظام اقتصادی یک کشور که نهایتاً منجر به ضعف قوای سیاسی و نظامی کشور می شود.
- تعریف دوم: استفاده از ابزارهای اقتصادی برای وادار کردن کشور برای تغییر سیاست ها یا رفتارها و یا تضعیف توانایی کشور و به انزوا بردن آن است.
- برخی از ابزارهای جنگ اقتصادی عبارتند از: تحریم، ایجاد محدودیت در صادرات و واردات، تعلیق معاهده ها و...

جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی

درمقابل جنگ اقتصادی

- برخی از بیانات مقام معظم رهبری درباره جنگ اقتصادی و اقتصاد مقاومتی :
- هر تلاشی به معنای جهاد نمی باشد. جهاد به معنای تلاش برای مقابله با تهاجم و تهدید دشمن می باشد .
 - جهاد اقتصادی یعنی مبارزه اقتصادی
 - اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم.
 - هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است .

-
- این شعارهای سال حلقه‌هائی بود برای ایجاد یک منظومه‌ی کامل در زمینه‌ی مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله‌ی جلوگیری از اسراف، مسئله‌ی همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله‌ی جهاد اقتصادی، و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی . ما اینها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهائی است که می تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه‌ی اقتصاد ساماندهی کند؛ می تواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم .

برخی الزامات اقتصاد مقاومتی از نگاه رهبری

- مردمی کردن اقتصاد : بخش خصوصی را باید توانمند کرد.

- کاهش وابستگی به صنعت نفت: تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمذزای دیگری جایگزین کنیم.
- مسئله مدیریت مصرف.
- حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیمهای خلق الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هائی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند.
- مسئله وحدت و همبستگی

رابطه اقتصاد مقاومتی و تولید ملی

- عملکرد هر نظام اقتصادی در قالب تولید ملی و توزیع آن در بین مردم ظهور پیدا می‌کند.
- هدف جنگ اقتصادی اخیر نیز مختل کردن ساز و کارهای تولید و توزیع ملی است.
- بنابر این هدف اقتصاد مقاومتی عبارت است از این که: ساختارهای اقتصادی (اعم از نهادها و سازمان های اقتصادی) به نحوی سازمان دهی شوند که در مواجهه با جنگ اقتصادی بتواند عملکرد مناسب خود را برای بقا و دوام نظام اجتماعی ملی به همراه داشته باشد.
- اقتصاد مقاومتی از سنخ پدافند غیرعامل می باشد.

چرا جنگ اقتصادی؟

- ناکامی دشمن در جنگ های سیاسی، نظامی، فرهنگی
- وجود نقاط ضعف در اقتصاد داخلی

سوال: نقاط ضعف اقتصاد ملی (آسیب پذیریه‌ها و نقاط مورد تهدید) ایران کدام است؟

پاسخ: در راهبردهای نظامی جدید معمولاً کشور هدف به یک سیستم تشبیه می‌شود.

در هر سیستمی یکسری گره‌های اساسی وجود دارد که حمله کردن به آنها سیستم را با مشکلات اساسی مواجه می‌سازد.

محورهای تهدید اقتصادی بر اساس جنگ اقتصادی شروع شده توسط کشورهای غربی

- بخش پولی و بانکی
- دانش و فن آوری
- صادرات و واردات
- تامین مالی
- معاملات عمده اقتصادی
- حمل و نقل هوایی و دریایی

آسیب پذیری های نظام اقتصادی کشور

- وابستگی اقتصاد به بخش نفت
- آسیب پذیری زیرساخت های فناوری اطلاعات در بخش بانکی
- وابستگی فناورانه در بخشی از زیرساخت ها
- ضعف مدیریت در پشتیبانی از تولیدات داخلی
- ضعف در حمایت موثر از مخترعین، مبتکرین و کارآفرینان کشور
- وابستگی زیرساخت های مالی به بخش های داخلی و بین المللی
- وابستگی در تامین مواد اولیه در تولیدات دارای اهمیت

- وجود قوانین و ضوابط دست و پاگیر در بخش صادرات و واردات
- عدم وجود راهبردهای منسجم در امر مقابله با جنگ اقتصادی
- کمبود منابع مالی و ارزی در خصوص برنامه های توسعه صنایع
- کمبود مدیران مسلط به صحنه بحران اقتصادی

سیاستهای کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی ارائه شده توسط مقام معظم رهبری

۱. بالا بردن قدرت رقابت و افزایش بهره وری عوامل تولید با:
 - اصلاح و بازسازی ساختار تولید ملی
 - کاهش هزینه ها و بهبود کیفیت تولید
 - اتخاذ انواع تدابیر تشویقی و تنبیهی
 - بهینه سازی تعامل عوامل تولید
۲. هدایت و تقویت تحقیق و توسعه و نوآوری ها و زیربنای آنها و بهره گیری از آنها، با هدف:
 - ارتقاء کیفی و افزایش کمی تولید ملی
 - بالا بردن درجه ساخت داخل تا محصول نهایی
 - حمایت از تجاری سازی فناوری محصول و بهره گیری از جذب و انتقال دانش فنی و فناوری های روز و ایجاد نظام ملی نوآوری

ادامه سیاست ها

۳. گسترش اقتصاد دانش بنیان با تأکید بر توسعه مؤلفه های اصلی آن، از جمله: زیر ساخت های ارتباطی، زمینه های تسهیل تبدیل دستاوردهای پژوهش به فناوری و گسترش کاربرد آن، حمایت قانونی از حقوق اشخاص

- حقیقی و حقوقی و مرتبط کردن بخشهای علمی و پژوهشی با بخشهای تولیدی کشور.
۴. حمایت از تولید محصولات با ماهیت راهبردی مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولید کشور.
۵. تکمیل زنجیره تولید از مواد خام تا محصولات نهایی با رعایت اصل رقابت پذیری و فاصله گرفتن از خام فروشی در بازه زمانی معین.
۶. حمایت از تولید محصولاتی که عرضه رقابتی آنها با خالص ارز آوری مثبت یا خالص ارزبری منفی همراه باشد.
۷. مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینی، و ثبات ارزش پول ملی.
۸. بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی و اصلاح زمینه های فرهنگی، قانونی، اجرایی و اداری.
-
۹. افزایش سهم بخشهای تعاونی و خصوصی در تولید ملی از طریق:
- تقویت انگیزه و عزم ملی و تأکید و تسریع در اجرای کامل سیاست های کلی اصل ۴۴، رعایت انضباط مالی و بودجه ای دولت
 - رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش های خصوصی و تعاونی
 - ساماندهی و حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط در جهت کارآمدسازی آنها
۱۰. تنظیم نقش نهادهای عمومی غیر دولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.
۱۱. شفاف سازی و به هنگام سازی آمار و اطلاعات و تسهیل دسترسی به آن و اطلاع رسانی در مورد ابعاد و فرصت های سرمایه گذاران و سرمایه گذاری

در رشته های مختلف و مقابله جدی با استفاده از هر گونه دسترسی اطلاعاتی ویژه.

۱۲. توانمند سازی و ارتقاء بهره وری نیروی کار با افزایش انگیزه، مهارت و خلاقیت و ایجاد تناسب بین مراکز آموزشی و پژوهشی با نیازهای بازار کار.

۱۳. بسترسازی و ساماندهی اشتغال و حرکت نیروی کار ایرانی در سطح ملی، منطقه ای و جهانی.

۱۴. ارتقاء سرمایه های انسانی، طبیعی، اجتماعی و فیزیکی با تأکید بر توسعه نهادهای مردمی برای رشد تولید ملی.

۱۵. توسعه فرهنگ حمایت از سرمایه، کار، کالاها و خدمات ایرانی و استفاده از نظرات متخصصان و صاحب نظران در تصمیمات اقتصادی.

۱۶. جلوگیری از اتلاف و راکد ماندن سرمایه های فیزیکی و انسانی ایرانی با تأکید بر ایجاد و توسعه خدمات فنی و مشاوره ای فرا بنگاهی و ارتقاء بازده اقتصادی این سرمایه ها در بخش های مختلف اقتصادی.

۱۷. گسترش تنوع ابزارهای سرمایه گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن و اعمال سیاست های تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه گذاران داخلی و بین المللی بویژه منطقه ای در بازار سرمایه.

۱۸. حمایت از محققان و سرمایه گذاران و تشویق ورود سرمایه های ایرانی به حوزه های سرمایه گذاری خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه با تأسیس صندوق های شراکت یا ضمانت برای سرمایه گذاری در این حوزه.

۱۹. کارآمد سازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه ملی در جهت بهینه سازی و هم افزایی ظرفیت‌های تولیدی و ارتقاء کیفی کار و سرمایه ایرانی.
۲۰. تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات (از جمله اصلاح قانون پولی و بانکی، تأمین اجتماعی و مالیات‌ها) برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی و رفع موانع سرمایه گذاری در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.
۲۱. کارآمد کردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کار شفاف سازی و اطلاع رسانی و کاهش واسطه‌های غیر ضرور و ناکارآمد.
۲۲. گسترش منابع مالی و کارآمد سازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز بویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه ای و بیمه ای.
۲۳. جلوگیری از ایجاد انحصار در چرخه تولید و تجارت تا مصرف.

مکانیسم تاثیر گذاری جنگ اقتصادی بر اقتصاد ملی

- تحریم سازمان‌ها و موسسات پولی، بانکی، بیمه‌ای، حمل و نقل و شرکت‌های سرمایه گذاری، هزینه‌های مبادله و معامله را افزایش داده و موجب افزایش هزینه‌های تولید و مصرف داخلی توسط بخش خصوصی و دولتی می‌گردد.
- از سوی دیگر تحریم‌ها موجب کاهش درآمدهای ناشی از صادرات نفتی و غیرنفتی می‌گردد

میزان آسیب پذیری اقتصاد ملی از تحریم‌ها به چه عواملی بستگی

دارد؟

- میزان وابستگی اقتصاد ملی به درآمدهای نفتی

۷۰ سومین نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی: حمایت از کار و سرمایه ایرانی

- میزان وابستگی اقتصاد ملی به واردات کالاهای ضروری، واسطه ای و سرمایه ای، فناوری های جدید
- ساختار اقتصاد ملی (سازمان ها و نهادهای اقتصادی تشکیل دهنده نظام اقتصادی)
- عملکرد فعلی اقتصاد ملی

ریشه یابی مشکلات اقتصادی بر اساس سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری

مشکل اصلی: پایین بودن بهره وری عوامل تولید و رقابت پذیری تولیدات ملی
علل اصلی :

- اقتصاد مبتنی بر نفت
- نهاد های اقتصادی (قوانین و مقررات پولی، بانکی، کار، تامین اجتماعی، مالیاتی، گمرکی، حقوق مالکیت مادی و معنوی) غیر معتبر و بی ثبات
- فرهنگ اقتصادی جامعه و سبک زندگی (نهادهای غیر رسمی)

عوامل فرعی پایین بودن بهره وری عوامل:

- سرمایه گذاری پایین روی تحقیق و توسعه و نوآوری ها و اقتصاد دانش بنیان
- رابطه ضعیف بین صنعت و دانشگاه
- سهم قابل توجه بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی و تعاونی

پیامدهای اقتصاد مبتنی بر نفت

- پنهان کردن ناکارایی های موجود در اقتصاد ملی (در بخش های مدیریت اقتصادی، تولید و صنعت، پولی و بانکی)

پیوست ۲۱

- وابستگی شدید اقتصاد ملی به واردات کالاهای اساسی، واسطه ای و سرمایه ای (به عنوان مثال: یونجه، دان مرغ، دانه های روغنی، برنج، چای، مواد اولیه داروها)
- اتلاف منابع ارزی و سایر سرمایه های انسانی و فیزیکی
- شکل نگرفتن نظام جامع آماری و مالیاتی
- شکل گیری پارادکس در جهت نحوه استفاده از منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز (اثرات تورمی مصرف ریالی و اثرات بیماری هلندی در صورت مصرف ارزی)

طبقه بندی راه حل ها در مواجهه با جنگ اقتصادی

راه حل فوری:

- ❖ دستیابی به حد بهینه در مورد نحوه مصرف درآمدهای ارزی و کاهش آثار تورمی و رکودی ناشی از آن
- ❖ تامین نیازهای ضروری جامعه
- ❖ تقویت لایه های دفاعی در مقابل سایر حملات محتمل مانند سایبری، الکترونیک و مخابراتی مختل کننده شبکه های پولی و بانکی
- ❖ مدیریت بهینه منابع ارزی و ریالی

راه حل میان مدت

اصلاح نهادهای اقتصادی با هدف:

- ✓ بهبود فضای کسب و کار
- ✓ گسترش اقتصاد دانش بنیان
- ✓ افزایش کارایی و رقابت پذیری فعالیت های تولیدی

۷۲ سومین نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی: حمایت از کار و سرمایه ایرانی

راه حل بلندمدت:

- اصلاح سبک زندگی و فرهنگ عمومی و ارتقای نهادهای غیر رسمی جامعه
